

نقد و بررسی

پرسش‌های اساسی جنگ

نقد و بررسی جنگ ایران و عراق

محمد درودیان

بسم الله الرحمن الرحیم

پرسش های اساسی جنگ : نقد و بررسی جنگ ایران و عراق

نویسنده:

محمد درودیان

ناشر چاپی:

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پرسش های اساسی جنگ : نقد و بررسی جنگ ایران و عراق جلد ۴

مشخصات کتاب

سرشناسه : درودیان، محمد

عنوان و نام پدیدآور : پرسش های اساسی جنگ/ نویسنده محمد درودیان؛ ویراستار فرهاد طاهری

وضعیت ویراست :[ویرایش]۲

مشخصات نشر : تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۲.

مشخصات ظاهری : ۲۴۴ ص.جدول

فروست : (نقد و بررسی جنگ ایران و عراق؛[ج] ۱)

شابک : ۹۶۴-۶۳۱۵-۵۳-۴۱۰۰۰۰ریال ؛ ۹۶۴-۶۳۱۵-۵۳-۴۱۰۰۰۰ریال

وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی

یادداشت : ویرایش اول این کتاب با عنوان نقد و بررسی پرسش های اساسی جنگ توسط موسسه مطالعات سیاسی فرهنگی اندیشه ناب در سال ۱۳۸۰ به چاپ رسیده است

یادداشت : کتابنامه

عنوان دیگر : نقد و بررسی پرسش های اساسی جنگ

موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷ - ۱۳۵۹

موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷ - ۱۳۵۹ -- علل

شناسه افزوده : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

رده بندی کنگره : DSR۱۶۰۰/د۴ن ۷ ۱.ج ۱۳۸۲

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۳

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۲-۱۷۵۶۰

ص: ۱

اشاره

پیشگفتار چاپ دوم

دشواری ها و پیچیدگی های برخورد با پیامدهای جنگ پس از اتمام آن و چگونگی تعیین نسبت و رابطه نسل پس از جنگ با دستاوردها و تجربیات حاصل از جنگ، بررسی و مطالعات گسترده و عمیقی را طلب می کند، ولی تا اندازه ای روشن است که بدون نقد و بررسی نمی توان از تجربیات و دستاوردهای جنگ بهره گرفت. در عین حال نقد شالوده شکنانه، تجربیات یک جنگ را با تمامی هزینه های آن برای یک ملت، مخدوش خواهد کرد. حال با این پدیده چگونه باید مواجه شد؟

مجموعه ی نقد و بررسی جنگ ایران و عراق با توجه به واقعیت های جدید و فرآیندهای احتمالی آن و با اهتمام به حفظ و نشر تاریخ دفاع مقدس با رویکرد جدید، بررسی مسائل جنگ را در یک تعامل فعال در برابر تحولات و نیازهای جامعه مورد توجه قرار داده است. هدف از این تلاش، تبیین عقلانیت نهفته در درون جنگ، در حوزه نقد، تصمیم گیری و رفتارهای سیاسی - نظامی می باشد. این مجموعه پنج جلدی عهده دار پاسخ به پرسش های اساسی درباره جنگ هشت ساله عراق علیه ایران و نیز بیان چگونگی تصمیم گیری در موقعیت های حساس و اشاره به نتایج حاصل از آن است. عناوین و مباحث این مجموعه عبارت است از:

جلد اول (پرسش های اساسی جنگ): این کتاب به بررسی ماهیت و آثار جنگ، ابعاد و ماهیت گفتمان انتقادی درباره ی جنگ، پرسش ها درباره ی جنگ در دو دوره ی جنگ و پس از جنگ و تبیین سه پرسش اساسی درباره ی جنگ پرداخته است.

جلد دوم (اجتناب ناپذیری جنگ): در این کتاب به بررسی نظریه های مختلف درباره ی علل وقوع جنگ ها و جنگ ایران و عراق، ریشه ها و علل تجاوز عراق به ایران، روابط دو کشور قبل و پس از پیروزی انقلاب و تأثیر پیروزی انقلاب اسلامی بر روابط ایران و عراق، و ایران و امریکا پرداخته شده است. این کتاب در مجموع در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که آیا وقوع جنگ اجتناب ناپذیر بود یا اجتناب پذیر؟

جلد سوم (علل تداوم جنگ): در این کتاب تغییر در ماهیت و وضعیت استراتژیک جنگ پس از فتح خرمشهر، تصمیم گیری برای ادامه جنگ پس از آزادی خرمشهر و پیامدهای آن، و رخدادهای استراتژیک پس از فتح خرمشهر بررسی شده است.

جلد چهارم (روند پایان جنگ): کتاب حاضر است که در پی بررسی چگونگی پایان جنگ و علت پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل به وسیله ایران، در آن موقعیت زمانی می باشد.

جلد پنجم (گزینه های راهبردی جنگ): در این کتاب دوران جنگ به سه دوره ی حمله عراق به ایران، تداوم جنگ و پایان جنگ تقسیم شده است و از هر دوره گزارشی اجمالی ارائه شده است و ضمن تجزیه و تحلیل هر دوره، گزینه هایی که در هر دوره پیش رو بوده و چگونگی انتخاب بهترین گزینه در آن موقعیت تبیین شده است. همچنین درس ها و نتایجی که از انتخاب این گزینه ها حاصل شده و چگونگی بهره گیری از این نتایج مهم در دوران پس از جنگ بیان شده است.

نظر به این که مبنای تدوین این مجموعه رویکردی جدیدی به مسائل جنگ بوده است، لذا اهمیت این موضوع سبب گردید که با شخصیت ها و صاحب نظران و مسئولان جریان ها و گروه های سیاسی مصاحبه ی اختصاصی انجام شود. علاوه بر این، کلیه ی مطالب و منابع موجود درباره ی نقد و بررسی مسائل جنگ و طرح پرسش در این زمینه، از کتاب ها و نشریات، به ویژه آنچه در سال های ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ منتشر شده است و همچنین از آرشیو گروه ها و جریان های سیاسی جمع آوری شد. به همین دلیل علاوه بر وجه تمایز این کتاب با سایر آثار منتشر شده درباره ی جنگ در رویکرد جدید به مسائل جنگ، باید ویژگی این مجموعه را در منابع جمع آوری شده و مصاحبه های اختصاصی جست وجو کرد.

کتاب حاضر در سال ۱۳۸۴ چاپ و منتشر شد که با اتمام نسخه های چاپ اول، برای بار دوم چاپ و منتشر می شود و در دسترس علاقه مندان قرار می گیرد.

در اینجا لازم است از سردار سرلشکر غلامعلی رشید، جانشین محترم رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و بهاءالدین شیخ الاسلامی به دلیل مطالعه ی متن کتاب و درج اصلاحات ضروری و همچنین کلیه کسانی که با کوشش خود امکان انتشار این کتاب را فراهم کردند، تشکر و قدردانی شود.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

۱۳۸۷

مقدمه

مهم ترین مسئله مورد تحقیق و بررسی در کتاب حاضر پرسش از «نحوه پایان جنگ» است. تأمل در انتخاب روشن مناسب برای توصیف و تبیین این موضوع سبب شد تحولات جنگ بعد از فتح خرمشهر (خرداد ۱۳۶۱) تا برقراری آتش بس (مرداد ۱۳۶۷) در چارچوب استراتژی ایران و عراق بررسی شود. به همین منظور مفهوم استراتژی به عنوان چارچوب نظری انتخاب شد و این کتاب نیز با همین پشتوانه و روش تدوین و تألیف شده است که برای آشنایی بیشتر خوانندگان با مفاهیم اصلی و ساختار بحث اجمالاً به آن اشاره می شود.

کتاب در چهار فصل تنظیم شده است. در فصل اول (روش و چارچوب نظری) پرسش ها و موضوعات مورد نظر به عنوان بیان مسئله تجزیه و تحلیل شده و سپس دو دیدگاه آقای هاشمی و آقای رضایی، فرمانده ی پیشین سپاه، درباره ی سیر تحولات جنگ پس از فتح خرمشهر بررسی شده است.

در این فصل با اشاره به تئوری های موجود درباره پایان جنگ، مفهوم استراتژی به عنوان چارچوب نظری برای تجزیه و تحلیل تصمیمات و رفتارهای ایران و عراق و آنچه سرانجام به پایان جنگ منجر شد، تبیین شده است. در پایان این بحث نیز مفهوم استراتژی از نظر نگارنده بیان شده است.

روش تحقیق به معنای ابزار، روش ها و امکانات گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل مطالب، در ادامه فصل اول تشریح شده است.

برای توضیح تحولات و فصل بندی کتاب از سه مفهوم «ناکامی در اتمام جنگ»، «برقراری موازنه» و «پایان جنگ» استفاده شده است. بر این اساس

ص: ۱۴

سیر تحولات هر دوره در چارچوب استراتژی ایران و استراتژی عراق بیان شده است. نکته مهم آنکه به لحاظ زمانی در برخی مواقع دوره ها با هم تداخل دارند و تفکیک آن امکان پذیر نیست.

فصل دوم (ناکامی در خاتمه جنگ) در واقع بیانگر اراده و تلاش ایران پس از فتح خرمشهر برای پایان دادن به جنگ است – که با کوشش برای تصرف منطقه ایی با اهمیت نمود می یابد – هر چند به نتیجه نرسید. در این دوره پیروزی ایران بر عراق با نگرانی پیگیری می شد. این موضوع نشان دهنده ی منطق حاکم بر تفکر و رفتار عراق و حامیانش بود. به همین دلیل به خواسته ها و اهداف ایران در پایان دادن به جنگ توجهی نشد، بلکه با استفاده از ابزارهای مختلف سعی شد تا پیروزی ایران مهار شود. ایران می توانست با پیروزی در عملیات رمضان موضع برتر خود را پس از فتح خرمشهر حفظ و بر اساس آن درصدد تحقق خواسته های خود برآید. اما این مهم حاصل نشد و همین خیال عراق و حامیانش را آسوده کرد و روند فرسایشی در جنگ آغاز شد.

استراتژی عراق در این دوره که به لحاظ زمانی تا عملیات خیبر در سال ۱۳۶۲ بود و حتی تا سال ۱۳۶۳ نیز ادامه یافت شامل چند اقدام اساسی بود: دفاع مطلق در زمین و جلوگیری از تصرف آن به دست قوای نظامی ایران، به همراه گسترش روابط خارجی به ویژه برقراری ارتباط با امریکا. علاوه بر این عراق بلافاصله پس از عملیات رمضان به جزیره خارک حمله کرد تا هزینه ادامه جنگ رادر مقایسه با امتیازات آن برای ایران افزایش دهد.

ایران برای جبران ناکامی در عملیات رمضان، پس از دو عملیات محدود (محرم و مسلم بن عقیل)، عملیات والفجر را با هدف تعیین سرنوشت جنگ طراحی کرد که به نتیجه نرسید و نام «والفجر مقدماتی» بر آن گذاشت؛ هر چند اجرای عملیات والفجر ۱ نیز بعد از آن برای تعیین سرنوشت جنگ نتیجه ای دربرنداشت.

ایران که قبلاً نسبت به حملات عراق به شهرها تا اندازه ای سکوت می کرد و از واکنش مردم عراق نگران بود، پس از گسترش حملات عراق به شهرها،

سیاست مقابله به مثل را انتخاب کرد، همچنین تحولات جدید در عرصه ی سیاسی و نظامی سبب شد تا تدریجا نگرش ایران به اقداماتی که برای پایان دادن به جنگ صورت می گرفت تغییر کند.

در فصل سوم (برقراری موازنه) ابعاد سیاست های امریکا برای مدیریت جنگ و جلوگیری از پیروزی ایران تشریح شده است. تنها یک هفته پس از آغاز جنگ هنری کیسینجر، نظریه پرداز و وزیر خارجه اسبق امریکا، نظریه جلوگیری از پیروزی هر یک از طرفین در جنگ را، عنوان کرد ولی با گسترش ابعاد جنگ و مشاهده ی توان و اراده ایران برای ادامه جنگ، سیاست های امریکا حمایت از عراق و جلوگیری از پیروزی ایران بود.

پس از فتح خرمشهر در سال ۱۳۶۱ و انفجار مقر نیروهای امریکا و فرانسه در بیروت در سال ۱۳۶۲ و اجرای عملیات خیبر در همین سال و در نتیجه تشدید نگرانی امریکایی ها از نتایج احتمالی جنگ، سیاست های حمایت آمیز امریکا از عراق شکل جدی تری به خود گرفت و تا اواخر سال ۱۳۶۵ و حتی بهار سال ۱۳۶۶ به طول انجامید. در این دوره امریکا با حمایت راهبردی از عراق، کمک های وسیعی در زمینه های اطلاعاتی و مالی و تسلیحاتی با یاری کشورهای مختلف به سمت عراق هدایت کرد. در حالی که سیاست امریکا در برابر ایران فشار - دیپلماسی بود. یعنی تنبیه و مجازات با اعطای برخی امتیازات که گشایش کانال دیپلماتیک و شکل گیری ماجرای مک فارلین بخشی از آن بود.

در این دوره استراتژی عراق حمله به نفتکش ها بود که به طوری جدی پس از عملیات خیبر آغاز شد و در سال ۱۳۶۳ با دریافت هواپیماهای میراژ و موشک های اگزوست از فرانسه به اوج رسید. تلاش جدید عراق در این دوره به عنوان «جنگ نفتکش ها» مشهور شد. علاوه بر این، عراق برای نخستین بار از تسلیحات شیمیایی به طور گسترده در عملیات خیبر استفاده کرد. هدف عراق در این مرحله از جنگ نفتکش ها، اقتصاد ایران بود و با جنگ شیمیایی در نظر داشت قدرت تهاجمی ایران را که بر نیروی انسانی متکی بود مختل

کند. پیش از این نیز عراق با جنگ شهرها بر آن بود تا مردم مناطق غیرنظامی را هدف گیرد.

استراتژی ایران در این دوره تغییر در سیاست خارجی با گسترش ارتباطات بین المللی بود. علاوه بر این، در استراتژی عملیاتی ایران تغییراتی روی داد و منطقه فاو در همین مرحله با اجرای عملیات والفجر ۸ تصرف شد.

چنین تصور می شد که تغییرات جدید در عرصه ی سیاست خارجی و کسب پیروزی در چنین منطقه ی مهم فاو موازنه جنگ را به سود ایران تغییر خواهد داد ولی این مهم حاصل نشد بلکه دامنه فشارها به ایران افزایش یافت و ماجرای مک فارلین نیز افشاء شد.

در این دوره ایران ضمن تلاش برای تثبیت برتری حاصل از نبرد فاو با اجرای عملیات کربلای ۴ و سپس کربلای ۵، استراتژی مقابله به مثل در جنگ نفتکش ها را برگزید و دامنه درگیری در منطقه خلیج فارس گسترش یافت. در عین حال برای پایان دادن به جنگ هیچ گونه تحولی ایجاد نشد و این مرحله از جنگ نیز به اتمام رسید. در واقع تعادل قوا مانع از پیروزی ایران شد.

فصل چهارم (پایان جنگ) بیانگر ظهور عوامل و زمینه های پایان جنگ است. این دوره با پیروزی در عملیات کربلای ۵ در دی ماه ۱۳۶۵ آغاز شد و با گسترش درگیری در خلیج فارس از همین زمان ادامه یافت و سرانجام در مرداد ۱۳۶۷ با برقراری آتش بس به پایان رسید. در این مرحله با تشدید فشار بین المللی به ایران از راه تصویب قطعنامه ۵۹۸ در تیرماه ۱۳۶۶ و افزایش فشار نظامی به ایران با گشایش جبهه جدید در خلیج فارس و درگیری ایران و امریکا، شمارش معکوس برای پایان جنگ آغاز شده بود.

استراتژی ایران در برابر وضعیت جدید، صلح از طریق سازمان ملل بود. به همین دلیل قطعنامه ۵۹۸ نه تأیید و نه رد شد بلکه ایران با دبیر کل برای جابه جایی در بندهای قطعنامه ۵۹۸ و اجرایی شدن آن مذاکرات را آغاز کرد.

نگرانی از حضور امریکا در خلیج فارس موجب مقابله ایران با امریکا و درگیری محدود میان دو کشور شد. همچنین بن بست جنگ در جنوب سبب

شـد تا ایران منطقه شـمال غرب را با هدف اتصال به منطقه اسـتقرار معارضان کرد عراقی و گشایش جبهه جدید در این منطقه انتخـاب کنـد. در نیمه دوم سال ۱۳۶۶ بخش مهمی از تـوان نظـامی ایران در ایـن منطقه به کـار رفت و عملیـات والفجر ۱۰ در منطقه حلبچه آخرین تلاش نظامی ایران بود که به منزله اجرای عملیات بزرگ در اسفند سال ۱۳۶۶ تلقی شد.

اهـداف عراق در این دوره گسترش درگیری در خلیـج فـارس برای بین المللی کردن جنگ و در نهایت پایان دادن به آن بود. لـذا حضور امریکا در خلیـج فارس و درگیری ایران و امریکا و همچنین تصویب قطعنامه ۵۹۸ از نظر عراق به منزله فراهم شدن زمینه های پایان جنگ بود.

در دوره ی پایانی جنگ، عراق به دلیل برخورداری از تجهیزات انبوه و پیشـرفته، افزایش قدرت و توان رزمی، از نظر نظامی بر ایران برتری داشت. به همین دلیل در حملات موشکی به تهران، با مشاوره روس ها، استراتژی خود را با هدف تعیین سرنوشت جنگ در زمین، از دفاع به حمله تغییر داد. فاو نقطه آغاز تلاش عراق برای باز پس گیری مناطق تصـرف شده بود. این مهم در فروردین ۱۳۶۷ تحقق یافت و توازن نظامی و تعادل روحی - روانی به نفع عراق تغییر کرد.

ادامه ی این وضـعیت و نگرانی ایران از تداوم حملات عراق به خاک ایران سبب شد تا با اعلام رسمی پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از جانب جمهوری اسلامی ایران و عقب نشینی از همه ی مناطق تصرف شده، اوضاع سیاسی - نظامی به سود ایران تغییر کند.

عراق بر پایه ارزیابی از وضعیت جدید حملات خود را در منطقه جنوب آغاز کرد و منافقین نیز با حمایت ارتش عراق حمله به کرمانشاه را آغاز کردنـد. واکنش نظامی ایران در جبهه های جنگ و فشار بین المللی سـبب گردیـد سـرانجام عراق با برقراری آتش بس موافقت کند و به این ترتیب جنگ ایران و عراق به پایان رسید.

ص: ۱۸

روش و چارچوب نظری

بیان مسئله

جنگ از مهم ترین پدیده های اجتماعی است که بر اثر زمینه ها و عوامل مختلف، در شرایط خاصی آغاز می شود، تحت تأثیر مجموعه ای از متغیرها ادامه می یابد و سرانجام به پایان می رسد. بیشترین مباحث تحلیلی و نظری در حوزه ی مباحث روابط بین الملل اهمیت جنگ و پیامدها و ضرورت جلوگیری از آن است. در عین حال، جنگ ها با حیات سیاسی - اجتماعی جوامع پیوند خورده اند و همچنان تکرار می شوند.

برخلاف آنکه درباره ی علل وقوع جنگ و نیز جلوگیری از آن مباحث بسیار مطرح و نظریه پردازی شده، از پایان دادن جنگ کمتر بحث شده است. (1) به همین دلیل گفته می شود: «می دانیم که جنگ ها معمولا چگونه آغاز می شوند اما شک دارم کسی در جهان باشد که چگونگی خاتمه دادن به آن ها را بداند» (2) .

در میان پرسش های موجود درباره ی جنگ ایران و عراق سه موضوع اساسی شامل «علل آغاز جنگ»، «تداوم آن پس از فتح خرمشهر» و «نحوه ی پایان آن» در مقایسه با سایر پرسش ها اهمیت بیشتری دارد. در عین حال، اجماع و توافق موجود در جامعه ی ایران و در سطح بین المللی درباره ی ماهیت رژیم بعث و شخصیت صدام، از میزان توجه به آغاز جنگ کاسته است. همچنین گرچه از علت ادامه ی جنگ و طولانی شدن آن پرسش می شود، نحوه ی پایان یافتن جنگ

---

۱ - ۱. رالف کینگ بر این نظر است که رویکرد مطالعات جنگ از تمرکز بر عوامل جنگ به ختم آن تغییر کرده است. (ماهنامه نگاه، شهریور ۱۳۸۱، ش ۲۶، ص ۵).

۲- ۲. روزنامه انتخاب، ۵ / ۱۱ / ۱۳۸۱، ص ۵، گفت و گوی محمد الصباح وزیر مشاور در امور خارجه کویت با بی بی سی.

نیز سؤال برانگیز است. در هر صورت به علت «ادامه ی جنگ پس از فتح خرمشهر»، در مقایسه با دو پرسش دیگر، بیشتر توجه شده است، حال آنکه به لحاظ نظامی - سیاسی و استراتژیک آغاز و پایان جنگ حائز اهمیت بیشتری است.

پیش از این در سایر مجلدات این مجموعه، پرسش های جنگ و علت شکل گیری و ماهیت آن در جلد اول نقد و بررسی شد و سپس به پرسش علل وقوع جنگ تحت عنوان «اجتناب ناپذیری جنگ» در جلد دوم پاسخ داده شد و «علل ادامه ی جنگ پس از فتح خرمشهر» در جلد سوم بررسی شد و اینک در آخرین جلد از مجموعه ی چهار جلدی نقد و بررسی جنگ ایران و عراق، «نحوه ی پایان دادن به جنگ»، بررسی می شود.

پرسش سوم بر روش پایان جنگ متمرکز است. برای کالبد شکافی آن، باید ابتدا به این سؤال پاسخ داد که مسئله ی اساسی و نقطه ی کانونی پرسش بر چه موضوع و مسائلی متمرکز است؟ به عبارت دیگر، آیا منظور این است که چرا جنگ تمام شد و باید همچنان به جنگ ادامه می دادیم؟ اگر اصل اتمام جنگ را بر اساس این قاعده بپذیریم که هر جنگی همان گونه که آغاز می یابد، باید پایان داشته باشد بنابراین، پرسش بر نحوه ی پایان جنگ و نه اتمام جنگ، متمرکز است. بر این اساس باید بررسی کرد که نحوه ی پایان جنگ چگونه بود که حال این گونه از آن پرسیده می شود.

جمهوری اسلامی ایران با پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ و اعلام موافقت خود با اتمام جنگ زمینه ی پایان یافتن جنگ را فراهم ساخت. حال آیا مسئله، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ است؟ با توجه به اینکه جنگ ها بر اثر بن بست سیاسی آغاز می شوند، ولی سرانجام با روش سیاسی یا پیروزی نظامی به پایان می رسند، این سؤال مطرح است که جمهوری اسلامی ایران که از راه نظامی می توانست بر عراق پیروز شود چرا با روش سیاسی به جنگ خاتمه داد؟ به عبارت دیگر، این باور و اعتقاد وجود داشت که جنگ باید با پیروزی نظامی بر عراق به پایان برسد اما با پذیرش قطعنامه و اتمام جنگ با روش سیاسی،

نوعی تغییر استراتژی حاصل شد و به دلیل ابهاماتی که در این زمینه وجود دارد (۱) سؤال انگیز شده است؟

توجه به واقعیات سیاسی – نظامی ماه های پایانی جنگ تا اندازه ای علت پرسش از نحوه ی پایان جنگ را مشخص می کند. قطعنامه ی ۵۹۸ در تیرماه ۱۳۶۶ تصویب شد ولی ایران آن را یک سال بعد در تیرماه ۱۳۶۷ پذیرفت؛ در موقعیتی که عراق با حملات نظامی، اکثر مناطقی را که قوای نظامی ایران در سال های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۷ تصرف کرده بودند، پس گرفته بود. این توضیح نشان می دهد تحولات نظامی و برخی ملاحظات سیاسی – اجتماعی در ماه های پایانی جنگ موجب پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ و پایان دادن به جنگ شد. برخلاف تصورات موجود، این تحولات بر اساس توان نظامی ایران و عراق صورت گرفت و به همین دلیل موجب ایجاد شکاف میان واقعیات و تصورات و باورها شد. پیروزی های نظامی عراق، شوک سیاسی – روانی بر جامعه ی ایران وارد کرد (۲) و در نتیجه، موازنه ی نظامی به سود عراق تغییر کرد و ایران با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به جنگ پایان داد.

واکنش رزمندگان و مردم و بیانیه ی امام خمینی درباره تصمیم جمهوری اسلامی یا تعبیر ایشان را پذیرش قطعنامه به «نوشیدن جام زهر»، بیان کننده ی احساسات و ابهامات در واقعه ی پایان جنگ است.

بنابراین، ابهام در ماهیت تحولات نظامی در ماه های پایانی جنگ و نیز روش سیاسی ایران برای پایان دادن به جنگ با پذیرش قطعنامه، پرسشی اساسی است؛ بدین معنا که اگر قرار بود جنگ با پذیرش قطعنامه به اتمام برسد چرا در زمان تصویب قطعنامه در تیرماه ۱۳۶۶، که برتری نظامی با ایران بود، این اقدام صورت نگرفت؟

۱– ۳. شعارهایی که در طول جنگ داده شد انتظاراتی را به وجود آورد که با واقعیات ماه های پایانی جنگ و نحوه ی پایان جنگ در تناقض بود و لذا ابهام و پرسش هایی را درباره ی نحوه ی خاتمه جنگ به وجود آورد.
۲– ۴. روند ناکامی های نظامی پس از فتح خرمشهر موجب بحث درباره ی نحوه ی بیان واقعیت های جنگ شد و سرانجام برای جلوگیری از بهره برداری دشمن، از بیان واقعیات خودداری شد.(نگاه کنید به آرامش و چالش، ص ۴۰).

در این میـان پرسـش هـای دیگری نیز هست که کمتر بـدان توجه می شود؛ نخست آنکه تحولاـت نظـامی در مـاه هـای پایانی جنـگ به چه علت بود؟ در واقع، اگر علت اصـلی پایـان دادن به جنـگ متـأثر از تغییر موازنه ی نظـامی به زیـان ایران بود، این تحول چگونه و تحت چه شـرایطی ایجاد شد و در صحنه ی نظامی جنگ تحقق یافت؟ آیا این موضوع برای ایران قابل ارزیابی و پیش بینی بود؟ آیا مجـددا امکان داشت موازنه به سود ایران تغییر کنـد؟ در صورت پاسـخ مثبت یا منفی، دلایل و مسـتندات آن چیست؟

همچنین در وضـعیتی که ایران در موضع تهاجمی و برتر بود چرا همانند آنچه عراق با اقدامات نظامی در فاصله چهار ماه انجام داد، به یک پیروزی نظامی قاطع برای پایان دادن به جنگ نتوانست دست یابد؟

تا کنون تحلیل ها و دیدگاه های متفاوتی از چگونگی پایان جنگ ارائه شده است که بیشتر ناظر بر مسائل مختلفی مانند: روند تحولاـت سیاسـی - نظـامی پس از فتـح خرمشـهر، تصـورات و برداشـت هـای ایران و عراق از جنـگ و اسـتراتژی دو کشـور، تصـمیمات و اقدامات طرفین، ماهیت تحولات سیاسـی - نظامی در ماه های پایانی جنگ و اقدام ایران برای پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ و پیامـدهای اتمـام جنـگ در داخل ایران و در سـطح منطقه و مسائلی از این قبیل می باشـد. در حالی که حجم و دامنه ی تحلیل و تفسیرها نسبتا گسترده است ولی هیچ کدام از موضوعات، دستمایه ی تحقیقات و نظریه پردازی قرار نگرفته است.

بررسی دو دیدگاه

اشاره

نظر به اینکه تحولات و تفسـیرهای صاحب نظران داخلی و خارجی برداشت و ارزیابی از روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ و پایان آن را بیان می کنـد و ادبیات تولیـد شده در این زمینه نیز در شـکل گیری اذهان و باورهای جامعه نقش و تأثیر دارد به بخشـی از آن هـا اشـاره می شود. البته برای اینکه بحث طولاـنی و در تسـلسل مطـالب خلـل ایجـاد نشود بخشـی از نظریات در ضمیمه ی

فصل اول قرار گرفته است و در ادامه ی بحث تنها دیدگاه های آقای هاشمی و آقای رضایی بررسی می شود.

دیدگاه آقای هاشمی

آقای هاشمی رفسنجانی که فرمانده ی عالی جنگ بود در تصمیم گیری های کشور به ویژه جنگ نقش و تأثیر استثنایی داشت. بررسی دیدگاه و نظریات ایشان درباره ی مسائل جنگ پس از فتح خرمشهر حائز اهمیت است. ایشان بلافاصله پس از اتمام عملیات رمضان، در نماز جمعه تهران اظهار کرد: «همان طور که در روزهای اول گفتم در مرزها نمی ایستیم و وارد خاک عراق می شویم و به حرفمان عمل کردیم.» ایشان اضافه کرد: «دو، سه هفته ای ایستادیم، مهلت دادیم، اخطار کردیم و خواستیم توجه کنند، که گوش شنوا نبود، نه کشورهای حامی عراق، نه غیر متعهدها، نه دولت های مسلمان توجه کردند و نه خود عراق.» آقای هاشمی بر پایه ی این ملاحظات و تصمیم گیری ایران می گوید: «ما هم آن کار اساسی و راه نهایی را در پیش گرفتیم و آن این بود که برای رسیدن به اهدافمان وارد خاک عراق شویم.» (۱) آقای هاشمی که یکی از تصمیم گیرندگان بود دلایل این اقدام را توضیح می دهد و می گوید:

«از نظر بنده به عنوان یکی از تصمیم گیرها، سه دلیل اساسی برای ورود به خاک عراق مطرح است که دلایل فرعی زیادی هم پشت این سه دلیل اصلی وجود دارد. اولین دلیل ما پایان دادن به جنگ است. ما جنگ را تشدید کردیم برای اینکه آن را تمام کنیم. این بزرگ ترین هدف است.» (۲) .

آقای هاشمی دلایل استراتژی جدید ایران را توضیح می دهد و می گوید: «اگر در مرزهایمان می ماندیم، نه به ما خسارت می دادند، نه حاضر بودند یک قدم از برنامه هایی که دارند عقب نشینی کنند، همه چیز به همان وضعی که مطلوب آن ها است ادامه پیدا می کرد و ما دو راه بیشتر برایمان نمانده بود. یا ذلیلانه خواست آن ها را بپذیریم، جنگ را خاتمه دهیم و بگوییم به خانه هایمان باز می گردیم. و فرض دیگر اینکه ما هم بزنیم به دریا و جنگ را

۱- ۲۹. همان، ص ۱۰۹ و ۱۱۰.

۲- ۳۰. همان، ص ۱۰۹ و ۱۱۰.

تمام کنیم. تمام کردن جنگ هم این طور است که الان شروع کرده ایم.» (۱) ایشان در توضیح سیاست های امریکا درباره ی جنگ می گوید:

«اگر امریکا می گوید جنگ باید تمام بشود، دروغ می گوید. به خدا قسم دروغ می گوید. آن ها می خواهند سال ها این جنگ باشد، منتها به شکل نه جنگ - نه صلح. این عالی ترین و مطلوب ترین وضعی است که در منطقه می خواهند.» (۲) .

آقای هاشمی هدف دوم برای ورود به داخل خاک عراق را دریافت خسارت ذکر می کند.درباره ی هدف سوم می گوید: مردم منطقه و مردم عراق آزاد و راحت باشند. ایشان مجددا در پایان خطبه اهداف و ترتیب آن را جمع بندی می کند و می گوید:

«این سه هدف عمده ی ما، در ورود به خاک عراق است که به ترتیب، اول پایان جنگ، دوم گرفتن حقوق و سوم آزادی مردم عراق[و تشکیل] حکومتی مردمی[در این کشور می باشد].» (۳) .

عملیات رمضان با هدف پایان دادن به جنگ و سایر اهدافی که آقای هاشمی اشاره می کند آغاز شد ولی به پیروزی نرسید و به همین دلیل جنگ به مدت شش سال ادامه یافت. آقای هاشمی بعدها عملیات رمضان را تحلیل می کند و می گوید:«تحلیل این بود که از نظر نظامی پیروز می شویم، اما موانع را پیش بینی نمی کردیم.» (۴) .

در ادامه ی جنگ پس از فتح خرمشهر و ناکامی عملیات رمضان، همچنان استراتژی ایران برای پایان دادن به جنگ متکی بر کسب پیروزی در یک عملیات و سپس پایان دادن به جنگ بود. آقای هاشمی در این باره می گوید: «من یک نظریه داشتم که جایی را بگیریم و جنگ را تمام کنیم.» (۵) ایشان در عین حال توضیح می دهد که امام تفکر دیگری داشت:«امام مایل نبود درباره ی جنگ کسی با ایشان حرفی بزند، ذهنیت عمومی امام این بود که عراق آزاد شود.» (۶) امام می گفتند: «بروید تا ریشه فتنه در آنجا کنده شود.» (۷) - (۸) .

۱- ۳۱. مأخذ ۱۱.

۲- ۳۲. مأخذ ۲۰.

۳- ۲۹. همان، ص ۱۰۹ و ۱۱۰.

۴- ۳۰. همان، ص ۱۰۹ و ۱۱۰.

۵- ۳۱. مأخذ ۱۱.

۶- ۳۲. مأخذ ۲۰.

۷- ۲۹. همان، ص ۱۰۹ و ۱۱۰.

۸- ۳۰. همان، ص ۱۰۹ و ۱۱۰.

آقای هاشمی با توجه به سیاستی که داشت و با توجه به واقعیات جنگ معتقد بود که ما باید منطقه ای را از دشمن می گرفتیم تا قدرت چانه زنی داشته باشیم و تا این حاصل نمی شد نمی توانستیم حرفی بزنیم؛ بنابراین از نظر ایشان کسب پیروزی نظامی امری مهم بود. آقای هاشمی مسئولیت بخش های یک عملیات را چنین برشمرد: عملیات نظامی را رزمندگان اجرا می کردند و سپاه با توجه به روحیه ی تهاجمی، بولدوزر جنگ بود. پیشنهادها درباره ی عملیات در جلسه ی سران سه قوه مطرح می شد و ما به امام می گفتیم. بنابراین فرماندهی واقعی در جبهه بود و ما تدارک کننده بودیم. (۱) .

ایشان می گوید این روند، عملیاتی را تصویب و از آن حمایت می کرد که «اهداف استراتژیک» (۲) داشته باشد تا بر اساس آن بتوان نظریه ی کسب پیروزی و چانه زنی برای اتمام جنگ را پیگیری کرد. مجموعا در شش سال جنگ از نظر ایشان چهار یا پنج عملیات اهداف استراتژیک داشت. (۳) آقای هاشمی در این زمینه می گوید:

«در عملیات والفجر مقدماتی من نبودم (به عنوان فرمانده ی عالی جنگ) اما چیزی که بشود جنگ را تمام کرد نمی دانم وجود داشت یا خیر؟ عملیات خیبر را با این هدف دنبال کردیم و فکر می کردیم که این همان عملیاتی است که ما می خواستیم ولی مشکل الحاق نیروها به وجود آمد. در عملیات فاو در ذهنم این بود که برویم ام القصر را بگیریم و رابطه ی عراق را با دریا قطع کنیم که نشد. عملیات کربلای ۵ برای ما نقطه ی اوج بود که نشد.

در (منطقه عملیاتی) غرب فکر کردیم می شود که نشد. ما فکر می کردیم اگر برویم به منطقه ی غرب کشور دشمن هوشیار نیست و آب سد دربندیخان حربه ایی برای تهدید جدی عراق است و اگر به کرکوک برسیم با کردها هماهنگ می کنیم و نفت شمال عراق را قطع می کنیم.» (۴) .

۱- ۳۱. مأخذ ۱۱.

۲- ۳۲. مأخذ ۲۰.

۳- ۲۹. همان، ص ۱۰۹ و ۱۱۰.

۴- ۳۰. همان، ص ۱۰۹ و ۱۱۰.

آقـای هاشـمی در ارزیـابی مجموعه عملیـاتی که به منظور پایـان دادن به جنـگ انجام شـد می گویـد: «در همه ی اینها ناموفق بودیم، در حد ضربه زدن و ادامه ی جنگ موفق بودیم ولی به اهداف نرسیدیم.» (۱) .

بـا این توضـیح در واقع طی شـش سال جنگ، سلسـله عملیات هایی که انجام شـد تنها وضع موجود را حفظ کرد در حالی که هدف کسب پیروزی و پایان دادن به جنگ بود. آقای هاشـمی بر این نظر است که استراتژی ایشان مبنی بر تصرف یک منطقه ی بـا اهمیت و پایـان دادن به جنـگ صـحیح بود ولی کـاستی هـا و ناتوانی نیروهای نظامی مانع از تحقق آن شـد؛ زیرا کلیه ی عملیات هایی که پیشـنهاد می شـد و ایشان تصویب و حمایت می کرد، اهداف استراتژیک داشت و در صورت تحقق اهداف، پایان دادن به جنگ ممکن می شد لیکن نیروهای نظامی قادر به تأمین این اهداف نبودند. (۲) .

برداشت آقـای هاشـمی از مقـدورات کشور برای پشتیبانی از جنگ در تخصـیص منابع برای جنگ تأثیر داشت. آقای هاشـمی برای اثبات صحت

۱- ۳۱. مأخذ ۱۱.

۲- ۳۲. مأخذ ۲۰.

ارزیابی خود از مقدورات کشور ضمن اشاره به اینکه «ظرفیت کشور محدود بود» می گوید «در آخر جنگ هم به همین نتیجه رسیدیم.» ایشان با اشاره به نامه ی نخست وزیر وقت به امام می گوید: (۱) «دولت به امام نامه داد (۲) که نمی شود.» (۳) نکته مهم در اظهارات آقای هاشمی این موضوع است که می گوید: «آنچه سپاه و دولت در نامه به امام نوشتند اگر پنج سال قبل می گفتند امام تصمیم می گرفت و جنگ را تمام می کرد. نامه ی سپاه به امام، معلومات (اطلاعات) امام را به هم ریخت.» (۴) .

در واقع، آقای هاشمی علت طولانی شدن جنگ را چند عامل می داند: نخست آنکه عملیات نظامی اهداف استراتژیک را تأمین نمی کرد. مقدورات کشور هم برای تدارکات بیشتر محدود بود. در نتیجه، عملیات نظامی با ضربات محدود بر عراق تنها برای حفظ موازنه ی موجود کارکرد داشت و تغییر موازنه، مستلزم افزایش پشتیبانی از جنگ بود که از نظر آقای هاشمی ممکن نبود. بن بست حاصل از این وضعیت به تداوم جنگ منجر شد. علاوه بر این، تبدیل عملیات های نظامی ایران به عملیات سالانه علاوه بر عامل پشتیبانی، متأثر از معضل نیروهای داوطلب بود که به تناسب فصل به جبهه می آمدند و همین امر در تنظیم زمان عملیات ها تأثیر داشت، لذا میان عملیات ها فاصله ایجاد می شد و دشمن از این موضوع استفاده می کرد؛ (۵) زیرا دشمن در فرصت به دست آمده، نیروها و تجهیزات خود را بازسازی و تقویت می کرد.

علاوه بر این، ایشان می گوید: «دو عامل اساسی وجود داشت که تصمیم مناسبی برای پایان دادن به جنگ گرفته نشد. یکی سپاه بود که طرح پایان دادن به جنگ از نظر سپاه چیزی شبیه کفر بود. مسئله ی بعدی امام بود که لحظه ای اجازه نمی داد درباره ی ختم جنگ بحث کنیم. در مجلس همه عده ای

۱- ۲۹. همان، ص ۱۰۹ و ۱۱۰.

۲- ۳۰. همان، ص ۱۰۹ و ۱۱۰.

۳- ۳۱. مأخذ ۱۱.

۴- ۳۲. مأخذ ۲۰.

۵- ۲۹. همان، ص ۱۰۹ و ۱۱۰.

بودنـد به نام «مجمع عقلا» و آقای روحانی[که برای پایان دادن به جنگ فعالیت می کردند]، امام آن ها را سر جایشان نشاند.» (۱) همچنین به مراکز بین المللی و قـدرت ها اعتمادی وجود نـداشت و هیچ کس هم مصـلحت نمی دید که جنگ این جوری تمام شود. (۲) .

در هر صورت جنـگ بر اثر تحولاـت نظامی - سیاسـی به پایان رسـید. آقای هاشـمی درباره ی دلایل ایران برای پایان دادن به جنگ معتقد است امکانات عراق برای حمله به شهرها یکی از عوامل مهم ختم جنگ بود. (۳) در این روند استفاده ی عراق از سلاـح هـای شـیمیایی به ویژه در حلبچه نگران کننـده بود. چنـانکه «وقتی حلبچه را دیـدم جنـگ برایم خیلی وحشـتناک جلوه کرد.» (۴) ایشـان بـا اشـاره به این موضوع می گویـد:«این مورد را بایـد مهم ترین عامـل پـذیرش قطعنامه از طرف امام حساب کنیم.» (۵) آقای هاشـمی در توضیـح دیگری می گوید: «اگر عراق به سـلاح های شـیمیایی نرسیده بود و از سلاح لیزری برای زدن مناطق و موشک به تهران و هواپیمای دوربرد برای زدن برق نکا اسـتفاده نمی کرد ما باز هم می توانستیم ادامه بـدهیم. ما از کارهای خارج از جبهه ی عراق لطمه خوردیم.» (۶) علاـوه بر این، حمله ی عراق به نفتکش ها و تلاش برای متوقف کردن تولیـد نفت ایران نیز در پـذیرش قطعنـامه مؤثر بود و مهم تر از آن «دولت رسـما نامه نوشت به امام، یعنی وزرای اقتصادی نامه نوشـتند به امـام که دیگر نمی توانیم از لحـاظ اقتصـادی جنـگ را پشتیبـانی کنیم. سـپاه هم نـامه ای به امـام نوشت که اگر می خواهید ما بجنگیم و عملیات موفق داشـته باشیم نیازهای ما را تأمین کنید. نیازمندی هایشان را دادند که فوق العاده بزرگ بود. امام با توجه به این ملاحظات سرانجام قبول کردند قطعنامه را بپذیریم.» (۷) .

دیدگاه آقای رضایی

آقای محسن رضایی، فرمانده ی پیشـین سپاه پاسداران، تحولات جنگ پس از فتح خرمشهر را از این منظر مورد توجه قرار می دهد که مسئله ی اصلی کشور پس از فتح خرمشهر، نحوه ی پایان دادن به جنگ بود؛ زیرا با آزادسازی مناطق

۱- ۳۰. همان، ص ۱۰۹ و ۱۱۰.

۲- ۳۱. مأخذ ۱۱.

۳- ۳۲. مأخذ ۲۰.

۴- ۲۹. همان، ص ۱۰۹ و ۱۱۰.

۵- ۳۰. همان، ص ۱۰۹ و ۱۱۰.

۶- ۳۱. مأخذ ۱۱.

۷- ۳۲. مأخذ ۲۰.

اشغالی موضوع اصلی «پایان جنگ» بود. بنابراین، تمام بحث ها بلافاصله پس از فتح خرمشهر بر چگونگی پایان دادن به جنگ متمرکز شد و جلساتی که در ابتدا در خدمت امام خمینی برگزار شد در همین زمینه بود. (۱) .

آقای رضایی شش سال تحولات جنگ را در چارچوب «استراتژی» ایران بررسی می کند. از نظر ایشان «پیروزی در خرمشهر به معنای تغییر در ماهیت جنگ» بود؛ زیرا موازنه ی قوا بین ما و عراق را بر هم زد و ما در موضع برتر قرار گرفتیم. (۲) پیامدهای این برتری، تغییر نگرش بین المللی نسبت به توانمندی عراق بود لذا حامیان عراق مردد و ناامید شدند. (۳) این موضوع نیز روشن شد که به راحتی نمی توانند به ایران اسلامی حمله کنند. (۴) مهم ترین تأثیر فتح خرمشهر تغییر مسئله ی اساسی جنگ بود که از تسلیم ایران و پیروزی عراق به پیروزی ایران و تسلیم عراق تبدیل شد. (۵) چنین پدیده ای آرایش نیروها و استراتژی ایران و عراق را تغییر داد.

عراق در استراتژی جنگی خود بازنگری کرد و در لاک دفاعی فرو رفت (۶) و حمایت بین المللی از عراق افزایش یافت و این موضوع حتی بر سلاح هایی که حامیان جهانی صدام به وی اعطا کردند تأثیر گذاشت. (۷) عراق بعد از آزادی خرمشهر در چند جبهه با ایران می جنگید: در جنگ زمینی، در خلیج فارس، در شهرها و نیز در منطقه ی کردستان. در حقیقت ایران بعد از آزادی خرمشهر در چهار جبهه با عراقی ها درگیر بود. (۸) به عبارت دیگر، تغییر موازنه ی نظامی و ماهیت تلاش های جدید ایران برای ادامه ی جنگ موجب شد تا عراق و حامیان آن استراتژی «مهار توانمندی نظامی ایران» را در دستور کار خود قرار دهند. مهار ایران، جوهر سیاست ها و استراتژی جدید عراق و سایر بازیگران منطقه ای و بین المللی را در حمایت از عراق تشکیل داد و همین موضوع در روند جنگ و پایان آن تأثیر سرنوشت ساز داشت.

تغییر استراتژی ایران با تأثیر از تحولات سیاسی - نظامی و با هدف پایان دادن به جنگ از موضع برتر، باعث شد تا در جلسه ی مسئولان با امام برای

۱- ۳۳. گفت و گوی اختصاصی نویسنده با محسن رضایی، ۳۰ / ۳ / ۱۳۸۱.

۲- ۳۴. ماهنامه صنایع هوایی، اردیبهشت ۱۳۸۱، شماره ۱۳۱، ص ۳، مصاحبه محسن رضایی.

۳- ۳۵. همان.

۴- ۳۶. همان.

۵- ۳۷. همان.

۶- ۳۸. همان.

۷- ۳۹. همان.

۸- ۴۰. محسن رضایی، سخنرانی در دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، خرداد ۱۳۷۹.

ادامه ی جنگ تصمیم گیری شود. (۱) «ماهیت استراتژی جدید ایران بر مبنای پیروزی هایی که در آزادسازی مناطق اشغالی به دست آمده بود و همچنین احتمال تداوم آن پیروزی ها و متقاعد ساختن حامیان عراق به پذیرفتن خواسته های ایران شکل گرفت. چنانکه آقای رضایی سه ماه پس از عملیات رمضان می گوید: «ما فکر می کردیم که جنگ تمام می شود و دشمن نیز برای حفظ منافع خود تسلیم می شود و می پذیرد ولی آن ها هر نوع پیشروی را برای جمهوری اسلامی غیر قابل قبول و خطرناک می دانند و تسلیم نمی شوند.» (۲) .

دوگانگی استراتژی ایران در جنگ، اصطلاحی است که برای اولین بار آقای رضایی برای توضیح تحولات سیاسی - نظامی جنگ پس از فتح خرمشهر استفاده کرد. در تعریف ایشان استراتژی دوگانه، متأثر از ادراکی متفاوت در دو سطح سیاسی و نظامی است. (۳) با این توضیح که استراتژی امری ذهنی است و دوگانگی ابتدا در ذهن و بعد در عمل ایجاد می شود. دوگانگی به معنای دو نظریه ی متفاوت برای حل این مسئله است. (۴) اگر ادراک مشترک حاصل شود عزم ملی به وجود می آید؛ در غیر این صورت دوگانگی در استراتژی، به معنای نداشتن استراتژی است؛ زیرا موجب تجزیه قدرت می شود. در مقابل، وحدت در استراتژی، استراتژی ملی را شکل می دهد و در استراتژی ملی در کل کشور تکیه گاه اصلی برای پایان دادن به جنگ تعیین و با اجماع و توافق اجرا می شود.

در ادامه آقای رضایی می افزاید: پس از فتح خرمشهر در کشور برای پایان دادن به جنگ دو استراتژی شامل استراتژی امام و استراتژی رسمی دولت وجود داشت. استراتژی امام، نبرد برای سقوط صدام و حزب بعث بود. در کنار

۱- ۴۱. آقای ولایتی در گفت وگو با روزنامه ی کیهان ضمن تکذیب مخالفت امام با توقف جنگ، می گوید: «خدمت امام منتقل شد اگر قرار است ما سرزمین خودمان را آزاد کنیم، غرامتی بگیریم، باید اهرمی در دست داشته باشیم تا روزی که می نشینیم و مذاکره می کنیم، بتوانیم از موضع قدرت سخن بگوییم نه از موضع ضعف لذا حضرت امام رضایت دادند و به این ترتیب نقاطی از خاک عراق اشغال شد مثل فاو و مجنون و جاهای دیگر. پس امام به هیچ وجه نگفته بودند که جنگ بعد از فتح خرمشهر متوقف بشود.» (روزنامه کیهان، ۱ / ۷ / ۱۳۸۱، ص ۱۲).

۲- ۴۲. جلسه قرارگاه مرکزی با شرکت فرماندهان قرارگاه کربلا و نجف، ۲۶ / ۸ / ۱۳۶۱، یادداشت شخصی سردار غلامعلی رشید.

۳- ۴۳. گفت وگوی اختصاصی نویسنده با محسن رضایی، ۳ / ۶ / ۱۳۸۲.

۴- ۴۴. همان.

سیاست اما، سیاست دیگری پیدا شد که نبرد برای کسب صلح را دنبال می کرد (۱) هدف امام سقوط بغداد بود و این هدف با استراتژی نظامی قابل تحقق بود ولی این باور در مسئولان نبود و می گفتند: اگر بغداد را هم بگیریم فایده ای ندارد و بمب اتمی بر سر ما می زنند. (۲) وی در جای دیگری در توضیح این موضوع می گوید: «شاید هم همین طور می شد اگر ما می رفتیم بغداد را می گرفتیم به ایران بمب اتم می زدند و مسائلی به وجود می آمد.» (۳) ایشان ضمن اینکه معتقد است باید درباره ی درستی یا نادرستی این تحلیل در فرصت دیگری بحث کرد بر این موضوع تأکید می کند که توانایی های رزمندگان ما بیش از آن چیزی بود که در صحنه مشهود بود و قبل از اینکه دشمن مانع ما باشد خودمان مانع خودمان بودیم. (۴) .

وی معتقد است که اگر کشور در چارچوب استراتژی امام عمل می کرد جنگ زودتر تمام می شد:«من دو، سه بار جاهای مختلف گفتم (۵) که اگر ما با استراتژی امام حرکت کرده بودیم جنگ به جای اینکه هشت سال طول بکشد کمتر از پنج سال تمام می شد اما با فتحی بسیار بزرگتر که به سقوط صدام منجر می شد. اتفاقا هیچ استراتژی محافظه کارانه ی ادامه نبرد برای تحمیل صلح، باعث شد که ما نتوانیم جنگ را زودتر تمام کنیم و جنگ طولانی شد.» (۶) .

آقای رضایی تأثیر دوگانگی در استراتژی را در دو حوزه ی دیپلماسی و نحوه ی نگرش برای پایان دادن به جنگ، بررسی می کند و می گوید: در مورد پایان جنگ دو نظریه وجود داشت؛ یک نظریه این بود که ما تا به دستاورد محکم و مطمئنی به لحاظ بین المللی نرسیدیم، نمی باید جنگ را رها کنیم. صاحبان نظریه ی دوم اظهار می داشتند ما شرایط آتش بس را بپذیریم و پس از آن دنبال این باشیم که در عرصه ی بین المللی به حقوق خود دست یابیم. موافقان آتش بس می گفتند که ما نخست آتش بس برقرار کنیم، به دنبال آن مجامع

---

۱ – ۴۵. مهدی بهداروند، ورود به داخل خاک عراق – ضرورت ها و دستاوردها، معاونت فرهنگی نیروی هوایی سپاه، مهر ۱۳۸۱، ص ۹۷ و ۹۸، به نقل از محسن رضایی.

۲ – ۴۶. مأخذ ۳۵.

۳ – ۴۷. روزنامه رسالت، ۳ / ۵/ ۱۳۸۰، ص ۶.

۴ – ۴۸. همان.

۵ – ۴۹. ایشان در برنامه تلویزیونی «سجاده آتش» می گوید: دوستان ما معتقد به جنگ نبودند و گرنه ما جنگ را همان سال پنجم تمام کرده بودیم. (زمستان ۱۳۷۷، شبکه اول).

۶ – ۵۰. مأخذ ۳۳.

جهانی به دعاوی ایران توجه خواهند داشت، اما برخی دیگر معتقد بودند که آتش بس و توقف جنگ می بایست به طور همزمان صورت گیرد، چون مجامع بین المللی قابل اعتماد نیستند.» (۱) .

آقای رضایی در تداوم این نگرش به کلیت جنگ و راه حل برای اتمام آن، معتقد بود در حوزه ی دیپلماسی انقلابی و دیپلماسی رسمی کشور فعال بود. در دیپلماسی رسمی کشور که وزارت امور خارجه، دولت، مجلس و عمدتا قوای سه گانه پیگیری می کردند، عموما دنبال این بودند که جنگ زودتر تمام بشود و با همه ی کشورها هم صحبت می کردند. سیاست دیگر، سیاست نیروهای انقلاب و امام بود که می گفتند جز با زور نمی توانیم حقوقمان را بگیریم و این زمانی انجام می شود که آن ها بفهمند ما قدرت داریم و در موضع دست بالایی قرار داریم.» (۲) .

بررسی و توجه به نقش و جایگاه امام خمینی در بحث دوگانگی استراتژی موضوع مهمی است. از نظر محسن رضایی، امام از دوگانگی موجود در استراتژی اطلاع داشتند و لذا در مدیریت جنگ سقف و هدف نهایی را سقوط بغداد و کف و حداقل را تثبیت مرزها، تعیین متجاوز، دریافت غرامت و بازگشت اسرا تعیین کردند و امام هرگز از کف عدول نکردند. (۳) .

درباره عملیات های نظامی ایشان می گوید: «استراتژی جنگ به جای اینکه به شکل طرحریزی سلسله عملیات باشد به طرحریزی یک عملیات محدود شد.» (۴) در واقع، عملیات های نظامی پس از فتح خرمشهر به استراتژی سیاسی وصل شد؛ زیرا استراتژی نظامی وجود نداشت. وی برای توضیح این موضوع دو دوره ی جنگ، قبل و بعد از فتح خرمشهر، را مقایسه می کند: «در دوره ی اول هدف، آزادسازی مناطق اشغالی بود که با استراتژی نظامی و طراحی سلسله عملیات اجرا شد و با موفقیت همراه بود. پس از فتح خرمشهر به دلیل اینکه استراتژی سیاسی حاکم بود برای یک عملیات برنامه ریزی می شد.» (۵) «از آزادی خرمشهر به این طرف همیشه برای یک

۱- ۵۱. روزنامه همشهری، ۶ / ۵ / ۱۳۸۲، ص ۱۴، به نقل از سایت بازتاب.

۲- ۵۲. برنامه تلویزیونی سجاده آتش، شبکه اول، زمستان ۱۳۷۷.

۳- ۵۳. مأخذ ۳۵.

۴- ۵۴. مأخذ ۳۹.

۵- ۵۵. مأخذ ۳۵.

عملیات آماده می شدیم تا ببینیم این عملیات جنگ را تمام می کند یا نه. در حالی که اگر سیاست رسمی کشور خاتمه دادن به جنگ از راه نظامی بود، خوب باید ده عملیات طراحی و همه ی کشور را وارد جنگ می کردیم و با این کار جنگ زودتر تمام می شد.» (۱) .

از نظر آقای رضایی استراتژی پیروزی بر اساس یک عملیات، موجب طولانی شدن جنگ شد ضمن اینکه توان و امکانات کشور به جای آنکه در فاصله ایی کوتاه برای هدف مشخص بسیج و به کار گرفته شود و پیروزی قاطع کسب شود، در درازمدت به فرسایش و اضمحلال دچار شد بدون اینکه پیروزی قاطع حاصل شود. (۲) ضمن اینکه دشمن بر اساس درک ماهیت این استراتژی و برای مخدوش کردن دستاوردهای سیاسی - نظامی حاصل از پیروزی در یک عملیات، حملات به شهرها و انهدام زیرساخت اقتصادی و صنعتی کشور را افزایش داده، هزینه های پیروزی را بالا می برد و با دستاوردها موازنه می کرد و مانع از تغییر در موازنه ی جنگ و پایان آن می شد. (۳) .

دوگانگی در استراتژی سبب شد استراتژی نظامی برای سقوط بغداد پیگیری نشود در حالی که پایان دادن به جنگ نیز بدون کسب پیروزی ممکن نبود، به همین دلیل، نقطه ی اتصال و اشتراک دو تفکر، توافق بر اجرای عملیات نظامی با تضمین پیروزی بود. حال آنکه این پیروزی ها بی نتیجه و تأثیر قطعی با پیروزی قاطع نظامی بود. به همین دلیل، پس از عملیات بدر با

۱- ۵۶. مأخذ ۴۲.

۲- ۵۷. آقای رضایی در سال ۱۳۶۴ به هنگام طراحی عملیات فاو در جلسه با فرماندهان طی یک جمع بندی از روند جنگ می گوید: سال اول جنگ می خواستیم با شیوه ی دشمن بجنگیم لذا شکست خوردیم. در سال دوم، جنگ جدیدی را طرح کردیم که دشمن فکر آن را نکرده بود (و پیروز شدیم). سال سوم و چهارم که دشمن (روش ما را) فهمید روی جنگ مطالعه کرد، شیمیایی به کار گرفت (و ما را متوقف کرد). رفتیم در هور جایی که توان دشمن ضعیف بود. ما هور را به عنوان یک گذر در نظر داشتیم و قصدمان نبود آنجا بمانیم ولی به هر حال نوع جدیدی از جنگ بود که وارد آن شدیم. در خیبر می خواستیم بلافاصله به نشوه برسیم و عقبه دشمن را بگیریم. این فرصت می داد ما ابتکار عمل را به دست بگیریم. ما یک جنگ انقلابی و مردمی داریم، اگر توان مناسب با این جنگ را بتوانیم ادامه بدهیم موفق خواهیم بود. وی اضافه کرد: آنچه امام می فرماید استمرار جنگ و ادامه ی جنگ است اگر امام اطلاع پیدا کند که سپاه می گوید تا امکانات نیاید نمی جنگد بدترین خاطره ی تلخ امام خواهد بود. (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش انتخاب منطقه ی فدک، مهر ۱۳۶۵، ص ۱۲۶).

۳- ۵۸. مأخذ ۳۵.

درک جدید از وضعیت سیاسی - نظامی جنگ، طرح جدیدی را سپاه برای اجرای عملیات در کل منطقه جنوب ارائه کرد که مسئولان نپذیرفتند (۱) و نتیجه ی آن بحث ها تنها اجرای یک عملیات در منطقه فاو بود. (۲) .

آقای رضایی همچنین معتقد است به دلیل اینکه در طراحی استراتژی، تهدید را باید در نظر گرفت و بر پایه ی ماهیت آن باید تصمیم گیری کرد، اگر ما تحولات احتمالی نظامی عراق را پیش بینی می کردیم باید زودتر به جنگ خاتمه می دادیم. (۳) ایشان می گوید: «با این حال، اگر در شهریور سال ۱۳۶۶ قطعنامه را می پذیرفتیم مناسب بود؛ زیرا تا اندازه ای بر بندهای قطعنامه ی ۵۹۸ چانه زنی شده بود و از سوی دیگر، برتری نظامی با ایران بود و متکی بر مناطق تصرف شده، در مقایسه با آنچه بعدها اتفاق افتاد، به نحو مناسب تری امکان اتمام جنگ وجود داشت.» (۴) .

ملاحظات نظری درباره استراتژی

ماهیت پیچیده و لایه های پنهان عوامل مؤثر بر نحوه ی پایان جنگ ایران و عراق، دیدگاه ها و پرسش های متفاوت و گوناگونی را به وجود آورده است. آنچه تاکنون در تبیین واقعیات یا پاسخ به پرسش ها بیان شده است با نیازها و ضرورت ها تناسب ندارد. در نتیجه، انتخاب روش مناسب برای بررسی نحوه ی پایان جنگ تا اندازه ای دشوار است.

در این تحقیق فرض بر این است که موضوع و مسئله ی اساسی و محوری شش سال پس از فتح خرمشهر، «پایان دادن به جنگ» است. پیامدهای پیروزی ایران بر عراق به دلیل تعمیق و گسترش اهداف انقلابی ایران، جبهه ی گسترده ای را برای مقابله و مهار پیروزی های این کشور به وجود آورد. در این

ص: ۳۴

---

۱ - ۵۹. در همان جلساتی که برای تصمیم گیری درباره ی پیشنهاد سپاه و سازماندهی ۱۵۰۰ گردان بحث می شد، گفته شد کشور قادر نیست حتی بند پوتین این نیروها را تأمین کند. بعدها در گفت وگوی اختصاصی آقای هاشمی می گوید: کشور از نظر ظرفیت بودجه بیش از این امکانات نداشت، مگر کشور را منهدم می کردیم. (۲۱ / ۱ / ۱۳۸۰).

۲- ۶۰. مأخذ ۳۵.

۳- ۶۱. مأخذ ۳۵.

۴- ۶۲. مأخذ ۳۵.

چالش و رویارویی تدریجا سرنوشت نهایی جنگ و فرایند پایان آن شکل گرفت و تحقق یافت.

هم اکنون رویکرد غالب در انتقاد از علت طولانی شدن جنگ پس از فتح خرمشهر بر دو موضوع متمرکز است: یکی تصمیم گیری ایران پس از فتح خرمشهر و دیگری واکنش اولیه ی ایران در برابر تصویب قطعنامه ی ۵۹۸. این تصور وجود دارد که ایران پس از فتح خرمشهر می توانست با گرفتن غرامت به جنگ خاتمه دهد. غیر از این، پس از تصویب قطعنامه ی ۵۹۸ در تیرماه ۱۳۶۶ مجددا فرصتی فراهم شد تا جنگ خاتمه یابد ولی ایران از پذیرش قطعنامه خودداری کرد و سرانجام یک سال بعد، پس از پیدایش وضعیت جدید نظامی در جبهه ها، سرانجام قطعنامه را پذیرفت.

در این رویکرد، اهداف، تصمیم گیری، استراتژی و تلاش های سیاسی - نظامی ایران در کانون توجهات و در نتیجه نقد قرار می گیرد. به نظر می رسد این رویکرد بیشتر به موضوع و مسائل از درون و با ملاحظات سیاسی توجه می کند به همین دلیل جامعیت ندارد. به عبارت دیگر، با رویکرد درونی و بدون توجه به سایر ابعاد و ملاحظات نمی تواند روند تحولات جنگ را پس از فتح خرمشهر برای روشن کردن این موضوع که چرا جنگ این گونه به پایان رسید، بررسی کرد.

در پاسخ به پرسش «چرایی و چگونگی» پایان یافتن جنگ ها از نظر تئوری خلأ وجود دارد ولی در مطالعات اخیر تمرکز بر عوامل شروع جنگ جای خود را به موضوع ختم جنگ داده است. (۱) در این زمینه چهار تئوری درباره ی پایان جنگ وجود دارد که به آن اشاره می شود: (۲) .

۱- نظریه ی پیروزی و شکست؛ در این نظریه جنگ تنها زمانی به پایان می رسد که یکی بر دیگری پیروز شود. در این نظریه تأکید بر «برنده و بازنده» است که معیار آن تصرف سرزمین، سقوط دولت، تعداد اسرا، انهدام

۱- ۶۳. جک لووی، «تئوری جنگ و صلح»، ترجمه ماهنامه نگاه، ماهنامه نگاه، شهریور ۱۳۸۱، شماره ۲۶، ص ۵، به نقل از کینگ، ۱۹۹۷.

۲- ۶۴. این بحث با استفاده از جلسه گزارش پایان نامه دکتری آقای مصطفی زهرانی درباره ی پایان جنگ تهیه و تنظیم شده است.

تجهیزات و کسب غنایم می باشد. نمونه ی اخیر این نوع پایان جنگ، پیروزی امریکا بر عراق و سقوط صدام است.

۲- نظریه ی سود و زیان؛ در این نظریه افزایش هزینه ها در مقایسه با دستاوردها می تواند موجب پایان دادن به جنگ شود. عراق در جنگ با ایران حمله به مراکز غیرنظامی و نفتکش ها و استفاده از سلاح های شیمیایی را با همین هدف دنبال می کرد. امریکایی ها نیز استراتژی جدیدی را به نام «از بین بردن اصل امید» طراحی و اجرا کردند تا برای ایران مشخص شود که هزینه ی ادامه ی جنگ و کسب هر پیروزی، بیشتر از دستاوردهای آن است. این روش در تعیین فرایند نهایی جنگ و تصمیم ایران برای پایان دادن به جنگ مؤثر بود.

۳- نظریه تغییر رهبری؛ این نظریه با ملاحظاتی همراه است. همان گونه که درباره ی وقوع جنگ بر نقش رهبری یا رهبران تأکید می شود در پایان دادن به آن نیز به این موضوع توجه شده است. فرض بر این است که در کادر رهبری دو گروه بازها و کبوترها وجود دارند که طرفدار جنگ یا صلح هستند.وقتی جنگ روند تصاعدی به خود گرفت از طریق تقویت و حمایت از کبوترها می توان به جنگ پایان داد. برخی از صاحب نظران و تحلیلگران درباره ی ماهیت ماجرای مک فارلین معتقدند که امریکا برای پایان دادن به جنگ به دنبال تماس با میانه روها در داخل ایران بود.

۴- تغییر نظم دوم؛ «کوهن» در نظریه ی پارادایم معتقد است تمام علوم تحت تأثیر پارادایم های مختلف قرار دارند. مثلا در فیزیک جاذبه پارادایم مسلط است، در اقتصاد عرضه و تقاضا و در سایر علوم نیز به همین ترتیب است. روانشناسی رهبران می گوید پارادایمی در ذهن اشخاص شکل می گیرد که آن ها را رها نمی کند، جنگ یک راه حل است وقتی با شکست به نتیجه نرسید پارادایم ذهنی رهبران تغییر می کند و به سمت صلح حرکت می کنند. بر اساس این نظریه، نظم اول برای جنگ است و نظم دوم برای صلح. ساز و کارهای تغییر پارادایم شامل، اطلاعات جدید، تغییر شرایط، جابه جایی آدم ها

و نقش ها است. در مجموع وقتی ادامه ی جنگ ارزش های کانونی را به خطر اندازد به تغییر پارادایم منجر می شود.

با این توضیحات آیا پایان جنگ ایران و عراق را که جنگی جهان سومی بود با ویژگی ها و اختصاصاتش می توان در چارچوب این تئوری ها بررسی کرد؟ جنگ ایران و عراق در روندی هشت ساله با فراز و فرود زیاد، تحت تأثیر مداخله ی قدرت های بزرگ، تأثیر فرهنگ ها و عقاید، بافت و ترکیب نیروها و نوع آموزش و سلاح ها و سایر عوامل دیگر جریان داشته است لذا توضیح آن در چارچوب نظریه ای واحد تا اندازه ای دشوار است.

بر پایه ی این ملاحظات و با فرض اینکه تحولات جنگ در شش سال حاصل اهداف استراتژی و اقدامات بازیگران مختلف به ویژه ایران و عراق است، در نتیجه، به استراتژی و اقدامات ایران و عراق که نقطه ی ثقل و کانون تحولات جنگ بودند توجه شده است. به نظر می رسد با تمرکز بر استراتژی و اقدامات ایران و عراق می توان ماهیت تحولات سیاسی - نظامی جنگ و علت طولانی شدن آن و مهم تر از همه نحوه ی پایان جنگ را تا اندازه ای درک و تبیین کرد.

بر این اساس، در این کتاب به مفهوم استراتژی که چارچوب نظری برای تحلیل و تبیین تفکرات، تصمیمات و رفتارهای ایران و عراق است توجه شده است.

الف) مفهوم استراتژی در بستر تحولات تاریخی و بر اثر کاربرد وسیع در حوزه های مختلف به تدریج دستخوش تغییر شده است. (۱) مفهوم اولیه استراتژی به «هنر فرماندهان» نظامی یا «هنر و ظرایف جنگ» (۲) دلالت می کرد، لذا فرمانده لشکر لقب «استراتژ» داشت. تغییر ابزار و روش های جنگ

۱- ۶۵. جان بیلیس و جیمز ویرتر در کتاب استراتژی در جهان معاصر به این پرسش که مفروضات فلسفی محققان، نظامیان و سیاستمداران در خصوص استراتژی چیست؟ پاسخ می دهند و می نویسند: استراتژیست های معاصر در غرب به سنت فکری مشابهی تعلق دارند. آنان به مجموعه ای از مفروضات درباره ی ماهیت سیاست بین الملل و گونه ای از منطق که توجیه گر مسائل سیاسی - نظامی است، باور دارند. این مفروضات اغلب در قالب رئالیسم قرار دارد. اگر چه میان رئالیست ها تفاوت هایی وجود دارد، اما دیدگاه ها و مفروضات آنان تقریبا مشابه یکدیگر است. این موارد را می توان تحت عناوین ماهیت انسان، آنارشی و قدرت، حقوق بین الملل، اخلاقیات و نهادها، دسته بندی کرد. (ترجمه ی کابک خبیری - انتشارات ابرار معاصر، تهران، بهار ۱۳۸۲، ص ۲۵ و ۲۶).

۲- ۶۶. جومینی پس از مشاهده جنگ های ناپلئونی کتابی را تحت عنوان هنر و ظرایف جنگ نوشت.

از سنتی به مدرن بر این مفهوم نیز تأثیر گذاشت. علاوه بر این استفاده ی مفهوم استراتژی در سایر حوزه ها به ویژه در امور اقتصادی و مدیریتی موجب توسعه این مفهوم و برداشت ها و تعاریف متفاوت از آن شده است.

نظر به اینکه مفاهیم امری ذهنی و با ادراک واقعیت ها مرتبط اند و از سویی در پاسخ به نیازها در حوزه نظر و عمل به وجود می آیند لذا تعریف واحد از مفاهیم به ویژه استراتژی و تعیین مرزها و کارکردهای آن تا اندازه ای دشوار است؛ به همین دلیل نباید مفاهیم را محدود و محصور کرد و لازم است برای توسعه و تکامل آن انعطاف نشان داد. به ویژه اینکه گفته می شود در دوره جدید برای تعریف مفاهیم، بحران معنا وجود دارد.

در ادامه بحث، رویکردهای موجود به استراتژی و تعریف آن در یک دسته بندی کلی با تأثیر از نظریه ی مینتس برگ بر مبنای پاسخ به پرسش های مختلف بررسی شده است: (۱) .

۱- برای رسیدن به هدف چگونه باید عمل کرد؟

در پاسخ به این پرسش بر استراتژی به مفهوم Plan (نقشه) تأکید می شود. در این تعریف برای عمل به نقشه و برنامه نیاز است تا سلسله اعمال برای تأمین اهداف طراحی شود. در واقع استراتژی طرح و اندیشه ی قبل از عمل و برای نیل به اهداف است.

۲- برای عمل، به چه تدابیر و تمهیداتی نیاز است؟

در پاسخ به این پرسش به معنای Palecy (سیاست) خطوط کلی و راهنما برای عمل است برای تأمین اهداف بر خط مشی و چارچوب های کلی تأکید می شود. در اینجا مفهوم استراتژی شأن اندیشه ای و نظری دارد و پشتوانه ساز عمل است. به عبارت دیگر، مبانی و منطق و چارچوب کلی عمل را توضیح می دهد و مشخص می کند.

۱- ۶۷. این بحث حاصل استفاده از کتاب خانم سعیده لطفیان (استراتژی و روش های برنامه ریزی استراتژیک)، گزارش تهیه شده به همت مؤسسه تحقیقاتی وزارت دفاع برای تهیه استراتژی امنیت ملی، گفت وگوی اختصاصی با دکتر حسینی تاش جانشین محترم وزیر دفاع و جلسات متعدد با سردار رشید جانشین محترم رئیس ستاد کل نیروهای مسلح می باشد.

۳- مقصد کجاست و به کجا باید رفت؟

در پاسخ به این پرسش استراتژی به معنای Perspective (چشم انداز) است. در واقع تصورات ذهنی پایدار از جهان ترسیم می شود و شکل گیری اندیشه جمعی و دیدگاه مشترک ساماندهی و هدایت امکانات و توانمندی ها را به سمت چشم اندازهای ترسیم شده، موجب می شود.

۴- استراتژی برای چه چیزی است؟

در پاسخ به این پرسش استراتژی به مفهوم Position (موقعیت) ناظر به تلاش برای دستیابی موقعیت برتر است. در واقع، هدف در صحنه ی عمل و برآیند نهایی رسیدن به اهداف و تأمین آن که همانا کسب برتری و حفظ آن می باشد.

۵- استراتژی چگونه انتخاب می شود؟

در پاسخ به این پرسش استراتژی به مفهوم Pattern (الگو و راهنمای عمل) است. الگوی رفتاری و شیوه های موفق به عنوان الگو برای عمل انتخاب می شود. در واقع با بررسی برآیند نهایی حاصل از عمل و ارزیابی آنچه در عمل صورت گرفته است و میزان موفقیت آن در دستیابی به اهداف، الگوهای عمل انتخاب می شود.

این توضیحات نشان می دهد که عوامل متفاوتی در ایجاد رویکردهای مختلف در تعریف مفهوم استراتژی نقش و تأثیر دارد که به آن اشاره می شود:

۱- مفهوم و کاربرد استراتژی. گاهی در پاسخ به این پرسش که استراتژی چیست و چه کاربردی دارد و چگونه حاصل می شود، مفهوم تعریف می شود. در این چارچوب تأکید و توجه به ضرورت الگو، نظم و ساماندهی امکانات در رسیدن به اهداف و ایجاد تناسب میان اهداف و امکانات بوده است.

۲- ضرورت عمل و چگونگی آن. گاهی در پاسخ به این پرسش که چه باید کرد؟ هدف و مقصد چیست و چگونه می توان عمل کرد و موفق شد؟ مفهوم استراتژی تعریف می شود. در این چارچوب نقشه و الگوهای عمل بیشتر مورد توجه است.

۳- تحلیل یک واقعه یا موضوع مهم. گاهی وقوع یک رخداد یا موضوع مهم موجب طرح پرسش از علت و منشأ آن می شود و اینکه نتیجه از چه عواملی

متأثر است؟ در پاسخ به این پرسش مفهوم استراتژی به معنای بررسی تفکر، رفتار، تصمیمات و برآیند نهایی سلسله اعمال است. به همین دلیل استراتژی با بررسی آنچه عمل شده و تجزیه و تحلیل آن تبیین می شود.

با این توضیح مقدماتی به ملاحظات مورد نظر درباره استراتژی اشاره خواهد شد. کلازویتز استراتژی را«هنر به کارگیری نیرو به عنوان ابزار نیل به اهداف جنگ» می داند. مولتکه استراتژی را «انطباق عملی ابزار در اختیار یک ژنرال برای نیل به هدف» تعریف می کند. لیدل هارت «استراتژی را هنر توزیع و به کارگیری ابزار نظامی برای تأمین اهداف سیاسی» می داند.آندره بوفر می گوید: «استراتژی هنر برخورد نیروها است. هنر برخورد و اراده که برای حل اختلافات خود از زور استفاده می کنند.» (۱) در اندیشه های استراتژیک معاصر در امریکا تعریف متداول از استراتژی عبارت است از: «علم، فن یا طرح برای تشکیل، تجهیز و به کارگیری نیروهای نظامی یک ملت یا یک اتحاد موقتی از ملت ها به منظور حفظ منافعش در برابر دشمنان بالفعل، بالقوه یا صرفا تصوری.» درفرهنگ لغات وبستر درباره ی استراتژی آمده است: «علم و هنر به کار گرفتن نیروهای سیاسی، اقتصادی، روانی، نظامی یک ملت یا گروهی از ملت ها برای حداکثر حمایت از سیاست های اخذ شده در جنگ یا صلح.» در فرهنگ وبستر استراتژی به این صورت هم تعریف می شود «علم برنامه ریزی و نظارت بر عملیات نظامی.» (۲) .

دو مفهوم «علم و هنر» برای توضیح ماهیت استراتژی، در تفکرات رئالیست ها معنای متفاوتی دارد. واقع گرایان معتقدند باید با دستیابی به توانمندی های نظامی و ثروت، قدرتمند شد. استراتژی قوی، استراتژیی است که این موارد را کاملا مد نظر دارد. در این حالت استراتژی هنر است، هنری که بیشتر به امر تولید قدرت (۳) توجه دارد تا استفاده از آن. این امر نیازمند

۱– ۶۸. جان بیلیس و جیمز ویرتز، استراتژی در جهان معاصر، ترجمه کابک خبیری، انتشارات ابرار معاصر، تهران، بهار ۱۳۸۲، ص ۳۷.

۲– ۶۹. سعیده لطفیان، استراتژی و روش های برنامه ریزی استراتژیک، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۶، ص ۴ و ۵.

۳– ۷۰. واقع گرایان می گویند قدرت پدیده ای چند بعدی است که هر دو مؤلفه ی نظامی و غیرنظامی را دارد. نظریه پردازان واقع گرا چارچوب هایی برای دسته بندی عناصر قدرت ملی تدوین کرده اند. این گونه توانایی ها نه تنها نیروهای نظامی بلکه سطوح تکنولوژی، جمعیت، منابع طبیعی، عوامل جغرافیایی، شکل حکومت، رهبری سیاسی، استراتژی و ایدئولوژی را نیز در بر می گیرند. به طور خلاصه، قدرت مرکب از عوالم کیفی و کمی است. کارآیی قدرت به عنوان مجموعه ای از توانایی ها، از یک طرف با اهدافی که برای تحقق آن ها از قدرت استفاده می شود و از طرف دیگر، با وسایل موجود در دسترس سایر بازیگرانی که قدرت، هماهنگ با آنان یا علیه آنان به کار می رود رابطه ای ضروری دارد. (جیمز دوئرتی و رابرت فالتزگراف، نظریه های متعارض در روابط بین الملل، ص ۱۴۴).

نگرش استادانه به قدرت است که تنها در روابط سیاسی وجود دارد. مبنای این روابط آن است که بازیگران می توانند رفتار دیگران را بر اساس منافع خود شکل دهند. (۱) در دیدگاه واقع گرایی ساختاری این اعتقاد وجود دارد که آنچه مهم است تعاملات میان نوع تعریف ما از جهان و نوع عمل ما بر اساس این تعریف است. از این منظر، استراتژی وسیله ی محقق ساختن اهداف تعریف شده است. با چنین دیدگاهی، استراتژی باید تصویری شفاف از پویایی روابط میان هدف و وسیله ارائه نماید. (۲) .

ب) جوهر استراتژی بر تعامل میان هدف و وسیله استوار است. کالین گری در کتاب خود می نویسد: «استراتژی ایده دو جانبه است، ویژگی دو پهلوی آن دربردارنده برقراری توازن میان امکانات و اهداف ملی و تعامل رقابتی میان عملکرد نیروهای خودی و دشمن است.» (۳) هدف در جنگ متأثر از سیاست است و وسیله در واقع به کارگیری زور و قدرت نظامی است. چنانکه کلازویتز، مولتکه، لیدل هارت و آندره بوفر همگی اشاره به کاربرد قدرت نظامی در اهداف جنگ دارند. در واقع استراتژی کاربرد قدرت نظامی برای کسب اهداف سیاسی است. به عبارت دقیق تر، استراتژی تئوری و عمل استفاده و تهدید به استفاده از قدرت سازماندهی شده برای کسب اهداف و مقاصد سیاسی است (۴) (گری ۱۹۹۹م). کیسینجر در توضیح به هم پیوستگی جنگ و سیاست (ابزار و هدف)، می گوید: «جداکردن استراتژی و سیاست ممکن نیست. قدرت نظامی باعث کاربرد حداکثر قدرت می شود و همین امر دیپلماسی را وارد عمل می کند. (۵) توضیح کیسینجر به این معنا است که چون قدرت نظامی باعث به کارگیری حداکثر قدرت می شود در نتیجه، بر اثر پیامدهای چنین موضوعی فعالیت های دیپلماتیک افزایش می یابد.

ص: ۴۱

۱- ۷۱. مأخذ ۵۳، ص ۴۲۳، نتیجه گیری آینده مطالعات استراتژیک.

۲- ۷۲. مأخذ ۵۳، ص ۴۲۳، نتیجه گیری آینده مطالعات استراتژیک.

۳- ۷۳. کالین گری، «سلاح جنگ افروز نیست»، ترجمه احمد علیخانی، دوره عالی جنگ سپاه، ۱۳۷۸، ص ۶.

۴- ۷۴. مأخذ ۵۳، ص ۲۲.

۵- ۷۵. مأخذ ۵۳، ص ۲۳.

ج) در شرایط سیاسی و پیچیده ابعاد و به هم پیوستگی های موجود در استراتژی، در ایجاد توازن میان اهداف و ابزار، استراتژی را به پدیده ای بسیار پویا و متحول تبدیل کرده است. پویایی در استراتژی بیش از آنکه در مفهوم و تکامل آن باشد، متأثر از نقش و تأثیر واقعی استراتژی در صحنه ی رویارویی دو اراده در برابر هم است.

کلازویتز در توضیح سرنوشت جنگ به پویایی استراتژی اشاره می کند و معتقد است: «نبرد یا لشکرکشی آینده همان قدر به تصمیم خود او بستگی دارد که به تصمیم حریف.» (۱) تغییر در استراتژی و اهداف نیز متأثر از رویارویی دو اراده ی متفاوت در جنگ است. «در جریان نبرد، حتی مصمم ترین فرماندهان نیز برای جلوگیری از نابودی کامل ارتش خود ممکن است مجبور شود، شکلی از جنگ (هدف و استراتژی آن) را به شکلی دیگر تبدیل کند.» (۲) آلتر اسمیت در این زمینه می نویسد: وقتی جنگ ها طولانی می شوند، کشورها با وضعیت احتمالی متفاوتی مواجه می شوند و در نتیجه استراتژی های مختلفی را انتخاب می کنند. (۳) بنابراین، استراتژی ماهیتی متحول و پویا دارد و بر اثر تغییر اوضاع صورت های جدیدی به خود می گیرد. به همین دلیل، نمی تواند در جنگی طولانی از ثبات در استراتژی سخن گفت، بلکه باید در شرایط مختلف برای تأمین اهداف، استراتژی های متفاوتی را برگزید.

د) نقش و تأثیر استراتژی و مهم تر از آن اهمیت و ضرورت آن متأثر از این امر است که به نوشته ی دانیل موران «با کاربرد زور در جهت دفاع از منافع یک جامعه سر و کار دارد.» (۴) این موضوع ابزاری بودن جنگ را بیان می کند که کلازویتز بیش از این، به آن اشاره و تأکید می کند. بنابراین، چگونگی سازماندهی و استفاده از نیروی نظامی در جهت اهداف و منافع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیک در واقع منطق و عمل جنگ را توضیح می دهد. (۵) در عین حال این مهم بر ضرورت استراتژی تصریح می کند؛ زیرا جنگ اقدام سازمان یافته ی اجتماعی است و استراتژی که محاسبه ی کاربرد خشونت در جهت خاص است، امری لازم و ضروری برای آن محسوب می شود. (۶) .

۱- ۷۶. وب گالی، فیلسوفان جنگ و صلح، ترجمه محسن حکیمی، نشر مرکز، ۱۳۷۲، ص ۸۶.

۲- ۷۷. همان.

۳- ۷۸. آلتر اسمیت، «پیکار در نبردها - پیروزی در جنگ ها»، ترجمه صالح رضایی پیش رباط، فصلنامه امنیت ملی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، شماره ۱، پاییز ۱۳۷۸، ص ۹۴ و ۹۵.

۴- ۷۹. مأخذ ۵۳، ص ۴۶.

۵- ۸۰. مأخذ ۵۳، ص ۴۶.

۶- ۸۱. مأخذ ۵۳، ص ۴۴.

جان پیترز می گوید: اهمیت استراتژی از این حقیقت ناشی می شود که ابزارهای مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی یک ملت با وجودت کاربردهای مختلف، باید برای یک هدف مشخص و مشترک سیاسی استفاده شود. پیدا کردن بهترین راه، که این همه را در یک نقطه به هم برساند، وظیفه استراتژی است، طبیعتا، ملتی مدرن، منابع خود را متناسب با استراتژی های چندگانه طراحی می کند. (۱) .

لارنس فریدمن از زاویه ی دیگری به اهمیت استراتژی توجه کرده است: «استراتژی از آن جهت اهمیت دارد که معتقد است انسان ها و گروه ها یا دولت ها همگی با انتخاب های واقعی مواجهند و این تصمیمات را بر اساس منطقی خاص اتخاذ می کنند. استراتژی یک بازیگر را بر اساس منافع خاص آن بازیگر تحلیل می کند.» (۲) .

با این توضیح، استراتژی برخلاف تئوری، اقدامی است پرخطر، چرا که یک جامعه یا گروهی از انسان ها از آن متأثر می شوند. بنابراین مسئولیت آن بسیار بالا است. عمل استراتژیک علیه مخالفان با بسیج منابع و انسان در جهت اهداف دولت است. اگر اهداف درست مشخص نشود، طرح و نقشه استراتژیک درست درک نمی شود، منابع در دسترس نخواهد بود و استراتژی شکست می خورد و مسئولیت این شکست بر عهده ی استراتژیست ها است. (۳) .

یکی از دلایل اهمیت استراتژی این موضوع است که برای دستیابی به هدف با ابزارهای مختلف روبه رو است و از دیگر سو، انتخاب بهترین راه برای رسیدن به هدف، وظیفه ی استراتژی مطلوب است. در نتیجه، استراتژیست باید تصمیم و انتخابی واقعی (۴) و درست بگیرد. از این منظر، مفهوم استراتژی فراتر از طرح و برنامه، بلکه الگوی تصمیم گیری است. در نتیجه، باید میان طرح استراتژیک و استراتژی تفاوت قائل شد. طرح استراتژیک از قبل تهیه می شود و مبنای عمل است ولی آنچه عمل شد به آن «جاافتادگی الگوی تصمیمات» گفته می شود. (۵) خانم لطفیان در این زمینه می نویسد: استراتژی، الگویی است در دسته ای از تصمیمات یا کارها، و این الگو از استراتژی های

ص: ۴۳

---

۱ – ۸۲. جان پیترز، معماری نظامی امریکا بر پایه نظم نوین جهانی، ترجمه سید حسین محمدی نجم، انتشارات دوره عالی جنگ سپاه، ۱۳۷۸، ص ۲۰۲ و ۲۰۳.

۲– ۸۳. مأخذ ۵۳، ص ۴۲۰ و ۴۲۱.

۳– ۸۴. مأخذ ۵۳، ص ۴۱۹.

۴– ۸۵. مأخذ ۵۳، ص ۴۲۰ و ۴۲۱.

۵– ۸۶. سید علی حسینی تاش، «تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق»، دوره عالی جنگ سپاه، ۲۴/ ۱ / ۱۳۷۴.

طرح شده که از قوه به فعل آورده شده اند (یعنی عملی شده اند) و نیز استراتژی های طرح نشده (و پیش بینی نشده) منتج شده است. (۱) .

با این توضیح برای بررسی استراتژی ها تصورات، اهداف و طرح های قبل از عمل مهم نیست. استراتژی استخراج یک موضوع بعد از عمل است نه ماقبل از آن. یعنی قبل از عمل نمی شود گفت که استراتژی چیست؟ می شود گفت طرح استراتژیک چیست؟ (۲) - (۳) .

ه) گزینش استراتژی مطلوب بر حسب میزان «هزینه و دستاوردها» صورت می گیرد. در واقع، نقطه ی ثقل تصمیم گیری در انتخاب استراتژی ایجاد موازنه میان هزینه ها و دستاوردها برای تأمین اهداف است. استراتژی های معطوف به «کمترین هزینه ها، بالاترین دستاوردها» و سریع ترین زمان پایان پذیرفتن، به محاسبات مستمری نیاز دارد (۴) و در صورتی که این استراتژی موفق نشود نتیجه ی معکوس خواهد داشت، بدین معنا که «بالاترین هزینه ها، با کمترین دستاورد» و طولانی ترین زمان ممکن همراه خواهد شد.

بالابردن سطح مخاصمات در مناقشه ی سیاسی یا نظامی، که تصاعد در جنگ نامیده می شود، با افزایش دادن خشونت به امید کسب نتیجه ی مطلوب، (۵) صورت دیگری از استراتژی است که «بالاترین هزینه برای کسب بیشترین دستاورد» است. در واقع، وقتی هزینه ی جنگ بیشتر و نتیجه نامطمئن تر شود سطح اجبار و زور بالا می رود. تصاعد معمولا نتیجه ی تصمیمات رزمی (جنگی) یکی از طرفین است که تحت تأثیر اقدامات طرف دیگر، اتخاذ می شود. (۶) خصوصیت افزایش تصاعد در جنگ، و گسترش آن این است که می تواند خود را بر هدف جنگ تحمیل نماید (۷) و در نتیجه بر تغییر وضعیت و تغییر استراتژی ها اثر می گذارد. کلازویتز بر این نظر است که روند

۱- ۸۷. مأخذ ۵۴، ص ۷.

۲- ۸۸. درباره ی این موضوع آقای حسینی تاش معتقد است جنگ ما جنگی بود که استراتژی با عملش حتی طرح استراتژیک با عملش با هم بوده است. اجرای طرح های قبلی مو به مو نبوده است. ضمن عمل همان موقع استراتژی را انجام می دادیم. بنابراین، برای استخراج استراتژی می توانیم به تحلل پدیده متکی باشیم. تحلیل تصمیمات، بناهایی است که گذاشته می شود برای عمل. (تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق - دوره عالی جنگ سپاه، ۲۴ / ۱ / ۱۳۷۴).

۳- ۸۹. مأخذ ۷۰.

۴- ۹۰. جیمز دوئرتی - رابرت فالتزگراف، نظریه های متعارض در روابط بین الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، نشر قدس، ۱۳۷۶، ص ۵۴۵ و ۵۴۶.

۵- ۹۱. جفری ام الیوت - رابرت رجنبالد، فرهنگ اصطلاحات سیاسی استراتژیک، ترجمه میر حسین رئیس زاده لنگرودی، انتشارات معین، ۱۳۷۳، ص ۱۳۲.

۶- ۹۲. همان، ص ۲۸.

۷– ۹۳. مأخذ ۵۳، ص ۵۷، به نقل از دانیل موران.

تصاعد در جنگ به این معنا است که دشمن آمادگی داشته باشد حداکثر جد و جهد را در راه رسیدن به هدفش به کار ببرد، شما هم چاره ای جز مقابله به مثل ندارید؛ بنابراین، باید عروج منطقی به مرحله ی «جنگ تام» را پذیرفت. (۱) .

این توضیح نشان می دهد چگونه ماهیت استراتژی طرفین درگیر در جنگ تدریجا تحت تأثیر اهداف و رفتار یکدیگر و تغییر اوضاع می تواند دگرگون شود. فرضا وقتی تعادل دشمن بر هم خورد و قابلیت دفاعی خود را از دست داد، (۲) منطق نظامی ایجاب می کند با استفاده از فرصت به حملات ادامه داد و با تمام قوا به دشمن ضربه زد. (۳) متقابلاـ برای مقابله ی با این وضعیت از حداکثر توان برای پاسخ دادن به دشمن استفاده می شود. در چنین وضعیتی تا اندازه ای کنترل جنگ دشوار می شود؛ زیرا تصاعد در جنگ به معنای آغاز شمارش معکوس برای تصمیم گیری نهایی و پایان دادن به جنگ است. آلتر اسمیت در این زمینه می نویسد: «در جریان هر یک از اقدامات متقابلی که کشورها مکررا انجام می دهند یکی از طرفین ممکن است از دیگری امتیاز کسب کند. امتیازات یک کشور ممکن است در طول زمان جمع شود تا به مرحله ی تفوق کامل بر دشمن برسد. همچنان که اگر جنگ در حالت توازن باقی بماند این موفقیت ها بی اثر می گردد. اقدامات متقابل کشورها علیه یکدیگر آنقدر ادامه می یابد تا یکی از طرفین به چنان موفقیتی برسد که طرف مقابل دیگر توان مقاومت نداشته باشد. یا اینکه یک طرف تصمیم بگیرد متارکه جنگ نماید. به زبان ساده، کشورها تا آن زمان می جنگند که یکی از آن ها دیگری را به طور قطعی شکست دهد یا اینکه یکی از آن ها تسلیم شود.» (۴) .

و) بر اثر تحولات در جنگ، در استراتژی بر پایه ی درک متفاوت از شرایط و تهدیدات، دوگانگی به وجود می آید و این امر به ارائه ی ایده ها و نظریات متفاوتی برای تصمیم گیری و حل مسائل منجر می شود. تشدید جنگ و طولانی شدن آن گرچه از عوامل مختلف بویژه استراتژی و رفتار طرفین در جنگ متأثر است ولی همین پدیده به ظهور دوگانگی در استراتژی منجر می شود که به معنای ارائه دادن طرح ها و راه حل های متفاوت برای تصمیم گیری است.

۱- ۹۴. مایکل هاوارد، کلازویتز (و نظریه جنگ)، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۷، ص ۹۲.

۲- ۹۵. همان، ص ۸۳.

۳- ۹۶. همان، ص ۷۶.

۴- ۹۷. مأخذ ۶۲، ص ۷۶.

بدیهی است بهترین استراتژی آن است که از نظر جامعیت و قطعیت بسیار قوی باشد. (۱) اگر استراتژی این مشخصه را نداشته باشد و دچار دوگانگی شود به دلیل تجزیه ی قدرت، زیان های جبران ناپذیری خواهد داشت؛ زیرا تصمیم گیری منسجم را بین می رود و در حالی که کشور هزینه ی بالا-یی را متحمل می شود دستاوردهای مناسبی کسب نخواهد کرد و تدریجا توانایی ملی برای ادامه ی جنگ تضعیف خواهد شد و جنگ با پیروزی دشمن به پایان می رسد.

از نظر نویسنده ضمن پذیرفتن آنچه صاحب نظران درباره ی مفهوم استراتژی بیان کرده اند، این مفهوم با تعریف زیر مورد استفاده قرار گرفته است: استراتژی روش کاربرد ابزار و مقدورات نظامی برای نیل به اهداف سیاسی است که علاوه بر تعیین اولویت ها، تناسب لازم را میان اهداف و ابزار و مقدرات برقرار می سازد. استراتژی در برآیند ارزیابی تهدیدات و تعیین اهداف شکل می گیرد و به مثابه چارچوب و راهنمای کلی برای سلسله اقدامات و رفتارها، نظم و انسجام لازم را در عرصه ی نظر و عمل، در حوزه های مختلف ایجاد می کند. استراتژی و به تبع آن تصمیمات استراتژیک بازیگران در جنگ، نقش اساسی در تغییرات و در نتیجه، در پیروزی یا شکست داد. همین امر، ضرورت تجزیه و تحلیل تغییر و تحولات جنگ و بررسی فرایند نهایی آن را در چارچوب استراتژی آشکار می سازد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر با هدف توصیف به معنای گزارش و تحلیل روندهای منتهی به پایان جنگ و تبیین به معنای کشف چرایی و چگونگی نحوه ی پایان جنگ، دنبال می شود. جمع آوری داده ها در این بررسی از طریق تحقیق میدانی و کتابخانه ای برای بررسی روندها، تصمیم گیری و اقدامات ایران و عراق در حد فاصل پس از فتح خرمشهر در خرداد ۱۳۶۱ تا برقراری آتش بس در مرداد ۱۳۶۷ در چارچوب مفهوم استراتژی، انجام خواهد شد. چنانکه روشن است واحد تحلیل در این بررسی استراتژی ایران و عراق در دو عرصه ی سیاسی و نظامی در جنگ است.

۱- ۹۸. مأخذ ۷۷، ص ۷۷ و ۷۸.

ضمیمه: بررسی دیدگاه ها

۱- افرایم کارش (۱) بـا توجه به برآینـد نهایی جنگ ایران و عراق و ماهیت درگیری ها و نتایـج آن معتقـد است: «مبالغه آمیز نخواهـد بود اگر گفته شود هر دو ابرقـدرت (۲) عراق را از نـابودی حتمی نجات بخشـیده انـد. اتحاد جماهیر شوروی با تأمین سلاـح و تـدارکات جنگی مورد نیـاز در مواقع بحرانی و ایالاـت متحـده امریکـا با خودداری از تحویل سـلاح های تهاجمی به ایران به این امر کمک شایانی کرده انـد.» وی سـپس اضافه می کند: «ایران با وجود اینکه سـلاح هایی را از منابع گوناگون به دست آورد و جنـگ را ادامه داد، لیکن خـارج از تـوان این کشـور بود که نیروهـای خود را تـا آن حـد تجدیـد سـلاح کنـد و سازمان دهد که موجب چیرگی بر عراق گردد.» (۳) .

کارش همچنین با اشاره به عوامل و متغیرهای مختلف در جنگ معتقـد است: «جنگ ایران و عراق تأثیر قطعی روحیه ی ملی را در ادامه ی جنـگ به خوبی نشـان داد. این جنگ به صورت برخورد طولانی تمایلات ملی درآمـده و بافت اجتماعی دو طرف متخـاصم و وضـعیت روحیه ی ملی آن هـا را منعکس می سـازد.» (۴) وی در توضـیح این موضوع می گویـد در مراحـل اولیه جنگ، روحیه ی ملی ایرانیان موجب عقب نشـینی های عراق شد ولی با ادامه ی جنگ پس از فتح خرمشـهر، روحیه ی جنگی عراق به هنگام دفاع از سرزمینشان در حد بسیار زیادی به موفقیت های تدافعی عراق منجر شد. وی سپس نتیجه می گیرد:

«جنـگ نشان داد که در سـطح عملیاتی، روحیه اهمیت دارد اما شـرط کافی برای اتخاذ تصـمیم نظامی نمی باشـد اگرچه برای ادامه ی یک جنگ طولانی روحیه

۱- ۹۹. افرایم کـارش، یهودی، از محققان و تحلیلگران امور نظامی و استراتژیک است که جنگ ایران و عراق را در مقالات و کتب متعـددی بررسـی کرده است که در این بررسـی به برخی از منـابعی که از نویسـنده در اختیار بوده است اسـتناد می شود. (اجتناب ناپذیری جنگ، پاورقی ص ۸۶).

۲- ۱۰۰. رالف کینـگ در مقـاله ی «جنـگ ایران و عراق مفاهیم سیاسـی» درباره ی ماهیت سـیاست و قـدرت های بزرگ در حمایت از عراق می نویسـد: تا مادامی که حکومت ایران ستیز خود با هر دو ابرقدرت را حفظ می کند و دست از تفکر «دفاع» یـا اشـاعه انقلاـب اسـلامی بر نمی دارد، بزرگ ترین منبع عراق، حمـایت خارجی است». (نشـریه ی ادلفی پی پر، ترجمه ی خ ج.ا.، ۲۱ / ۴ / ۶۶، ویژه نامه بررسی جنگ تحمیلی و بحران خلیج فارس، معاونت سیاسی ستاد کل، مهر ۱۳۶۶، ص ۱۴۷).

۳- ۱۰۱. افرایم کارش، «جنگ ایران و عراق - یک تجزیه و تحلیل نظامی»، نشریه ادلفی پی پر، بهار ۱۹۸۷، ترجمه خبرگزاری جمهوری اسلامی، تایپ و تکثیر مجدد معاونت اطلاعات و عملیات ستاد کل نیروهای مسلح، دفتر مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۶۶.

۴- ۱۰۲. همان.

فوق العاده حائز اهمیت است، لیکن ثابت شده که روحیه نمی تواند جانشین مناسبی برای شایستگی عملیاتی باشد.» (۱) .

۲- آنتونی کردزمن (۲) بر این نظر است که «ایران به مفهوم کلاسیک نظامی قاطعانه شکست خورد.» وی درباره ی علت این شکست معتقد است: «بخشی به دلیل حمایت خارجی از عراق بود» و علت دیگر «باورهای ایدئولوژیک» و تلاش ایران برای کسب پیروزی بر اساس «هجوم امواج انسانی» بود. (۳) .

کردزمن معتقد است که تعداد بسیار کمی از جنگ های بدون استراتژی بزرگ پیروزی به همراه داشته اند. جنگ ایران و عراق نمونه ای کلاسیک از بهای سنگین فقدان استراتژی بزرگ است. (۴) وی در تجزیه و تحلیل نظامی عملیات های ایران و استراتژی این کشور معتقد است: «عملیات رمضان در ادامه ی الگوی «حملات توده ای» انجام شد. ایران نیرویی را به وجود آورد که می توانست تهدید جدی برای عراق باشد و خاک عراق را تصرف نماید. بنابراین، استراتژی اصلی ایران تلاش در جهت استفاده از چکش برای انهدام سندان بود. سرانجام ایران چکش نیروهایش را بر سندان دفاعی عراق فرود آورد ولی تنها به یکسری دستاوردهای سمبلیک دست یافت و مجبور شد برای تجدید قوا و جبران ناتوانی های عملیاتی نیروهایش، ادامه ی عملیات ها را متوقف سازد.» (۵) در نتیجه، عملیات های مکرر موجب تضعیف کادر فرماندهی، نیروی انسانی ماهر و تجهیزات نظامی این کشور شد و این عملیات ها ایران را از ابزار برتری خود محروم کرد، حمایت های مردمی را از جنگ کاهش داد، روحیه ی نظامیان را تضعیف نمود و نظام سربازگیری و فراخوانی نیروها را مختل کرد. (۶) وی در ادامه می گوید: «بصره نقطه ی چرخش جنگ بود، زیرا چکش ایرانی ها را در مقابل سندان عراقی ها در هم شکست.» (۷) عملیات های کربلای ۸ و کربلای ۹ پایان نبردهای زمینی ایران در سال ۱۹۸۷ م (۱۳۶۶ -۱۳۶۵)

۱- ۱۰۳. همان.

۲- ۱۰۴. آنتونی کردزمن مدیر مؤسسه بررسی های استراتژیک در امریکا است. بررسی های نظامی بویژه در خاورمیانه در حوزه تخصص اوست. وی مقالات و کتاب های متعددی را در زمینه تحولات نظامی و جنگ ایران و عراق منتشر کرده که عمده آن ها ترجمه شده است. (اجتناب ناپذیری جنگ - پاورقی ص ۷۰).

۳- ۱۰۵. آنتونی کردزمن و آبراهام واگنر، درس هایی از جنگ مدرن، جلد دوم، جنگ ایران و عراق، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ترجمه حسین یکتا، منتشر نشده، ص ۱۹۶.

۴- ۱۰۶. همان، ص ۶۴۵.

۵- ۱۰۷. همان، ص ۱۷۶.

۶- ۱۰۸. همان، ص ۱۷۶.

۷- ۱۰۹. همان، ص ۳۰۰ و ۳۰۱.

محسوب می شود و نشان دهنده ی پایان تلاش ایران به جهت پیروزی در جنگ از طریق انجام عملیات های سرنوشت ساز بود. این عملیات ها این نکته را ثابت کرد که ایران تنها قدرت و توان دستیابی به پیروزی های تاکتیکی محدود را داشته ولی توانایی وارد آوردن ضربه ای استراتژیک را به عراق ندارد (۱) و موفقیت های تاکتیکی، هرگز به معنای موفقیت استراتژیکی نیست. (۲) .

تداوم تلاش های نظامی ایران در سال ۱۳۶۶ بویژه رویارویی با نیروهای امریکایی در خلیج فارس از نظر کردزمن «ارتکاب اشتباه استراتژیک» (۳) بود؛ زیرا به انزوای فزاینده ی دیپلماتیک و استراتژیک ایران منجر شد و بر توان ایران برای ادامه ی جنگ تأثیر خردکننده ای گذاشت که تأثیر تاکتیکی و استراتژیکی آن بسیار بیشتر از نبردهایی بود که درگیر شده بود. (۴) .

کردزمن درباره ی کاربرد سلاح و سیستم ها معتقد است: «در این جنگ برخلاف جنگ های اعراب و اسرائیل، ایران و عراق فاقد استراتژی و تاکتیک پیشرفته برای کاربرد مؤثر تکنولوژی موجود، تبدیل آن به یک نیروی رزمی کارآمد و اعمال کنترل و فرماندهی مؤثر بودند.» (۵) از نظر وی عراق میزان به کارگیری نیروی ایران را در جنگ، که در سخنان و اقدامات رهبران آن مشهود بود، نادیده می گرفت و ایران نیز از تشدید فشار در جنگ ناتوان بود. (۶) در هر صورت، هر دو کشور را تشدید فشار در جنگ ناتوان بودند؛ زیرا چنین اقدامی در صورتی نتیجه خواهد داشت که فشار در میدان جنگ به نتایج استراتژیک منجر شود و طرف مقابل هیچ چاره و بدیلی بجز تسلیم شدن نداشته باشد.

درباره ی تخصص گرایی در جنگ از نظر کردزمن، ایران با تمام شور و هیجان انقلابی خود این حقیقت را نتوانست دریابد که شور و هیجان زیاد، قدرت و توان آن کشور را در جنگی که به تخصص گرایی نظامی برای پیروزی در آن نیاز دارد، از بین می برد. در مقابل، عراق تخصص گرایی بسیاری را به دست آورد که در آغاز جنگ در اختیار نداشت، و همین امر او را در جنگ پیروز کرد. (۷) .

ص: ۴۹

۱- ۱۱۰. همان، ص ۳۰۰.

۲- ۱۱۱. همان، ص ۱۷۶.

۳- ۱۱۲. همان، ص ۳۹۵.

۴- ۱۱۳. همان، ص ۳۹۵.

۵- ۱۱۴. همان، ص ۵۰۵.

۶- ۱۱۵. همان، ص ۲۰۱.

۷- ۱۱۶. همان، ص ۲۴۶.

روند تحولات جنگ زمینه ی توازن را تغییر داد و باید به این تغییر توجه می شد. به نظر کردزمن احتمالا ایران این روند و اهمیت آن را درک نکرد (۱) کردزمن تحت عنوان درس های جنگ ایران و عراق، از نحوه ی به پایان رسیدن این جنگ نتیجه ای می گیرد که مهم است. وی می نویسد:

«پایان جنگ ایران و عراق درس مهم دیگری را درباره ی جنگ نمایان ساخت و آن اینکه جنگ های معدودی با نابودی نیروهای دشمن پایان یافته اند. جنگ ها هنگامی پایان می یابند که ترکیبی از عوامل سیاسی و نظامی، توانایی دشمن را برای ادامه ی نبرد نابود سازد.» (۲) .

۳- شهرام چوبین (۳) «در بررسی خود می نویسد: «هیچ بخشی از جنگ همانند شیوه ی پایان یافتن آن برای ناظران، این چنین تعجب آور نبود.» (۴) وی سپس اضافه می کند: «در هر مقطعی از جنگ ایرانیان می توانستند جنگ را متوقف کنند و منطقی و سخاوتمند به نظر برسند ولی آن ها صبر کردند تا وقتی که داشتند جنگ را می باختند آنگاه قطعنامه را پذیرفتند.» (۵) چوبین معتقد است: «ایران با دو دست بسته می جنگید، زیرا متحدان قابل اعتماد و ثروتمندی نداشت. به سیستم های تسلیحاتی سازگار با زرادخانه دسترسی نداشت و از فکر و نظر بهترین نیروهای آموزش دیده بهره نمی گرفت (۶) و هیچ تلاشی نمی کرد تا اهداف جنگ را با امکانات جنگی مطابقت دهد.» (۷) .

چوبین درباره ی سیاست های بین المللی ایران می نویسد: «به نظر می رسید جمهوری اسلامی سیستم بین المللی را به مبارزه طلبیده است و قصد تغییر آن را دارد و این هدف را بسیار جدی تصور می کرد و فشارهای خارجی بر او اثر جدی نداشت.» (۸) چوبین علت این موضوع را در پیوستگی جنگ با انقلاب و پیگیری اهداف انقلاب در جنگ دانسته است و می نویسد: «رهبران ایران واقعا باور داشتند که جنگ می توانند شور و نشاط انقلاب را به

۱- ۱۱۷. همان، ص ۱۹۶.

۲- ۱۱۸. همان، ص ۳۹۵.

۳- ۱۱۹. شهرام چوبین، مدیر بخش پژوهش مرکز سیاست های امنیتی در ژنو است. تألیفات وی شامل سیاست خارجی ایران، ایران و عراق در زمان جنگ، اهداف سیاست امنیت ملی ایران، نقش قدرت های خارجی در امنیت خلیج فارس و موارد دیگر است. (اجتناب ناپذیری جنگ - پاورقی ص ۶۳).

۴- ۱۲۰. روزنامه اخبار اقتصادی، ۱ / ۷ / ۱۳۷۸، ص ۷، مقاله «آخر جنگ»، شهرام چوبین، ترجمه جعفر خیرخواهان، قسمت اول.

۵- ۱۲۱. واحد مرکزی خبر، بولتن «رسانه های بیگانه»، ۲۸ / ۴ / ۱۳۸۰، ص ۲، رادیو آزادی، ۲۸ / ۴ / ۱۳۸۰، به نقل از شهرام چوبین.

۶- ۱۲۲. مأخذ، ۹۹.

۷- ۱۲۳. مأخذ، ۱۰۰.

۸– ۱۲۴. ایران و جنگ از تنگنا تا آتش بس، فصلنامه «بررسی های نظامی»، ویژه جنگ، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۷۱، ص ۱۲۰.

نمایش گذارند و با رویارویی و غلبه بر مشکلات از طریق خودکفایی، پیام انقلاب و حقانیت خود را به اثبات رسانند. آنان در وضعیتی قرار نداشتند که از غرب یا نظامیان حرفه ای درس بگیرند. جنگ آنان مانند انقلاب آنان تجربه ایی منحصر به فرد در تاریخ جنگ ها بود و با ملاحظات یا محدودیت های واقع گرایانه پیوند نداشت.» (۱) .

چوبین روند تحولات جنگ را بررسی و بر این نکته تأکید می کند که ایران با اداره ی جنگ از تابستان ۱۳۶۲ به بعد خطا کرد، زیرا این قصد بیرون راندن عراق از مناطق اشغالی را نداشت، بلکه هدف ایران راندن عراقی ها تا بغداد بود. (۲) وی علت ناپایداری پیروزی های ایران از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۵ را ناشی از ضعف و کاستی در استراتژی، تدارکات و پشتیبانی ارزیابی می کند و می گوید: «پیروزی در فاو اگر با چند پیروزی مشابه دیگر همراه می شد می توانست جنگ را با سرعت به پایان رساند. رهبران سیاسی ایران آنچه را با دردناکی در میدان جنگ آموخته بودند به فراموشی سپردند؛ یعنی موفقیت های ذره ای مبنای ناکافی برای رسیدن به پیروزی تمام عیاری بود که ایران برای دستیابی به اهداف بلند پروازانه ی خود نیاز داشت.» (۳) وی در تشریح این وضعیت معتقد است: «رهبران ایران نتوانستند نوعی استراتژی تنظیم کنند تا میان اهداف جنگی (سقوط دشمن) با توانایی های نظامی از نظر تجهیزات، که با هر حمله ای کاهش می یافت، ارتباط برقرار سازند. ایران باید برای رسیدن به اهداف جنگی، شکست قاطعی به نیروی دشمن وارد می ساخت.» (۴) .

چوبین سقوط فاو را نقطه عطفی می داند که از نظر نظامی، روحی و روانی تعادل را بر هم زد، زیرا فاو نماد عینی مهمی از موفقیت ایران در جنگ بود و از دست دادن آن عملا ایران را پس از شش سال جنگ طولانی دست خالی نشان می داد. (۵) از نظر چوبین در این وضعیت آنچه می توانست موجب پایان دادن به جنگ شود این بود: «فقط استنباط اینکه ادامه ی جنگ موجودیت انقلاب اسلامی را تهدید می کند، آنان را به اتخاذ چنین تصمیمی می توانست وادار کند.» (۶) .

ص: ۵۱

۱- ۱۲۵. مأخذ، ۹۹.

۲- ۱۲۶. مأخذ ۱۰۰.

۳- ۱۲۷. مأخذ ۹۹.

۴- ۱۲۸. مأخذ، ۹۹.

۵- ۱۲۹. روزنامه اخبار اقتصادی، ۳ / ۷ / ۱۳۷۸، ص ۷، مقاله «آخر جنگ»، شهرام چوبین، ترجمه جعفر خیرخواهان، قسمت دوم.

۶- ۱۳۰. همان.

از نظر چوبین بی توجهی ایران به موازنه ی نظامی باعث جذابیت جنگ برای عراق شد (۱) و شکاف بین اهداف و توانمندی ها مرتب گسترده تر می شد و فرایندی را که به پایان یافتن جنگ منتهی شد سرعت بخشید. (۲) .

۴- احمد زبیدی (۳) طی مقاله ای در بررسی روند تحولات جنگ علت طولانی شدن جنگ را فاصله انداختن میان عملیات های بزرگ، خصوصا پس از سال ۱۹۸۲ م ذکر می کند و نتیجه می گیرد: «رهبری ایران بدین ترتیب اشتباهی استراتژیک مرتکب شد؛ زیرا به نیروهای عراقی فرصت می داد تا ضایعات و تلفات را جبران و به آموزش، سازماندهی و تجهیز مجدد بپردازند. ایرانی ها فکر می کردند که ارتش عراق بدین ترتیب از هم پاشیده خواهد شد و آن ها هیچ وظیفه ای ندارند جز ادامه دادن به وضع موجود تا نتیجه ی مطلوب حاصل شود.» وی در نقد تصورات ایران می نویسد: «تکیه بر این اصل بر مفاهیم غلط استوار بود؛ زیرا رهبری عراق دائم تسلیحات مدرن و جدید به دست می آورد و ضایعات خود را جبران می کرد در صورتی که امکانات ایرانیان روز به روز کاهش می یافت تا جایی که به پایین ترین حد خود در تاریخ جنگ رسید و ناگهان جنگ به نفع عراق تغییر یافت.» (۴) .

احمد زبیدی که نظامی عراقی است اهمیت مرحله ی جنگ از ژوئن ۱۹۸۲ م تا عملیات حلبچه را در ۱۹۸۸ م در این می داند که «ایرانی ها با عملیات تهاجمی سالانه، جنگ را دنبال می کردند و تدریجا دریافتند که نفوذ کردن در نیروها و استحکامات عراق امری ساده نیست. با توجه به مسائل فوق در آغاز ایرانی ها حیرت زده و سپس دچار یأس از کسب پیروزی قاطع بر عراق شدند.» (۵) .

۵- علی محمود جان اورک زئی (۶) جنگ ایران و عراق را شبیه جنگ جهانی اول دانسته است و سپس طرح پرسش می کند که «چرا این جنگ غیرقاطع

۱- ۱۳۱. همان.

۲- ۱۳۲. مأخذ ۹۹.

۳- ۱۳۳. احمد زبیدی از فرماندهان ارتش عراق است که در عملیات فتح خرمشهر به اسارت درآمد و مدتی در ایران بود و پس از مدتی همکاری با ایران به سوریه سفر کرد و در آن کشور به فعالیت سیاسی علیه رژیم عراق پرداخت.

۴- ۱۳۴. روزنامه السفیر، ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ (۲۹ / ۸ / ۱۳۶۸)، مقاله «جنگ خلیج فارس در ابعاد نظامی»، احمد زبیدی، ترجمه سفارت جمهوری اسلامی در بیروت، ۱۱ / ۱۰ / ۱۳۶۸، ص ۱۴.

۵- ۱۳۵. همان، ص ۶ و ۷.

۶- ۱۳۶. نامبرده سرهنگ ارتش پاکستان است.

بود؟» وی در ادامه با اشاره به وسائل دستیابی پیروزی مانند تانک، نیروهای مکانیزه، قدرت آتش، غافلگیری و شبیخون، مجددا می پرسد: «چه چیز اشتباهی در جنگ وجود داشت؟» وی به طولانی شدن جنگ اشاره می کند و علت آن را ناتوانی بسیج نیروهای دو طرف برای اتخاذ تصمیمی درست ذکر می نماید؛ (۱) البته وفیق سامرایی از دست دادن قدرت ابتکار عمل عراق را در طول هفت سال جنگ، عامل اصلی طولانی شدن جنگ می داند. (۲) .

۶- پروفسور رمضانی (۳) شکست های ایران در میدان جنگ و وضعیت اقتصادی - اجتماعی رو به وخامت این کشور را عاملی نیرومند در پذیرش آتش بس و پایبندی جدی به روند صلح می داند و می نویسد: «تا پیش از بهمن ۱۳۶۵ رهبران ایران پی در پی وعده ی «پیروزی نهایی» می دادند و حتی یک بار مشخصا از آغاز سال ۱۳۶۶ خورشیدی به عنوان روز پیروزی یاد کردند ولی برای نخستین بار ایران متوجه این واقعیت شد که نمی تواند در این جنگ پیروز شود. (۴) بنابراین، تصادفی نبود که در تیر ۱۳۶۶ ایران برای نخستین بار قطعنامه صادر شده ی سازمان ملل را به طور کامل رد نکرد. قطع نظر از میزان اهمیت شکست های بعدی که از آغاز فروردین ۱۳۶۷ در شبه جزیره فاو، جزایر مجنون و شلمچه نصیب ایران شد این واقعیت به جای خود باقی است که مدت ها پیش از این شکست ها، ایران مذاکراتی طولانی را با خاویر پرزدکوئیار، دبیر کل سازمان ملل، آغاز کرده بود.» (۵) .

رمضانی علل تصمیم گیری ایران را با مقایسه تأثیر موشک باران تهران و دشواری های اقتصادی بررسی می کند و می نویسد: «اگر دشواری های اقتصادی رو به تشدید ایران و بن بست های ظاهرا برطرف نشدنی در اصلاحات اجتماعی - اقتصادی آن کشور نبود، حتی مقارن شدن شکست های یاد شده با موشک باران شهرهای ایران با موشک های الحسین عراق در فاصله دهم

---

۱ - ۱۳۷. سرهنگ علی محمود جان اورک زئی، مجله سنگر چاپ پاکستان، ۱۹۹۰، مرکز مطالعات استراتژیک ریاست جمهوری، مهر ۱۳۶۹، ص ۹ و ۱۰.

۲- ۱۳۸. سرلشکر وفیق السامرایی، ویرانی دروازه شرقی، ترجمه عدنان قارونی، مرکز فرهنگی سپاه، تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۱۹ و ۱۲۰.

۳- ۱۳۹. روح الله کارگر رمضانی استاد بازنشسته دانشگاه ویرجینیا در امریکا است و تألیفات وی شامل: ایران انقلابی، چالش ها و پاسخ در خاورمیانه، ایران و امریکا: الگویی از نفوذ و غیره است. اخیرا کتاب سیاست خارجی از این نویسنده در ایران ترجمه شده است. (اجتناب ناپذیری جنگ، ص ۶۶).

۴- ۱۴۰. روح الله کارگر رمضانی، چارچوب تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، نشر نی، تهران، ۱۳۸۰، ص ۷۲ و ۷۳.

۵- ۱۴۱. همان، ص ۷۳.

اسفند ۱۳۶۶ تا ۲۹ فروردین ۱۳۶۷ هم بعید بود ایران را وادار به پذیرش صلح کند.» (۱) .

۷- انوشیروان احتشامی (۲) معتقد است، «ایران در نهایت به دو دلیل جنگ را باخت. اشتباهات فاحش این کشور هم در میادین نبرد و هم در عرصه ی دیپلماتیک و حمایت راهبردی و همین طور سیاستی که ایالات متحده و متحدان آن آمادگی ارائه آن را به عراق در حرکتش علیه جمهوری اسلامی داشتند. در آن زمان چنین تلقی می شد که ایران قدرتی است که تمام تلاش خود را می کند تا نقشه ی راهبردی منطقه را بر اساس معیارهای انقلاب اسلامی تغییر دهد. در نتیجه، صدام توانست با تبدیل نقاط ضعف ژئوپولیتیک عراق به نقاط قوت نظامی به شکلی ماهرانه از هر دو دشمن خود در قرن بیستم یعنی امام خمینی و بوش پدر بیشتر عمر کند و بر خطر چیره شود.» (۳) .

احتشامی سیاست های امریکا را بررسی می کند و می نویسد: «اگر چه جنگ مانع گسترش قدرت انقلابیون ایران می شد اما واشنگتن از دورنمای از کنترل خارج شدن این جنگ و تأثیر گذاردن آن بر روی ثبات کل منطقه طرفی نمی بست. ادامه ی جنگ بهای بیش از اندازه زیادی برای مهار انقلابیون ایران محسوب می شد.» (۴) .

احتشامی درباره ی بازتاب پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ در افکار عمومی می نویسد: «بحث درباره ی نحوه ی هدایت جنگ نیز در شکل دادن به دیدگاه های عامه مردم و همین طور سیاست رسمی تر ایران در قبال عراق سهیم است. عده ای در ایران که بر تعداد آن ها افزوده می شود بر این اعتقادند که پذیرش بدون قید و شرط قطعنامه ی ۵۹۸ در ژوئیه ۱۹۸۸ م که آتش را بین ایران و عراق به ارمغان آورد، تنها معرف یک پیروزی نامطمئن برای جمهوری اسلامی بود؛ زیرا سرانجام هیچ یک از اهداف جنگی ایران تحقق نیافت. ایران نتوانست رژیم

۱- ۱۴۲. همان، ص ۷۳.

۲- ۱۴۳. انوشیروان احتشامی استاد روابط بین الملل در دانشگاه دورهام انجمن مطالعات خاورمیانه در انگلستان است که کتاب سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی (چاپ مرکز اسناد انقلاب اسلامی) از وی در ایران ترجمه شده است.

۳- ۱۴۴. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بولتن رسانه های دنیا، شماره۱۹۶۹، ۱۴ / ۷ / ۱۳۸۲، ص ۲۱. «روابط ایران و عراق پس از صدام»، انوشیروان احتشامی، واشنگتن کوارترلی، امریکا، پاییز ۱۳۸۲، ترجمه علی شادروح.

۴- ۱۴۵. همان، ص ۲۱ و ۲۲.

عراق را سرنگون نماید و یک معاهده ی مرزی با عراق به امضا رساند، یا در عوض برقراری آتش بس از این کشور غرامت جنگی بگیرد.» (۱) .

۸- محمد جواد لاریجانی، معاون وقت وزارت امور خارجه ایران، علاوه بر دیدگاهی که درباره ی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در جنگ با عراق دارد، در تعاملات ایران با سازمان ملل در چارچوب قطعنامه ی ۵۹۸ نقش مهمی داشته است. وی معتقد است: «ایران برخلاف همه ی قطعنامه های قبلی شورای امنیت، قطعنامه ی ۵۹۸ را از ابتدا رد نکرد بلکه برعکس با دبیر کل کار کردیم و یک متن به نام «طرح اجرایی دبیر کل برای قطعنامه ۵۹۸»تهیه شد و ما آن را پذیرفتیم. این طرح را دو بار شورای امنیت تصویب کرد.» (۲) وی بر این نظر است که زمانی که طرح اجرایی تهیه و تصویب شد هیچ کس به دنبال اجرای آن نبود بلکه امریکایی ها درصدد تحریم تسلیحاتی و فشار بین المللی بر ایران بودند و ایران حتی اگر همان زمان قطعنامه را می پذیرفت هیچ کس در پی اجرای طرح نبود. (۳) در عین حال، بعدها آقای لاریجانی طی مصاحبه ای از تأخیر در پذیرش قطعنامه انتقاد کرد و گفت: «این تأخیر، منافع ملی ما را تهدید کرد.» (۴) وی در توضیح این موضوع گفت: «اگر ما قطعنامه را چند ماه زودتر می پذیرفتیم می توانستیم بابت پس دادن هر بخشی، امتیازات خوبی از عراقی ها بگیریم.» (۵) وی درباره ی علت تأخیر به تفاوت دیدگاه ها اشاره می کند و می گوید: «یک گروه سیاسی می گفت وضعیت اقتصادی جنگ را برای بیست سال تأمین می کند و گروه دیگری ادعای پیشروی تا بغداد را داشت. ولی چند وقت که گذشت عده ای گفتند جنگ از نظر اقتصادی ورشکسته است و دیگری ادعا کرد برای پیروزی نیازمند بمب اتمی هستیم.» (۶) .

۹- احمد صدری، استاد دانشگاه و نویسنده، در مقاله ی خود می نویسد: «ایران پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ را در زمان تصویب آن در ژوئیه ۱۹۸۷ م رد کرد و تنها در اوت سال ۱۹۸۸م، پس از آنکه ماشین جنگی عراق خطوط مقدم جبهه را با کاربرد شدید سلاح های شیمیایی در هم شکست و تهدید کرد که ایران را

۱- ۱۴۶. همان، ص ۲۱ و ۲۲.

۲- ۱۴۷. روزنامه کیهان، ۲۳ / ۵ / ۱۳۶۷، مصاحبه با خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران.

۳- ۱۴۸. همان.

۴- ۱۴۹. روزنامه شرق، ۱۵ / ۷ / ۱۳۸۲، ص ۴، به نقل از روزنامه انتخاب، ۱۴ / ۶ / ۱۳۸۰.

۵- ۱۵۰. همان.

۶- ۱۵۱. همان.

از نو به اشغال خود در خواهد آورد، آن را پذیرفت.» وی علت آن را «نشانه های فلج سیاسی» ذکر می کند. (۱) وی معتقد است، این گونه تصمیم گیری و رفتار، حاصل تفکر ایده آلیستی، رمانتیک و انعطاف ناپذیر برای تغییر واقعیات جهان است که وقتی به بن بست رسید، به چنین نتایج و واکنش هایی منجر می شود. (۲) .

فارغ از صحت و سقم مواضع و تحلیل ها، آنچه در این میان اهمیت دارد این است که دیدگاه های خارجی و یا کسانی که در خارج از ایران حضور دارند در مقایسه با دیدگاه تحلیلگران داخلی در ارائه ی مباحث، انسجام نظری و تحلیلی عمیق تری دارند. دیدگاه های داخلی بیشتر با «موضع گیری» و تحلیل سیاسی بیان می شود. حال آنکه در این زمینه، به تبیین و نظریه پردازی نیاز بیشتری وجود دارد.

ص: ۵۶

۱- ۱۵۲. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بولتن رسانه های دنیا، شماره ۱۹۴۷، ۱۵ / ۲ / ۱۳۸۲، ص ۲۹، «علائم فلج سیاسی: قضیه ایران»، احمد صدری، دیلی استار، ۲۸ آوریل ۲۰۰۳ (۸ / ۲ / ۱۳۸۲)، مترجم مهدی ملکان.

۲- ۱۵۳. همان.

ناکامی در اتمام جنگ

نگرانی از پیروزی ایران

تـداوم شـکست هـای نظامی عراق و متقابلا پیروزی های ایران در مرحله ی آزادسازی مناطق اشـغالی، برداشت های موجود را نسبت به وضعیت جنگ و چشم اندازهای موازنه ی نظامی در منطقه ی خلیج فارس و خاورمیانه و مواضع استراتژیک (۱) تغییر داد. تـدریجا این تصور به نحو گسترده ای ایجـاد شـده بود که توان نظـامی عراق رو به ضـعف نهاده است و با افزایش قـدرت نظـامی ایران، ادامه ی جنـگ در خـاک عراق به شـکست عراق و پیروزی ایران منجر می شـود و در نـتیجه بی ثبـاتی در منطقه گسـترش می یابـد. بر پـایه ی همین ملاحظـات، جلوگیری از شـکست عراق و پیروزی ایران ضـرورت یـافت و سـیاست مقـابله جویانه ایی در حمایت از عراق برای مهار قدرت نظامی ایران و جلوگیری از ادامه ی جنگ شکل گرفت؛ چنانکه تمام مقامات امریکـایی به این موضوع اشاره کردنـد. (۲) در عین حـال، برای تـأمین خواسـته های ایران و پایان دادن به جنگ هیـچ اقـدامی صورت نمی گرفت. این موضوع تا انـدازه ای ماهیت سیاست قـدرت های بزرگ را درباره ی جنگ و برتری ایران و تبلیغاتی که صورت می گرفت بیان می کند.

یکی از عوامل اصـلی در تبلیغات رسانه ای و ترسـیم خطر ایران برای منطقه تمرکز بر موضوع ادامه دادن جنگ در خاک عراق بود. در همین چارچوب،

ص: ۵۷

۱- ۱۵۴. خبرگزاری دانشجویان (ایسنا)، ۱۱ / ۱۰ / ۱۳۸۱، مایکل دابس، واشنگتن پست.

۲- ۱۵۵. رادیو امریکـا به نقـل از روزنـامه ی نیویورک تـایمز چـاپ امریکا می گویـد: تمام مقام های امریکایی اعلام داشـتند امریکـا و دیگر کشورهـای جهان از جمله عربسـتان سـعودی، پاکسـتان، الجزایر در تمام طول دیروز از طریق اقـدام ها و تماس های دیپلماتیک کوشیدند از تهاجم ارتش ایران به خاک عراق جلوگیری کنند. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش لحظه به لحظه»، ش ۴، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۱ ص ۶۲) جیمز بیل نیز می گوید: سیاست گذاران امریکایی از پیروزی ایران به هراس افتادند. (عقاب و شیر جلد دوم، ترجمه ی مهوش غلامی، انتشارات شهرآب، بهار ۱۳۷۱، ص ۴۸۸).

عراقی ها بر خطر شیعیان برای تجزیه عراق تأکید می کردند و از قدرت های بزرگ، کویت و عربستان امتیاز می گرفتند. روزنامه ی واشنگتن پست بر این نظر بود که هدف اول ایران کشور عراق است. علت انتخاب این هدف وجود شیعیان (۱) ذکر می شد. (۲) با این تأکید که پس از عراق کشورهای محافظه کار خلیج فارس باید نگران باشند. نیویورک تایمز برخلاف واشنگتن پست که هدف ایران را توسعه طلبی ذکر می کرد، در تحلیلی نوشت: «اهداف اولیه ایران محدود بوده و مجازات عراق و سرنگونی احتمالی رژیم صدام را در بر می گیرد.» (۳) روزنامه ی النهار، چاپ لبنان، نیز معتقد بود: «امام خمینی به جهادی مقدس به معنی کامل دست زده است.» (۴) مفسر رادیو لندن اعمال شروط مطلوب ایران را برای پایان دادن به جنگ هدف ایران ذکر می کند و می گوید: «همین موضوع باعث نگرانی اکثر کشورهای عربی در منطقه ی خلیج فارس و تشویش خاطر رهبران امریکا درباره ی ثبات خاورمیانه شده است.» (۵) .

در واقع، اهداف ایران و پیامدهای حمله به عراق دو موضوعی است که بدان توجه شده است. از یک منظر تداوم حملات ایران و فشارهای پی درپی به رژیم صدام عامل ایجاد هرج و مرج در داخل عراق ذکر می شود و از سوی دیگر، موجب گسترش قشری گری مذهبی و بی ثباتی در منطقه ای که نفت آن مورد نیاز غرب است، خواهد شد (۶) .

---

۱ – ۱۵۶. در عین حالی که وجود شیعیان عراق برگ برنده ی ایران در داخل عراق بود ولی تجربه ی جنگ نشان داد که قابلیت لازم برای بهره برداری از این موضوع وجود ندارد. عراقی ها نیز از این موضوع آگاه بودند ولی چنانکه شاهزاده خالد بن سلطان می گوید: در خلال جنگ بزرگ ترین نگرانی صدام این بود که ممکن است ایران حامیان خود در جنوب عراق را برای تشکیل دولت انتقالی در بصره ترغیب کند و سپس دولت انتقالی از ایران دعوت کند که به بصره برود. («جنگجوی صحرا»، مرداد سال ۱۳۷۴، خ.ج.ا، ۱۴ / ۵ / ۱۳۷۴، به نقل از خبرگزاری ملی عراق، بولتن خبرهای عراق ش۲۸۳، ۱۷ / ۵ / ۱۳۷۴ ص ۱۳) در حالی که به نوشته اسپوزیتو اغلب شیعیان عراق که اکثریت بدنه ی ارتش عراق را تشکیل می دادند به ملت خود در مقابل هم کیشانشان در ایران وفادار ماندند.(«انقلاب ایران – چشم انداز ده ساله»، ترجمه نورالله قیصری، نامه ی پژوهش، فصلنامه ی تحقیقات فرهنگی، ش ۱۲ و ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۷۸، ص ۷۱) البته فشار سیستم امنیتی عراق در رفتار شیعیان تأثیر داشت و لذا بر اساس انتخابی آزادانه در برابر ایران اقدام به جنگ نمی کردند.

۲– ۱۵۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «ویژه نامه گزارش لحظه به لحظه عملیات رمضان»، شماره ۴، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۳۲.

۳– ۱۵۸. همان، شماره ۵، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۴۲.

۴– ۱۵۹. علی لطف الله زادگان، روز شمار جنگ ایران و عراق، کتاب ۲۰: عبور از مرز مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۱، ص ۳۴۴، گزارش روز ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۱.

۵– ۱۶۰. مأخذ ۲، ص ۵۸.

۶– ۱۶۱. مأخذ ۲، شماره ۵، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۶۱.

به نوشته ی وال استریت ژورنال: «ظاهرا هر دو ابرقدرت مخالف حمله ی هفته ی گذشته ی ایران به عراق هستند، گرچه هر کدام دلایل جداگانه ای برای این کار دارند، ولی هر دو آن ها از احتمال پیروزی یک ایران انقلابی اسلامی بر صدام حسین سوسیال بعثی و سرنگونی وی وحشت دارند.» (۱) ریگان، رئیس جمهور وقت امریکا، در دیدار با رهبران کنگره ی امریکا گفت: «تهاجم نیروهای ایران به عراق می تواند تمام منطقه را به خطر بیندازد.» (۲) کاسپر واینبرگر وزیر دفاع وقت امریکا نیز گفت: «من تصور می کنم که ایرانی ها تهدیدی جدی علیه اسرائیل هستند.» (۳) گلد واتر، سناتور یهودی امریکا، تصریح کرد: «خطری که اینک متوجه عراق است در آینده دیگر کشورهای عربی منطقه را در بر خواهد گرفت. امریکا متعهد است در مقابل هر گونه تهدید ایران، از دوستان خود در منطقه بویژه اسرائیل حمایت کند.» (۴) .

نشریات معتبر امریکایی مانند نیویورک تایمز و واشنگتن پست نیز به نقل از مقامات امریکایی از پیروزی ایران و پیامدهای آن اظهار نگرانی کردند. واشنگتن پست از گسترش بنیادگرایی اسلامی در منطقه و سقوط صدام نوشت (۵) و نیویورک تایمز درباره ی استقرار حکومتی بنیادگرا شبیه ایران در عراق هشدار داد. (۶) تحقق چنین واقعیاتی از نظر مقامات امریکایی زیان های غیرقابل تصوری را برای امریکا به دنبال خواهد داشت. به نظر این مقامات تاکنون خطری به این شدت امریکا را در هیچ جا تهدید نکرده است (۷) .

تصور امریکایی ها از استراتژی ایران این بود که احتمالاـ هدف اصلی ایران به دست آوردن اهرم فشار جدی برای دریافت غرامت صد میلیاردی از عراق است. (۸) چنین برداشتی نشان می دهد استراتژی ایران برای امریکایی ها تا اندازه ای آشکار شده بود و بخشی از اظهار نگرانی آن ها تبلیغاتی برای افزایش فشار به ایران و تحت تأثیر قرار دادن کشورهای منطقه بود.

نظر به اینکه امریکایی ها حمله ی ایران را اجتناب ناپذیر می دانستند، (۹) لذا ضمن موضع گیری و تبلیغات گسترده اعلام کردند نهایت کوشش خود را به کار خواهند برد تا ایران را از حمله به خاک عراق منصرف کنند. (۱۰) بر اساس

۱- ۱۶۲. مأخذ ۴، ص ۳۲۳، گزارش روز ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۱.

۲- ۱۶۳. مأخذ ۴، ص ۲۵۳، گزارش روز ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۱.

۳- ۱۶۴. مأخذ ۴، ص ۴۰۹ و ۴۱۰، گزارش روز ۶ / ۵ / ۱۳۶۱.

۴- ۱۶۵. مأخذ ۴، ص ۳۰۸، گزارش روز ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۱.

۵- ۱۶۶. مأخذ ۴، ص ۲۸۶ و ۲۸۷، گزارش روز ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۱.

۶- ۱۶۷. مأخذ ۲، شماره ۲۷، ۱۵ / ۵ / ۱۳۶۱، ص ۵.

۷- ۱۶۸. مأخذ۲، شماره ۵، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۳۵.

۸- ۱۶۹. مأخذ ۴، ص ۲۳۵ و ۲۳۶، گزارش روز ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۱، به نقل از روزنامه واشنگتن پست چاپ امریکا.

۹- ۱۷۰. مأخذ ۲، شماره ۴، ص ۲۶.

۱۰- ۱۷۱. مأخذ ۲، شماره ۳، ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۱۶.

همین ملاحظات، امریکایی ها اعلام کردنـد آماده هسـتند با کشورهای منطقه مانور مشترک برگزار کنند. (۱) رئیس کمیته ی روابط خـارجی مجلس نماینـدگان امریکـا نیز پیشـنهاد کرد امریکا سـلاح های مورد نیاز عراق را از طریق کشورهای حوزه ی خلیـج فارس تأمین کنـد. (۲) وزیر خـارجه وقـت امریکـا در مجلس سـنا گفـت: «امریکـا مسـتقیما عمـل نمی کنـد امـا بایـد به کشورهای دوست خود در منطقه اطمینان هایی بدهد.» (۳) .

رادیو امریکا طی گفتاری نظر رسـمی دولت امریکا را اعلام کرد: «حمله ی ارتش ایران به خاک عراق احتمال و خطر درگیری نظامی در سرتاسر منطقه را گسترش داده است. جنگ بین دو کشور خاورمیانه برای دیگر کشورهای منطقه و در حقیقت برای جهان آثار و نتایجی به بار آورده است.» (۴) کوشش های دیپلماتیک برای جلوگیری از گسترش جنگ یکی از راه حل هایی بود که بدان تأکید شد. (۵) سـخنگوی دولت امریکـا، لاری اسپیکس، نیز بر اهمیت استراتژیک ایران و بی طرفی امریکا تأکید کرد. واشـنگتن پست بـا توجه به این امر نوشت: «امریکـا بایـد بـا اسـتفاده از نفوذ کشورهـا (ایران را) از تجاوزکـاری منصـرف سـاخته و ضـمن محـدود کردن دامنه ی عملیات برای اختلاف هایشان آن ها (ایران و عراق) را به پای میز مـذاکره فرا خوانـد.» (۶) از نظر امریکـا منـافع غرب در خـاتمه دادن بـه جنـگ بـود. (۷) بـه همیـن دلیـل، به ایران فشـار آورد تـا از اجرای عملیـات جلوگیری و پیامدهای آن را مهار کند.

علاوه بر آمریکا برخی از کشورهای اروپایی نیز نگرانی خود را اعلام کردند. کلود شـسون، وزیر خارجه وقت فرانسه، از رشد قـدرت ایران در جنگ با عراق ابراز نگرانی کرد و افزود:«پیروزی ایران می تواند موازنه ی قدرت در خاورمیانه را بر هم زند.» (۸) شـاه اردن نیز در مصـاحبه ای بـا مجله ی امریکـایی تایم گفت: «پیروزی احتمالی ایران به ضـرر منطقه و ملت عرب است و آینده ی عراق را، که آینده ی ملت اردن نیز هست، به خطر می اندازد.» (۹) .

تحلیـل رسانه های خبری از سیاست و مواضع امریکایی ها متأثر بود و بر پیروزی احتمالی ایران و پیامـدهای آن تمرکز داشت. روزنامه ی تایمز مالی در

۱- ۱۷۲. مأخذ ۲، شماره ۷، ۲۶ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۱۱.

۲- ۱۷۳. مأخذ ۴، ص ۲۷۸، گزارش روز ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۱.

۳- ۱۷۴. مأخذ ۲، شماره۵، رادیو امریکا، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۵۸.

۴- ۱۷۵. مأخذ ۲، شماره ۵، رادیو امریکا، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۸۹.

۵- ۱۷۶. مأخذ ۲، شماره۵، رادیو امریکا، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۹۰.

۶- ۱۷۷. مأخذ ۲.

۷- ۱۷۸. مأخذ ۲، شماره ۵، نیویورک تایمز، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۴۲.

۸- ۱۷۹. مأخذ ۴، ص ۳۲۱، گزارش روز ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۱.

۹- ۱۸۰. مأخذ۲، شماره ۱۰، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۳۶.

سرمقاله ی خود با اشاره به اینکه تهدید ایران برای حمله به عراق نشان می دهد که رژیم انقلابی ایران به چه نیروی قدرتمندی تبدیل شده است اضافه می کند: «دو سال پیش به نظر می رسید که برخوردهای آشتی ناپذیرانه داخلی، حکومت[امام] خمینی را در آستانه ی سقوط نظامی و اقتصادی قرار داده است اما اکنون ایران در منطقه ی خلیج فارس نیروی غالب است و با منافع غرب در این منطقه دست و پنجه نرم می کند. غربی ها قدرت و قابلیت انقلاب بنیادگرایانه ی آیت الله خمینی را زمانی دراز دست کم گرفته بودند.» (۱) رادیو بی بی سی نیز به همین مفهوم اشاره می کند و می گوید: «مشکل اصلی برای سایر کشورهای جهان این است که تا پیش از این جنگ، قدرت انقلاب اسلامی را دست کم گرفته بودند. ایران علی رغم تمام مشکلات داخلی اعم از ضعف اقتصادی و مخالفت گروه های اقلیت در شرف تثبیت مجدد قدرت خود در خاورمیانه است.» (۲).

روند پیروزی های ایران بیان کننده ی تغییر و تحولات اساسی در ابعاد سیاسی - اجتماعی و امنیتی در داخل ایران و ادامه ی آن به صحنه ی جنگ بود. ادامه ی این تحولات با توجه به حوادث احتمالی به نوشته ی نوول آبزرواتر «تعادل استراتژیک را در منطقه» بر هم خواهد زد و پیشروی ایران در خاک عراق گام اول «حملات استراتژیک ایران» است. (۳) واشنگتن پست موفقیت ایران در سرنگونی صدام را به معنای از میان رفتن مرز میان جهان عرب و جهان مسلمان غیر عرب و تحریک شیعیان افراطی از کرانه های باختری خلیج فارس تا کشورهای خاوری دریای مدیترانه از ترکیه تا مصر، خواند. (۴) باری روبین نویسنده ی کتاب جنگ قدرت ها در ایران، در روزنامه ی نیویورک تایمز نوشت: «پیروزی ایران بر عراق چهار خطر برای عربستان و سایر کشورهای کوچک تر محافظه کار منطقه در بردارد. اولین خطر حمله ی مستقیم ایران به این کشورها به خصوص کویت است. خطر دوم، افزایش تبلیغات براندازی و آموزش و کمک به انقلابیون سایر کشورها است. سومین خطر ایران، الهام انقلابیون کشورهای حاشیه خلیج فارس از انقلاب اسلامی ایران است و سرانجام اینکه

۱- ۱۸۱. مأخذ ۲، ص ۵۹.

۲- ۱۸۲. مأخذ۲، ص ۵۹.

۳- ۱۸۳. مأخذ ۴، ص ۳۵۱ و ۳۵۲، گزارش روز۳۱ / ۴ / ۱۳۶۱.

۴- ۱۸۴. مأخذ ۴، ص ۳۱۰ و ۳۱۱، گزارش روز ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۱.

انتظار می رود ایران، که قوی ترین کشور منطقه است، بتواند به همسایگانش سیاست ضد امریکایی خود را دیکته کند.» (۱) .

امریکـا در آسـتانه ی حمله ی ایران به عراق در وضـعیت دشواری قرار داشت؛ زیرا حمله ی اسـرائیل به لبنان واکنش اعراب را نسبت به اسـرائیل و امریکـا برانگیخت و پیروزی ایران بر عراق می توانست به گسـترش انقلاـب اسـلامی در منطقه منجر شود. امریکا بایـد ضـمن کنترل واکنش اعراب و نزدیکی به آن ها (۲) پیشـروی ایران را در خـاک عراق مهار و متوقف می کرد. در ایـن میـان، بزرگ کردن خطر ایران برای کشورهـای منطقـه مهم ترین عامـل مهـار ایران بـود. بـا این توضـیح «پیروزی ایران بر عراق» یـا امتیـاز دادن به ایران برای پایان دادن به جنگ هر دو به زیان منافع امریکا ارزیابی شـد و لـذا با آن مقابله شـد. از نظر امریکا یا بایـد ایران در مرز متوقف می شد و از پیشـروی خودداری می کرد (۳) یا با پـذیرش آتش بس مذاکره ی با عراق را آغاز می کرد.

فارغ از تفسیر و تحلیل هایی که درباره ی اهداف و پیامدهای حمله ی ایران به عراق و سقوط احتمالی صدام ارائه می شد (۴) و همچنین آنچه درباره دشواری های مرحله ی جدیـد جنگ برای ایران و احتمال موفقیت عراق در دفاع از خود بیان می شـد، رادیو امریکـا بر اساس نظر برخی از تحلیلگران درباره ی علت تهاجم ایران به خاک عراق معتقـد بود: «نیروهای ایران مغرور از عملیات

۱- ۱۸۵. مأخذ ۴، ص ۳۴۳ و ۳۴۴، گزارش روز ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۱.

۲- ۱۸۶. بـاری روبین در مقـاله خود در نیویورک تـایمز درباره ی نگرانی ایران می نویسـد: «ایران شدیـدا نگران این است که پیروزی کنونی اش در صورت گسترش جنگ، با مـداخله ی احتمالی امریکا بر باد رود.» وی سـپس درباره ی ایجاد زمینه های مـداخله امریکا می نویسـد:«هر قـدر که کشورهای حوزه ی خلیج فارس از ایران هراس بیشتری داشـته باشـند ضـرورت کسـب حمایت از جانب امریکا را بیشتر درک می کنند.» (روز شـمار جنگ، کتاب بیسـتم، عبور از مرز، ص ۳۴۴-۳۴۳، گزارش ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۱).

۳- ۱۸۷. واینبرگر، وزیر خارجه وقت امریکا، می گوید: «گمان نمی کند[امام] خمینی به علت تشنجات ناشی از تهاجم اسرائیل به لبنـان، انگیزه آغـاز جنـگ مرزی میـان دو کشور خاورمیـانه را کسب کرده باشـد.» (خبرگزاری جمهوری اسـلامی، گزارش لحظه به لحظه» ش ۵، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۲۸).

۴- ۱۸۸. فضـای رسـانه ای دربـاره ی خطر پیروزی ایران و باور آن از سوی بازیگران منطقه ای و جهانی موجب شـد تا صـدام حمـایت جهـانی را کسب کنـد و همین امر عراق را در برابر فشارهـای تهران حفظ کرد، بـا اتمـام جنـگ برتری عراق حاصـل سرمایه گذاری غرب بود لذا گرفتار وضعیتی شدند که خود به وجود آورده بودند.

نظامی خود در پایان ماه مه گذشته که به سرعت و نسبتا به سهولت با باز پس گرفتن بندر خرمشهر بر حضور ارتش عراق در خاک ایران خاتمه دادند، به فکر هجوم نظامی به عراق افتادند.» (۱) بر اساس نظر تحلیلگران ایران در خاک عراق با وضعی کاملا جدید و متفاوت روبه رو خواهد شد؛ (۲) زیرا باید در خاک دشمن بجنگد و همین مسئله در تدارک آن ها موجب مشکلاتی خواهد شد. (۳) فرماندهی و کنترل نیروهای ایران نیز دشوارتر می شود. (۴) ضمن اینکه ایران برای پیشروی در داخل خاک عراق به نیروی زرهی نیاز دارد. (۵) .

ارزیابی مقاومت نیروهای عراقی به دلیل تغییر اوضاع و ادامه ی جنگ در خاک عراق مقداری خوش بینانه بود. به همین دلیل، پیش بینی می شد ارتش عراق در دفاع از سرزمین خود خشن تر و راسخ تر عمل کند. (۶) نیویورک تایمز نیز در تحلیلی نوشت: «احتمالا در شرایط جدید، عراقی ها در خاک خود سخت تر خواهند جنگید.» (۷) به ویژه اینکه اگر تسلیحات جدیدی را که فرانسوی ها به عراق تحویل داده اند آماده بهره برداری باشد، توانایی عراق برای دفاع افزایش خواهد یافت. (۸) .

بر همین اساس تحلیلگران چنین پیش بینی می کردند که در صورت ادامه ی جنگ در خاک عراق پاره ای از ضعف های نیروهای نظامی ایران که تا کنون عیان نگشته ممکن است آشکار شود (۹) و تصور فروپاشی قوای نظامی عراق در برابر حملات ایران «نتیجه گیری زودرس و عجولانه ایی» (۱۰) است و لذا نمی توان نتیجه ی حمله ی ایران به خاک عراق را پیش بینی کرد (۱۱) .

درباره ی تبلیغات رسانه ای با توجه به آنچه قبل از عملیات رمضان و پس از آن صورت گرفت آقای هاشمی بر این نظر بود که «این خط خبری دو مسیر را تعقیب می کند؛ اول اینکه جمهوری اسلامی را قدرتی نظامی و پدیده ایی جدید در منطقه معرفی می کند که قسمتی از این مسئله واقعیت است و آن اعتراف به قدرت نظامی ایران است که تاکنون از اظهار آن خودداری می کردند و قسمت دوم شیطنتی است که از این طریق می کوشند تا اعمال کنند و ایران را کشوری خطرناک جلوه دهند.» (۱۲) .

ص: ۶۳

۱- ۱۸۹. مأخذ ۲، ص ۶۴، رادیو امریکا.

۲- ۱۹۰. مأخذ۲، ص ۶۴، رادیو امریکا.

۳- ۱۹۱. مأخذ ۴، ص ۲۶۷، گزارش روز ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۱.

۴- ۱۹۲. مأخذ ۲، ص ۶۴، رادیو امریکا.

۵- ۱۹۳. مأخذ ۲، ص ۶۵.

۶- ۱۹۴. مأخذ ۲، ص ۶۴، رادیو امریکا.

۷- ۱۹۵. مأخذ ۴، ص ۲۶۷، گزارش روز ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۱.

۸- ۱۹۶. مأخذ ۲، شماره ۵، نیویورک تایمز، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۳۹.

۹- ۱۹۷. مأخذ، ۲، ص ۶۴، رادیو امریکا.

۱۰– ۱۹۸. مأخذ۲، شماره ۵، رادیو امریکا به نقل از وال استریت ژورنال، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۸۷.

۱۱– ۱۹۹. مأخذ۲، شماره۵، رادیو امریکا، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۶۱.

۱۲– ۲۰۰. مأخذ۴، ص ۳۰۴، گزارش روز ۲۴/ ۷ / ۱۳۶۱.

استراتژی ایران

اشاره

عناصر و مؤلفه های اصلی در استراتژی ایران (۱) برای خاتمه دادن به جنگ نگرانی از تغییرات محیطی بود به ویژه حمله ی اسرائیل به لبنان، عقب نشینی مشکوک عراق از بخشی از مناطق اشغالی و ادامه ی استقرار در مناطق استراتژیک، واکنش نامناسب سازمان ملل در تعیین متجاوز و پرداخت غرامت به ایران و مهم تر از آن فضای روانی - تبلیغاتی درباره ی خطر ایران برای کشورهای منطقه و اشاره امریکا به تأثیر پیروزی های ایران بر منافع امریکا. شواهد و قرائن موجود، ایران را به این نتیجه رساند که اراده ی لازم برای اتمام جنگ بر اساس تأمین خواسته های ایران وجود ندارد، بلکه تمام تمهیدات لازم در حمایت از صدام و فشار به ایران و مهار پیروزی های این کشور سازماندهی شده است.

برای نخستین بار در سوم خرداد ۱۳۶۱ در حضور امام نسبت به تحولات تصمیم گرفته شد. (۲) برخی ابهامات در این زمینه سبب شد تا در جلسه ی دوم در تاریخ ششم خرداد همان سال مجددا در این زمینه بحث شود. آقای هاشمی درباره ی این جلسه و نحوه ی تصمیم گیری توضیحاتی می دهد که، پاره ای از ابعاد این مسئله را روشن می سازد. ایشان می گوید: «برای تعیین تکلیف ادامه ی جنگ خدمت امام رفتیم جلسه ای بسیار مهم بود، بحث شد که چه بکنیم؟ آیا وارد خاک عراق شویم و جلوتر برویم یا اینکه نباید برویم؟» (۳) آقای هاشمی به نظر و دلایل مخالفت اولیه ی امام و در واقع به منطق حاکم بر این تصمیم گیری و بویژه تفکر و نظریات امام اشاره می کند و می گوید: «نظر ابتدایی ایشان این بود که ما نباید وارد خاک عراق شویم. دوم این بود که

۱- ۲۰۱. تداوم جنگ پس از فتح خرمشهر به مدت شش سال منجر به درک غلطی درباره ی ماهیت این موضوع و نقش ایران شده است. بدین معنا که «استراتژی و اقدام ایران برای خاتمه دادن به جنگ» به موضوع «ادامه ی جنگ توسط ایران پس از فتح خرمشهر» تبدیل شده است. گرچه در ظاهر آنچه واقع شده ادامه ی جنگ است محتوا و ماهیت این اقدام بر اساس تصمیم ایران برای خاتمه دادن به جنگ بود و نه ادامه جنگ. ولی شکست در عملیات رمضان و به نتیجه ی مورد نظر نرسیدن، به ادامه ی جنگ و تفسیر اقدام ایران تحت عنوان «ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر» منجر شد، در صورتی که اگر نتیجه ی عملیات رمضان پیروزی می شد می توانست مانع از شکل گیری این مفهوم شود.

۲- ۲۰۲. این مباحث مفصلا در جلد سوم این مجموعه (علل تداوم جنگ) گزارش شده است.

۳- ۲۰۳. روزنامه رسالت، ۳۱ / ۲ / ۱۳۸۲، ص ۶.

جنگ هم به هیـچ نحوی نباید متوقف و سـست شود.» (۱) با این توضـیح امام از یک سو نسـبت به ورود به خاک عراق نگران بود؛ زیرا می فرمودنـد:«اگر وارد خاک عراق شویـد، اولا مردم عراق که الان خیلی حمایت نمی کننـد از ارتش صـدام، ممکن است متعصـبانه به خاطر کشورشان جلوی شـما بایستند، ثانیا اعراب به خاطر عواطف عربی و احساسات قومی که دارند با عراق هم صداتر می شوند، سوم اینکه دنیا و قدرت های اسـتکباری شرق و غرب بهانه پیدا می کنند که مداخله کنند و چهارم اینکه مردم عراق آسیب می بینند.» (۲) از سوی دیگر، امـام بـا توقف جنـگ مخـالف بود. به همین دلیل، امام اسـتدلال نظامی ها را دربـاره ی مشـکلات توقف در مرز به لحاظ نظامی پـذیرفت. ضـمن اینکه اگر جنگ متوقف می شـد دلیلی وجود نـداشت که عراق سوء اسـتفاده نکند و ما سال ها درگیر جنگی فرسایشـی و مذاکراتی طولانی نشویم، چنانکه آقای هاشمی اشاره می کند: «مردم ما در پنـج اسـتان آواره بودنـد و ادامه ی این وضـعیت ابهامات زیادی داشت و نمی توانسـتند به شـهرهای خود مراجعت کننـد هیـچ اسـتدلال و منطقی آن را اجازه نمی داد و هیـچ کس در بحث های ستادی و شورایی نمی توانست آن وضـعیت را قبول کند.» (۳) نتیجه ی آن جلسه این شد که به طور محدود امام اجازه دادند وارد خاک عراق شویم[در مناطقی] که یا اصـلا سکنه نداشته باشد یا ساکنانی جزئی داشته باشد، که خوب متواری می شوند و می روند» (۴) آقای هاشمی درباره ی استراتژی ایران پس از فتح خرمشهر می گوید:

«ما بعد از فتح خرمشـهر سیاستی را اتخاذ کردیم که یک جایی را از دشمن بگیریم که در صورت ادامه ی جنگ، برای دشمن اهمیت داشته باشد و نتواند تحمل کند در این صورت اگر جنگ هم متوقف بشود می توانیم امتیازاتی از دشمن بگیریم.» (۵) .

ایشان همچنین در جای دیگری می گوید:

«بنا داشتیم عملیاتی سرنوشت ساز انجام دهیم و نقطه ای حساس را از دشمن بگیریم و بعد به آتش بس تن دهیم. این استراتژی جنگ بود که می توانستیم آن را اهرمی بسازیم و برای رسیدن به خواسته هایمان از آن استفاده کنیم». (۶) .

۱- ۲۰۴. همان.

۲- ۲۰۵. همان.

۳- ۲۰۶. همان.

۴- ۲۰۷. همان.

۵- ۲۰۸. محمـد درودیـان، آغاز تـا پایـان، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ چهارم، ۱۳۸۰، پاورقی، آقای هاشـمی در جلسه قرارگاه خاتم الانبیاء، ۱۴ / ۱۰ / ۱۳۶۴.

۶- ۲۰۹. روزنامه اطلاعات، ۲۲ / ۱۰ / ۱۳۸۲، سخنرانی آقای هاشمی در کنگره شهدای عرصه خیبر.

استراتژی اصلی ایران فشار نظامی بر عراق و متقاعد ساختن عراق و حامیان این کشور برای تأمین خواسته های ایران بود. (۱) با تصرف منطقه ایی با اهمیت و استراتژیک این هدف محقق می شد. آقای رضایی در این زمینه توضیح می دهد: «استراتژی ما کماکان این بود که به جنگمان ادامه بدهیم و یک جایی از دشمن بگیریم تا دشمن را وادار کنیم که پیروزی ما را تأیید کند تا جنگ را از طریق تحمیل اراده مان تمام بکنیم.» (۲) در واقع، ایران می خواست با یک پیروزی کسب اعتبار کند و نه تنها موقعیت برتر ایران را تضمین کند، بلکه با آن مانع از تجاوز مجدد به ایران شود (۳) آقای هاشمی در توضیح دیگری می گوید:«ما در محفل سران کشور بحث می کردیم که راه ختم جنگ این است که یک ضربه ی کاری وارد کنیم و جای حساسی از عراق را بگیریم و از طریق منطقه ای که گرو می گیریم، خواسته هایمان را تأمین و جنگ را تمام کنیم.» آقای هاشمی درباره ی تأثیر پیروزی در خرمشهر برای تصمیم گیری می گوید: «وقتی دیدیم این قدرت پیدا شده که در داخل خاک عراق هم یک ضربه شبیه به فتح خرمشهر بزنیم، این تفکر منطقی بود. فرض کنید اگر بصره را می گرفتیم یا اگر همین جاده بصره را قطع می کردیم مشکل جدی برای آن ها پیدا می شد و حتی اگر آتش بس را می پذیرفتیم و در آنجا بودیم عراق نمی توانست تحمل کند و بایستی برای خود فکری کند.» (۴) .

به نظر می رسد ایران در میان بیم و امید از تهدیدات و فرصت ها و با در نظر گرفتن گزینه های مختلف برای پایان بخشیدن به جنگ تصمیم گرفت. در چارچوب این ملاحظات، منطقه ی عملیاتی شرق بصره انتخاب شد. ملاحظات امام برای خودداری از آسیب رساندن به مردم عراق همراه با اهمیت استراتژیک از مشخصه های این منطقه بود. (۵) در صورت پیروزی ایران در این منطقه تصور

۱- ۲۱۰. رویتر طی تحلیلی به نقل از منابع سیاسی در تهران نوشت: رهبران روحانی در ایران معتقدند هر چقدر فشار بیشتری بر عراق وارد شود عراق وادار خواهدشد که امتیازات بیشتری به ایران واگذار کند. در این گزارش آمده است: ایران خواهان ۱۵۰ میلیارد دلار غرامت جنگی است ولی کشورهای عربی پذیرفته اند ۲۵ میلیارد دلار به ایران بپردازند. دولت عراق هیچ تعهدی را نسبت به پرداخت غرامت به عهده نگرفته است. (نگاهی به ۸ سال جنگ تبلیغاتی، ص ۱۸۱).

۲- ۲۱۱. فصلنامه تاریخ جنگ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سال ششم، بهار ۱۳۷۶، شماره ۱۵، ص ۴۵، بررسی استراتژی جمهوری اسلامی ایران در جنگ با حضور فرماندهان ارشد سپاه.

۳- ۲۱۲. فصلنامه نگین، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، بهار ۱۳۸۲، شماره ۴، ص ۱۱۱، محسن رضایی، ۲۱ / ۴ / ۱۳۶۱.

۴- ۲۱۳. روزنامه کیهان، ۱۴ / ۱۱ / ۱۳۸۲، ص ۱۲، گفت وگو با آقای هاشمی.

۵- ۲۱۴. آقای هاشمی می گوید: «وقتی در جلسه ی سران بحث کردیم و دلایل بیان شد امام گفتند: «در نقاطی وارد شوید که مردم آسیب نبینند.» با این دستور و رهنمود، نظامی ها برای عملیات بعدی منطقه بعد از خرمشهر تا دجله و فرات راه انتخاب کردند که خالی از سکنه بود و از لحاظ نظامی جای ارزشمندی بود، ارزش استراتژیک داشت.» (روزنامه ی کیهان، ۱۴ / ۱۱ / ۱۳۸۲، ص ۱۲).

می شد ایران در برابر دو وضعیت متفاوت ادامه یا توقف جنگ موقعیت مناسبی خواهد داشت.

منطق حاکم بر استراتژی ایران بنا به توضیح آقای هاشمی از استراتژی عراق پس از تهاجم به ایران و استقرار در مناطق اشغالی متأثر بود: «ذهنم را این گونه توجیه کردم که باید جایی را بگیریم تا با آن اهرم بر عراق فشار بیاوریم. درست، کاری که عراق می خواست با ما بکند. در آن صورت می توانستیم بگوییم خسارات ما را بدهند و متجاوز محاکمه شود؛ یعنی خواسته های خود را با جایی و اهرمی که در درست داشتیم، به دست بیاوریم.» (۱) .

شکست عملیات رمضان

عملیات رمضان را در تاریخ ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۱ و پنجاه روز پس از فتح خرمشهر، نیروهای سپاه و ارتش در جبهه ی جنوب آغاز کردند.درباره ی سیاست های امریکا برای تبدیل جنگ به حالت فرسایشی و بی توجهی به خواسته های ایران نگرانی وجود داشت و این امر همراه با بی اعتمادی به اقدامات نظامی عراق به ویژه تخلیه ی بخشی از مناطق اشغالی بر تفکر تصمیم گیرندگان سایه افکنده بود. در عین حال، این امیدواری وجود داشت که در ادامه ی پیروزی های مرحله ی قبل و ضعف روحیه و قوای نظامی عراق، عملیات رمضان به مثابه ی شوکی نظامی، عراق و حامیانش را در برابر خواسته های ایران تسلیم خواهد کرد.

یک روز پس از آغاز عملیات، امام خمینی در تاریخ ۲۳ تیر ماه با ارسال پیامی، ملت عراق را مورد خطاب قرار دادند (۲) امام در این پیام تأکید کردند: «برادران مجاهد شما در دفاع از میهن خود و دفع حملات دشمن اسلام مجبور شدند به خاک عراق بیایند تا به خواست خداوند متعال ملت ستمدیده ی

۱- ۲۱۵. همان.

۲ - ۲۱۶. بعدها صدام و برخی از رسانه های خبری به این موضوع اشاره کردند که واکنش مردم عراق در برابر عملیات رمضان، برخلاف تصورات و انتظارات ایران بود. (نگاهی به ۸ سال جنگ تبلیغاتی، ص ۳۶۳).

عراق را از شر حزبی که در طول سلطه ی غیرمشروعش بر کشور اسلامی، آنچنان ضربه ها به این ملت شریف وارد کرده که قابل شمارش نیست، نجات دهند.» (۱) امام از ملت عراق خواستند که «به پا خیزید و با برادران صمیمی خود دست اخوت اسلامی دهید و این حکومت ستمگر را از صحنه خارج کنید و خود با تضمین خود، حکومت اسلامی دلخواه را تشکیل دهید.» امام بخصوص از اهالی غیور بصره خواستند «به استقبال برادران مؤمن خود بیایید. فرصتی را که خداوند به شما عنایت نموده، غنیمت شمرده و مردانه قیام کنید و سرنوشت خویش را به دست گیرید.» امام اضافه کردند: «بدانید که روحیه ی ارتش عراق به کلی از دست رفته است و اسلام امروز احتیاج به شما جوانان برومند دارد. به سوی نبرد با کفر بشتابید و برادران عراقی خود را نجات دهید و برادران جان بر کف رزمنده جمهوری اسلامی را کمک کنید که فردا دیر است.» (۲) .

درباره ی اهداف عملیات رمضان آقای هاشمی به اهداف بلند (۳) عملیات اشاره می کند و می گوید: «در درجه ی نخست، دفاع از شهرهای مهم و اقتصادی دو بندر آبادان و خرمشهر و خارج کردن این شهرها از زیر آتش، مورد نظر است.» آقای هاشمی معتقد است «تأمین حقوق ایران» و «تنبیه متجاوز» هدف دوم و سوم ایران بود و هدف چهارم یکپارچه کردن جبهه ی شرقی جنگ با اسرائیل برای آزادی قدس بود. (۴) .

آقای رضایی اهداف عملیات را به گونه ای دیگر توضیح می دهد. از نظر ایشان اولین هدف، شکست توطئه ی طراحی شده برای نجات صدام و فرسایشی کردن جنگ است. هدف دوم، خارج کردن قسمت هایی از خاک ایران از زیر آتش ارتش عراق است. هدف سوم، تنبیه متجاوز و هدف چهارم حذف صدام که مقدمه ای برای مبارزه با اسرائیل است. (۵) .

در اطلاعیه ی مشترک ارتش و سپاه نیز هدف عملیات، تکمیل امور دفاعی انقلاب اسلامی، دفع تجاوز توطئه های امپریالیسم از مرزهای میهن اسلامی و دور کردن آتش دشمن از شهرهای کشور ذکر شده است. (۶) .

۱- ۲۱۷. صحیفه نور، جلد ۱۶، ص ۲۲۴.

۲- ۲۱۸. همان، ص ۲۲۴ و ۲۲۵.

۳- ۲۱۹. مأخذ ۵۲.

۴- ۲۲۰. علی لطف الله زادگان، روز شمار جنگ ایران و عراق، کتاب ۲۰: عبور از مرز، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۱، ص ۳۰۴، گزارش روز ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۱.

۵- ۲۲۱. همان، ص ۲۱۷، گزارش روز ۲۱ / ۴ / ۱۳۶۱.

۶- ۲۲۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ویژه نامه «گزارش لحظه به لحظه عملیات رمضان»، شماره ۴، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۱۷.

تأثیرات به هم پیوستگی جنگ و انقلاب در ترسیم اهداف عملیات رمضان قابل مشاهده است به طوری که طیفی نسبتا وسیع را از دور کردن آتش توپخانه ارتش عراق از شهرهای ایران تا مشارکت در جبهه ی مبارزه با اسرائیل در برمی گیرد. آقای ولایتی، وزیر خارجه ی وقت، نیز دستیابی به صلح شرافتمندانه را با پیروزی کامل علیه متجاوزان هدف عملیات رمضان می داند. (۱) .

اراده ی ایران برای تأمین خواسته های خود متکی بر قدرت نظامی و برتری سیاسی - نظامی حاصل از آزادسازی مناطق اشغالی بود و متقابلا ناتوانی امریکا برای جلوگیری از ورود نیروهای ایران به داخل خاک عراق یا تأمین خواسته های ایران، این عملیات را «اجتناب ناپذیر» (۲) کرد. تصورات موجود مبنی بر اینکه نتیجه ی عملیات رمضان روند تحولات را می تواند تغییر دهد، بر حساسیت های موجود درباره عملیات رمضان افزود.

قبل از آشکار شدن نتایج اولیه ی عملیات رمضان موضوع مهم واکنش مردم عراق نسبت به پیام امام بود. آقای هاشمی ۲۴ ساعت پس از ارسال پیام امام، در کتاب خاطرات خود درباره ی جلسه با سید احمد آقا می نویسد:«احمد آقا هم عصر آمد و از اینکه بعد از بیانیه ی امام، موج (۳) مناسبی ایجاد نشده گله داشت.» (۴) .

در چنین فضایی چند روز پس از آغاز عملیات این موضوع تدریجا آشکار شد که پیشروی قوای نظامی ایران درخاک عراق با تغییرات حاصل از ادامه ی جنگ دشوار شده است. آقای هاشمی تنها چهار روز پس از آغاز عملیات در خاطرات خود می نویسد:

«با جبهه تماس گرفتم، جبهه آرام است و نیروهای ما نتوانستند به اهداف خود برسند، عراق مقاومت می کند و بر حملات هوایی خود افزوده است. تعدادی در

۱- ۲۲۳. مأخذ ۵۷، ص ۲۶۸ و ۲۶۹، گزارش روز ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۱.

۲- ۲۲۴. مأخذ ۵۷، ص ۳۰۴، گزارش روز ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۱.

۳- ۲۲۵. امام در دو مرحله، ملت و ارتش عراق را مورد خطاب قرار دادند. مرحله ی اول، با تجاوز ارتش عراق به ایران بود. امام ملت عراق و ارتش این کشور را به سرپیچی و قیام علیه رژیم بعثی و صدام دعوت کردند که بازتابی نداشت. در مرحله ی دوم نیز امام از ملت عراق خواستند تا با استقبال از رزمندگان برای رهایی از شر رژیم بعث قیام کنند که هیچ واکنشی را ایجاد نکرد. در نتیجه امام تا پایان جنگ هیچ گونه سخن یا پیامی را خطاب به ملت ارتش عراق بیان نکردند.

۴- ۲۲۶. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۲ / ۳ / ۱۳۸۰، ص ۸، «پس از بحران»، خاطرات پنجشنبه ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۱.

حدود پانصد نفر هم از ما اسیر گرفته اند و گویا همین مقدار یا بیشتر هم شهید داده ایم، مجروح هم زیاد است. ماشین سنگین مثل لودر، بولدوزر و کمپرسی و... می خواهند که قرار شد وزارت راه به آن ها بدهد. کم کم برای آن ها که فشار می آورند که کار جنگ را با عملیات بی تأخیر یکسره کنیم روشن می شود که کار به این آسانی نیست و دشمن در خاک خودش با انگیزه ی بیشتر دفاع می کند. توضیح این گونه مسائل برای عموم مناسب نیست چون باعث تضعیف روحیه ی رزمندگان و مردم می شود. خیلی ها هم هنوز به این باور نرسیده اند و فکر می کنند سیاستی در کار است که پیشروی عملیات کم است.» (۱) .

گرچه خسارت قابل توجهی با ادامه ی عملیات رمضان به ارتش عراق وارد شد و حتی همین مسئله سبب گردید تا انهدام ارتش عراق هدف عملیات ذکر شود (۲) ولی آنچه انتظار می رفت با ادامه ی جنگ در خاک عراق واقع شود، تحقق نیافت. سخنگوی وقت دولت در گفت و گو با روزنامه ی کیهان تلویحا ناکامی در عملیات را پذیرفت و گفت: «هر چند موفقیت عملیات رمضان در مقایسه با عملیات دیگر چون فتح خرمشهر کمتر است، این به معنی شکست این عملیات نیست، واقعیات این عملیات با عملیات دیگر متفاوت است و مشکلاتی نیز از قبیل ناآگاهی از سرزمین دشمن وجود دارد.» وی سپس تصریح کرد «هر چند به هدف اصلی خود نرسیده ایم لیکن این پیروزی ها در راستای رسیدن به هدف مورد نظر ما بود.» (۳) .

شورای عالی دفاع به منظور تصمیم گیری درباره ی عملیات رمضان با حضور رئیس جمهور و کلیه ی اعضا تشکیل جلسه داد. آقای هاشمی نماینده ی امام در شورای عالی دفاع و سخنگوی آن پس از پایان جلسه گفت: «ما می خواهیم به

۱- ۲۲۷. همان، خاطرات شنبه ۲۶ / ۴ / ۱۳۶۱.

۲- ۲۲۸. محسن رضایی فرمانده ی وقت سپاه در قرارگاه نصر و در جمع نیروهای رزمنده و ستادی درباره ی عملیات رمضان می گوید: در این عملیات که داریم به برادران باید عرض کنم ما ۷۰٪ تاکتیکمان انهدام نیرو است و ۳۰٪ زمین است؛ البته اگر بتوانیم زمین را هم بگیریم و بمانیم برایمان خوب است اما هدف اصلی زمین نیست، هدف اصلی ما انهدام نیرو است و تا الان توانسته ایم با توکل به خدا، لشکرهای ۹،۳ و ۵ عراق را از صحنه به کلی خارج کنیم. (روز شمار جنگ ایران و عراق، جلد ۲۰، ص ۴۳۶-۴۳۵، گزارش ۸ / ۵ / ۱۳۶۱).

۳- ۲۲۹. مأخذ ۵۷، ص ۳۹۸، گزارش روز ۵ / ۵ / ۱۳۶۱.

صدام و حامیانش بفهمانیم که پشت مرزها نخواهیم ایستاد» و «همان طور که نشان دادیم اگر لازم باشد، وارد خاک عراق نیز خواهیم شد.» «اولویتی برای خوزستان قائل بودیم که انجام شد.» و «در آینده خواهیم دید که چه نقاطی برای ما تقدم دارند.» (۱) ایشان در مورد زمان پایان دادن به جنگ گفت: «تاریخ دقیقی برای پایان جنگ نمی توان تعیین کرد ولی آنچه مسلم است جنگ طولانی نخواهد شد.» (۲) .

آقای هاشمی با توجه به ناکامی در عملیات رمضان درباره ی محذورات ایران برای انجام دادن عملیات در خاک عراق، به موضوعی اشاره کرد که در واقع متأثر از استراتژی ایران و نوع هدف گذاری سیاسی - نظامی بود که با انتخاب منطقه ی عملیاتی شرق بصره دنبال می شد.

«مشکل ما این است که قصد آسیب رساندن به مردم عراق را نداریم ما اگر همانند عراق مناطق مسکونی و مردم را بمباران می کردیم، اگر وارد بصره می شدیم و شهرهای العماره و خانقین را تصرف می کردیم یا لوله های توپ خود را باز کرده و شهرهای عراق را گلوله باران می کردیم و دولت عراق متحمل شمار زیادی مهاجر و آواره می شد، جنگ به سرعت پایان می یافت، ولی ما نمی خواهیم مردم عراق صدمه ببینند، سعی ما بر این است که با عملیات نظامی آن هم در نقاطی که کمتر آسیب ببینند به اهداف خود برسیم، اما این تلاش و احتیاط هم حدی دارد و ما حق نداریم از جان نیروهای مؤمن و انقلابی خود زیاد استفاده کنیم، امیدواریم که عراق اخطار ما را جدی بگیرد و متنبه و تسلیم واقعیت ها شود و به جنگ خاتمه دهد.» (۳) .

بازتاب ها و پیامدهای عملیات رمضان قابل توجه بود؛ زیرا به همان میزان که اجرای عملیات ایران حائز اهمیت بود، نتیجه ی عملیات نیز می توانست تأثیرات گسترده ای داشته باشد. دولت عراق با اطمینان از موفقیت خود از خبرنگاران خارجی دعوت کرد تا از جبهه های نبرد دیدن کنند. (۴) نیویورک تایمز نیز طی گزارشی نوشت: مقامات امریکایی می گویند نیروهای عراقی با یک ضد حمله موفق شده اند از پیشروی ایرانیان جلوگیری کنند و

۱- ۲۳۰. مأخذ ۵۷، ص ۵۴۵ و ۵۴۶، گزارش روز ۱۴ / ۵ / ۱۳۶۱.

۲- ۲۳۱. مأخذ ۵۷، ص ۵۴۶ و ۵۴۷، گزارش روز ۱۴ / ۵ / ۱۳۶۱.

۳- ۲۳۲. مأخذ ۵۷، ص ۵۴۶ و ۵۴۷، گزارش روز ۱۴ / ۵ / ۱۳۶۱.

۴- ۲۳۳. مأخذ ۵۹، شماره ۱۵، ۳ / ۵ / ۱۳۶۱، ص ۲.

آن ها را به عقب برانند. (۱) بر اساس گزارش های ارسالی به واشنگتن نیروهای عراقی که اخیرا شکست های تحقیرآمیزی را متحمل شده بودند، بهتر از گذشته می جنگند (۲) و حتی به گفته ی دیپلمات هایی که از جبهه ها بازدید کردند روحیه ی نیروهای مسلح عراق بر اثر موفقیت های اخیر قوی شده است. (۳) کردزمن معتقد است پیروزی دفاعی عراق در مقابل تهاجم ایران نتایج استراتژیک مهمی داشت؛ زیرا نشان داد از صدام در داخل عراق پشتیبانی لازم می شود و شیعیان عراق آماده نیستند از ایران پشتیبانی نمایند. (۴) بر اثر موفقیت نیروهای عراق در برابر حملات ایران، چهره ی تار صدام، که حاصل شکست های متعددی از ایرانیان بود، در داخل عراق شفاف تر شد. (۵) .

یکی از پیامدهای مهم موفقیت عراق در مهار تهاجم نظامی ایران رفع نگرانی کشورهای منطقه بود. نیویورک تایمز نوشت: «قدرت عراق در مقابله با تجاوز ایران وحشتی که خاورمیانه و غرب را در بر گرفته بود کاهش داده است.» (۶) مارین زویس در مقاله ی خود نوشت: «هر چند هراس جدی در کشورهای منطقه از امواج انقلاب اسلامی وجود دارد، با این حال مادامی که نیروهای مسلح به پایداری خود در مقابل حملات ایران ادامه می دهند، توانایی ایران برای صدور انقلابش اندک خواهد بود.» (۷) .

مفسر رادیو لندن نیز طی تحلیلی گفت: «هنگامی که نیروهای ایران وارد خاک عراق شدند در کشورهای حوزه ی خلیج فارس بیم از پیروزی ایران و شکست عراق بالا گرفته بود؛ زیرا این کشورها به شدت از آثار شکست عراق و صدور انقلاب ایران در هراس بودند اما اینک به نظر می آید که ارتش ایران در حملات خود به داخل عراق موفقیت محدودی داشته است.» (۸) .

اکونومیست نیز در تعریف نسبت جنگ با انقلاب نوشت: «انقلاب ایران ممکن است برای تغذیه به جنگ دائمی احتیاج داشته باشد. تهاجم ایران تاکنون در شن متوقف است، غرب ممکن است احساس کند که می تواند آسوده خاطر باشد، چنانچه این تهاجم مجددا روی غلطک بیفتد اکثر

ص: ۷۲

۱- ۲۳۴. مأخذ ۵۹، شماره۷، ۲۴ / ۶ / ۱۳۶۱، ص ۸۱، رادیو صدای امریکا.

۲- ۲۳۵. مأخذ ۵۹، شماره۷، ۲۴ / ۶ / ۱۳۶۱، ص ۱۴، یونایتدپرس.

۳- ۲۳۶. مأخذ ۵۹، شماره ۲۳، ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۱، ص ۹، هفته نامه آبزرور چاپ لندن.

۴- ۲۳۷. آنتونی کردزمن و آبراهام واگنر، درس هایی از جنگ مدرن، جلد دوم، جنگ ایران و عراق، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ترجمه حسین یکتا، منتشر نشده، ص ۱۷۸.

۵- ۲۳۸. مأخذ ۵۷، ص ۵۳۴، گزارش روز ۱۲ / ۵ / ۱۳۶۱، روزنامه کریستین ساینس مانیتور.

۶- ۲۳۹. مأخذ ۵۹، شماره ۲۴، ۱۲ / ۵ / ۱۳۶۱، ص ۳.

۷- ۲۴۰. مأخذ ۵۷، ص ۴۹۴، گزارش روز ۱۰ / ۵ / ۱۳۶۱، نیویورک تایمز.

۸- ۲۴۱. مأخذ ۵۹، شماره ۱۸، ۶ / ۵ / ۱۳۶۱، ص ۱۸، رادیو لندن.

کشورهـای عربی برای جلوگیری از پیروزی سـریع ایران به تکـاپو خواهنـد افتـاد و اطمینـان حاصل خواهنـد نمود که اسـلحه و قطعـات یـدکی به عراق رسانـده شود. امریکا و متحـدانش بایـد اعراب را در کمک کردن به عراق یاری رساننـد، لکن مراقب باشند که این تغییرات جزئی در سیاست شان را بیش از حد آشکار یا قاطع نسازند. (۱) .

نتایـج عملیـات رمضـان به گفته ی آقـای هاشـمی اولین شوک را به نیروهـای مـا وارد کرد که پیشـروی در خـاک عراق مانند پیشـروی در خـاک ایران نیست (۲) و تصـورات موجود را تغییر داد. چنـانکه فرمانـده ی وقت سـپاه در جلسه ی بـا فرمانـدهان گفت: ما واقعا درباره ی جنگ فکر می کردیم که وقتی به مرزهایمان برسیم دیگر اینها خودشان می آیند صدام را برمی دارند و خسارات ما را می دهنـد، اما بعـد دیدیم عجب، قضایا اینطور نیست. (۳) مقامات امریکـایی نیز طی اظهار نظری صـریح اعلام کردنـد: عراق بـا دفاع موفقیت آمیز خود اوضاع جنگ را به نفع خود تغییر داده است. (۴) یک مقام وزارت خارجه امریکا نیز گفت: ایران بـا پیروزی آسـان بر قـوای عراق در داخـل خـاک خود و تخلیه ی نیروهـای عراق از ایران فکر می کرد به پیروزی سریع علیه عراق خواهـد رسـید ولی به عقب رانده شد. (۵) نیویورک تایمز نوشت: «مقامات رژیم اسـلامی چنین می پنداشـتند که در خاک عراق نیز می توانند این پیروزی ها را دنبال کرده و با این برداشت بود که نیروهای ایران از مرز عراق گذشـتند اما اکنون که نیروهای ایرانی ناچار به عقب نشـینی شـده انـد ناگزیر خواهنـد بود تجدیـد سازمان دهند تا بتوانند بار دیگر به عراق حمله کنند، اما تجدید سازمان ارتش ایران در وضعیت کنونی بعید به نظر می رسد.» (۶) .

اقدامات عراق در حمله ی به ایران یا تلفات در خرمشـهر قابل مقایسه با برخی از ابعاد عملیات رمضان بود. کردزمن بر این نظر است که «تلفـات و ضایعـات ایران در این عملیـات به قـدری سـنگین بود که می توان ادعـا کرد که در عملیـات رمضان تلفات نیروی انسـانی ایران به مراتب بیشتر از تلفات عراق در خرمشـهر بوده است. در واقع، این تلفات و ضایعات، ایران را مجبور کرد تا

۱– ۲۴۲. مأخذ ۵۹، شماره۱۴، ۲ / ۵ / ۱۳۶۱، ص ۲۱.

۲– ۲۴۳. روزنامه کیهان، ۱۴ / ۱۱ / ۱۳۸۲، ص ۱۲، گفت وگو با آقای هاشمی.

۳– ۲۴۴. مأخذ ۵۷، ص ۴۴۳، گزارش روز ۹ / ۵ / ۱۳۶۱.

۴– ۲۴۵. مأخذ ۵۹، شماره ۱۲، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۱۷.

۵– ۲۴۶. مأخذ ۵۹، شماره ۱۲، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۱۷.

۶– ۲۴۷. مأخذ ۵۹، شماره ۱۱، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۵۹، رادیو امریکا.

عملیات های بزرگ خودت را در طول تابستان متوقف سازد.» (۱) روزنامه ی النهار عملیات رمضان را با حمله ی عراق به ایران مقایسه کرد و نتیجه گرفت: «هر دو کشور در محاسبات خود اشتباه می کردند، نه اعراب خوزستان ایران از ارتش عراق استقبال کردند و نه شیعیان نجف از ارتش ایران حمایت نمودند.» (۲) .

ناکامی در عملیات رمضان به انتشار برخی از گزارش های مبنی بر ایجاد اختلاف نظر در کادر رهبری ایران منجر شد. نیویورک تایمز نوشت عقب نشینی نیروهای ایران احتمالا از نظر سیاسی سر و صدای زیادی در بین مقامات ایرانی به وجود آورده است و موج نارضایتی را در ایران بیشتر کرد. (۳) .

روزنامه ی فرانکفورتر الگماینه زایتونگ، چاپ آلمان، گروه های سیاسی داخل کشور را به میانه رو و تندرو تقسیم بندی کرد و نوشت: «تندروها می خواهند به جنگ ادامه دهند و گسترش خمینیستی را ادامه دهند.» (۴) افرایم کارش نیز تأکید کرد که شکست عملیات رمضان به یک سلسله مباحثات بین مقامات رهبری کننده منجر شده است و نوشت: میانه روها مخالف ادامه ی تهاجم به عراق هستند. (۵) همچنین به این موضوع اشاره شد که درباره ی فراخوانی داوطلبان جنگ اختلاف نظر وجود دارد. همچنین در تفسیر عملیات رمضان نظریات متفاوتی بروز کرده است و برخی تصور می کنند پیروز شده اند؛ زیرا عراق را وادار به آغاز جنگی فرسایشی کرده اند که توان ادامه ی آن را ندارد. (۶) .

در چارچوب بررسی دیدگاه های مختلف نسبت به جنگ و ادامه آن تایمز، چاپ لندن، نوشت: «ناظران امریکایی در خلیج فارس معتقدند اقتدار آیت الله خمینی و دیگر رهبران تندرو ایران بر اثر حمله ی بیهوده و پرخرج آن ها به عراق شدیدا کاهش یافته است.» (۷) ولی به گفته ی مقامات آمریکایی شکست اخیر نیروهای ایرانی در جبهه ی بصره فعلا ضربه ی سختی بر پیکر رژیم آیت الله خمینی وارد نخواهد کرد ولی اگر نیروهای ایرانی در آینده نتوانند این شکست را جبران کنند و در حمله ی احتمالی بعدی خود باز با شکست روبه رو شوند، موضع (امام) خمینی در داخل کشور به خطر خواهد افتاد. (۸) کریستوفر توماس، خبرنگار روزنامه ی تایمز، چاپ لندن، طی گزارشی به نقل از

۱- ۲۴۸. مأخذ ۷۲، ص ۱۷۶.

۲- ۲۴۹. مأخذ ۵۷، ص ۴۹۳، گزارش روز ۱۰ / ۵ / ۱۳۶۱.

۳- ۲۵۰. مأخذ ۵۹، شماره ۱۱، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۵۹، رادیو صدای امریکا.

۴- ۲۵۱. مأخذ ۵۹، شماره ۲۰، ۸ / ۵ / ۱۳۶۱، ص ۶۰.

۵- ۲۵۲. افرایم کارش، جنگ ایران و عراق یک تجزیه و تحلیل نظامی، نشریه ادلفی پی پر، بهار ۱۹۷۸، ترجمه خبرگزاری جمهوری اسلامی، تکثیر معاونت اطلاعات و عملیات ستاد کل نیروهای مسلح، دفتر مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۲۹.

۶- ۲۵۳. مأخذ ۷۲، ص ۱۷۶.

۷- ۲۵۴. مأخذ ۵۹، شماره ۱۸، ۶ / ۵ / ۱۳۶۱، ص ۱۱.

۸- ۲۵۵. مأخذ ۵۹، شماره ۱۱، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۶۰، نیویورک تایمز، رادیو امریکا.

تحلیلگران امریکایی به مسئله ای اشاره کرد که بسیار حائز اهمیت بود، این تحلیلگران می گویند: «ناتوانی ایران به وارد آوردن خسارات عظیم به عراقی ها، به دیگر کشورهای منطقه ی خلیج فارس نشان داده است که این منطقه دارای آن غول نظامی که قادر به بی ثبات کردن آن و نشر اسلام ویژه خود باشد، نیست.» (۱) .

نیویورک تایمز به نقل از کارشناسان نظامی طرح پرسش کرد که «ایرانی ها در دفاع از خاک خود با استفاده از «امواج انسانی» و «شور انقلابی» توانستند پیروز شوند. آیا در خاک عراق نیز با این تاکتیک پیروز خواهند شد یا خیر؟» (۲) دی ولت، چاپ آلمان، نیز نوشت:«امام خمینی برای انجام این عملیات ریسک بزرگی کرده است، اما ریسک کردن برای کسی که فقط پایبند انقلاب خدایی و تعصب مذهبی است، بزرگ جلوه نمی نماید.» (۳) .

استراتژی عراق

اشاره

انهدام بخشی از قوای نظامی عراق در خاک ایران و سرانجام شکست و عقب نشینی ارتش عراق، به منزله ی تحولی استراتژیک در روند جنگ و شکست قطعی عراق بود؛ زیرا کلیه ی محاسبات این کشور را مبنی بر ناتوانی ایران برای باز پس گیری این مناطق بر هم زد و در نتیجه، استراتژی عراق برای استفاده از زمین در تحمیل صلح به ایران با شکست همراه شد و متقابلا توانایی ارتش عراق برای دفاع در برابر قوای نظامی ایران و موقعیت برتر عراق با استقرار در خاک ایران، بر اثر شکست های نظامی به موضع ضعف و ضرورت تمرکز بر دفاع از خاک عراق، تبدیل شد.

پیدایش موقعیت جدید و ضرورت مهار و کنترل پیامدهای سیاسی - نظامی و امنیتی حاصل از شکست ها، اهداف و ماهیت استراتژی عراق را شکل داد. جلوگیری از ادامه ی شکست در برابر قوای نظامی ایران و خنثی سازی پیروزی های احتمالی با گسترش صحنه ی جنگ، کنترل اوضاع داخلی و

۱- ۲۵۶. مأخذ ۵۹، شماره ۱۸، ۶ / ۵ / ۱۳۶۱، ص ۱۱.

۲- ۲۵۷. مأخذ ۵۹، شماره ۸، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۲۳.

۳- ۲۵۸. مأخذ ۵۷، ص ۲۶۶ و ۲۶۷، گزارش روز ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۱.

بازسازی روابط خارجی عراق بخشی از فعالیت هایی بود که در این بررسی به آن ها توجه خواهد شد.

با عقب نشینی (۱) ارتش عراق از خاک ایران، چرخش و تغییر در استراتژی عراق در جنگ آغاز شد. تصمیم به عقب نشینی بنابر توضیح صدام حسین با «مطالعه تمام شرایط و احتمالات» صورت گرفت. (۲) هدف اصلی از این اقدام «گرفتن بهانه ی ادامه ی جنگ از ایران» بود. (۳) صدام ادعا کرد پیش بینی می کردیم که ایران جنگ از ادامه دهد. (۴) وی در مصاحبه با لوموند درباره ی عوامل نظامی مؤثر در تصمیم گیری ایران و تأثیر فتح خرمشهر می گوید: «هنگامی که تصور کردند که عراق در نبرد المحمره بازنده شد اشتباه کردند. چرا که در حقیقت عراق بازنده المحمره نبود، همانطور که ایران برنده آن نبود. این نبرد شرایط نظامی - سیاسی و روانی خاص خود را داشت و این امر باعث شد که آن ها را به اشتباه بیندازد.» (۵) .

عراقی ها چنین برداشت کردند که ایران با پیروزی در خرمشهر و تحلیلی که از شکست ارتش عراق و عقب نشینی از خاک خود داشت، برای تعمیق و گسترش پیروزی، به جنگ در خاک عراق ادامه خواهد داد. (۶) عملیات رمضان تحلیل و پیش بینی عراق ها را اثبات کرد. اهداف عملیات رمضان از نظر عراقی ها «اشغال عراق و تغییر رژیم عراق و تشکیل رژیمی است که پیرو خمینی باشد و عراق را ایالت یا استانی تابع ایران علام نماید.» (۷) .

بنابراین، عملیات رمضان برای عراق نتیجه ایی سرنوشت ساز داشت و عراقی ها سال دشواری را پشت سر گذاشتند. صدام می گوید: «سال ۱۹۸۲م

۱- ۲۵۹. عراق در تاریخ بیستم خرداد ۱۳۶۱ آمادگی خود را برای عقب نشینی از خاک ایران اعلام و در تاریخ سی ام خرداد عقب نشینی را آغاز کرد. در این مرحله، عراق همچنان ۲۵۰۰ کیلومتر از مناطق حساس و استراتژیک شامل ارتفاعات و نفت شهر را در اختیار خود داشت.

۲- ۲۶۰. مأخذ ۵۹، شماره ۷، ۲۶ / ۴ / ۱۳۶۱ ص ۶۹، رادیو صوت الجماهیر.

۳- ۲۶۱. مأخذ ۵۷، ص ۵۵۵، گزارش روز ۱۵ / ۵ / ۱۳۶۱، سفیر عراق در عربستان در مصاحبه با الجزایر، چاپ عربستان.

۴- ۲۶۲. مأخذ ۵۹، شماره۷، ۲۶ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۶۹، رادیو صوت الجماهیر.

۵- ۲۶۳. مأخذ ۵۹، شماره ۱۷، ۵ / ۵ / ۱۳۶۱، ص ۳۸.

۶- ۲۶۴. صدام بعدها طی سخنانی به این موضوع اشاره کرد که نتایج عملیات های قبلی موجب تصمیم گیری ایران برای ادامه جنگ شد. وی می گوید: «... ما به شما گفتیم که شرایط نیروهای محمره شما را فریب ندهد که خیال کنید که خاک عراق را می توان به آسانی اشغال کرد و به شما گفتیم که با این توهم اشتباه جدیدی در شناخت عراقی ها و شناخت اصول و مفاهیم عظیمی که آنان بدان ایمان دارند مرتکب می شوید.» (بررسی تبلیغات عراق از فاو تا فاو، ص ۳۰، ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۵).

۷- ۲۶۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، مشروح نهمین کنگره حزب بعث رژیم عراق درباره جنگ، ۲۴ / ۲ / ۱۳۶۲، ص ۳۸ و ۳۹، رادیو بغداد، ۶ / ۱ / ۱۳۶۱.

(۱۳۶۱) برای ما سال خیلی دشواری بود.» (۱) بعدها نیز در کنگره ی حزب بعث گفته شد: «نبردهای شرق بصره یکی از نبردهای بسیار مهم و قهرمانانه ی نیروهای مسلح ماست و چنانکه فرماندهان پس از پایان کار کنگره بررسی کردند، ارزش آن از لحاظ سیاسی و نظامی برابر است با تمام نبردهای ارتش عراق. در واقع، نتایج این نبرد تأثیر زیادی بر تمام عناصر مبارزه میان ما و رژیم خمینی داشت و موقعیت عربی و بین المللی عراق را مستحکم ساخت.» (۲) .

پس از عملیات رمضان عراقی ها معتقد بودند که ایران به جنگ ادامه خواهد داد. صدام طی سخنانی در همین زمینه می گوید: «دشمن از درس هایی که تا به حال در نبردهای شرق بصره به او داده ایم عبرت نگرفته است، بلکه همچنان درصدد آغاز حمله با شیوه های مختلف است.» (۳) وی اضافه کرد: «ممکن است ایران از مناطق جدیدی را برای حمله جدید خود انتخاب کند.» (۴) وی گفت من به نیروهای عراقی توصیه می کنم که هرگز غفلت نکنند؛ زیرا دشمن از کوچک ترین غفلت ما استفاده می کند. (۵) .

آنچه برای صدام پس از فتح خرمشهر حائز اهمیت و اصل مهم در تصمیم گیری و رفتارهای عراق بود، جلوگیری از پیروزی ایران بود. در واقع، هرگونه پیشروی در خاک عراق به مثابه ی ایجاد تزلزل و بی ثباتی در درون عراق و کاهش قدرت و اعتبار بین المللی عراق ارزیابی می شد. در گزارش کمیته ی روابط خارجی امریکا در این زمینه آمده است: «هدف اصلی ارتش عراق پایان دادن فوری به جنگ است که این خود به معنای ایستادگی در برابر حملات زمینی ایران است. عراقی ها در چارچوب این اولویت راهبردی دفاع مطلق بر روی زمین و حمله در سایر عرصه ها را برگزیدند.» (۶) دامن زدن به جنگ نفتکش ها برای کاستن از برتری اقتصادی ایران و حمله به

---

۱ - ۲۶۶. مرتضی منطقی، نگاهی به ۸ سال جنگ تبلیغاتی، گروه علوم انسانی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، انتشارات جهاد دانشگاهی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، ص ۲۲۵ و ۲۲۶.

۲- ۲۶۷. مأخذ ۹۹.

۳- ۲۶۸. عدنان خیرالله، معاون فرماندهی کل نیروهای مسلح و وزیر دفاع عراق، طی سخنانی گفت: ایران بخش مرکزی جبهه ی جنگ را برای تهاجم به آن سوی مرزهای عراق برگزیده است.(روز شمار جنگ، ج ۲۰، ص ۶۳۲، گزارش ۲۵ / ۵ / ۱۳۶۱) خبرگزاری فرانسه نیز طی گزارشی اعلام کرد عراقی ها عقیده دارند ایران به دنبال حمله ی جدید در منطقه جدید و با تاکتیک متفاوت از تاکتیک های قبلی است. (گزارش لحظه به لحظه، ش ۳۳، ۲۱ / ۵ / ۱۳۶۱، ص ۵).

۴- ۲۶۹. مأخذ ۵۷، ص ۵۸۹، گزارش روز ۲۰ / ۵ / ۱۳۶۱.

۵- ۲۷۰. مأخذ ۵۹، شماره ۳۴، ۲۲ / ۵ / ۱۳۶۱، ص ۲، سخنان صدام در جمع نظامیان عراقی.

۶ - ۲۷۱. روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، «گزارش کمیته روابط خارجی سنای امریکا»، ترجمه خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، دی ۱۳۶۳، ص ۲۵.

جزیره خارک با همین هدف دنبال شد. (۱) عراقی ها در تابستان سال ۱۹۸۲م (۱۳۶۱) «منطقه ی ممنوعه ی دریایی» تعیین کردند و هشدار دادند هر کشتی که در این نواحی یافت شود متخاصم تلقی و بدان حمله می شود. (۲) عراقی ها همچنین از طریق طارق عزیز با مسعودی رجوی تماس گرفتند تا زمینه های همکاری را فراهم سازند. (۳) خطوط کلی استراتژی عراق تدریجا بر روند تحولات جنگ و تا اندازه ای بر نتیجه نهایی جنگ تأثیر گذاشت.

اوضاع داخلی عراق برای تقویت موقعیت صدام و حزب بعث سامانده‌ی شد، شورای فرماندهی انقلاب عراق در مناطق کردنشین عفو عمومی اعلام کرد و زندانیان سیاسی شامل کمونیست ها و سوسیالیست ها آزاد شدند. (۴) صدام به این وسیله موضع سیاسی و نظامی خود را مستحکم کرد. (۵) علاوه بر این عراق به دلیل کاهش صادرات نفت از روزانه ۵ / ۲ میلیون بشکه در سال ۱۹۸۰ م به روزانه ۷۴۶ هزار بشکه در سال ۱۹۸۱ م، به دنبال بر طرف ساختن بحران مالی بود. این موضوع سبب شد درآمد نفتی عراق از ۲۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ م به ۹ میلیارد دلار در دو سال بعد کاهش یابد. کاهش کمک مالی کشورهای خلیج فارس در تابستان سال ۱۹۸۲ م در مجموع به تأخیر در پرداخت تعهدات مالی عراق منجر شد. (۶) چنانکه طارق عزیز برای تعویق پرداخت بدهی سیزده میلیارد فرانکی عراق به فرانسه، به این کشور سفر کرد و طی مصاحبه ای با لوموند اعلام کرد عراق حاضر است ۹۰٪ بدهی های مربوط به سال ۱۹۸۳ م را به صورت نفت خام پرداخت کند. (۷) .

طولانی شدن جنگ با احتمال تداوم آن پس از فتح خرمشهر و تلاش عراق برای پایان دادن به پروژه های عمرانی به ویژه اتمام کارهای ساختمان اجلاس سال ۱۹۸۲م سران جنبش غیرمتعهدها در بغداد و ضرورت حفظ روحیه مردم در دوران جنگ، مشکلات مالی عراق را افزایش داد و در نتیجه، ذخایر مالی این کشور به سرعت تهی شد. (۸) به همین دلیل، پس از آنکه مشخص شد اجلاس جنبش عدم تعهد در بغداد برگزار نخواهد شد، دولت عراق مجبور شد با توجه به هزینه ی بالای جنگ از پانصد میلیون دلار تا یک میلیارد دلار در

۱- ۲۷۲. همان.

۲- ۲۷۳. آندره گاتری و ناتالینو رونزیتی، جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸) و حقوق جنگ دریایی، ترجمه فصل دوم احمد سالاری، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل، تهران ۱۳۷۴، ص ۶۹.

۳- ۲۷۴. روزنامه جمهوری اسلامی، ۴ / ۴ / ۱۳۸۰، ص ۸ «پس از بحران»، پاورقی سخنرانی آقای هاشمی درباره پیروزی انقلاب، سال ۱۳۶۱؛ و خطبه های جمعه سال ۱۳۶۱، دفتر نشر معارف انقلاب با همکاری سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، بهار ۱۳۷۶، جلد سوم، ص ۴۲۵، خطبه دوم، ۱۵ / ۱۱ / ۱۳۶۱.

۴- ۲۷۵. مأخذ۵۷، ص ۳۹۲، گزارش روز ۴ / ۵ / ۱۳۶۱، مجله لبنانی الشراع.

۵- ۲۷۶. مأخذ ۵۹، شماره ۶، ص ۳۴، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۱.

۶- ۲۷۷. فیلیپ رابینز، «اهداف، استراتژی ها و مشکلات عراق در جنگ»، گروه ترجمه ماهنامه نگاه، ماهنامه نگاه، شهریور ۱۳۸۱، شماره ۲۶، ص ۴۹ و ۵۰.

۷- ۲۷۸. دکتر مجید بزرگمهری (عضو هیئت علمی کمیسیون ملی یونسکو در ایران)، «روابط ایران و فرانسه در دهه اول

انقلاب اسلامی ایران»، مجله سیاسی - اقتصادی (اطلاعات)، شماره ۱۱۱ و ۱۱۲، ص ۴۳.

۸- **۲۷۹.** ویژه نامه «بررسی جنگ» (بحران خلیج فارس)، معاونت سیاسی ستاد کل، مهر ۱۳۶۶، ص ۱۴۳ و ۱۴۴، رالف کینگ، مقاله «جنگ ایران و عراق - مفاهیم سیاسی ۱۹۸۵-۱۹۸۶»، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۱ / ۴ / ۱۳۶۶، نقل از نشریه ادلفی پی پر وابسته به مؤسسه بین المللی مطالعات استراتژیک در لندن.

ماه، اقتصادی تر عمل کنـد. (۱) در عین حـال، عراق کوشـید از کشورهـای عربی وام بگیرد و تا انـدازه ای بحران مالی خود را مهار و تعدیل نماید.

ضرورت ها و نیازهای نظامی - سیاسـی و اقتصادی عراق مستلزم این بود که نقش جدید تدافعی عراق در برابر تهاجمات ایران پس از فتـح خرمشـهر ترسـیم و از طریق خطر ایران برای کشورهـای منطقه بزرگ نمایی شود. صـدام طی سـخنانی که از رادیو صوت الجماهیر پخش شد اعلام کرد: «ما که جناح شـرقی میهن عربی هستیم نه تنها از عراق بلکه به نیابت از طرف امت عرب علیه طرح خطرناکی که هـدف از آن انهدام ابنیه ی امت عرب و مبدل ساختن آن به ایالت های کوچک و رقیب طایفه ای که تـابع نفوذ تل آویو و تهران است و تمامی نیروهای بین المللی که چشم طمع به ما دوخته انـد، نبرد می کنیم و قربانی داده ایم.» (۲) نماینده ی عراق در سازمان ملل نیز طی مصاحبه با سـی.ان.ان اعلام کرد، سربازان عراقی از ملیت عربی و عربیسم دفاع می کننـد. وی اضافه کرد شـیعیان عراق بیشتر از آن که طرفـدار دولت ایران باشـند از دولت عراق حمایت می کننـد. (۳) همچنین روزنـامه ی الجمهـوریه، ارگـان حزب بعث عراق، بـا تـوجه به موقعیت عراق، از مواضع کشورهـای عربی انتقـاد کرد و نوشت: «سـکوت اعراب در مقابل تـداوم حملات ایران به خاک عراق پذیرفتنی نیست.» (۴) در حالی عراق این موضع را گرفته اسـت که بنابر گزارش روزنامه ی بعث، چاپ سوریه، عراق در مجموع جنگ ۱۷۵ میلیارد دلار هزینه متحمل شد که ۴۲ میلیارد دلار آن را کشورهـای عربی پرداخت کردنـد؛ (۵) البته میزان کمـک هـای پرداختی این کشورها بجز کویت دقیقا مشـخص نیست. احتمالاـ میزان کمک های مزبور تا آخر سال ۱۹۸۱ م بین هجـده تا بیست میلیارد دلار بوده که در سال بعـد از آن به ۲۳ تا ۲۵ میلیارد دلار افزایش یافته است. (۶) .

کشورهـای عربی در مرحله ی جدیـد جنـگ کمک های گسترده ای را به عراق آغاز کردنـد که بعـدها افزایش یافت و حجم زیـادی را به خود اختصـاص داد کمکی که در جنگ به عراق شـد به نوشـته ی رالف کینگ انگیزه اش تمایل به جلوگیری از پیروزی ایران بود. (۷) همان گونه که شفیق ناظم الغبرا، استاد

۱- ۲۸۰. همان، ص ۱۴۴.

۲- ۲۸۱. مأخذ ۵۹، شماره ۷، ۲۶ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۷۱.

۳- ۲۸۲. مأخذ ۵۷، ص ۲۸۵ و ۲۸۶، گزارش روز ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۱.

۴- ۲۸۳. مأخذ ۵۷، ص ۳۸۰، گزارش روز ۳ / ۵ / ۱۳۶۱.

۵- ۲۸۴. مأخذ ۵۷، ص ۶۵۰، گزارش روز ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۱.

۶- ۲۸۵. مأخذ ۵۷، ص ۲۷۶، گزارش روز ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۱.

۷- ۲۸۶. مأخذ ۱۱۱، ص ۱۷۴.

دانشگاه کویت، می گوید: «پس از فتح خرمشهر عرب ها به خود لرزیدند و بی صبرانه به حمایت از صدام پرداختند.» (۱) .

دولت مصر با هزینه ی امارات متحده عربی تجهیزات فراوانی بالغ بر چهار صد میلیون دلار به عراق فرستاد. کشورهای عربستان، اردن و کویت در مرداد همین سال جمعا تعداد ۱۳۴۵ دستگاه خودرو حامل مهمات و انواع جنگ افزار به عراق تحویل دادند.

بنا به گزارش روزنامه ی واشنگتن پست صدام از مصر نیروی تعلیم دیده درخواست کرد. به گفته ی معاون نخست وزیر و فرمانده ی ارتش خلق عراق به روزنامه ی مصری اخبار الیوم، تعداد نیروهای مصری شاغل در ارتش عراق بین نه هزار الی ده هزار نفر است و این تعداد نیروی مصری معادل نیمی از مجموع کل نیروهای عرب است که در ارتش عراق به خدمت اشتغال دارند؛ (۲) البته بعدها حسنی مبارک، (۳) رئیس جمهور مصر، در مصاحبه با فیگارو گفت: «یک بار از صدام حسین شنیدم که گفت هیجده هزار سرباز مصری در کنار عراقی ها می جنگند.» (۴) همچنین عراق از اعراب خواست تا به مصری برای خروج از انزوا و رهایی از آثار قرارداد کمپ دیوید کمک کنند. (۵) در واقع، عراق با تکیه بر کمک مالی، تبلیغاتی - سیاسی و اعزام نیرو از کشورهای عربی، به ویژه مصر در نظر داشت موازنه ی موجود میان ایران و عراق را به سود خود تغییر دهد.

گسترش روابط خارجی

بازسازی روابط خارجی به ویژه با امریکا و غرب با این هدف طراحی و دنبال می شد که ادامه ی انزوای سیاسی عراق، این کشور را از پشتیبانی و حمایت های بین المللی محروم می کرد. در صورتی که عراق با جنگ نیابتی

۱- ۲۸۷. شفیق ناظم الغبرا، سخنرانی در دفتر مطالعات وزارت خارجه، دی ۱۳۶۵.

۲- ۲۸۸. همان.

۳- ۲۸۹. پس از مخالفت مصر با اشغال کویت و تشدید اختلاف میان دو کشور و سرزنش عراق توسط مصر به خاطر جنگ با ایران، طارق عزیز در الثوره نوشت: «کسانی که امروز ما را به خاطر جنگ با ایران تقبیح می کنند آن روزها ایران را مورد حمله قرار می دادند و آن را خطری برای منطقه به حساب می آوردند. در رژه بزرگ نظامی به مناسبت اولین سالروز آزادی فاو حسنی مبارک به بغداد آمد و در آن مراسم شرکت کرد.» (بولتن وزارت خارجه جمهوری، ش ۱۲۰۰، ۲۱ / ۱۰ / ۱۳۷۷، ص ۷ و ۸).

۴- ۲۹۰. روزنامه شرق، ۲۵ / ۴ / ۱۳۸۲، ص ۵.

۵- ۲۹۱. مأخذ ۵۷، ص ۳۱۹، گزارش روز ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۱.

علیه ایران و انقلاب اسلامی برای منافع غرب و افزایش دامنه ی فشار به ایران، به روابط گسترده ی سیاسی - اقتصادی و نظامی با جهان خارج نیاز داشت.

به نظر می رسد پس از فتح خرمشهر مجموع اقدامات و تعاملات سیاسی در سطح منطقه و جهان، عراق را به این باور و نتیجه رساند که برای ادامه ی جنگ اراده ای وجود دارد. به همین دلیل، طه یاسین رمضان پس از شروع عملیات رمضان از رفتار دو ابرقدرت در جنگ انتقاد کرد و گفت: ابرقدرت ها از استمرار جنگ نفع می برند (۱) و به همین خاطر آن را متوقف نمی کنند. (۲) .

عراق برای خروج از آن وضعیت، گزینه ی دیگری جز گسترش مناسبات با جهان خارج نداشت. اقدامات عراق در مرحله ی جدید به گونه ای بود که روزنامه ی لارپوبلیکا نوشت: «اخیرا رژیم عراق در تلاش است به سیاست انزواگرایی و درون نگری خود - از نتایج جنگ با ایران - خاتمه دهد و در صحنه ی بین المللی فعال تر عمل نماید. رژیم عراق متوجه شده است که برای مقابله با رژیم اسلامی ایران، نبرد در صحنه ی بین المللی اهمیت و عمق بیشتری دارد.» (۳) .

صدام براساس سیاست جدید عراق در مصاحبه با مجله ی تایم گفت: «من هیچ دشمنی شخصی با امریکا ندارم و می خواهم روابط خوبی با آن کشور داشته باشم.» وی اضافه کرد در موقعیت کنونی، عراق باید با ابرقدرت ها مناسبات نیکویی داشته باشد. صدام به کمک کشورهای عربی اشاره و اعلام کرد که تاکنون بیست میلیارد دلار از کشورهای عربی دریافت داشته است. وی درباره ی منافع حیاتی امریکا در منطقه گفت: به اعتقاد من امریکا سه نوع منافع حیاتی در منطقه دارد: ۱- تجارت بازرگانی با دول محافظه کار عرب؛ ۲- گسترش روابط اقتصادی؛ ۳- وزنه ای در مقابل نفوذ قدرت دیگر.

ص: ۸۱

---

۱ - ۲۹۲. آقای محسن رضایی فرمانده پیشین سپاه، بعدها در یک مصاحبه تلویزیونی با تحلیل از استراتژی امریکا در جنگ به این موضوع اشاره کرد که استراتژی امریکا اول این بود که با در دست داشتن سرزمین هایی از ایران، این کشور را به بازگشت به نظم بین المللی وادار سازد. با آزادی خرمشهر استراتژی امریکا شکست خورد و سیاست جدیدی را در پیش گرفت که در حقیقت شرایط نه جنگ و نه صلح بین ایران و عراق بود تا با ادامه ی به این وضعیت ایران دست به دامان سازمان های بین المللی بشود که حدود مرزی اش را تأمین کند و... (ضبط برنامه تلویزیونی سجاده آتش، شبکه ی اول، زمستان ۱۳۷۷).
۲- ۲۹۳. مأخذ ۵۷، ص ۳۱۹، گزارش روز ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۱.
۳- ۲۹۴. مأخذ ۵۷، ص ۴۱۰، گزارش روز ۶ / ۵ / ۱۳۶۱.

صـدام به تکنولوژی امریکـا و شوروی اشـاره کرد و گفت: به اعتقـاد من تکنولوژی امریکا و غرب بـدون تردیـد پیشـرفته تر از شوروی است که می تواند زمینه ی سیاسی مناسبی را برای همکاری آینده اعراب با امریکا به وجود آورد. (۱) .

اظهارات جدید صدام بازتاب گسترده ای داشت. نیویورک تایمز نوشت: «شواهد کافی موجود است از زمان ریاست جمهوری صـدام، از لحن تندروی علیه امریکا کاسـته شده و وی با کمی فاصـله گرفتن از شوروی، به دنبال ایفای نقشـی منطقه ای و بین المللی است.» در این مقاله با توجه به موفقیت نسبی عراق در دفاع در برابر قوای نظامی ایران آمـده است: نقش عراق در منطقه در حـال افزایش است و پیروزی هـای اخیر عراق در مقـابله با ورود ایران به خاک عراق، نشان دهنـده ی ثبات و توانایی عراق است. مجموعه ی اقدامات عراق در منطقه، نشان می دهد که این کشور تهدیدی برای منافع امریکا و هم پیمانانش نخواهد بود و بهتر است که امریکا رابط خود را با عراق برقرار کند. (۲) .

امریکا نیز بر پایه ی احساس نگرانی از روند تحولات جنگ و پیروزی احتمالی ایران سیاست های خود را در مورد عراق تغییر داد. چنـانکه بـا آغاز پیشـروی نیروهای ایران در خاک عراق، نیکولاس ولیوتس، که در وزارت خارجه امریکا به طرفـداری از اعراب شـهرت داشت، دربـاره ی پیشـروی ایرانی هـا در جبهه هـای جنـگ به شولـتز، وزیر امـور خـارجه، هشـدار داد و گفت: «ایالات متحـده امریکا باید بی سـر و صدا از صدام حسـین حمایت کند.» با عقب نشـینی عراق از ایران در بهار سال ۱۳۶۱ این نگرانی در واشنگتن پدید آمد که مبادا عراق در نهایت بازنده جنگ شود. مشاهده ی ایران پیروزمندی که بخواهد انقلاب اش را به مرزهای غربی صادر کنـد و در قلب جهان عرب گسترش دهـد آن چیزی نبود که امریکا می خواست. (۳) بعدها روزنامه ی واشـنگتن پست درباره ی تغییر سیاست خارجی امریکا نوشت: «تا سال ۱۹۸۲م واشـنگتن تقریبا روابط مستقیم و مستحکم با صـدام نداشت اما پس از آنکه در تابسـتان این سال موقعیت استراتژیکی جنگ به طور چشم گیری به نفع ایرانیان تغییر یافت و سربازان ایرانی تا چند کیلومتری بصره دومین شهر بزرگ عراق پیش آمدند،

۱- ۲۹۵. مأخذ ۵۹، شماره ۱۵، ۳ / ۵ / ۱۳۶۱، ص ۲۵.

۲- ۲۹۶. مأخذ ۵۷، ص ۵۵۲، گزارش روز ۱۴ / ۵ / ۱۳۶۱.

۳- ۲۹۷. کنت آرتیمرمن، سوداگری مرگ، ترجمه احمد تدین، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۷۳، ص ۲۵۷.

به یکباره دولت امریکا صدام را اصلی ترین متحد خود، در منطقه برگزید و طی دستورالعملی کمک به رژیم عراق را از اولویت های سیاست خارجی ایالات متحده ساخت.» (۱) مارتین ایندیک، سفیر پیشین امریکا در اسرائیل، نیز در گفت و گو با الاهرام العربی می گوید: «زمانی که ایرانی ها به عراق حمله ور شدند نگران شدیم، بنابراین به او کمک کردیم.» (۲) .

سخنگوی کاخ سفید پس از شروع عملیات رمضان نگرانی این کشور را نسبت به ثبات منطقه و خطر گسترش جنگ اعلام کرد. (۳) همچنین رادیو امریکا طی گفتاری که نظر رسمی دولت امریکا بود، گفت: «حفظ ثبات در خاورمیانه جنبه ای بنیادی و حیاتی دارد.» در ادامه ی این گفتار آمده است: «درگیری ایران و عراق این ویژگی را دارد که احتمالا از آنچه اینک هست گسترش یابد و در نقاط دیگر خاورمیانه نیز تزلزل و بی ثباتی پدید آید.» (۴) .

با آغاز درگیری نیروهای ایران در خاک عراق، این رویداد در گزارش کمیته ی روابط خارجی سنای امریکا بررسی شد و راه تمایل بیشتر امریکا را به جانب عراق هموار ساخت. در گزارش مذکور آمده بود: ایالات متحده ی امریکا گام هایی در مسیر پشتیبانی از عراق و ممانعت از پیروزی ایرانیان برداشته است. (۵) .

در تداوم ضرورت حمایت امریکا از عراق، در تاریخ دوازدهم جولای ۱۹۸۳ م شورای امنیت ملی امریکا طی مصوبه ی شماره ۹۹ توصیه کرد که برای تقویت ثبات خلیج فارس حمایت نظامی و اطلاعاتی از عراق ضروری است. (۶) همچنین در نوامبر ۱۹۸۳م شورای امنیت ملی امریکا طی دستورالعمل شماره ی ۱۱۴ تصریح کرد که «ایالات متحده هم اقدامات لازم را برای جلوگیری از شکست عراق در جنگ با ایران اتخاذ خواهد کرد.» (۷) بر همین اساس امریکا برای کمک به عراق و در رفع محدودیت های موجود، نام این کشور را از فهرست کشورهای تروریست خارج کرد. (۸) امریکا از طریق کشورهای ثالث نظیر عربستان برای تقویت عراق اقدام کرد. (۹) همچنین امریکا به کشور امارات فشار آورد تا با اعطای وام های سنگین به بغداد برای واردات کالاهای امریکایی، کمک کند. (۱۰) .

۱- ۲۹۸. روزنامه انتخاب، ۱۴ / ۷ / ۱۳۸۱، ص ۸.

۲- ۲۹۹. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نشریه رسانه های دنیا، بولتن ویژه ی «بازتاب حمله احتمالی امریکا به عراق». شماره ۷، ۲۰ / ۹ / ۱۳۸۱، ص ۹۵.

۳- ۳۰۰. مأخذ ۵۹، شماره ۵، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۶۲، رادیو امریکا.

۴- ۳۰۱. مأخذ ۵۹، شماره ۵، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۹۰.

۵- ۳۰۲. مأخذ ۱۲۷.

۶- ۳۰۳. روزنامه انتخاب، ۲۶ / ۱۲ / ۱۳۸۱، ص ۶، مقاله به قلم مائورتیذیر مولنیاری.

۷- ۳۰۴. روزنامه انتخاب، ۱۴ / ۱۰ / ۱۳۸۱، ص ۸، روزنامه واشنگتن پست به قلم مایکل دابس.

۸- ۳۰۵. مأخذ ۱۳۳.

۹- ۳۰۶. مأخذ ۱۳۴.

١٠- ٣٠٧. مأخذ ١٣٣.

بعدها اریک رولو، سفیر سابق فرانسه در ترکیه، این خبر را افشا کرد که سیا در بغداد دفتر تأسیس کرده بود تا به طور منظم عکس هایی را که از طریق ماهواره تهیه می شد در اختیار عراق قرار دهند. به گزارش هوارد تیچر، عضو پیشین شورای امنیت ملی امریکا، امریکا با ارسال میلیاردها دلار اعتبار، در اختیار گذاشتن اطلاعات و پیشنهادها و تصاویر نظامی و نظارت مستقیم از طریق کشوری ثالث بر خریدهای تسلیحاتی عراق، به عراق کمک شایانی کرد. (۱) به گفته ی وی ویلیام کیسی، مدیر سابق سیا، از طریق شرکتی در شیلی بمب های خوشه ای در اختیار عراق قرار داد که در مقابله با هجوم ایرانی ها کاربرد مؤثری داشته است. (۲) بنابر گزارش مایکل دابس در واشنگتن پست، بررسی اسناد دولتی و گفت وگو با سیاستمداران گذشته نشان می دهد که حامیان اطلاعاتی و لجستیک امریکا در تحکیم دیوار دفاعی عراق علیه حملات ارتش ایران نقش حیاتی داشته اند. (۳) .

روابط عراق با فرانسه گرچه از دهه ی هفتاد میلادی آغاز شد ولی به تدریج رو به گسترش نهاد. فرانسه منافع استراتژیک مشابه و انگیزه های مالی قوی در بقای رژیمی سکولار در عراق داشت و در صورت تغییر رژیم و جایگزینی آن با رژیمی تحت نفوذ ایران با خطر جدی روبه رو می شد. (۴) فرانسه تنها در سال ۱۹۸۲م چهل درصد از تسلیحات خود را به عراق ارسال کرد. (۵) صدام با آشکار شدن علائم شکست عراق و احتمال پیشروی ایران در خاک عراق درباره ی روابط با فرانسه گفت: «روابط ما با فرانسه قابل اتکاء است، اما ما میل داریم این روابط را گسترش دهیم.» وی سپس اظهار تمایل کرد با میتران، رئیس جمهوری فرانسه، ملاقات کند. (۶) .

تحلیل کشورهای غربی و فرانسه بر این پایه استوار بود که پیروزی ایران بر عراق جغرافیای سیاسی منطقه را در دگرگون می نماید و علاوه بر اینکه حیات سیاسی رژیم های منطقه را در معرض نابودی قرار می دهد خسارات جبران ناپذیری نیز بر منافع غرب وارد می سازد. در این مرحله میتران، رئیس جمهور وقت فرانسه، اعلام کرد سیاست کشورش ایجاد موازنه در دنیای

۱- ۳۰۸. مأخذ ۱۳۴.

۲- ۳۰۹. مأخذ ۱۳۴.

۳- ۳۱۰. مأخذ ۱۳۴.

۴- ۳۱۱. مأخذ ۷۲، ص ۲۰۲.

۵- ۳۱۲. مأخذ ۷۲، ص ۱۸۲.

۶- ۳۱۳. مأخذ ۵۷، ص ۵۷۲، گزارش روز ۱۷ / ۵ / ۱۳۶۱.

عرب و فارس است و تأکید کرد که ما حاضر نیستیم عراق در مقابل ایران مغلوب شود. (۱) .

بدین ترتیب، فرانسه حمایت خود را در جنگ از عراق اعلام کرد و کلود شسون، وزیر خارجه فرانسه، با آغاز عملیات رمضان در دیدار با وزیر خارجه عراق گفت: «هرگونه تهدید علیه وحدت ملی عراق، تهدیدی بی چون و چرا علیه ثبات منطقه خاورمیانه است.» دولت فرانسه نیز به ورود نیروهای ایران به داخل خاک عراق واکنش نشان داد و هیئت وزیران فرانسه با صدور بیانیه ای از خطرات ناشی از بی ثباتی در منطقه ابراز نگرانی کرد. (۲) بر همین اساس در حالی که هنوز عملیات رمضان ادامه داشت دولت فرانسه شصت فروند جنگنده پیشرفته میراژ به حکومت عراق فروخت و میتران به عراق اطمینان داد از فروش سلاح به عراق پشتیبانی خواهد کرد. (۳) واگذاری «میراژ اف ۱»و سایر تسلیحاتی که به این کشور ارسال شد، (۴) قدرت هوایی عراق را به نحو بارزی افزایش داد.

عراق در حالی از فرانسه میراژ تحویل گرفت که قدرت نیروی هوایی ایران بر اثر جنگ و تحریم و قطع رابطه با امریکا ضعیف شده بود و در نتیجه، عراق توانست با تجهیزاتی که از فرانسه گرفت از جمله موشک اگزوست، قدرت تهاجمی خود را برای عملیات هوایی افزایش دهد. (۵) در واقع، چنانکه میتران، رئیس جمهور پیشین فرانسه، به هنگام دیدار از مصر گفت: این کشور مایل نبود عراق در جنگ با ایران مغلوب شود و موازنه ی نظامی میان جهان عرب و ایران باید حفظ شود. (۶) وزیر خارجه وقت فرانسه نیز درباره ی انگیزه ی فرانسه از تحول هواپیمای «سوپر اتاندارد» به عراق گفت: «انگیزه دولت فرانسه دو عامل بوده است؛ یکی تمایلات صلح طلبانه ی عراق و عامل دوم، ایجاد موازنه ی نظامی در جنگ ایران و عراق است.» (۷) .

تأثیر همکاری فرانسه با عراق در تقویت بنیه ی دفاعی این کشور به گونه ای بود که بلافاصله با اتمام عملیات رمضان نشریه ی المجله، چاپ لندن، به نقل از منابع مطلع فرانسوی نوشت: «یکی از عوامل مهم و اساسی در موفقیت عراق

۱- ۳۱۴. کامیاب منافی، فرانسه، چاپ دوم، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، تهران، ۱۳۷۳، ص ۲۱۸.

۲- ۳۱۵. مأخذ ۵۷، ص ۳۴۰، گزارش روز ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۱.

۳- ۳۱۶. مأخذ ۵۷، ص ۳۷۵، گزارش روز ۳۰ / ۵ / ۱۳۶۱.

۴- ۳۱۷. مأخذ ۷۲، ص ۱۸۲.

۵- ۳۱۸. مأخذ۷۲، ص ۱۸۲.

۶- ۳۱۹. مأخذ ۱۱۰، ص ۴۱.

۷- ۳۲۰. کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی، سال ۱۳۶۲، آرامش و چالش، به اهتمام مهدی هاشمی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۱، ص ۳۲۹ و ۱۶،۳۳۰ مهر ۱۳۶۲.

برای دفع حمله ی نیروهای ایرانی در بصره، استفاده ی نیروهای عراقی از سلاح های ساخت فرانسه بود از جمله هلی کوپترهای جنگی از نوع «غزال» که به موشک های «هوت» ضد زرهی و نیز به تیربار با آتش سریع، مجهز بودند.» در این گزارش همچنین آمده است: «علاوه بر سلاح، اخیرا تعدادی از کارشناسان و تکنسین های نظامی فرانسه به عراق اعزام شده اند که مأموریت آن ها نظارت بر اوضاع جاری در جبهه های جنگ است. ارزش سلاح هایی که فرانسه در این مرحله به عراق صادر کرد بالغ بر سه میلیارد فرانک فرانسه بود.» (۱) .

در مجموع، روابط گسترده ی عراق با امریکا، اروپا، شوروی و سایر کشورها علاوه بر اینکه این کشور را از حمایت سیاسی و تبلیغاتی بسیاری از کشورهای جهان برخوردار کرد، قدرت دفاعی عراق را در طول جنگ افزایش داد. کردزمن تأثیر عوامل مختلف در حفظ رژیم عراق و جلوگیری از پیروزی ایران را بررسی می کند و می نویسد: «با نگاهی به تاریخچه ی جنگ ایران و عراق در طول سال های ۱۹۸۴-۱۹۸۰ م (۱۳۶۳-۱۳۵۹) چنین برمی آید که اگر عراق به انبوه کمک های خارجی دسترسی نداشت و قدرت نظامی و اقتصادی ایران در نتیجه انقلاب تضعیف نشده بود و تهران با اتحاد جماهیر شوروی و غرب به دشمنی نمی پرداخت، ایران به احتمال زیاد در جنگ پیروز می شد. توانایی عراق برای ادامه ی بقا به همان اندازه که مرهون نیروهای نظامی این کشور است مرهون کویت، عربستان سعودی و سایر کشورهای دوست می باشد. توانایی عراق در دستیابی به برتری نظامی در جبهه های جنگ تا اندازه زیادی به ۳۵ و ۴۵ میلیارد دلار کمک های نقدی و وام های خارجی بستگی داشت.» (۲) .

حمله به جزیره ی خارک

جزیره ی خارک با حدود ۳۲ کیلومتر عرض و ۶۰ کیلومتر طول، منطقه ایی نسبتا بزرگ است و تمامی خطوط لوله ها و تأسیسات نفتی ایران در خارک پراکنده است. نود درصد صادرات نفتی ایران در زمان جنگ از این جزیره

۱- ۳۲۱. مأخذ ۵۷، ص ۶۰۱ و ۶۰۲، گزارش روز ۲۲ / ۵ / ۱۳۶۱.

۲- ۳۲۲. مأخذ ۷۲، ص ۶۱.

صادر می شـد. این امر خارک را هـدفی کلیدی ساخت. (۱) عراق برای محـدود کردن صدور نفت ایران، جزیره ی خارک را هدفی استراتژیک شـناخت و با دریافت هواپیماهای میراژ و موشک های اگزوست از فرانسه بلافاصـله با آغاز عملیات رمضان، بـه جزیره ی خـارک حمله کرد. همچنین در اوت ۱۹۸۲م، عراق «منطقه ی ممنوعه ی دریـایی» اعلاـم کرد که تا ۶۵ کیلومتری جزیره ی خارک امتداد می یافت و هشدار داد که به هر کشتی که به جزیره ی خارک، پایانه های عمده ی صدور نفت ایران، نزدیک شود حمله می شود. (۲) .

بـا آغـاز حملات عراق به جزیره ی خارک، این جزیره منطقه ی جنگی اعلام شـد و به دسـتور مسـئولان نظامی مسـتقر در آن، کشتی هـای نفتکش در اسـکله هـا پهلو نگرفتنـد؛ (۳) زیرا بر اثر حملات عراق علاـوه بر تأسـیسات جزیره خـارک و مخـازن صادرات نفت، کشتی هایی که در اسـکله در انتظار بارگیری نفت بودنـد آسـیب دیدنـد. هشدار عراق به شـرکت های حمل و نقل نفتی در جزیره خارک و سایر بنادر ایران در شـمال خلیـج فارس (۴) به تدریج موجب محدودیت و معضـلات جدید برای صـدور نفت ایران شـد. آقای هاشـمی در خطبه های نماز جمعه برنامه های جدید عراق را حرکتی مرموز دانست که هدف آن تحت فشـار قرار دادن ایران بـود. (۵) به موازات محـدودیت در صـدور نفت ایران، عربسـتان صـادرات نفت را افزایش داد و با فروش ارزان آن، در واقع پیامـدهای حمله ی عراق را به خـارک، از جمله قیمت نفت کنترل کرد. تا ایران را از لحاظ اقتصادی و از لحاظ منبع ارزی تحت فشار قرار دهند. (۶) حملات عراق به شهرها نیز پس از عملیات رمضان گسترش یافت.

بـا آشـکار شـدن نتایـج عملیـات رمضان صـدام در گفت و گو با روزنامه ی لومونـد علاوه بر اینکه اعتراف کرد که بخشـی از اراضی ایران را در اختیار دارد درباره ی شروع حملات به خارک گفت: «ما راه حل دیگری نداشتیم برای حفظ شهرهای خود که مورد حملات قرار گرفته بودنـد.» (۷) وی همچنین در جمع ارتشـیان عراق بـا تهدیـد ایران گفت: «چنانچه ایران به لجاجت خود ادامه دهد اهداف استراتژیکی آن، هدف هایی خواهد بود که جنگنده های ما و دیگر ابزارهای

۱- ۳۲۳. مأخذ ۷۲، ص ۲۴۲.

۲- ۳۲۴. مأخذ ۱۰۵، ص ۸۵.

۳- ۳۲۵. مأخذ ۵۷، ص ۳۰۲ و ۳۰۳، گزارش روز ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۱.

۴- ۳۲۶. مأخذ ۵۷، ص ۶۵۲ و ۶۵۳.

۵- ۳۲۷. دفتر نشـر معـارف انقلـاب بـا همکاری سازمان مـدارک فرهنگی انقلاب اسـلامی، خطبه های جمعه سال ۱۳۶۱، بهار ۱۳۷۶، جلد دوم، ص ۵۰۷ و ۵۰۸، خطبه دوم، ۱۲ / ۶ / ۱۳۶۱.

۶- ۳۲۸. همان.

۷- ۳۲۹. مأخذ ۵۷، ص ۵۷۱ و ۵۷۲، گزارش روز ۱۷ / ۵ / ۱۳۶۱.

جنگی، بین هـدف های نظامی مورد هـدف قرار خواهنـد داد و جزیره خارک به همراه تأسیسات نفتی اش و نفتکش هایی که در آن پهلو می گیرند یا از آن منطقه نفت حمل می کنند صرف نظر از ملیت آن ها، هدف جنگنده های نیروی هوایی خواهند بود.» (۱) اظهـارات صـدام به معنـای گشـایش جبهه ی جدیـد و افزایش دامنه ی حملاتی بود که حمله به خارک تنها نقطه ی آغاز آن بود.

حملـه ی عراق بـه خـارک بازتـابی گسـترده داشت. خبـرگزاری فرانسه از گشـایش جبهه ی عراق سـخن گفت. (۲) لیبراسیون شکست عراق را در برابر نیروهـای ایران و تلاش صـدام برای به دست گیری ابتکـار عمل در زمینه ی دریایی و نفتی علت این اقدام ذکر کرد. (۳) به گزارش خبرگزاری فرانسه عراقی ها متقاعـد شدنـد تنها راه باقی مانده برای جلوگیری از ادامه ی جنگ ۲۳ ماهه، حمله به منابع ایران و کاهش دادن حـداکثر صادرات نفتی ایران است. (۴) این اقدام عراق به معنای «گسترش جنگ» (۵) بود. بر اثر این اقـدام عراق، حق بیمه ی تانکرهای نفت از ترمینال جزیره ی خارک به دو برابر افزایش یافت. بیمه ی لویدز افزایش حق بیمه را ضربه ی سختی برای ایرانیان دانست. (۶) .

تلاش ایران برای تعیین سرنوشت جنگ

ایران پس از عملیـات رمضـان، بـه دلیـل تغییر اوضـاع سیاسـی - نظـامی، گزینه ی دیگری جز ادامه ی جنـگ و کسب پیروزی نظـامی نـداشت. نتیجه ی عملیات رمضان ایران را در موقعیت دشواری قرار داد؛ زیرا برتری سیاسـی - نظامی و روانی ناشـی از فتـح خرمشـهر را از دست داد و در عین حـال امتیاز مهمی در اختیار نـداشت تا متکی به آن برای اتمام جنگ اقـدام نمایـد. در عین حال، نتیجه ی عملیات رمضان نشان داد پیشـروی در منطقه ی شـرق بصره و کسب پیروزی بسیار دشوار است. بعدها وفیق سامرایی نیز در تحلیل خود از عملیات رمضان و تأثیر آن بر ایران نوشت: «نبردهای اول (۷) شرق بصره در هر

۱- ۳۳۰. مأخذ ۵۷، ص ۶۱۶، گزارش روز ۲۳ / ۵ / ۱۳۶۱.

۲- ۳۳۱. مأخذ ۵۷، ص ۶۴۲ و ۶۴۳، گزارش روز ۲۶ / ۵ / ۱۳۶۱.

۳- ۳۳۲. مأخذ ۵۷، ص ۶۳۵، گزارش روز ۲۶ / ۵ / ۱۳۶۱.

۴- ۳۳۳. مأخذ۵۷، ص ۶۴۸ و ۶۴۹، گزارش روز ۲۸ / ۵ / ۱۳۶۱.

۵- ۳۳۴. مأخذ ۵۷، ص ۶۳۶، گزارش روز ۲۶ / ۵ / ۱۳۶۱، خبرنگار خبرگزاری فرانسه از تهران.

۶- ۳۳۵. مأخذ ۵۷، ص ۳۲۲ و ۳۲۳، گزارش روز ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۱.

۷- ۳۳۶. نبردهـای مرحله اول در سال ۱۳۶۱ انجـام گرفت و مرحله ی دوم در سـال ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ بـا عملیات های کربلای ۴، کربلای ۵ و کربلای ۸ انجام شد.

پنج مرحله ی آن، این احساس را در ایرانی ها به وجود آورد که باید به مناطق دیگر جبهه های جنگ بیندیشند تا ضمن کاهش زیان هایشان، نیروهای ما را در مناطق عملیاتی دیگر پراکنده سازند و شرایط لازم برای غافلگیری هم فراهم آید.» (۱) .

ضرورت کسب پیروزی با انتخاب منطقه ی جدید به سلسله مباحثی برای «تعیین استراتژی جنگ» منجر شد. در این روند، به تجزیه و تحلیل عملیات رمضان و علت ناکامی در مقایسه با مرحله ی قبل آن، توجه شد. شهید صیاد شیرازی، فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش، در یکی از جلسات درباره ی عملیات رمضان به نکاتی اشاره می کند که مهم است. وی می گوید: «ما در شروع عملیات رمضان، عملیاتی درخور جمهوری اسلامی آغاز کردیم که دشمن را کاملا متزلزل کرد. اما بعد کم کم عملیات ما ضعیف شد. هر چه زمان جلو می رفت کارمان محدودتر می شد. در آخر دیگر طوری شده بود که پیشنهادها روی دو مثلث (۲) دور می زد.» ایشان سپس چنین نتیجه می گیرد: «این نشان می داد که ما همچنان برای جنگ استقامت داریم و می خواهیم ادامه دهیم ولی توان ما و آن امکاناتی که داشتیم جوابگوی آن حرکتی که باید به هدف برسد نیست.» (۳) .

در یکی دیگر از همین جلسات آقای رضایی، فرمانده وقت سپاه، با توجه به جابه جایی نیروهای دشمن به منطقه معتقد بود که «دیر جنبیدیم» و «باید یک هفته زودتر عمل می کردیم» شهید باقری، جانشین فرماندهی وقت نیروی زمینی سپاه، نیز معتقد بود ما از دشمن عقب افتادیم و به گفته ی آقای رضایی «هر چه تلاش کردیم نتوانستیم جبران کنیم.» شهید باقری معتقد بود تردید در ادامه دادن یا توقف جنگ در نتیجه ی عملیات رمضان مؤثر بوده است. آقای رضایی با این توضیح اضافه می کند که «حادثه ی لبنان هم مؤثر بود» و نتیجه می گیرد «باید این را خدمت امام بگوییم.» (۴) بعدها آقای رضایی نتیجه ی

---

۱ – ۳۳۷. سرلشکر وفیق السامرایی، ویرانی دروازه شرقی، ترجمه عدنان قارونی (تهران: مرکز فرهنگی سپاه، چاپ دوم، ۱۳۸۰)، ص ۹۰.

۲ – ۳۳۸. مواضع دفاعی عراق در منطقه ی شرق بصره در عملیات رمضان به شکل مثلث بود. (روز شمار جنگ، ج ۲۰، ص ۴۰۴-۴۰۵ و ۲۳۱).

۳– ۳۳۹. مأخذ ۵۷، ص ۵۲۰ و ۵۲۱، گزارش روز ۱۲/ ۵ / ۱۳۶۱.

۴– ۳۴۰. مأخذ ۵۷، ص ۴۹۸ و ۵۰۹، گزارش روز ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۱.

عملیات رمضان را جمع بندی می کند و می گوید: «توان دشمن از عملیات طریق القدس افزایش یافت و در عملیات رمضان به ثمر نشست. ما در این زمینه نمی توانستیم بر دشمن غلبه کنیم ولی این موضوع را متوجه نشده بودیم. ما در عملیات رمضان در تاکتیک و مکان دشمن را غافلگیر نکردیم و در زمان جای بحث دارد! تلفات سنگین بر دشمن وارد کردیم ولی دور عملیات مانند گذشته در دست ما نبود و بعد هم به عملیات محدود روی آوردیم.» (۱) .

آقای رضایی ضمن تجزیه و تحلیل عملیات رمضان، برای استفاده از نتایج این عملیات در طراحی استراتژی جدید معتقد است: «چند مسئله ی اساسی ما به نام اصول جنگ که در کلیه ی عملیات ها از آن استفاده می کردیم برای دشمن لو رفته است. مثلا دشمن می داند ما در شب حمله می کنیم، ما متکی به موانع طبیعی یا مصنوعی (احداث خاکریز) هستیم، ما در روز کاری از دستمان ساخته نیست، ما با تکیه بر نیروی پیاده حمله می کنیم؛ بنابراین، باید فکر کنیم و اصول جدیدی طراحی کنیم.» (۲) .

در جلسه ی مشترک ارتش و سپاه پس از بررسی عملیات رمضان به این نتیجه رسیدند که برای تضمین موفقیت باید:

۱- زمان و فرصت کافی برای طرح ریزی پیش بینی شود (حداقل دو ماه).

۲- افزایش توان انجام پذیرد.

۳- به تجهیزات مناسب شامل تانک، نفربر و لودر و بولدوزر، توجه شود. (۳) .

در حالی که با تجزیه و تحلیل عملیات رمضان ضرورت های نظامی از جمله تغییر در تاکتیک ها و انتخاب زمین مناسب برای کسب پیروزی نظامی پیگیری می شد، ضرورت های سیاسی برای اجرای عملیات و کسب پیروزی، روند تصمیم گیری را تشدید و تسریع می کرد. (۴) با توجه به اینکه هدف کلی جنگ تنبیه متجاوز و سقوط صدام بود در سلسله مباحثی که برای پاسخ دادن به استراتژی جنگ و تعیین سرنوشت آن انجام شد این موضوع روشن شد که منطقه جنوبی از نظر سیاسی و استراتژیک حائز اهمیت است و می تواند اهداف جنگ را تأمین کند به ویژه اینکه اگر بتوانیم بصره را تصرف

۱- ۳۴۱. محسن رضایی، دوره عالی جنگ سپاه، ۲۶ / ۶ / ۱۳۷۴.

۲- ۳۴۲. دفتر یادداشت سردار غلامعلی رشید، گزارش جلسه قرارگاه مرکزی کربلا، ۳ / ۶ / ۱۳۶۱.

۳- ۳۴۳. همان، جلسه ۵ / ۶ / ۱۳۶۱.

۴- ۳۴۴. همان، مهر ۱۳۶۱.

کنیم، تأثیر سیاسی آن فوق العاده خواهد بود. (۱) در عین حال، برای افزایش توان و کسب زمان، می توان برخی عملیات های محدود در سایر مناطق، به ویژه در منطقه ی غرب انجام داد تا تمرکز دشمن در منطقه جنوب از میان برود. بنابراین، هرگونه اقدام و تلاش در سایر مناطق در خدمت هدف کلی جنگ در منطقه ی جنوب طراحی و پیش بینی می شد تا این نتایج حاصل شود: زمان لازم در اختیار نیروی خودی قرار گیرد تا توانش افزایش یابد و به کیفیت آموزش افزوده شود؛ عملیات در منطقه ی غرب خطوط پدافندی گسترده ای را بر دشمن تحمیل خواهد کرد؛ فضای جنگ حفظ می شود و با کسب پیروزی در این عملیات ها، مواضع سیاسی برتری برای ایران حاصل خواهد شد. (۲) .

بر اساس یادداشت سردار غلامعلی رشید از جلسه مشترک ارتش و سپاه در قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش در غرب، استراتژی کلی ایران در جنوب و غرب به شرح زیر اعلام شد:

۱- به بصره در مقایسه با سایر مناطق اولویت بیشتری داده شود.

۲- در منطقه ی جنوب امکان تصرف بصره وجود دارد.

۳- در منطقه ی جنوب امکان به زانو درآوردن دشمن بیشتر است و اگر در این وضعیت (با پیروزی ایران) جنگ متوقف شود به سود جمهوری اسلامی ایران است.

۴- انهدام نیروهای زبده و کیفی دشمن در جنوب بیشتر ممکن است. (۳) .

استراتژی جدید در جلسه ی شورای عالی دفاع بررسی شد و سه ماه زمان برای سازماندهی و آمادگی نیروها در نظر گرفته شد. آقای هاشمی در این جلسه تأکید کرد که با توجه به وضعیت ما بهتر است خواسته ها و شرایط خود را بر دشمن تحمیل کنیم و جنگ را به پایان برسانیم. (۴) .

آقای هاشمی در خطبه های نماز جمعه ی تهران به وضعیت دشوار جنگ و سخنان امام خمینی مبنی بر حضور مردم در جنگ به عنوان واجب کفایی (۵) .

۱- ۳۴۵. همان، پس از جلسه ۲۵ / ۶ / ۱۳۶۱.

۲- ۳۴۶. همان، جمع بندی پس از اتمام جلسه ۲۲ / ۶ / ۱۳۶۱.

۳- ۳۴۷. همان، جمع بندی پس از اتمام جلسه ۲۲ / ۶ / ۱۳۶۱.

۴- ۳۴۸. همان، گزارش برادر رضایی از جلسه شورای عالی دفاع، ۱۷ / ۶ / ۱۳۶۱.

۵- ۳۴۹. امام در پاسخ به استفتاء درباره ی کسانی که به تحصیل علوم انسانی اشتغال دارند یا در حال انجام وظیفه و خدمت به جمهوری اسلامی مشغولند برای رفتن به جبهه فرمودند: «در حال حاضر تمام افرادی که قدرت دارند به جبهه بروند، باید به مقامات مسئول مراجعه کنند و چنانچه تشخیص دادند که جبهه به آن ها نیاز دارد واجب است به جبهه بروند و بر هر کار

دیگری مقدم است.» آقای هاشمی در دفتر خاطرات خود می نویسد: «احمد آقا آمد و راجع به نظر اخیر امام که همه و دارندگان هر شغل موظفند که برای رفتن به جبهه مراجعه کنند تا اینکه «من به الکفایه» تأمین شود، صحبت شد قرار شد این نظریه کمی تعدیل شود تا مسئولان مشاغل حساس نروند.» (روزنامه جمهوری اسلامی، پس از بحران ۲۴ / ۳ / ۱۳۸۰، ص ۱۴، خاطرات شنبه ۱۵ آبان ۱۳۶۱).

توجه می کند (۱) و بر نظر و اعلام سران سپاه و ارتش (۲) برای حضور جوانان در میدان های جنگ چنین تأکید کرد: «روزهای حساس و سرنوشت ساز آخرین حرکت مهم جنگ در پیش است.» (۳) توضیحات آقای هاشمی مفهوم «تعیین سرنوشت جنگ» با عملیات سرنوشت ساز را شکل داد.

در مرحله ی جدید جنگ پس از عملیات رمضان و به موازات مباحثی که درباره ی استراتژی جنگ صورت می گرفت عملیات مسلم بن عقیل در تاریخ ۹ / ۷ / ۱۳۶۱ در منطقه ی سومار انجام گرفت که هدف آن آزادسازی ارتفاعات مشرف بر شهر سومار بود.

سردار غلامعلی رشید (۴) درباره ی اجرای عملیات در منطقه ی غرب معتقد بود: «باید از گسترش در دشت خودداری کنیم؛ زیرا این مسئله توان ما را می گیرد و خطوط پدافندی جدیدی را بر ما تحمیل خواهد کرد. علاوه بر این، می تواند این تصور را به وجود بیاورد که ما هدف بصره را نتوانستیم تأمین کنیم و به علت شکست در جنوب به منطقه ی غرب آمده ایم.» ایشان در عین حال اجرای عملیات را در منطقه ی غرب اجتناب ناپذیر می دانست و تأکید می کرد باید حتما موفق شویم در غیر این صورت وضعیت ما بدتر خواهد شد، (۵) از نظر ایشان حرکت در غرب که تاکتیکی برای گرفتن زمان بود در چارچوب استراتژی کلی و تنها با تصرف ارتفاعات قابل قبول است؛ (۶) زیرا با تسلط بر ارتفاعات، دشمن نیروهایش را از جنوب به غرب خواهد کشاند و در نتیجه یکی از هدف های اصلی عملیات در غرب که کاهش تراکم نیروهای دشمن در جنوب است تأمین خواهد شد. (۷) بر این اساس میزان تأثیرگذاری عملیات مسلم بن عقیل برای جابه جایی نیروهای دشمن باید بررسی شود. ولی

۱- ۳۵۰. مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی وزارت ارشاد اسلامی، صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی)، جلد ۱۶، ص۲۴۶، ۱۷ / ۵ / ۱۳۶۱.

۲- ۳۵۱. همان، ص۲۷۵، ۹ / ۶ / ۱۳۶۱.

۳- ۳۵۲. مأخذ ۱۵۷، ص ۵۰۹.

۴- ۳۵۳. سردار غلامعلی رشید از فرماندهان جنگ است و در عملیات رمضان فرمانده قرارگاه فتح سپاه بود.

۵- ۳۵۴. مأخذ ۱۷۰، جمع بندی پس از جلسه ۲۲ / ۶ / ۱۳۶۱.

۶- ۳۵۵. مأخذ ۱۷۰، جلسه در ستاد مرکزی سپاه، ساعت ۱۰ صبح ۲۸ / ۶ / ۱۳۶۱.

۷- ۳۵۶. مأخذ ۱۷۰، جمع بندی پس از جلسه ۲۲ / ۶ / ۱۳۶۱.

شواهد نشان می دهد این عملیات در عین حالی که به لحاظ نظامی و روحی - روانی پیامدهای مثبتی داشت لکن موجب جابه جایی نیروهای دشمن از جنوب به غرب نشد.

در ادامه ی تحرکات جدید، عملیات محرم در تاریخ دهم آبان ۱۳۶۱ در منطقه ی عمومی موسیان بر روی ارتفاعات حمرین آغاز شد. مسئله ی مهم در این عملیات دستاوردهای آن بود که به آزادسازی ۷۰۰ کیلومتر مربع از خاک ایران و تصرف ۳۰۰ کیلومتر مربع از خاک عراق از جمله بخشی از منطقه نفتی زبیدات و چاه های نفتی عراق در این منطقه منجر شد. (۱) در این عملیات، عراقی ها از گاز شیمیایی استفاده کردند. با گزارش آن به آقای هاشمی، ایشان این اقدام عراق را «شروع حرکتی خطرناک» نامید و تأکید کرد: «عراقی ها هر کاری از دستشان برآید انجام خواهند داد و باید برای دفاع از این سلاح خطرناک فکری بکنیم.» (۲) .

موفقیت در عملیات محرم و پیدایش دورنمای شهر العماره عراق از روی بلندی های جبال حمرین سبب گردید استراتژی جدید برای اجرای عملیات در غرب کشور با هدف جابه جایی نیروهای دشمن از جنوب به شمال و افزایش توان نظامی فراموش شود. چنانکه در جلسه با آقای هاشمی درباره ی تداوم و توسعه ی عملیات محرم و نیز آخرین تغییرات در سازمان رزم سپاه و استراتژی آینده جنگ بحث شد. (۳) بنابر گزارش آقای هاشمی، روز پانزده آبان شهید صیاد شیرازی در ملاقات با ایشان راجع به حساسیت منطقه ی عملیات محرم گفت وگو می کند و تشکیل حکومت انقلابی - اسلامی در عراق و در منطقه و در شهر العماره و حلفائیه را در صورت توسعه مناطق آزاد شده، ممکن می داند و قرار می شود سریعا ادامه ی عملیات محرم را تعقیب کنند. (۴) شهید صیاد شیرازی در خاطرات خود درباره ی پیامد دو عملیات مسلم بن عقیل و محرم می گوید: «دور نمای دو عملیات که انجام شد، نشان می داد که ما می توانیم با توان عمده ای که در دست داریم، عملیاتی گسترده را طرح ریزی کنیم.» (۵) .

ص: ۹۳

۱- ۳۵۷. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، «گزارش ۳۸ عملیات بزرگ»، ابوالقاسم حبیبی، منتشر نشده، ص ۵۱.

۲- ۳۵۸. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۷ / ۳ / ۱۳۸۰، ص ۱۱، «پس از بحران»، خاطرات دوشنبه ۱ / ۹ / ۱۳۶۱.

۳- ۳۵۹. مأخذ ۱۷۰، ۱۴ / ۸ / ۱۳۶۱،جلسه با حضور آقای هاشمی، محسن رضایی، رحیم صفوی و غلامعلی رشید.

۴- ۳۶۰. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۴ / ۳ / ۱۳۸۰، ص ۱۴، «پس از بحران».

۵- ۳۶۱. ناگفته های جنگ، خاطرات سپهبد شهید صیاد شیرازی، دفتر ادبیات و هنر مقاومت، ۱۳۷۸، ص ۳۴۲.

در واقع، نطفه ی عملیات گسترده در منطقه ی جنوب، که هدفش تعیین سرنوشت جنگ بود، براساس نتایج دو عملیات محدود، به ویژه عملیات محرم در جبهه ی میانی، شکل گرفت و در جلسات ارتش و سپاه بحث و بررسی استراتژی جنگ و عملیات گسترده آغاز شد. (۱) .

در مباحث جدید که به نوعی ادامه ی بحث های قبلی درباره ی استراتژیک جنگ بود، تحت تأثیر پیروزی های حاصل از دو عملیات مسلم بن عقیل در سومار و محرم در موسیان، فرماندهی وقت سپاه بر ضرورت «تغییر در شیوه ی جنگ» (۲) تأکید کرد و اهداف نظامی با رویکردی استراتژیک و با هدف تعیین سرنوشت جنگ این گونه مطرح شد:

«پیشروی به نقاط زیر جنگ را به مرحله ی جدیدی می کشاند که بتوانیم خواسته های خود را بر دشمن تحمیل کنیم: ۱- تصرف بصره (منطقه ی شرق بصره)؛ ۲- تصرف منطقه ی العماره - علی غربی؛ ۳- زیر آتش قرار دادن بغداد.» (۳) .

نظر به اینکه پس از عملیات رمضان افزایش توان ضرورت یافت و اساسا با همین هدف عملیات های محدود طراحی شد. آقای رضایی به ضرورت تقویت توان رزمی و تناقض آن با محدودیت زمان اشاره و نتیجه گیری می کند:«در حال حاضر باید همین شیوه چند ماه قبل را عمل کنیم.» سپس ایشان خطاب به اعضای جلسه می گوید: «شیوه ی جنگ ما چگونه باشد، آیا باز مثل سابق عمل کنیم یا باید شیوه ی جنگ را تغییر دهیم و آیا زمانش رسیده است یا نه؟» (۴) .

در مرحله ی جدید وضعیت سیاسی به نادیده گرفتن ملاحظات نظامی منجر شد و به تصرف منطقه العماره - علی غربی در یک طرح بزرگ نظامی و در ادامه ی پیروزی های عملیات محرم در جبال حمرین توجه شد. پس از بررسی های اولیه، طرح پیشنهادی فرماندهی وقت سپاه در جلسه ی شورای عالی دفاع، که در مجلس شورای اسلامی، تشکیل شد، ارائه شد. آقای هاشمی معتقد بود این طرح وسیع و مشکل است و مدتی وقت لازم دارد. (۵) نظر به همین ملاحظات طرح مقداری محدود شد ولی تصورات جدیدی را مبنی بر تعیین سرنوشت جنگ به وجود آورد؛ چنانکه آقای

۱- ۳۶۲. دفتر یادداشت سردار غلامعلی رشید، ستاد نزاجا در تهران، ۱۷/ ۸ / ۱۳۶۱.

۲- ۳۶۳. همان، ۱۴ / ۸ /۱۳۶۱.

۳- ۳۶۴. همان، ۱۴/ ۸ / ۱۳۶۱.

۴- ۳۶۵. همان، ۱۴ / ۸ / ۱۳۶۱.

۵- ۳۶۶. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۸ / ۳ / ۱۳۸۰، ص ۸ «پس از بحران»، خاطرات چهارشنبه ۱۷ /۹ / ۱۳۶۱.

هاشمی پس از گزارش شهید صیاد شیرازی، در دفتر یادداشت خود می نویسد: «به ظن قوی (این عملیات) سرنوشت ساز است.» (۱) .

به موازات تعمیق طراحی عملیات در منطقه العماره، تدریجا اختلاف نظری که پس از عملیات رمضان بین سپاه و ارتش ایجاد شده بود، آشکار شد. (۲) در گذشته، هماهنگی فرماندهی سپاه با فرماندهی نیروی زمینی ارتش در روند جنگ موجب تسریع می شد ولی با آشکار شدن اختلافات و تأثیرات آن، تدریجا دامنه ی اختلاف سپاه و ارتش به تهران کشیده شد. آقای هاشمی در دفتر خاطرات خود در این زمینه می نویسد: «با آقای خامنه ای تلفنی صحبت کردم. ایشان خواسته بود که امروز عصر در دفتر ایشان با آقایان صیاد شیرازی و محسن رضایی که برای مشورت در امری از جبهه آمده اند مذاکره کنیم. شب درباره ی مطلب مهم آقایان صیاد شیرازی و محسن رضایی پرسیدم و کار مهم آن ها مشورت برای رفع اختلاف در طرح عملیات بود.» (۳) در حالی که این موضوع در روز جمعه ۸ بهمن ۱۳۶۱ و تنها ۹ روز قبل از آغاز عملیات رخ داده بود، مجددا در تاریخ ۱۳ بهمن آقای هاشمی در دفتر خود می نویسد: «ظهر به دفتر آقای خامنه ای رفتیم آقای صیاد شیرازی و محسن رضایی از جبهه آمدند. در نحوه ی عملیات آینده و نقطه ی آغاز، اختلاف داشتند. تا ساعت چهار بعدازظهر مذاکره کردیم و تصمیم یک طرفه شد. آقای صیاد شیرازی کوتاه آمد ولی آقای رضایی مقاومت کرد. به خاطر اینکه عمده ی نیروهای رزمنده در اختیار سپاه است و با ملاحظات سیاسی و نیاز به سرعت بیشتر برگشتند.» (۴) .

سرانجام عملیات در دهه ی فجر و با نام والفجر در تاریخ ۱۷ / ۱۱ / ۱۳۶۱ و با رمز یاالله آغاز شد. امیدواری اولیه برای تعیین سرنوشت جنگ در انتخاب زمان و نام عملیات بسیار مؤثر بود. علی رغم موفقیت اولیه، تدریجا گزارش های ارسالی به تهران ناکامی در عملیات را بیان می کرد. چنانکه دو

۱- ۳۶۷. روزنامه جمهوری اسلامی، ۳ / ۴ / ۱۳۸۰، ص ۷، «پس از بحران»، خاطرات ۲۵ / ۱۰ / ۱۳۶۱.

۲- ۳۶۸. اختلاف نظر ارتش و سپاه از مرحله ی سوم و چهارم عملیات رمضان تدریجا درباره ی موضوعات مختلف شروع شد و تا پایان جنگ ادامه داشت. حضور دائمی و تفکیک منطقه ی عملیاتی و مأموریت سپاه و ارتش با هدف کاهش اختلافات انجام شد.

۳- ۳۶۹. روزنامه جمهوری اسلامی ۴ / ۴ / ۱۳۸۰، ص ۸، «پس از بحران»، خاطرات ۸ / ۱۱ / ۱۳۶۱.

۴- ۳۷۰. همان، خاطرات ۱۳ / ۱۱ / ۱۳۶۱.

روز بعـد از آغـاز عملیات در جلسه ی شورای عالی دفاع که در تاریـخ ۱۹ بهمن در تهران تشـکیل شد، آقای هاشـمی در دفتر یادداشت خود می نویسـد: «گزارش ها حاکی از محقق نشدن اهداف مرحله ی اول و توقف کار است.» (۱) بعدها شهید صیاد شیرازی در خاطرات خود درباره ی این عملیات می گویـد: «عملیات والفجر مقدماتی، عملیاتی بود که در یک شب وضـعیتش مشخص شد.» (۲) .

آقای هاشـمی در مقدمه ی کتاب پس از بحران درباره ی این عملیات به موانع جدیدی که عراقی ها در مرحله ی جدید جنگ از آن اسـتفاده می کردنـد و تجربه نداشـتن رزمنـدگان برای عبـور از این موانع اشـاره می کنـد و می نویسـد: «البته نبایـد نقش اختلاف نظر فرماندهان ارتش و سپاه را در نحوه ی انجام عملیات نادیده بگیریم که یکی بیشتر به شیوه ی کلاسیک جنگ می اندیشـید و دیگری بر شـیوه ی ابتکاری انقلابی و شـهادت طلبانه پای می فشـرد.» (۳) در نتیجه عملیات والفجر مقـدماتی موفق نبود. (۴) .

افزایش انتظارات در مسئولان و مردم برای تعیین سـرنوشت جنگ، با آشـکار شدن نتایج عملیات والفجر، که با توجه به همین ملاحظه به «والفجر مقدماتی» تغییر نام یافت، سبب شد در مذاکرات مرحوم سید احمد آقا خمینی با آقای هاشمی بررسی شود. آقای هاشمی در این زمینه می نویسد: «قرار شد من مصاحبه ای بکنم و به گونه ای اخبار جنگ را بگویم که انتظارات مردم را که بر اثر تبلیغات روز اول حمله بالا رفته بود هدایت کنم و وضع موجود را توجیه نمایم و روحیه بدهم.» (۵) .

ناکامی عملیات والفجر مقدماتی پیامدهای مهم داشت. نخست آنکه، نگرانی نسبت به نتیجه ی عملیات سـبب شد تا به نوشـته ی آقای هاشـمی دکتر روحانی از مجلس با اعزام بازرس ضـعف کار فرمانـدهی را تعقیب کند. (۶) همچنین اختلاف ارتش و سپاه را گسترش داد. (۷) چنانکه آقای هاشمی درباره جلسه در

۱- ۳۷۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۴ / ۵ / ۱۳۸۰، ص ۸، «پس از بحران»، خاطرات ۱۹ / ۱۱ / ۱۳۶۱.

۲- ۳۷۲. مأخذ ۱۸۷، ص ۳۴۳.

۳- ۳۷۳. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۷ / ۲ / ۱۳۸۰، ص ۱۴.

۴- ۳۷۴. مسعود سفیری، حقیقت ها و مصلحت ها - گفت وگو با آقای هاشمی رفسنجانی، نشر نی، ۱۳۷۸، ص ۹۲.

۵- ۳۷۵. روزنامه جمهوری اسلامی، ۵ / ۴ / ۱۳۸۰، ص ۸، «پس از بحران».

۶- ۳۷۶. روزنامه جمهوری اسلامی، ۷ / ۴ / ۱۳۸۰، ص ۱۰، «پس از بحران»، خاطرات ۱۵ / ۱۲ / ۱۳۶۱.

۷- ۳۷۷. آقـای هاشـمی بر این نظر است ناکـامی در عملیات رمضان اولین شوک را بر نیروهای ما وارد کرد و همانجا اختلاف سپاه و ارتش در دو بعد فرماندهی جنگ و ساختار نظامی بروز کرد. (روزنامه کیهان، ۱۴ / ۱۱ / ۱۳۸۲، ص ۱۲).

دفتر امام با حضور فرماندهان سپاه و نیروی زمینی و رئیس جمهور و آقای موسوی اردبیلی می نویسد: «آقای صیاد (شیرازی) از سپاه گله داشت، اثر بدی روی ارتشی ها گذاشته چون تعداد نیروهای سپاه با حضور مردم از طریق بسیج کمی بیشتر از ارتش شده و سپاه می خواهد تصمیم گیرنده ی اصلی باشد.» (۱) ایشان همچنین درباره ی جلسه با دفتر مشاورت ارتش (۲) می نویسد: «عصر از دفتر مشاورت (ارتش) آمدند و گزارش ها و نظریاتی ارائه دادند» و «نگرانی ارتشی ها را از رشد سپاه گفتند.» (۳) .

گسترش اختلافات ارتش و سپاه باعث شد تا ساختار جدید فرماندهی برای هماهنگی ارتش و سپاه ایجاد شود. آقای هاشمی درباره ی این موضوع در کتاب خاطرات خود از جلسه ی با مرحوم احمد آقا خمینی می نویسد: «عصر احمد آقا آمد و راجع به جنگ و وضع کشور و سپاه صحبت کردیم، برای سپردن اختیارات فرماندهی کل قوا به آقای خامنه ای، مشورت کرد نظر موافق دادم.» (۴) ایشان در جای دیگری می گوید: «به این نتیجه رسیدیم که باید کسی بالاتر از اینها (ارتش و سپاه) باشد که به اینها فرمان بدهد. این شخص از نظر همه ی ما امام بود ولی ایشان نمی خواستند وارد مسائل عملی جنگ شوند. بحث شد که کس دیگری بیاید من و آیت الله خامنه ای مطرح شدیم آیت الله خامنه ای رئیس جمهور بودند و مصلحت نبود که ایشان به جبهه بروند. در حادثه ی ترور آسیب دیده بودند و وضع جسمی ایشان مناسب جنگ نبود. تعبیر دیگر امام (ره) این بود که مجلس دو نایب رئیس دارد و رئیس مجلس خودشان باید اداره کنند، لذا مرا انتخاب کردند.» (۵) آقای هاشمی در مقدمه ی کتاب پس از بحران نیز درباره ی تعیین فرماندهی عالی جنگ می نویسد: «در سال های بعد، امام به این نتیجه رسیدند که برای کل جنگ فرماندهی واحدی ایجاد کنند که همه ی نیروها را تحت امر داشته باشد و این قرعه به نام اینجانب افتاد که با حفظ مسئولیتم در مجلس، که خود کار مهم

۱- ۳۷۸. روزنامه جمهوری اسلامی، ۶/ ۴ / ۱۳۸۰، ص ۸ «پس از بحران»، گزارش ۲۳ / ۱۱ / ۱۳۶۱.

۲- ۳۷۹. در نهاد ریاست جمهوری دفتر نظامی تأسیس شده بود که امور ارتش و سپاه را پیگیری می کرد.

۳- ۳۸۰. همان، گزارش ۲۸ / ۱۱ / ۱۳۶۱.

۴- ۳۸۱. مأخذ ۱۵۰، ص ۹، جمعه ۵ / ۱ / ۱۳۶۲.

۵- ۳۸۲. روزنامه کیهان، ۱۴ / ۱۱ / ۱۳۸۲، ص ۱۲، گفت و گو با آقای هاشمی.

و سخت بود، این مسئولیت بعد از عملیات والفجر مقدماتی شروع شد و تا آخر جنگ ادامه داشت.» (۱) ایشان در گفت وگوی دیگری می گوید: «پس از عملیات والفجر مقدماتی که موفق نبود، من به فرماندهی جنگ رفتم. مشکل هماهنگی ارتش و سپاه دوباره به وجود آمده بود.» (۲) .

علاوه بر این، تصور پایان دادن به جنگ با پیروزی در یک عملیات تا اندازه ای مخدوش شد و آقای هاشمی در نماز جمعه ی تهران طی تحلیلی از اوضاع جنگ به سیاست جنگی ایران مبنی بر اینکه «حزب بعث باید برود» اشاره و اعلام کرد: این نکته را می گویم که باید اکنون در میدان جنگ زیاد مقاومت کنیم. ممکن است جنگ طولانی باشد. این را می گویم که ملت ایران، به خودش وعده ندهد که قضیه فردا یا پس فردا تمام می شود. (۳) .

در عین حال، بلافاصله پس از تمام عملیات والفجر مقدماتی و بررسی علل ناکامی آن در جلسه ی شورای عالی دفاع در اسفند ۱۳۶۱، تلاش برای اجرای عملیات سبب شد تا طرح نهایی را ارتش تا چند روز دیگر ارائه دهد. (۴) در واقع، عملیات والفجر مقدماتی بر اساس پیشنهاد سپاه انجام شد و پس از بررسی علل ناکامی عملیات، طرح عملیاتی والفجر ۱ را ارتش ارائه داد و پیشنهاد آن تصویب شد. شهید صیاد شیرازی در خاطرات خود در همین زمینه می گوید: «با یک جلسه ی فوری و فوق العاده در قرارگاه کربلا، به دنبال عملیات بعدی رفتیم و اسمش را هم والفجر ۱ گذاشتیم.» (۵) .

عملیات والفجر ۱ در شمال غربی منطقه ی قبلی - ارتفاعات حمرین تا فکه - طراحی شد. هدف اصلی در این عملیات تک به جبال حمرین و تکمیل تصرف آن و تصرف جبل فوقی و سپس پیشروی در عمق بود. (۶) عملیات در تاریخ ۲۱ / ۱ / ۱۳۶۲ آغاز شد. با توجه به نتایج عملیات والفجر مقدماتی، مقرر شد تا نتیجه ی عملیات روشن نشده است از اعلام عملیات و تبلیغات خودداری شود. در عین حال، با توجه به سر و صدای عراقی ها، احمد آقا خمینی پیشنهاد کرد که خبر عملیات اعلام شود. (۷) سرنوشت عملیات والفجر ۱ همانند عملیات والفجر مقدماتی در روند جنگ و اتمام آن تأثیری نداشت.

۱- ۳۸۳. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۷ / ۳ / ۱۳۸۰، ص ۱۴.

۲- ۳۸۴. مأخذ ۱۹۹، ص ۹۴.

۳- ۳۸۵. مأخذ ۱۵۷، جلد سوم، ص ۴۷۰ و ۴۷۱، خطبه دوم، ۶ / ۱۲ / ۱۳۶۱.

۴- ۳۸۶. روزنامه جمهوری اسلامی ۱۱ / ۴ / ۱۳۸۰، ص ۸ «پس از بحران»، دوشنبه ۲۳ / ۱۲ / ۱۳۶۱.

۵- ۳۸۷. مأخذ ۱۸۷، ص ۳۴۳.

۶- ۳۸۸. محمد درودیان، خرمشهر تا فاو، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ پنجم، ۱۳۷۸، ص ۵۶.

۷- ۳۸۹. مأخذ ۱۵۰، ص ۳۲ و ۳۳، گزارش ۴ / ۲ / ۱۳۶۲.

در مرحله جدید، با حضور فرماندهان سپاه و ارتش، نخست وزیر و رئیس جمهور، وضعیت جنگ بررسی شد. آقای هاشمی در دفتر خود در این خصوص می نویسد: «برای عملیات بزرگ آینده، شش ماه وقت می خواستند که صحیح به نظر نرسید. از آن ها خواستیم درباره ی عملیات کوچک برنامه ریزی کنند.» (۱) تداوم اختلاف ارتش و سپاه همچنان یکی از مهم ترین موضوعاتی است که آقای هاشمی در خاطرات خود به آن اشاره می کند و از تأثیرات آن در عملیات آینده می نویسد:

«شب در دفتر آقای خامنه ای برای جنگ جلسه ای داشتیم. فرمانده ی نیروی زمینی و محسن رضایی بر سر فرماندهی عملیات اختلاف دارند. صیاد شیرازی می خواهد وحدت فرماندهی باشد و آن هم از ارتش و برای سپاه گران است. قرار شد اولین عملیات را مثل گذشته مشترک انجام دهند اگر خواستند، عملیات جداگانه ای هم داشته باشند. ولی صیاد نمی خواهد یا نمی تواند عملیات مستقل انجام دهد و سپاه موافق است. اختلاف فرماندهان جبهه، مشکل ساز شده است.» (۲) .

در حالی که روند تحولات نظامی پس از فتح خرمشهر وضعیت مطلوبی نداشت بروز اختلاف میان سپاه و ارتش در نحوه ی طراحی و اجرای عملیات، دورنمای نامطلوبی را ترسیم می کرد و همین امر منشأ نگرانی (۳) در تهران بود.

عملیات خیبر را سپاه در پاسخ به ضرورت «شکستن بن بست تاکتیکی جنگ» و بلوغ دفاعی ایران (۴) طراحی کرد. آقای هاشمی در دفتر خود در این زمینه می نویسد: «ابتکار از سپاه بود. فرماندهی سپاه معتقد است با عملیات کلاسیک عادی، نمی شود دشمن را شکست داد و باید از نقاطی کمه دشمن غافل است به شیوه ی خاص سپاه وارد عمل شد. مثل همین (منطقه)

۱- ۳۹۰. مأخذ ۱۵۰، ص ۵۳، گزارش ۴ / ۲ / ۱۳۶۲.

۲- ۳۹۱. مأخذ ۱۵۰، ص ۸۵، گزارش ۲۶ / ۲ / ۱۳۶۲.

۳- ۳۹۲. آقای هاشمی رفسنجانی در کتاب چالش و آرامش بارها در مقدمه ی متن کتاب با اظهار نگرانی از اختلاف ارتش و سپاه به این موضوع اشاره می کند که تلاش برای رفع اختلافات و هماهنگی وقت زیادی را از ایشان و سایر مسئولان به خود اختصاص داد. درباره ی این موضوع در صفحات بعد توضیح داده خواهد شد.

۴- ۳۹۳. روزنامه اطلاعات، ۵ / ۷ / ۱۳۸۰، ص ۸، گفت وگو با سردار غلامعلی رشید جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح.

هور، جزیره (مجنون) و... اما فرماندهی ارتش این گونه عملیات را با آموزش ها، تجربه ها، ابزار و پرسنل خود، منطبق نمی دانند و مایل نیستند در آن شرکت کنند. مستقلا هم نمی توانند عملیات قابل توجهی انجام دهند. این تضاد، کار را به اینجا رسانده که فردی خارج از نیروهای مسلح - مثل من - مسئول هماهنگی و فرماندهی شود.» (۱) سپس ایشان نتیجه می گیرد: «دستور را عمل می کنند اما چون اعتقادی به آن ندارند، بازده مطلوبی ندارد.» (۲) از نظر آقای هاشمی عملیات خیبر «اهداف بسیار مهم و استراتژیک» داشت؛ زیرا با استقرار نیروهای خودی در ساحل شرقی رودخانه ی دجله و قطع جاده ی بصره به بغداد و تصرف جزایر مجنون که ضامن تأمین غرامت ایران بود، اهرم مناسبی در اختیار جمهوری اسلامی قرار می داد تا خواسته های خود را تأمین کند و به جنگ پایان دهد. (۳) .

ویژگی عملیات خیبر و تفاوت آن با عملیات های پیشین علاوه بر اهداف و تغییر منطقه ی نبرد، بیشتر حاصل از غافلگیری تاکتیکی (۴) با عبور از مرداب های هور الهویزه بود. این تاکتیک می توانست ضمن ایجاد رخنه در خطوط دفاعی عراق (۵) حفظ منطقه ی تصرف شده را ممکن سازد. بنابراین، قبل از آغاز عملیات آقای هاشمی می گوید:«در مراسم دعا از خداوند درخواست کردم که این عملیات به گونه ای موفق شود تا بتوانیم با استفاده از دستاوردهای آن به جنگ خاتمه دهیم.» (۶) با آغاز عملیات نیز آقای هاشمی در خاطرات خود می نویسد: «اطلاع دادند که نیروهای ما با دشمن درگیر شده اند، خدا کند که موفق بشویم، کم کم دارد وضع دشوار می شود.» (۷) .

پس از آشکار شدن نتایج عملیات ایشان می نویسد:

«من در ذهن خودم، امید بسته بودم که با این عملیات، راه ختم جنگ را باز کنم (۸) ، به این صورت که با در دست داشتن نقاط استراتژیک، در صورت آتش بس، بتوانیم خواسته های خودمان را تأمین کنیم.» (۹) .

۱- ۳۹۴. آقای هاشمی قبل از سفر به منطقه برای عملیات خیبر حکم فرماندهی خود را از امام دریافت کرد.

۲- ۳۹۵. مأخذ ۱۵۰، ص ۵۱۴، گزارش جمعه ۵ / ۱۲ / ۱۳۶۲.

۳- ۳۹۶. مأخذ ۱۵۰، ص ۵۰۱ و ۵۰۲، دوشنبه ۱۱ / ۱۲ / ۱۳۶۲.

۴- ۳۹۷. مأخذ ۷۲، ص ۲۰۸.

۵- ۳۹۸. مأخذ ۷۲، ص ۲۳۲.

۶- ۳۹۹. مأخذ ۱۵۰، ص ۵۰۷، گزارش چهارشنبه ۳ / ۱۲ / ۱۳۶۲.

۷- ۴۰۰. مأخذ ۱۵۰، ص ۵۲۳، گزارش پنجشنبه، ۱۱ / ۱۲ / ۱۳۶۲.

۸- ۴۰۱. آقای هاشمی در گفت وگو درباره ی جنگ با اشاره به اینکه قبل از عملیات در جمع فرماندهان نظامی درباره ی ضرورت پایان دادن به جنگ گفته است «اگر یک پیروزی بزرگ به دست بیاوریم می توانیم با پیروزی به ختم جنگ برسیم» اضافه می کند: البته (عملیات) خیبر چیز دیگری بود. جزیره مجنون یک ویژگی دیگر هم داشت و گفته می شد که مهم ترین منابع نفتی عراق در جزایر مجنون است و می تواند گروگان خسارات باشد. (روزنامه کیهان، ۱۴ / ۱۱ / ۱۳۸۲، ص ۱۲.

۹- ۴۰۲. مأخذ ۱۵۰، ص ۵۲۲، گزارش پنجشنبه ۱۱ / ۱۲ / ۱۳۶۲.

عملیات خیبر، با وجود امتیازات و برجستگی های استراتژیک و تاکتیکی و غافلگیری دشمن، به دلیل مشکلات موجود در پشتیبانی و ناهماهنگی ها، پس از تصرف جزایر مجنون به پایان رسید. در این عملیات، دشمن برای نخستین بار از بمب شیمیایی به نحو گسترده ای استفاده کرد، به گونه ای که هزاران نفر تنها بر اثر اصابت بمب شیمیایی مجروح شدند. (۱) اعزام مجروحان شیمیایی به کشورهای اروپایی بازتاب گسترده ای داشت. (۲) .

از نظر ایران استفاده ی گسترده ی عراق از سلاح های شیمیایی به این معنا بود که حامیان صدام، دست او را برای هرگونه شرارت و جنایتی باز گذاشته اند. (۳) این موضوع تا اندازه ای از اهداف عملیات خیبر و نتایج احتمالی آن متأثر بود. در این عملیات، چنانکه اشاره شد، تصرف جزایر مجنون تنها موفقیت ایران (۴) محسوب شد. درباره ی ذخیره ی نفت آن اختلاف نظر وجود داشت و از دو میلیارد تا هفت میلیارد بشکه پیش بینی می شد. (۵) آقای هاشمی معتقد بود: «اگر بپذیرند که جزیره ی مجنون به عنوان خسارت جنگی مال ما باشد که ما از آن برداشت کنیم، ممکن است بپذیریم.» (۶) .

ابتدا برای تکمیل عملیات خیبر تلاش هایی صورت گرفت (۷) و حتی پس از بازگشت آقای هاشمی و آقای رضایی از جبهه به تهران جلساتی برگزار شد ولی چنانکه آقای هاشمی در خاطرات خود می نویسد: «آقای رضایی تردید داشت عملیات خیبر را بشود ادامه داد. (۸) حتی پس از جلسه ای که با حضور فرماندهان نظامی و قرارگاه در دفتر رئیس جمهوری وقت برگزار شد مذاکره کردیم اما به جایی نرسیدیم. نه سپاه طرحی آورده بود و نه ارتش.

۱- ۴۰۳. مأخذ ۱۵۰، ص ۵۲۰، گزارش سه شنبه ۹ / ۱۲ / ۱۳۶۲.

۲- ۴۰۴. مأخذ ۱۵۰، ص ۵۳۴ و ۵۳۵، گزارش، شنبه ۲۰ / ۱۲ / ۱۳۶۲.

۳- ۴۰۵. مأخذ ۱۵۰، ص ۵۱۷ و ۵۱۸، گزارش دوشنبه ۸ / ۱۲ / ۱۳۶۲.

۴- ۴۰۶. مأخذ ۷۲، ص ۲۱۱.

۵- ۴۰۷. مأخذ ۱۵۰، ص ۵۲۸ و ۵۲۹، گزارش ۱۶ / ۱۲ / ۱۳۶۲.

۶- ۴۰۸. مأخذ ۱۵۰، ص ۵۲۴ و ۵۲۵، گزارش ۱۳ / ۱۲ / ۱۳۶۲.

۷- ۴۰۹. آقای هاشمی در دفتر خاطرات خود درباره ی جلسه با دکتر ولایتی که از سفر الجزایر و رومانی آمده بود می نویسد: «من گفتم اگر بتوانیم عملیات خیبر را به تمامی اهدافش برسانیم، با دست پر می توانیم به مذاکره برای ختم جنگ و احقاق حقوقمان بپردازیم. خوشحال شد که چنین فکری وجود دارد.» (همان، ص ۵۴۴، دوشنبه ۲۹ اسفند ۱۳۶۲).

۸- ۴۱۰. مأخذ ۱۵۰، ص ۵۲۸، گزارش ۱۵ / ۱۲ / ۱۳۶۲.

آقایان (رحیم) صفوی و (موسوی) قویدل هم با اصل عمل در اطراف بصره - با این شرایط - موافق نبودند. سرهنگ صیاد هم بر همان وحدت فرماندهی تکیه می کرد و بالاخره با اوقات تلخی جدا شد و رفت.» (۱) .

به این ترتیب، عملیات خیبر به پایان رسید در حالی که درباره ی ادامه ی آن با توجه به هوشیاری دشمن و تمرکز نیرو در منطقه و مهم تر از آن تحلیل رفتن توان نظامی ایران تردید وجود داشت و برای ادامه ی جنگ نیز پیشنهاد روشنی ارائه نشد.

مقابله به مثل ایران در جنگ شهرها

در حالی که ایران برای تعیین سرنوشت جنگ اجرای عملیات نظامی را در زمین دنبال می کرد عراق برای مقابله با این وضعیت حمله به جزیره ی خارك و مناطق غیرنظامی را برنامه ریزی کرده بود. در نتیجه، پس از فتح خرمشهر عراق حمله به شهرها را از سر گرفت و به موازات آن حمله به خارك را آغاز کرد. حملات عراق به شهرها به ویژه حمله ی موشکی به دزفول و حملات خمپاره ای به شهر اهواز و سایر مناطق مسکونی در دوره ی اول جنگ به صورت متناوب انجام می شد (۲) ولی با آغاز عملیات رمضان حمله به مناطق مسکونی و به افراد غیرنظامی به شکل جدید و گسترده ای از سر گرفته شد.

آقای هاشمی به استراتژی جدید عراق واکنش نشان می دهد و اشاره می کند به اینکه «دولت عراق با بمباران های مکرر بسیاری از شهرهای مرزی ما از جمله خرم آباد، همدان و باختران، تعداد زیادی از هموطنان ما را شهید و مجروح کرده است» و با وجود آنکه «بسیاری از شهرهای عراق در تیررس کامل ایران قرار دارد» ولی ما از گلوله باران شهرهای عراق به دلیل «رأفت اسلامی و مقاصد انسان دوستانه» خودداری کرده ایم؛ زیرا «جمهوری اسلامی خود را با مردم عراق در حال جنگ نمی داند.» (۳) امام با استناد به هدف و

۱- ۴۱۱. مأخذ ۱۵۰، ص ۵۲۷، گزارش ۱۴ / ۱۲ / ۱۳۶۲.

۲- ۴۱۲. حملات موشکی و هواپیماهای عراق به دزفول از ابتدا تا پایان جنگ به صورت متناوب انجام می شد ولی برخی از مناطق مانند اهواز و شادگان به صورت محدود از ماه های اول جنگ با خمپاره هدف قرار می گرفت.

۳- ۴۱۳. مأخذ ۵۷، ص ۳۵۰، گزارش روز ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۱.

ماهیت تهاجمات عراق به مناطق غیرنظامی، با تبیین ماهیت جنگ دفاعی جمهوری اسلامی فرمودند: «صدام مهاجم و ما همیشه در حال دفاع بوده ایم. ما بر حسب حکم اسلام و قرآن و عقل نمی توانیم که دفاع نکنیم، آن ها هر روز به شهرهای ایران و بر روی مردم بی دفاع، بمب یا موشک می اندازند و تا زمانی که آن ها اینگونه تجاوز می کنند، ما دفاع خواهیم کرد.» (۱) آیت الله خامنه ای رئیس جمهور وقت در نماز روز عید فطر به استراتژی جمهوری اسلامی استناد و بر این موضوع تأکید می کند که «ما حاضر نیستیم مقابله به مثل کنیم و دیگر شهرهای عراق را بمباران کنیم» و نتیجه می گیرد: «پس تنها راه چاره این است که برویم و آتش توپخانه دوربرد دشمن را یا خاموش کنیم یا آن را آنقدر عقب بزنیم که قادر به گلوله باران شهرها و روستاهای ما نباشد.» (۲) .

استراتژی ایران نه تنها تأثیر بازدارنده بر عراق نداشت بلکه بر اثر ناکامی عملیات رمضان، تهاجمات عراق تشدید شد. علاوه بر این، مردم عراق به پیام امام برای قیام علیه رژیم بعث هیچ واکنشی از خود نشان ندادند. آقای هاشمی قبل از عملیات مسلم بن عقیل با پیام هشدارآمیز در خطبه های نماز جمعه گفت: «صدام و حامیان صدام گوششان را خوب باز کنند. اگر حرف های قبلی من را گوش نکردند حرف هایی را که حالا می خواهم بزنم گوش کنند. ما امروز و اگر نشد تا چند روز دیگر در سراسر مرز، همه جا توپ های دورزن که تا ۵۰ کیلومتر داخل خاک عراق را می توانند زیر آتش بگیرد مستقر می کنیم.» ایشان مجددا یادآوری کرد: «ما می خواهیم با شیوه ای بجنگیم و حقمان را بگیریم و صدام و حزب بعث را از منطقه بیرون کنیم که به قیمت آوارگی میلیون ها نفر از مردم عراق تمام نشود، برای ما در حرکت جنگمان این استراتژی و اصل است.» (۳) .

پس از عملیات والفجر مقدماتی، آقای هاشمی با نگرانی از حملات عراق اعلام کرد: «این دیگر قابل قبول نیست که وضع جنگ طوری ادامه یابد که صدام جرئت داشته باشد شهری مثل دزفول را، هر وقت شهوتش اقتضاء کرد زیر باران موشک بگیرد.» در عین حال، آقای هاشمی پاسخ ایران را تغییر در

۱- ۴۱۴. صحیفه نور، جلد ۱۷، ص ۱۳، ۱۷ / ۶ / ۱۳۶۱.

۲- ۴۱۵. مأخذ ۵۷، ص ۳۵۰، گزارش روز ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۱.

۳- ۴۱۶. مأخذ ۱۵۷، ص ۷۱ و ۷۲، خطبه دوم، ۲ / ۷ / ۱۳۶۱.

استراتژی نظامی دانست و گفت: «حرکت های نظامی در میدان ها باید از حالت دفاعی بیرون بیاید و به حالت احقاق حق، گرفتن حق، اصلاح جامعه ی عراق و باز کردن راهی برای اینکه مردم عراق بتوانند حقشان را از این ستمگرها بگیرند، تبدیل شود.» (۱) پس از عملیات والفجر ۱ نیز آقای هاشمی می گوید: «همراه رئیس جمهور و نخست وزیر و رئیس دیوان عالی کشور به خدمت امام رفتیم، راجع به حمله ی توپخانه به شهرهای عراق مشورت کردیم، امام مخالفت و امر به صبر کردند و گفتند: ما با مردم عراق طرف نیستیم.» (۲) بیست روز بعد آقای موسوی اردبیلی پس از جلسه با امام درباره ی اجرای فرمان هشت ماده ای امام، در حمله به شهرهای عراق به آقای هاشمی می گوید: «امام گفته اند باید در میدان بجنگیم و شهرها را نباید بزنیم.» (۳) .

بعدها آقای هاشمی درباره ی نظر امام و دلیل مخالفت ایشان در ورود به داخل عراق و حمله به شهرهای عراق می گوید:«در عملیات رمضان و بعد از آن وقتی ما می خواستیم مقابله به مثل بکنیم ایشان می گفتند که مردم عراق با ما هستند. یکی از ادله ای که حضرت امام بیان می کردند که ما داخل خاک عراق نرویم این بود که می گفتند مردم اذیت می شوند و تعصب مردم آن ها به نفع صدام نیست، بعدا به نفع صدام و علیه ما می شود؛ یعنی یکی از ملاحظات ایشان که موافق با داخل شدن ما در خاک عراق نبودند، این بود که مردم را با تعصب ملی - وطنی در مقابل خودمان قرار ندهیم و تا آخر هم این گونه فکر می کردند.» (۴) .

گرچه تفکر امام مانع از حمله هواپیماهای عراقی به شهرها نشد و حتی دامنه ی حملات عراق تشدید شد و بعدها به تهران با موشک حمله کرد ولی منطق حاکم بر تفکر امام بر پایه ی همبستگی با مردم عراق و تفکیک میان رژیم عراق و مردم این کشور بود. امام مایل بود از شکاف موجود علیه رژیم عراق بهره برداری نماید و در عین حال از نزدیک شدن مردم عراق به رژیم بعث مانع شود. تحقق این استراتژی با کسب پیروزی نظامی و با شکست قطعی دشمن از طریق عملیات نظامی ممکن بود. تا بدین وسیله رعب ناشی از قدرت

۱- ۴۱۷. مأخذ ۱۵۷، ص ۳۲۰، ۳ / ۱۰ / ۱۳۶۱.

۲- ۴۱۸. مأخذ ۱۵۰، ص ۵۲، ۳ / ۲ / ۱۳۶۲.

۳- ۴۱۹. مأخذ ۱۵۰، ص ۸۳، ۲۴ /۲ / ۱۳۶۲.

۴- ۴۲۰. مصاحبه اختصاصی نویسنده با آقای هاشمی، ۱ / ۱۲ / ۱۳۷۹.

رژیم بعث در داخل عراق شکسته شود (۱) و مردم به مقابله با رژیم بعث اقدام نمایند. در صورتی که پس از عملیات رمضان از نظر نظامی امکان دستیابی به پیروزی و شکست قطعی دشمن رو به کاهش بود و عراق متقابلا برای تشدید فشار به ایران در حال دریافت تجهیزات (۲) جدید نظامی و افزایش دامنه ی حملات به شهرها و مناطق غیرنظامی بود. عراق می کوشید تا با برخورداری از برتری هوایی، ایران را (۳) به پذیرش آتش بس یا صلح وادار نماید. (۴) .

تداوم حملات عراق به شهرها وضعیت نگران کننده ای به وجود آورد. امام اظهار امیدواری کردند حضور مردم در صحنه بیشتر شود و «از جنگ خسته نشوند» (۵) و متقابلا در برابر کسانی که «در خانه نشسته اند و می گویند مردم خسته شده اند از جنگ» (۶) با اشاره به واکنش مردم پس از اصابت موشک به مناطق مسکونی، از سر دادن شعار «جنگ، جنگ تا پیروزی» (۷) برای آمادگی روحی مردم استفاده کردند. از نظر امام جنگ با عراق «جنگ سرنوشت ساز (۸) بود که در یک طرف، دشمن با همه ی تجهیزات و پشتیبانی همه ی قدرت ها به میدان آمده بود در حالی که ملت ایران بریده از قدرت های بزرگ و با اتکای به خدای بزرگ در میدان بود و «این جوان های ما هستند که باید این سرنوشت را به آخر برسانند» (۹) و هر چه زودتر جنگ را با پیروزی به پایان برسانیم. (۱۰) .

در چارچوب همین ملاحظات، امام خمینی بر ضرورت ادامه ی جنگ تأکید و با سیاست مقابله به مثل موافقت کردند. به نوشته ی آقای هاشمی رفسنجانی: «بالاخره امام دیروز در ملاقات با رئیس جمهور از مخالفت دست برداشتند.» (۱۱) زیرا عراق در حملات حریص تر شده و رفته رفته نارضایتی

۱- ۴۲۱. این حادثه گرچه در دوره جنگ ایران با عراق واقع نشد ولی پس از شکست صدام در کویت، وقوع انتفاضه در عراق نمونه ای از تأثیرات پیروزی نظامی بر عراق بود.

۲- ۴۲۲. درباره دریافت هواپیماهای سوپر اتاندارد، میراژ و موشک های اگزوست از فرانسه و سایر کشورها برای حمله به تأسیسات نفتی و مناطق غیرنظامی در صفحات بعد بحث خواهد شد.

۳- ۴۲۳. امام نیز از ماهیت حملات عراق به شهرها همین تفسیر را داشتند: «صدام گمان کرده است با این نحو جنایات می تواند صلح را بر ما تحمیل کند و حال آنکه هر یک از جنایات، او را از صلح دور و ما را مصمم تر می کند.» (۲۰ / ۵ / ۱۳۶۲، صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۶۳).

۴- ۴۲۴. مأخذ ۷۲، ص ۱۸۲.

۵- ۴۲۵. بنیاد حفظ و آثار و ارزش های دفاع مقدس، عزت راز جاودانگی، ۱۳۷۴، ص ۸۵، امام خمینی، ۱۴ / ۳ / ۱۳۶۲.

۶- ۴۲۶. صحیفه نور، جلد ۱۸، ص ۶۹.

۷- ۴۲۷. همان.

۸- ۴۲۸. همان، ص ۶۰.

۹- ۴۲۹. همان، ص ۶۰.

۱۰- ۴۳۰. مأخذ ۲۴۲، ص ۴۰، امام خمینی ۱۷ / ۵ / ۱۳۶۲.

۱۱- ۴۳۱. مأخذ ۱۵۰، ص ۴۸۱، گزارش ۱۹ / ۱۱ / ۱۳۶۲.

مردم و نیروهای مسلح آشکار می شد. (۱) بنابراین قرار شد با «هدف بازدارندگی» (۲) مقابله به مثل صورت بگیرد. قرار شد قبل از موشک باران برای تخلیه مناطق مسکونی هشدار لازم به مردم عراق داده شود. (۳) .

بدین ترتیب با تغییر سیاست ایران از «سکوت» به «واکنش با هدف بازدارندگی» و همزمان با اعلام آقای هاشمی در نطق پیش از دستور در مجلس، گلوله باران سه شهر بصره، مندلی و خانقین با اخطار قبلی آغاز شد. اکثر نمایندگان مجلس این اقدام را با امضای بیانیه ای تأکید کردند و سیاست مقابله به مثل موجب خرسندی مردم شد. (۴) .

تغییر در نگرش ایران به صلح

حمایت قدرت های بزرگ از صدام و افزایش توانایی دفاعی ارتش عراق، استراتژی ایران را برای «دستیابی به صلح با تکیه بر یک پیروزی» با ناکامی همراه کرد. این موضوع هم در تفکر عملیاتی و تاکتیک های نظامی، تغییری تدریجی ایجاد کرد و هم در عرصه ی سیاسی که شامل روابط خارجی و نحوه ی نگرش به صلح بود تغییراتی بر جای نهاد. ادامه ی این روند در تعامل فعال ایران با دبیر کل سازمان ملل و سرانجام واکنش در برابر قطعنامه ی ۵۹۸ بسیار مؤثر بود.

با آشکار شدن نتایج عملیات رمضان آقای هاشمی در خطبه های نماز جمعه از سیاست قدرت های بزرگ در جنگ تحلیلی کرد و گفت: «برخلاف ادعاهایشان با همه ی وجود تمایل دارند که جنگ ایران و عراق سال ها بماند.» ایشان به اهداف منطقه ای دشمنان جمهوری اسلامی اشاره و اضافه کرد: «برنامه شان این است که جنگ ادامه یابد و دو کشور در برابر هم باشند.» (۵) آن ها می خواهند این جنگ یک جوری بماند تا صدام باشد و ما هم باشیم، مقابل هم بجنگیم. (۶) آقای هاشمی ضمن تأکید بر اینکه «اگر امریکا می گوید جنگ تمام بشود دروغ می گوید»، (۷) مجددا بر ضرورت و هدف عملیات رمضان اشاره کرد و گفت: «نه جنگ نه صلح، عالی ترین وضعی که در منطقه مطلوب اینها است. اگر ما در مرزهایمان می ماندیم، همین بود نه به ما

۱- ۴۳۲. مأخذ ۱۵۰، ص ۴۸۱، گزارش ۱۹ / ۱۱ / ۱۳۶۲.

۲- ۴۳۳. مأخذ ۱۵۰، ص ۴۸۱، گزارش ۱۹ / ۱۱ / ۱۳۶۲.

۳- ۴۳۴. مأخذ ۱۵۰،۴۸۵، گزارش ۲۳ / ۱۱ / ۱۳۶۲.

۴- ۴۳۵. مأخذ ۱۵۰، ص ۴۸۵، گزارش ۲۳ / ۱۱ / ۱۳۶۲.

۵- ۴۳۶. مأخذ ۱۵۷، ص ۴۰۰ و ۴۰۱، خطبه دوم ۸ / ۵ / ۱۳۶۱.

۶- ۴۳۷. خطبه های جمعه سال ۶۲، جلد پنجم، ص ۱۱۱، خطبه دوم ۲۲ / ۷ / ۱۳۶۲.

۷- ۴۳۸. خطبه ها و جمعه ها، حزب جمهوری اسلامی، جلد چهارم، دی ۱۳۶۲، خطبه دوم، ۸ / ۵ / ۱۳۶۱، ص ۴۱۷.

خسارت می دادند و نه حاضر بودند یک قدم از برنامه هایی که دارند عقب نشینی کنند.» (۱) .

امام خمینی نیز پس از عملیات رمضان مجددا بر پیوستگی میان هجوم اسرائیل به لبنان با موضوع جنگ اشاره و تأکید کردند: «این مسئله ای بود که با طرح امریکا عمل شد. هدف از این طرح این بود که این جنگ هم ادامه پیدا بکند و بهره برداری را امریکا بکند.» (۲) «تا دولت مقتدر ایران سرگرم دفاع از کشور خود شود و اسرائیل غاصب مجال پیدا کند.» (۳) از نظر امام ابرقدرت ها نه شخص صدام را می خواهند نگه دارند و نه ما را می خواهند بکوبند بلکه آن ها از اسلام می ترسند و اسلام را می خواهند بکوبند از این جهت با ما مخالفند و از او طرفداری می کنند. (۴) .

در عین حال که این تصور به وجود آمده بود که امریکا با ادامه ی جنگ و طولانی شدن آن به دنبال اهداف خود در منطقه و هدف تجزیه ی قوای ایران و عراق است ولی برای اتمام جنگ موانعی وجود داشت که بر پیچیدگی ها و دشواری های موجود می افزود. به همین دلیل، ایران در حالی که برای تأمین اهداف خود بر اقدام نظامی پافشاری می کرد، همچنان بر شرایط اصولی خود برای پایان دادن به جنگ تأکید داشت. امام خمینی پس از عملیات رمضان ماهیت دفاعی جنگ و ادامه اشغال عراق بر برخی از مناطق ایران را توضیح دادند (۵) و فرمودند: «اشخاصی که عادل هستند ببینند ما چه می خواهیم. ما می گوییم این جنایاتی کرده است، این جنایات باید جبران بشود، اگر ما دست از جنایتکار برداریم جانی هستیم، کمک به جنایت، خودش یک جنایتی است.» (۶) امام اعلام آمادگی کردند که «ما حاضریم صلح کنیم، ولی نمی شود متجاوز را مجازات نکرد و غرامت تجاوز را نگرفت؛ اسلام چنین اجازه ای به ما نمی دهد.» (۷) در واقع، مفهوم صلح از نظر امام مشخصه هایی داشت که به نظر می رسید دستیابی به صلح با صدام ممکن نباشد. امام با برداشتی که از شخصیت صدام داشت معتقد بود: «صدام یک جانی است که به هیچ یک از تعهداتی که می کند اعتبار نیست. او با دولت سابق (رژیم شاه)

۱- ۴۳۹. همان.

۲- ۴۴۰. صحیفه نور، جلد ۱۷، ص ۶، ۱۴ / ۶ / ۱۳۶۱.

۳- ۴۴۱. صحیفه نور، جلد ۱۸، ص ۱۲۱، ۳۱ / ۶ / ۱۳۶۲.

۴- ۴۴۲. همان، ص ۱۱۱، ۲۸ / ۶ / ۱۳۶۲.

۵- ۴۴۳. مأخذ ۲۵۷، ص ۷.

۶- ۴۴۴. مأخذ ۲۵۷، ص ۷.

۷- ۴۴۵. مأخذ ۲۵۷، ص ۱۴.

با اینکه غیرقانونی بود تعهـد کرده بود و او را به هم زد او هر روز عوض می کند افکارش را، یک انسانی نیست که بشود با او صلح کرد. شـما گمان می کنید که اگر ما با صدام صـلح کنیم به این صـلح ادامه می دهد؟» (۱) به همین دلیـل امام اظهار می کرد: «آن صلحی که می خواهیم، امثال صدام نمی توانند بفهمند چی است، آن ها صلح ها را مثل صلح هایی می دانند که در زمان های سابق، دولت های متخاصم با هم صلح می کردند، در عین حال که صلح می کردند باطن شان در جنگ بود که چه وقت فرصت پیدا کنند و بچاپند همه را. صـلح صدامی این سـنخ صلح است.» (۲) ایشان تأکید کردند: «ما صـلح می خواهیم نه صلح صدامی را.» (۳) از نظر امام صـدام و حامیانش می خواسـتند صدام به اسم صـلح مهلت پیدا بکند و بعدها شـرارت بکند. (۴) و چنین صـلحی بـا طرح امریکا، صـلحی امریکایی است و ملت ایران اگر می خواست صـلح امریکایی بکنـد، همان اول از امریکا جدا نمی شد. (۵) طبیعتا چنین صـلحی را چنانکه امام خمینی می گوید: «شورای امنیت هم اگر بگوید، ما نمی پذیریم، همه عالم بگویند، ما اینطور صـلح را نمی توانیم بپذیریم، هیچ عاقلی این صـلح را نمی پذیرد. ما صلح را قبول داریم ولی صلح شرافتمندانه. صلحی که باید بفهمند متجاوز چه کرده است. صلحی که باید خسارت این کشور جبران شود.» (۶) .

واکنش ایران در برابر تلاش و پیشـنهادهای هیئت های میانجیگری در چارچوب اصول مورد نظر و با توجه به اوضاع سیاسـی و نتایـج عملیـات هـای نظـامی و مـوازنه ی موجود میـان ایران و عراق صورت می گرفت. چنـانکه در برابر نـامه رؤسـای جمهور ترکیه، پاکستان و گینه برای میانجیگری و مذاکره در زمان عملیات رمضان جواب ایران طبق معمول گذشته بود و چنین تحلیل شـد که این تلاش ها بیشتر برای گرفتن فرصت برای صـدام به جهت تجدید قوا و پایین آوردن روحیه ی رزمندگان ما و ایجاد تردیـد در آن هـا در خصوص جـدی بودن جنگ است. (۷) یکی از دلایـل این نـتیجه گیری این بـود که عراق یـا اعراب هیچ پیشنهاد جدی در جهت پرداختن غرامت و دادن امتیاز و مقصر

۱- ۴۴۶. مأخذ ۲۵۸، ص ۲۲۱، ۲۸ / ۱۱ / ۱۳۶۲.

۲- ۴۴۷. مأخذ ۲۵۷، ص ۴۷.

۳- ۴۴۸. مأخذ ۲۵۷، ص ۴۷.

۴- ۴۴۹. مأخذ ۲۵۸، ص ۱۷۶، ۱۲ / ۹ / ۱۳۶۲.

۵- ۴۵۰. مأخذ ۲۴۲، ص ۴۹ و ۵۰، ۱ / ۶ / ۱۳۶۲.

۶- ۴۵۱. مأخذ ۲۴۲، ص ۴۸، ۱ / ۶ / ۱۳۶۲.

۷- ۴۵۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳ / ۳ / ۱۳۸۰، ص ۱۱، «پس از بحران»، خاطرات ۱ / ۵ / ۱۳۶۱.

دانستن صدام (۱) ارائه ندادند حال آنکه واکنش ایران در برابر تلاش الجزایر پس از عملیات رمضان - با توجه به نقشی که پیش از این الجزایر در پایان دادن به درگیری نظامی ایران و عراق قرار داد ۱۹۷۵ م داشت - مثبت بود. چنانکه آقای هاشمی در خاطرات خود می نویسد: «این بار نیز دولت الجزایر برای تلاش به منظور خاتمه جنگ اعلام آمادگی نموده است که ما نیز از آن استقبال می کنیم.» (۲) مهندس موسوی، نخست وزیر وقت، نیز همین موضع را در برابر تلاش الجزایر اعلام کرد. (۳) این امر سبب شد الجزایر به فعالیت های خود ادامه دهد، (۴) اما این تلاش ها نیز به نتیجه نرسید و حتی پس از بروز شایعه ی عقب نشینی ایران از شرط محاکمه و سقوط صدام (۵) ، آقای هاشمی در نماز جمعه ی تهران اعلام کرد: «نقل کردند که وزیر خارجه ی الجزایر به اینجا آمده و برگشته و گفته است که ایران روی سقوط صدام حرفی ندارد و فقط گرفتن غرامت مطرح است، نه اینگونه نیست.» (۶) .

تدریجا تحولات سیاسی - نظامی رویکرد ایران را برای پایان دادن به جنگ تا اندازه ای تغییر داد. در واقع اگر پیش از این تنها بر «راه حل نظامی» تأکید می شد در دوره ی جدید و با توجه به سلسله عملیات هایی که پس از فتح خرمشهر انجام شد آقای هاشمی تأکید کرد: «صلح را با جنگ نمی خواهیم تحمیل کنیم.» (۷) به نوشته ی آقای هاشمی در دفتر خاطرات خود «حتی پس از عملیات والفجر ۱ وقتی با احمد آقا (خمینی) راجع به جنگ صحبت شد نظرشان این بود که بهتر است به طرف برقراری صلح برویم. (۸) ضمن اینکه عراق و استکبار جهانی روند تبلیغاتی جدیدی را آغاز کردند تا ایران را جنگ طلب و عراق را صلح طلب معرفی کنند.» (۹) امام نیز موضع جدیدی گرفتند و اعلام کردند: «با صدام صلح نمی کنیم ولی با شرایط، آتش بس و

۱- ۴۵۳. همان.

۲- ۴۵۴. مأخذ ۵۷، ص ۴۰۸، گزارش روز ۶ / ۵ / ۱۳۶۱.

۳- ۴۵۵. مأخذ ۵۷، گزارش روز ۴ / ۵ / ۱۳۶۱.

۴- ۴۵۶. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۱ / ۳ / ۱۳۸۰، «پس از بحران»، ۲۴ / ۷ / ۱۳۶۱.

۵- ۴۵۷. تلاش های الجزایر به پیدایش این شایعه منجر شد که ایران از شرط محاکمه ی صدام دست برداشته است. با توجه به همین ملاحظات و احتمال پایان یافتن جنگ، سوری ها نگران شدند و سفارت سوریه تلاش وسیعی را برای روشن شدن این موضوع انجام داد. (روزنامه ی جمهوری اسلامی ۱۳ / ۳ / ۱۳۸۰، ص ۱۱، خاطرات دوشنبه ۴ مرداد ۱۳۶۱).

۶- ۴۵۸. مأخذ ۱۵۷، جلد سوم، ص ۴۶۹ و ۴۷۰، خطبه دوم ۶ / ۱۲ / ۱۳۶۱.

۷- ۴۵۹. مأخذ ۲۵۴، جلد چهارم، ص ۴۵۶، خطبه دوم، ۲ / ۵ / ۱۳۶۲.

۸- ۴۶۰. مأخذ ۱۵۰، ص ۷۰، گزارش ۱۷ / ۲ / ۱۳۶۲.

۹- ۴۶۱. مأخذ ۲۵۴، ص ۶۷، خطبه دوم، ۱ / ۷ / ۱۳۶۲.

متارکه جنگ را می پذیریم.» (۱) قرار شد بر اساس مصوبه ی شورای عالی دفاع، آقای هاشمی طی مصاحبه ای اعلام کند هر هیئت میانجیگری که پیشنهاد تازه ای ندارد به ایران نیاید. (۲) این ملاحظات ضمن اینکه بر ادامه ی فشار نظامی بر صدام تأکید شد (۳) در عین حال در عرصه ی سیاست خارجی و تبلیغات ایران تدریجا تغییراتی به وجود آورد. چنانکه درباره ی پیام فهد شاه عربستان و پیشنهادهای وی واکنش مثبتی صورت گرفت. (۴) آقای هاشمی تأیید امام را هم تا اندازه ای در این زمینه به دست آورد. (۵) همچنین مرحوم احمد آقا طی تماسی با آقای هاشمی به ایشان اطلاع داد امام با پیشنهاد قطع شعار مرگ بر امریکا و مرگ بر شوروی از رسانه های دولتی موافقت کرده اند. همچنین با محدود کردن راهپیمایی ها با این استدلال که کم کم جاذبه خود را از دست داده است و مردم با آن شور اولی شرکت نمی کنند مسئولان توافق کردند. (۶) .

نتیجه گیری فصل دوم

با فتح خرمشهر و آزادسازی بخش وسیعی از مناطق اشغالی، که در اختیار ارتش عراق بود، ادامه یا خاتمه ی جنگ به موضوعی بسیار اساسی و جدی در رسانه ها و محافل تصمیم گیری ایران و عراق و سایر بازیگران منطقه ای و بین المللی تبدیل شد.

پیامدهای پیروزی ایران بر عراق برای بازیگران منطقه ای و بین المللی مخاطره آمیز بود؛ زیرا ظهور ایران انقلابی به عنوان قدرت برتر منطقه ای موازنه را تغییر می داد و منافع غرب را به چالش می کشید. این موضوع در سیاست های امریکا و غرب در برخورد با ایران نکته ای اساسی بود. در این مرحله، حامیان عراق دو گزینه در پیش رو داشتند؛ نخست تأمین خواسته های ایران با متجاوز شناختن عراق و پرداخت غرامت به ایران بود. این گزینه به معنای به رسمیت شناختن برتری ایران بر عراق بود و در داخل عراق و در منطقه پیامدهای وسیع داشت در نتیجه پذیرفته نشد.

گزینه ی دوم، مهار پیروزی های ایران با خودداری از توجه به خواسته های

ص: ۱۱۰

۱- ۴۶۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۲ / ۳ / ۱۳۸۰، ص ۸، گزارش ۱ / ۸ / ۱۳۶۱.

۲- ۴۶۳. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۳ / ۳ / ۱۳۸۰، ص ۸، گزارش ۱۰ / ۸ / ۱۳۶۱.

۳- ۴۶۴. مأخذ ۵۷، ص ۴۰۸، گزارش روز ۶ / ۵ / ۱۳۶۱.

۴- ۴۶۵. مأخذ ۱۵۰، ص ۳۵۵.

۵- ۴۶۶. مأخذ ۱۵۰، ص ۳۸، و ۳۹، ۲۷ / ۱ / ۱۳۶۲.

۶- ۴۶۷. مأخذ ۱۵۰، ص ۲۴، ۱۶ / ۱ / ۱۳۶۲.

ایران بود. این گزینه به موازات تبلیغات وسیع درباره ی خطر پیروزی های ایران و فراهم سازی زمینه های کمک گسترده به عراق انتخاب شد.

ایران در چنین وضعیتی دو گزینه پیش رو داشت؛ نخست آنکه با تأمین خواسته های خود به جنگ پایان دهد، تا به این وسیله با صلح عادلانه و رفع تهدیدات و جلوگیری از تکرار مجدد آن، امنیت ملی کشور را تأمین و تضمین نماید یا با پذیرش پیشنهاد امریکا و غرب، ضمن اعلام موافقت با برقراری آتش بس، مذاکره با عراق را درباره موضوعات مورد اختلاف آغاز کند.

نگرانی موجود در کشور از پیامدهای پذیرش آتش بس و مذاکره با عراق با توجه به تجربه ی کشورهای عربی با اسرائیل همراه با امیدواری به پیروزی بر عراق در ادامه ی پیروزی های پیشین، سبب شد استراتژی جدید ایران با تصرف منطقه ایی با اهمیت و تبدیل آن به اهرم فشار به عراق و حامیانش برای خاتمه دادن به جنگ طراحی و اجرا شود.

عملیات رمضان به منزله ی آغاز مرحله ی جدید بود. در این مرحله، در حالی که ایران به دنبال تحقق اهداف خود برای پایان دادن به جنگ بود، عراق تحت حمایت بین المللی، استراتژی دفاع مطلق را برای مهار تهاجمات ایران برگزید تا بدین وسیله از چرخش استراتژیک در روند تحولات جنگ جلوگیری نماید. عراق در چارچوب این استراتژی برای گسترش روابط خارجی خود به ویژه برقراری ارتباط با امریکا می کوشید و برای تحلیل توان اقتصادی ایران و در نتیجه افزایش هزینه ی ادامه ی جنگ برای ایران، به جزیره ی خارک حمله کرد.

ایران پس از آشکار شدن نتایج عملیات رمضان علل ناکامی خود را تجزیه و تحلیل کرد و مجددا برای تعیین سرنوشت جنگ اقداماتی نظامی خود را از سر گرفت. عملیات والفجر مقدماتی و سپس عملیات والفجر ۱ با این اهداف انجام شد ولی به نتیجه نرسید.

در این مرحله، نگرانی از ناکامی نظامی و فشار بر مردم با جنگ شهرها و حمله به جزیره ی خارک علاوه بر اینکه به اتخاذ سیاست مقابله به مثل در جنگ شهرها منجر شد، نگرش ایران درباره ی تلاش های صلح را تغییر داد.

برقراری موازنه

جنگ بدون برنده

چارچوب و مفاهیم اساسی «جنگ بدون برنده» که هنری کیسینجر، وزیر خارجه ی اسبق امریکا، تنها هفت روز پس از تجاوز عراق به ایران طرح کرد از این امر کلی متأثر بود که سقوط شاه و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، وضع موجود را در منطقه تغییر داده و منافع کلیه ی بازیگران بین المللی و منطقه ای را به چالش گرفته است. ضرورت مهار و کنترل پیامدهای پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مورد توافق و اجماع قدرت های بزرگ قرار گرفت و عراق در همین چارچوب و در خط مقدم مقابله با انقلاب و نظام ایران جنگ را آغاز کرد. افرایم کارش بر این نظر است که همین ملاحظات سبب شد تا از عراق حمایت کامل جهانی به عمل آید و به صدام حسین اجازه داده شود که ادعا کند عراق کشور خط مقدم در جنگ بین امت عرب و ایران انقلابی است. گروهی از کشورهای بسیار نامتجانس کوشیدند تا عراق را از شکست قطعی نجات بدهند. (۱) .

امریکایی ها پس از آغاز جنگ مایل به پیروزی مطلق عراق بر ایران نبودند؛ (۲) زیرا موقعیت ژئوپلیتیک ایران و بهره برداری احتمالی شوروی (۳) (پیشین) از فروپاشی ایران منافع غرب را به مخاطره می انداخت. بنابراین، راهبرد بنیادین امریکا در برابر جنگ ایران و عراق را هنری کیسینجر نظریه پرداز و وزیر خارجه ی اسبق امریکا با ارائه دادن مفهوم «جنگ بدون

۱- ۴۶۸. افرایم کارش، جنگ ایران و عراق - یک تجزیه و تحلیل نظامی، نشریه ادلفی پی پر، بهار ۱۹۸۷، ترجمه خبرگزاری جمهوری اسلامی، تایپ و تکثیر مجدد معاونت اطلاعات و عملیات ستاد کل نیروهای مسلح، دفتر مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۷۳.

۲- ۴۶۹. نک: جنگ بازیابی ثبات، محمد درودیان.

۳- ۴۷۰. بنابر تحلیل خانم شیرین هانتر، از هنگام پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست امریکا در برابر ایران بر دو هدف متمرکز بوده است: مهار کردن تأثیر انقلاب اسلامی و جلوگیری از تسلط شوروی بر ایران. (شیرین هانتر، فصلنامه ی فارین افرز، چاپ امریکا، هفته نامه ی ایران تایمز،چاپ خارج از کشور، ش ۹۴۷، ۲۲ / ۱۰ / ۱۳۶۸.

برنده» (۱) بیان کرد. (۲) کیسینجر بر این نظر بود که پیروزی کامل هر کدام از طرفین متخاصم منافع کشورهای صنعتی و حتی شوروی را به خطر می اندازد؛ پیروزی ایران ثبات سیاسی و اقتصادی جهان و کشورهای منطقه را و پیروزی عراق عامل فشار بر کشورهای میانه رو عرب به ویژه کویت خواهد شد.

به نوشته یکی از تحلیلگران، پیروزی ایران در جنگ با عراق علاوه بر تغییر موازنه ی قوا در خلیج فارس، مطمئنا به ظهور نظمی اسلامی، که مرکزیت آن ایران است، می انجامید و این برای موقعیت شوروی در افغانستان و امنیت جمهوری های مسلمان آسیای مرکزی شوروی، پیامدهای نامطلوبی به دنبال خواهد داشت.

آزادسازی مناطق اشغالی در سال دوم جنگ و شکست عراق در چندین عملیات پی درپی مجددا وضعیتی را به وجود آورد که احتمال شکست قطعی عراق و تغییر در وضع موجود منطقه پیش بینی می شد. بر همین اساس کیسینجر در تیرماه ۱۳۶۱ و در آستانه ی عملیات رمضان طی مقاله ای در روزنامه ی واشنگتن پست با اشاره به تهدید منافع امریکا در منطقه و اهمیت «توازن قوا» یادآوری کرد:«این به نفع ما است که هر چه زودتر آتش بس برقرار شود.» (۳) تأکید بر «آتش بس» به این دلیل بود که از یک سو نسبت به عواقب گسترش پیروزی ایران بر عراق نگران بودند و پیش بینی لازم برای این موضوع به دلیل برتری های عراق صورت نگرفته بود و از سوی دیگر، دادن هر گونه امتیاز به ایران به معنای به رسمیت شناختن برتری ایران در منطقه بود و این موضوع با منافع امریکا و غرب در تضاد بود. بنابراین، فشار برای «برقراری آتش بس» محور تلاش های سیاسی - تبلیغاتی امریکا قرار گرفت و هیچ گونه پیشنهاد مشخصی با در نظر گرفتن موقعیت برتر ایران و درخواست های این کشور، تهیه و ارائه نشد.

ص: ۱۱۳

۱- ۴۷۱. رالف کینگ در مقاله ی «جنگ ایران و عراق، مفاهیم سیاسی» نوشت: «مطمئنا می شود گفت که ناخوشایندی از اینکه عراق یا ایران دیگری را شکست دهد یک عقیده اساسی از زمان شروع جنگ بوده است.» [ویژه نامه ی «بررسی جنگ»، (بحران خلیج فارس)، معاونت سیاسی ستاد کل سپاه، مهر ۱۳۶۶ ص ۱۶۶[وزیر خارجه ی وقت ایتالیا، جولیو اندرئوتی، در مصاحبه ای گفت: «راه حل ایده آل برای جنگ ایران و عراق این است که هیچ یک از طرفین جنگ فاتح نباشند.» (نگاهی به ۸ سال جنگ تبلیغاتی، ص ۳۶۹).

۲- ۴۷۲. نک: خونین شهر تا خرمشهر، محمد درودیان.

۳- ۴۷۳. محمد درودیان، خونین شهر تا خرمشهر، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ هفتم، ۱۳۸۲، ص ۱۶۰ و ۱۶۱.

توقف عملیات های رمضان، والفجر مقدماتی و والفجر ۱ تا اندازه ای نگرانی های اولیه ی امریکا را برطرف ساخت؛ زیرا عراق نشان داد در وضعیت جدید دفاعی و با توجه به حمایت های موجود در برابر تهاجمات ایران به مقاومت و مقابله و مهار و خنثی سازی آن قادر خواهد بود. در این دوره، سیاست های امریکا بر حل معضلات ناشی از اشغال بیروت توسط اسرائیل متمرکز شد و چنانکه یک مقام وزارت خارجه امریکا بیان کرد: «مادامی که جنگ ایران و عراق بر متحدان ما در منطقه تأثیر نگذارد یا موازنه ی قدرت بر هم نزند ما ذره ای اهمیت نمی دهیم.» (۱) .

در واقع، نگرانی امریکا از پیروزی ایران بر عراق پس از فتح خرمشهر به مهار پیروزی های ایران منجر شد و در نتیجه، جنگ از وضعیتی پویا و تغییر دهنده به جنگی فرسایشی تبدیل شد. در چنین وضعیتی به نظر می رسید جنگ به بن بست رسیده است و عراق بر اثر از دست دادن بخش اعظم صادرات نفت خود با دشواری روبه رو خواهد شد. (۲) نگرانی از پیدایش این وضعیت (۳) همراه با وقوع دو حادثه انفجار مقر نیروهای امریکا در بیروت و عملیات خیبر (۴) زمینه های تغییر سیاست امریکا را فراهم ساخت. مصباحی به تغییر سیاست امریکا، شوروی و مابقی کشورهای خارجی از منظر دیگری توجه کرده است و در این باره می نویسد: «پس از شکست در وادار کردن ایران از طریق اعمال فشار برای قبول یک راه حل از طریق مذاکره و مایل نبودن برای حمایت از مواضع ایران، شوروی و مابقی کشورهای خارجی در این نکته اتفاق نظر داشتند که به رغم تشدید گهگاه درگیری، این جنگ عملا به بن بست رسیده و تا زمانی ادامه خواهد یافت که منابع اقتصادی و

۱- ۴۷۴. روزنامه ایران، ۱ / ۷ / ۱۳۸۲، ص ۱۲، مقاله امریکا و جنگ ایران و عراق، ترجمه گلاره اسدی.

۲ - ۴۷۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش های ویژه»، ۱۳ / ۱۰ / ۱۳۶۲، ص ۱۳، واشنگتن پست، ۱۲ / ۱۰ / ۱۳۶۲.

۳- ۴۷۶. امریکا پس از فتح خرمشهر کمک های گسترده ی اطلاعات نظامی و امنیتی را به عراق آغاز کرد که در فصل پیش توضیح داده شد. امریکا روابط بازرگانی با عراق را تشویق کرد و تسهیلاتی را برای صدور نفت عراق و متقابلا ـ ایجاد محدودیت برای ایران در همین زمینه ها آغاز کرد ولی همچنان نوعی نگرانی نسبت به احتمال شکست عراق وجود داشت.

۴- ۴۷۷. درباره ی عملیات خیبر در فصل قبل توضیح داده شد. مسئله ی مهم این بود که تغییر تاکتیک ایران و حضور نیروهای ایران در شمال بصره و قطع جاده بصره - العماره رخنه ی نیروهای ایران را در خطوط دفاعی عراق بیان می کرد و این موضوع موجب نگرانی امریکا شد.

انسانی ایران تدریجا تحلیل برود و تهران نهایتا مجبور شود راه حلی سیاسی را برگزینند.» (۱) .

شکست امریکا در لبنان

تحولات جدید خاورمیانه از تجاوز نظامی اسرائیل به لبنان و اشغال بیروت در سال ۱۳۶۱ متأثر بود. واکنش ایران به این حادثه و حضور نیروهای ایران در لبنان نقطه ی آغاز حضور و تأثیرگذاری ایران در صحنه ی معادلات خاورمیانه و اسرائیل بود. پیوستگی تعاملات صحنه ی خاورمیانه با جنگ ایران و عراق برای امریکا در مدیریت و کنترل اوضاع چالش های فراوانی به وجود آورد.

روند تحولات در لبنان و واکنش مردم لبنان به ویژه شیعیان در برابر تجاوز اسرائیل، تدریجا به حضور نیروهای امریکا در لبنان منجر شد. ضمن اینکه شعبه ی اطلاعات ارتش اسرائیل به این ارزیابی رسید که اگر اسرائیل توقف خود را طولانی کند ناخشنودی شیعیان به صورت مقاومت فعال درمی آید. (۲) در این روند در بامداد روز یکشنبه ۲۳ اکتبر ۱۹۸۳م (۱ / ۸ / ۱۳۶۲) مرکز تفنگداران امریکا در کنار فرودگاه بین المللی بیروت و مقر چتربازان فرانسوی عضو نیروهای چند ملیتی، طی دو عملیات شهادت طلبانه و با دو کامیون حاوی بمب منفجر شد. ۲۴۱ تفنگدار و چترباز کشته و ده ها نفر دیگر مجروح شدند. (۳) همچنین در تاریخ چهارم نوامبر ۱۹۸۳م (۱۳ / ۸ / ۱۳۶۲) یک کامیون مواد منفجره، ساختمان مدرسه ی شجره در شهر صور را، که به یکی از مقرهای اصلی نظامیان اسرائیل تبدیل شده بود، منهدم کرد. در این عملیات شهادت طلبانه ۲۹ (۴) افسر و سرباز اسرائیلی کشته شدند. (۵) .

فؤاد عجمی، یکی از نویسندگان امریکایی لبنانی الاصل، بعدها درباره ی تأثیر تجاوز اسرائیل به لبنان در احیاء جامعه ی شیعی نوشت: «با از میان بردن قدرت

۱- ۴۷۸. دبیرخانه کنفرانس بین المللی تجاوز و دفاع، بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع، جلد دوم، ص ۲۲۹.

۲- ۴۷۹. یان بلک، بنی موریس، جنگ های نهانی اسرائیل، ترجمه جمشید زنگنه، نشر فرهنگ، ۱۳۷۲، ص ۴۸.

۳- ۴۸۰. دکتر مسعود اسداللهی، از مقاومت تا پیروزی تاریخچه حزب الله لبنان، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اندیشه سازان نور، ۱۳۷۹، ص ۸۴.

۴- ۴۸۱. در کتاب جنگ های نهانی اسرائیل درباره ی تعداد کشته شدگان اسرائیل نوشته شده است: «حدود سی اسرائیلی از جمله پنج افسر اطلاعاتی کشته شدند.» (ص ۴۷۸-۴۷۷).

۵- ۴۸۲. همان.

فلسطینیان در تابستان ۱۹۸۲م، اسرائیل کاری برای شیعیان کرد که خود شیعیان نمی توانستند آن را به اجرا درآورند.» (۱) .

آقای هاشمی در نماز جمعه ی تهران بیان کرد: «تحولات خاورمیانه موضع امریکا را تضعیف کرده و امریکا در جنگ عراق، حالت دفاعی به خودش گرفته است، قضیه به لبنان کشیده شده و در معرض خطر بستن تنگه هرمز قرار گرفته اند، حالتی که آدم خیال می کند امریکا حسابی در این مبارزه با ایران باخته، اما این معنایش این نیست که حالا امریکا به زانو درآمده و کار تمام شده است.» (۲) .

امریکایی ها بلافاصله ایران را متهم کردند که در این انفجار دست داشته اند و تهدید به انتقام نمودند. (۳) آقای هاشمی به موضع گیری و تهدیدات امریکا پاسخ داد و این اظهارات را بیان کننده ی ضعف یک ابرقدرت دانست که می گوید: «ما در کاخ الیزه و در کاخ سفید جلسه تشکیل می دهیم برای اینکه از ایران چه انتقامی بگیریم.» (۴) ایشان اضافه کرد: «چه می توانید بکنید، اولا ما که نبودیم، حالا اگر بودیم، شما چه می توانستید بکنید؟ شما در لبنان هم کاری نمی توانید بکنید.» (۵) آقای هاشمی به ماهیت این اقدام و واکنش های احتمالی امریکا توجه کرد و اعلام کرد: «ما هر وقت خواستیم با امریکایی ها بجنگیم اعلام می کنیم با شما می خواهیم بجنگیم، اعلان جنگ می کنیم و هر جا هم امریکایی ببینیم، یا منافع امریکایی ببینیم، آن را می زنیم و ما به آن روز نرسیدیم.» (۶) .

نتیجه ی تحولات نظامی در لبنان به شکست امریکا و اسرائیل منجر شد چنانکه در بهمن ۱۳۶۲ نیروهای امریکا، انگلیس و ایتالیا و در اسفند ۱۳۶۲ نیروهای فرانسه خاک لبنان را ترک کردند. (۷) ویلیام کیسی، رئیس وقت سازمان سیا، طی مصاحبه ای اعلام کرد: «انتظار دارم اقدامات تلافی جویانه علیه ایران صورت بگیرد.» (۸) با شکست نیروهای مداخله گر در لبنان، مسلمانان غرب بیروت را تصرف کردند. (۹) اسرائیل بر اثر این تحولات در وضعیت نامناسبی قرار گرفت؛ زیرا از یک سو حملات چریکی را نمی توانست خنثی کند و از

۱- ۴۸۳. مأخذ ۸، ص ۴۷۷ و ۴۷۸.

۲- ۴۸۴. خطبه های جمعه سال ۶۲، جلد پنجم، ص ۲۰۶ و ۲۰۷، خطبه دوم، ۱۳ / ۸ / ۱۳۶۲.

۳ - ۴۸۵. کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی، سال ۱۳۶۲، آرامش و چالش، به اهتمام مهدی هاشمی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۸۱، ص ۳۴۷ و ۳۴۸، خاطرات ۱ / ۸ / ۱۳۶۲.

۴- ۴۸۶. مأخذ ۱۲.

۵- ۴۸۷. مأخذ ۱۲، ص ۲۰۷.

۶- ۴۸۸. مأخذ ۱۲، ص ۲۰۹.

۷- ۴۸۹. مأخذ ۹، ص ۹۱.

۸- ۴۹۰. خطبه های جمعه سال ۶۳، جلد ۶،۱۳۷۶، ص ۳۸ و ۳۹.

۹- ۴۹۱. مأخذ ۱۳، ص ۴۸۹.

سوی دیگر، برای تنبیه دسته جمعی مردم لبنان نمی توانست آن ها را اخراج کند، در نتیجه برای نیروهای اسرائیل شکست اجتناب ناپذیر بود. (۱) چنانکه سرانجام در خرداد ۱۳۶۴ به جنوب لبنان و تا رودخانه لیتانی و ارتفاعات مشرف بر شهرهای صور و صیدا و بقاع غربی عقب نشینی کردند. (۲) .

شکست امریکا در لبنان استراتژی و سیاست های آن کشور را به شکل بنیادین تحت تأثیر قرار داد چنانکه گری سیک می نویسد: «امریکا جانب عراق را گرفت. این سیاست ضد ایرانی به دلیل مداخله ی احتمالی ایران در بمب گذاری های تروریستی در سفارتخانه های ایالات متحده در بیروت و کویت به اوج شدت رسید.» (۳) رامسفلد، نماینده ویژه ی ریگان، که بنا به درخواست شخص ریگان، رئیس جمهور وقت امریکا، در آذر ۱۳۶۲ به چند کشور خاورمیانه سفر کرد و با رهبران آن ها از جمله صدام گفت وگو کرد، بعدها درباره ی این سفر و گفت وگو با صدام (۴) گفت: «آن دیدار همزمان با جنگ عراق و ایران بود و ۲۴۱ نفر از تفنگداران دریایی ما کشته شده بودند.» (۵) وی اضافه کرد: «قرار بود سوری ها را زیر فشار بگذاریم تا از لبنان خارج شوند و به کشتار امریکایی ها در پایگاه های دریایی پایان داده شود.» (۶) .

حمایت راهبردی امریکا از عراق

اشاره

نظر به اینکه جنبه ی مهم سیاست امریکا جلوگیری یا حداقل پرهیز از تغییر جهت اساسی شتاب آلود در موازنه ی قدرت منطقه ای بود، (۷) به نظر می رسد شکست در لبنان و احتمال شکست عراق در برابر ایران، به نگرانی امریکا منجر شد. چنانکه رالف کینگ می نویسد: «در اواخر سال ۱۹۸۳ م، اوضاع موجود

ص: ۱۱۷

۱- ۴۹۲. مأخذ ۸، ص ۴۸۰.

۲- ۴۹۳. مأخذ ۹، ص ۹۶.

۳- ۴۹۴. روزنامه نشاط، ۶ / ۴ / ۱۳۷۸، شماره ۱۹، ص ۶، گری سیک؛ اجلاس ایران در قرن ۲۱، قبرس، نیکوزیا ۲۸ تا ۳۰ خرداد ۱۳۷۸.

۴- ۴۹۵. تشدید تنش میان امریکا و عراق به افشای سفر محرمانه ی رامسفلد به عراق و گفت وگو با صدام منجر شد و همین امر به مصاحبه ی رامسفلد وزیر دفاع امریکا با شبکه خبری C.N.N انجامید. نیوزویک، چاپ امریکا، در توضیح این سفر نوشت: «رامسفلد می دانست که صدام قاتل جنایتکار است و از تروریست ها حمایت کرده و برای ساخت سلاح هسته ای تلاش می کند اما بزرگ ترین نگرانی امریکا ایران بود نه عراق و دولت ریگان از آن بیم داشت که انقلابیون ایران که شاه را سرنگون کرده بودند، به خاورمیانه و چاه های حیاتی نفت آن مسلط شوند.» (روزنامه همشهری، ۳۱ / ۶ / ۱۳۸۱، ص ۵).

۵- ۴۹۶. مصاحبه رامسفلد با CNN، ۱۳۸۱ / ۶ / ۳۱(در روزنامه بازتاب داشت).

۶- ۴۹۷. همان.

۷- ۴۹۸. معاونت سیاسی ستاد کل سپاه پاسداران، ویژه نامه «بررسی جنگ» (بحران خلیج فارس)، مهر ۱۳۶۶، ص ۱۶۶، رالف

کینگ، جنگ ایران و عراق:مفاهیم سیاسی ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶.

به نحو غمباری تغییر کرده بود و به مقامات رسمی خلیج (فارس) به طور خصوصی اطلاع داده شده بود که پیروزی ایران مغایر بـا منـافع امریکـا است و این احسـاس را علنا در ژانویه ۱۹۸۴م رئیس جمهـور ریگـان ابراز کرد.» (۱) کمیته ی روابـط خارجی سنـای امریکـا گزارشـی از اوضاع منطقه تهیه کرد و آن را به هیئت وزیران ارائه داد و نوشت: «پیروزی ایران که تا همین اواخر بسیار محتمل به نظر می رسید منافع امریکا را تهدید می کند. یک ایران پیروز تهدید نظامی مستقیمی نسبت به کویت و دیگر کشورهـای خلیـج (فارس) که از عراق پشتیبانی می کردنـد، خواهـد بود.» در ادامه آمـده است: «پیروزی نظامی ایران نه تنها به ایران فرصت خواهـد داد تا انقلاب خود را از طریق تبلیغات رخنه و خرابکاری صادر نمایـد، بلکه این کشور صـرفا با به دست آوردن پیروزی، نمونه ای برای بنیادگرایان در دیگر کشورهای اسلامی خواهد بود.» (۲) .

بر پـایه ی همین ملاحظات و با توجه به شکست امریکا در خاورمیانه و خطر سـقوط صـدام، ریگان طی فرمان شـماره ی ۱۳۹ مورخ پنجم آوریل ۱۹۸۴م از دولت می خواهد «راهی برای اجتناب از فروپاشـی عراق پیدا کند.» (۳) همچنین در ژانویه ۱۹۸۴ م مقـام هـای رسـمی امریکـا اعلام کردنـد پس از بحث و گفت وگو با متحـدان اروپایی و کشورهای خلیـج فارس طرح های نظـامی اضـطراری گسترده ای را برای رویـارویی بـا بحران که ایجـاد شـده است پیش بینی کرده انـد. (۴) بر اسـاس این طرح، ریگـان در جلسه ی شورای امنیت ملی کـاخ سـفید در مـاه مـارس به مشـاوران خود دسـتور داد تـا برای پیـاده کردن نیروهایی زمینی، دریایی و هوایی ایالات متحـده در منطقه ی خلیـج فارس طرحی اضـطراری تهیه کننـد. این طرح در صورتی که جنگ ایران و عراق از کنترل خـارج می شـد، به مرحله ی اجرا در می آمـد. بعـدها بخشـی از این طرح های اضـطراری در مطبوعات غرب منتشر شد که شامل موارد زیر بود:

۱- محاصره دریایی احتمالی پایانه ی نفتی خارک؛

۲- مین گذاری بنادر ایران در خلیج فارس؛

۳- حملات کماندویی به پایگاه های نظامی ایران. (۵) .

۱- ۴۹۹. همان.

۲ - ۵۰۰. روابط عمـومی فرمانـدهی کـل سپاه، «گزارش کمیته روابـط خـارجی سـنای امریکـا»، ترجمه خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، دی ۱۳۶۳، ص ۱۷.

۳- ۵۰۱. روزنامه انتخاب، ۲۶ / ۱۲ / ۱۳۸۱، ص ۶، ایل فولیو.

۴- ۵۰۲. مجله ایران فردا، سال سوم، شماره ۱۶، ص ۳۳، دکتر رضا رئیسی طوسی، استراتژی امریکا - تضعیف توان ملی ایران.

۵- ۵۰۳. خطبه های جمعه سال ۶۴، جلد۱۳۷۷،۸، ص ۷۰ و ۷۱.

نشریه ی الموقف العربی نیز نوشت: امریکا برای پیشگیری از وقوع احتمالات مخاطره آمیز به ایجاد نیرویی نظامی برای مقابله با تحولات خلیج فارس ناچار شد. (۱) .

در واقع، چنانکه پیش از این اشاره شد «جنگ بدون برنده» و جلوگیری از پیروزی هر یک از طرفین بر دیگری، اصلی اساسی برای امریکا و غرب بود و بعضی اوقات با احتمال پیروزی یکی از طرفین وشکست دیگری، سیاست های امریکا و غرب در جنگ ایران و عراق تغییر می کرد. با تحولات جدید این دیدگاه و اصل اساسی به نوشته ی ر. هیوم، «تبدیل به سیاست» (۲) و به نفع عراق و به زیان ایران شد.

کاسپر واینبرگر، وزیر دفاع وقت امریکا، خطاب به کنگره ی امریکا توضیحاتی داد که عوامل مؤثر رادر تعیین چارچوب و خطوط کلی سیاست های جدید امریکا در حمایت از عراق بیان می کرد. وی گفت: مداخله ی ایران در انفجارات بیروت تأییدکننده ی این امر است که امریکا باید به عراق کمک کند. (۳) امریکا بر اثر تحولات جدید «راهنمایی های استراتژیک عملی» (۴) در اختیار عراق قرار داد و توافقات جدیدی میان دو کشور صورت گرفت. از نظر مقامات امریکایی، عراق درباره ی روابط با شوروی و نگرش به اسرائیل مواضع و دیدگاه خود را تغییر داده بود. چنانکه هیگ وزیر خارجه وقت امریکا به کنگره اعلام کرد: «عراق تمایل به شوروی را تا حدی تغییر داده است.» (۵) بر اساس همین ملاحظات معاون هیگ به بغداد رفت تا بر سر موضوع منافع دو جانبه با مقامات برجسته ی عراق به مذاکره بنشینند. (۶) همچنین واینبرگر، وزیر دفاع وقت امریکا، نیز در ضرورت کمک به عراق، به کنگره توضیحاتی داد و گفت: «در رفتار عراق نسبت به اسرائیل تغییر و تحولاتی به چشم می خورد؛ زیرا صدام حسین شخصا گفت که دیگر عراق را جزو کشورهای خط مقدم علیه اسرائیل نمی شناسد. حتی صدام حسین اظهار امیدواری کرد از سرگیری روابط عراق با ایالات متحده می تواند حمایت عراق از روند صلح با اسرائیل را ترفیع و ترقی دهد.» (۷) .

۱- ۵۰۴. همان، ص ۳۳.

۲- ۵۰۵. کامرون ر.هیوم، سازمان ملل متحد - ایران و عراق: ترجمه هوشنگ راسخی عزمی ثابت، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی تهران، ۱۳۷۶، ص ۸۶.

۳- ۵۰۶. روابط عمومی فرمانده کل سپاه، تحولات یک ساله جنگ تحمیلی در مطبوعات جهان - شهریور ۶۳ تا شهریور ۱۳۶۴،۶۴، ص ۳، نشریه مسلم میدیا چاپ لندن، ژانویه ۱۹۸۵.

۴- ۵۰۷. هوارد تیچر، عضو اداره امنیت ملی امریکا ۱۹۷۰ - ۱۹۸۷، مسئول امور خاورمیانه و امور سیاسی و نظامی، «لایحه دفاعیه جمهوری اسلامی ایران در سکوهای نفت»، ص ۲.

۵- ۵۰۸. مأخذ ۳۳، ص ۱.

۶- ۵۰۹. مأخذ ۳۳، ص ۱.

۷- ۵۱۰. مأخذ ۳۳، ص ۳.

مذاکرات بغداد و واشنگتن و ملاقات نمایندگان دو کشور در اروپا و امریکا سبب شد طرفین درباره ی قرارداد الجزایر، که مورد قبول عراق بود و میان صدام و شاه امضا شده بود، توافق کنند و این امر به معنی بازگشت خلیج فارس به وضع قبل از جنگ بود. واشنگتن پذیرفت که به عراق کمک کند و راه حلی برای پایان جنگ بیابد. (۱) بنابر سندی که بعدها منتشر شد امریکا برای جلوگیری از پیروزی ایران به حکومت صدام تعهد داده بود. (۲) .

سفر رامسفلد، نماینده ی ویژه ی ریگان، در دو مرحله به عراق و ملاقات با صدام و سایر مسئولان عراقی بسیار حائز اهمیت بود. رامسفلد در سفر اول در تاریخ ۳۰ آذر ۱۳۶۲ و متعاقب انفجار سفارت امریکا در بیروت، پیام ریگان را به صدام تحویل داد. در این ملاقات بر ضرورت گفت وگو بین مسئولان عراقی و امریکایی برای رسیدن به تفاهم کامل متقابل در برابر مسائل منطقه ای تأکید شد. صدام خاطر نشان کرد که کشورش تمایل دارد تمامی نیروهای خارجی از لبنان خارج شوند! خبرگزاری فرانسه سفر رامسفلد را نخستین گام در بهبود روابط میان دو کشور ارزیابی کرد ضمن اینکه صدام پیش از این برای بهبود روابط با امریکا اظهار آمادگی کرده بود. (۳) سفر دوم رامسفلد زمانی انجام گرفت که صدام در عملیات خیبر در سال ۱۳۶۲ از سلاح های شیمیایی استفاده کرد و امریکا نسبت به این موضوع واکنش نشان نداد. حتی رامسفلد در این سفر به بغداد رفت (۴) تا به صدام اطمینان بدهد که انتقاد عمومی از عراق در زمینه ی استفاده از سلاح های کشتار جمعی، بر تلاش واشنگتن برای بهبود روابط بین دو کشور تأثیری نخواهد داشت. (۵) .

صدام در دیدار اول رامسفلد از عراق و مذاکراتی که داشتند گفت: امریکا می تواند جلوی فروش سلاح را به ایران بگیرد و در آن صورت هر نوع

۱- ۵۱۱. ماهنامه نگاه، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، شهریور و مهر ۱۳۸۰، شماره ۱۵ و ۱۶، ص ۱۸ و ۱۹، استفان سی پلیتر - داگلاس وی جانسون، استراتژی جنگ ایران و عراق و روش های آن.

۲- ۵۱۲. رادیو فردا، ۱۴ / ۱۰ / ۱۳۸۲، به نقل از روزنامه الشرق الاوسط.

۳- ۵۱۳. روزنامه جمهوری اسلامی، ۳۰ / ۹ / ۱۳۶۲، ص ۳.

۴- ۵۱۴. رامسفلد بعدها ضمن اظهار شگفتی از طرح سفر وی به عراق می گوید: در حال حاضر هم مواردی هست که امریکا به طور رسمی و خصوصی به کشوری درباره ی رفتارش اعتراض می کند، اما در سطوحی بسیار خوب با آن کشور تعامل دارد. وی اضافه کرد اتخاذ این دیپلماسی و ادامه ی روابط با کشورهایی که طبق خواست امریکا رفتار نمی کردند در تاریخ متداول است. (سایت دریچه، ۲۹ / ۱۲ / ۲۰۰۳، به نقل از خبرگزاری آلمان، ۸ / ۱۰ / ۱۳۸۲).

۵- ۵۱۵. روزنامه همشهری، ۳۰ / ۹ / ۱۳۸۲، ص ۱ و ۲۳، روزنامه واشنگتن پست، ۲۸ / ۹ / ۱۳۸۲.

رابطه ای میان دو ملت بزرگ امریکا و عراق ممکن می شود. (۱) بنا به گزارش کمیته روابط خارجی سنای امریکا، احتمالا تحریم فروش تسلیحات مهم ترین علت گرمی روابط ایالات متحده با عراق است. (۲) به نوشته ی تیمرمن مذاکره درباره ی این موضوع که قبلا طارق عزیز با شولتز در امریکا انجام داده بود و رامسفلد با صدام در عراق انجام داد، برنامه ریزان سیاست امریکا را متقاعد ساخت که به هر نحو ممکن جلوی صدور اسلحه را به ایران (۳) بگیرند. (۴) تام میار، یکی از دیپلمات های هیئت همراه رامسفلد در بغداد، می گوید: «این تفکر قبلا مطرح شده بود، اما حالا دیگر وقت آن رسیده بود که این فکر به مرحله ی عمل در آید. باید به عراقی ها ثابت می کردیم که ما صمیمانه خواهان پایان یافتن جنگ هستیم.» (۵) .

به نوشته ی سید فاروق حسنات امریکا از طریق کمک به عراق حداقل سه هدف را دنبال می کرد:

۱- برای ایران به جهت ایفای نقش تعیین کننده در خلیج فارس مانع ایجاد کنند.

۲- به متحدان عرب خود در خصوص قدرت نظامی امریکا در منطقه اطمینان بدهند.

۳- سرمایه گذاری های عظیم در خلیج فارس از جمله بازار تقریبا انحصاری کالاهای مصرفی و همچنین بازار متحدان اروپای غربی، خاور دور و ژاپن را حفظ کنند. (۶) .

سیاست امریکا در این مرحله بر چهار محور اساسی شامل: «چشم پوشی از فروش تسلیحات امریکایی به عراق از طریق کشور ثالث، «مداخله برای تسهیل دستیابی به عراق به کمک مالی»، «متقاعد سازی هم پیمانان به نفروختن تسلیحات به ایران» و «سرپوش نهادن تبلیغاتی بر بی اعتنایی عراق به منشورهای بین المللی» تکیه داشت. (۷) .

۱- ۵۱۶. کنت آرتیمرمن، سوداگری مرگ، ترجمه احمد تدین، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳، ص ۲۸۳.

۲- ۵۱۷. مأخذ ۲۷، ص ۱۸.

۳- ۵۱۸. امریکا برای جلوگیری از صدور اسلحه به ایران عملیات «استانچ» (به معنای پایداری) را طراحی و اجرا کرد.

۴- ۵۱۹. مأخذ ۴۲.

۵- ۵۲۰. مأخذ ۴۲.

۶- ۵۲۱. مأخذ ۷، ص ۴۳۷، سید فاروق حسنات، جنگ در خلیج فارس و نقش ابرقدرت ها.

۷- ۵۲۲. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، «بولتن رسانه های دنیا»، ۷ / ۷ / ۱۳۸۲، شماره ۱۹۶۸، ص ۷۳ و ۷۴، خالد اکبری، امریکا بدون حل مسئله ایران از خلیج فارس خارج نخواهد شد، الحیات، ۲۷ / ۶ / ۱۳۸۲، ترجمه محمد حسین زوار کعبه.

وفیق سامرایی، رئیس اسبق اطلاعات نظامی عراق، بعدها پس از خارج شدن از عراق در مصاحبه با الحیات و درباره ی کمک های امریکا به عراق گفت: «به نظر من ایالات متحده به صدام کمک نمی کرد بلکه به جبهه ای که رو در روی ایران ایستاده بود کمک می کرد. کمک های امریکا اساسا عبارت بود از:

۱- ارائه اطلاعات گسترده ای که ماهواره، ابزارهای الکترونیکی و نیروی انسانی فراهم می کرد.

۲- کشورهای منطقه را به ارائه دادن کمک های مالی به عراق ترغیب می کرد.

۳- محاصره ی رژیم ایران و از دست یافتن این رژیم به سلاح های مهم جلوگیری می کرد.» (۱) .

در ادامه ی بحث برای روشن شدن ابعاد کمک های امریکا و سایر کشورها به عراق، که بر اساس اجماع و توافق (۲) صورت می گرفت در سه زمینه ی اطلاعاتی، مالی و تسلیحاتی اشاره خواهد شد.

کمک های اطلاعاتی به عراق

اطلاعات نظامی از عوامل اساسی و مؤثر در پیروزی در جنگ است. در صحنه ی رویارویی نیروها در جنگ، آگاهی از اهداف و نیات و توانمندی دشمن و به طور کلی عنصر اطلاعات و غافلگیری و متقابلا امکان فریب و پنهان سازی، اصلی اساسی برای دستیابی به پیروزی و شکست دشمن است. در واقع، تسلط اطلاعاتی بر دشمن می تواند توان و خلاقیت دشمن را در طرح های تهاجمی تحت تأثیر قرار دهد؛ به همین دلیل، در آرایش نیروها، هدف گیری، طراحی عملیات و محورهای پیشروی، اطلاعات از دشمن و متقابلا

۱- ۵۲۳. بولتن فرماندهی قرارگاه نصر، ۲۶ / ۱ / ۱۳۷۷، ص ۱۵.

۲- ۵۲۴. کمیته روابط خارجی سنای امریکا در گزارش خود می نویسد: «در حال حاضر امریکا و شوروی در خلیج فارس هدف های مشترکی دارند. هر دو، تا اندازه ای در جنگ از عراق حمایت می کنند، هر دو رسیدن به توافقی درباره ی جنگ را از راه مذاکره ترجیح می دهند.» (انتشارات روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، دی ماه ۱۳۶۳، ص ۲۱) کلودشسون، وزیر خارجه اسبق فرانسه، بعدها در مصاحبه ایی تلویزیونی گفت: «اعضای دائمی شورای امنیت در تصمیمی اعلام نشده در زمینه ی حمایت از عراق در برابر جمهوری اسلامی ایران به توافق رسیده بودند.» (ما اعتراف می کنیم، ص ۱۳۷).

پنهان سازی در برابر دشمن با فریب و غافلگیری، شرط اولیه و اساسی جنگ است که در انسان از آغاز شکل گیری روحیه ی مخاصمه جویی و طراحی جنگ به شکل های متفاوت وجود داشته است.

عراق از ابتدای جنگ مورد حمایت اطلاعاتی بسیاری از کشورها بود. در واقع، مواضع سیاسی کشورها و اجماع موجود در حمایت از عراق در عرصه ی کمک اطلاعاتی به این کشور تأثیر داشت. وفیق سامرایی، رئیس اطلاعات نظامی عراق، می گوید تقریبا بخش اعظم دستگاه های اطلاعاتی جهان اطلاعات خود را به ما می دادند. (۱) وی از کشورهای فرانسه، آلمان، ایتالیا، اردن، کشورهای خلیج (فارس)، ترکیه، هند و حتی در پاکستان نام می برد. (۲) و درباره ی شوروی (پیشین) به سابقه ی روابط اطلاعاتی دو کشور از سال ۱۹۷۴ م اشاره می کند (۳) و می گوید در نشست دوم مبادله ی اطلاعاتی در مه ۱۹۷۹ م در مسکو سرویس اطلاعاتی شوروی، از تأمین نیازهای اطلاعاتی عراق خودداری کرد ولی ما از یک منبع در سرویس اطلاعاتی روسیه استفاده کردیم و با ابتکار عمل شخص وی بخشی از نیازهای اطلاعاتی خود را دریافت کردیم. (۴) .

در این باره وفیق سامرایی می گوید: روسیه اطلاعات نظامی مربوط به نیروهای مسلح کشورهای خلیج فارس و نیز اطلاعات مربوط به ترکیه، ایران و اسرائیل را در اختیار صدام قرار داده بود. وی اضافه می کند: من خودم شخصا برای چنین مأموریتی بارها عازم مسکو شدم. (۵) روس ها با توجه به سطح کمک های ارائه شده به عراق بر این نظر بودند که ایران توانایی ندارد شکافی عمده در خطوط دفاعی مستحکم عراق ایجاد کند.

روابط اطلاعاتی عراق و امریکا در طول هشت سال جنگ متأثر از اوضاع و عوامل مختلف، از نظر سطح و کیفیت اطلاعات ارسالی امریکا به عراق، به سه دوره ی کلی تقسیم می شود.

قبل از آغاز جنگ، گزارش فایننشال تایمز در پائیز ۱۹۸۰ م اطلاعات سرویس اطلاعاتی امریکا و تصاویر ماهواره ای حاکی از آن بود که نیروهای ایرانی به سرعت از هم فرو خواهند پاشید. طبق گزارش این روزنامه این

۱- ۵۲۵. روزنامه یاس نو، ۶ / ۱۲ / ۱۳۸۱، ص ۱۴، گفت وگوی وفیق السامرایی با شبکه تلویزیونی الجزیره قطر.

۲- ۵۲۶. سرلشکر وفیق السامرایی، ویرانی دروازه شرقی، مترجم عدنان قارونی، تهران: مرکز فرهنگی سپاه چاپ دوم ۱۳۸۰، ص ۱۴۲ و ۱۴۳.

۳- ۵۲۷. روزنامه اطلاعات، ۸ / ۵ / ۱۳۷۶، ص ۱۲، مصاحبه وفیق السامرایی با روزنامه الحیات.

۴- ۵۲۸. مأخذ. ۵۰.

۵- ۵۲۹. روزنامه شرق، ۸ / ۱۰ / ۱۳۸۲، ص ۲.

اطلاعات و تصاویر از طریق کشوری ثالث در اختیار صدام گذاشته شد. در این میان، علاوه بر نقشی که متحدان امریکا مانند مصر، اردن و عربستان بر عهده داشتند مقامات رژیم سابق (۱) اطلاعاتی از اوضاع ایران در اختیار عراق قرار می دادند که بیشتر به معنای اعلام حمایت ضمنی امریکا برای حمله ی عراق به ایران ارزیابی می شد. با آغاز جنگ، امریکا از پیامدهای جنگ و گسترش آن در منطقه نگرانی داشت بنابراین، در اوایل اکتبر ۱۹۸۰ م واشنگتن چهار فروند آواکس را مأمور عملیات در خلیج فارس کرد تا با استفاده از قلمرو عربستان و تحت فرماندهی امریکا، اوضاع منطقه را کنترل نماید. (۲) ارتباط نداشتن امریکا با ایران و عراق و ضرورت مدیریت پیامدهای جنگ ایران و عراق در استفاده ی امریکا از هواپیماهای آواکس تأثیر بسزایی داشت.

در مرحله ی دوم دولت ریگان در سال ۱۹۸۱ م با فروش پنج فروند آواکس به عربستان موافقت کرد (۳) و مجموعا نه فروند از این هواپیما در عربستان مستقر شد که با ناوهای موشک انداز، رزم ناوها و ناوشکن های نیروی دریایی امریکا در خلیج فارس و با هواپیماهای اف ۱۴ و اف ۱۸ مستقر بر عرشه ی ناوهای هواپیمابر، ارتباط الکترونیک داشت. (۴) در واقع، پروژه ی آواکس ها در عربستان محور یک سیستم به هم پیوسته ی منطقه ای بود که پنجاه میلیارد دلار هزینه داشت (۵) و اطلاعات ارزشمندی را برای امریکا جمع آوری می کرد. بعدها صدام صریحا در اظهاراتی اعلام کرد: «ما در عراق از اطلاعات آواکس ها سود برده ایم.» (۶) .

عراقی ها همچنین در این مرحله، از برخی اطلاعات متحدان امریکا در منطقه استفاده می کردند؛ چنانکه وفیق سامرایی می گوید: در سال ۱۹۸۱ م و پس از پناهندگی هواپیمای ایرانی به مصر، عراق کوشید تا از این خلبان اطلاعاتی بگیرد و مصر نیز از این موضوع استقبال کرد و بنابراین، زمینه ی

۱- ۵۳۰. گری سیک می گوید: «عراق برخی اطلاعات نادرست درباره ی اوضاع ایران را از مقامات رژیم سابق گرفته بود. این افراد نظیر همه ی تبعیدیان سیاسی درباره ی آشفتگی اوضاع کشور اغراق می کردند. رژیم آیت الله خمینی نشان داده که توانایی فوق العاده ای را برای تحمل هرج و مرج دارد.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه گزارش های ویژه، ۳۰ / ۷ / ۱۳۶۶، ص ۷۷، تهران - خبرگزاری جمهوری اسلامی ۹ / ۷ / ۱۳۶۶).

۲- ۵۳۱. معاونت فرهنگی و تبلیغاتی ستاد فرماندهی کل قوا، حماسه مقاومت، جلد ۱،۱۳۶۸، ص ۳۹۹، جواستورک سردبیر نشریه میدل ایست ریپورت، مریپ ریپورت، شهریور ۱۳۶۶، آواکس ها در خلیج فارس، ترجمه مهران مفیدی.

۳- ۵۳۲. همان.

۴- ۵۳۳. همان.

۵- ۵۳۴. همان.

۶- ۵۳۵. خطبه های سال ۱۳۷۶،۶۳، ص ۱۲۳، اردیبهشت ۱۳۶۳.

همکاری عراق با مصر فراهم شد. وی می گوید: مجموعه ی اطلاعات راجع به ایران را که مصری ها در اختیار عراق قرار می دادند به نظر می رسید از امریکا گرفته بودند. (۱) .

در این مرحله، دامنه ی کمک و همکاری اطلاعاتی امریکا و متحدان این کشور و سایر کشورها از عراق تا اندازه ای محدود بود. در واقع، عراق پس از تجاوز، در خاک ایران مستقر بود ولی در عین حال توان لازم را برای پیشروی مجدد در عمق خاک ایران نداشت ضمن اینکه قوای نظامی ایران نیز تا زمانی که مدیریت و فرماندهی جنگ در اختیار بنی صدر و نیروهای کلاسیک بود برای انهدام نیروهای عراق و عقب راندن آن ها از مواضع اشغالی توانایی لازم را نداشت. در نتیجه، وضعیت حاکم بر صحنه ی سیاسی - نظامی جنگ هیچ گونه نگرانی خاصی را برای حامیان منطقه ای و بین المللی عراق ایجاد نمی کرد و به همین دلیل دامنه ی کمک و همکاری های اطلاعاتی محدود بود.

در مرحله ی دوم، با تحولات جدید در صحنه ی نظامی جنگ و پیروزی های نظامی ایران و شکست ارتش عراق، کمک اطلاعاتی امریکا به عراق آغاز شد. نخستین اقدام امریکا در این زمینه پس از عملیات فتح المبین و با این هدف آغاز شد که عراق از قدرت و توانایی پیش بینی تهاجمات ایران برخوردار شود. (۲) چنانکه از اواخر مارس ۱۹۸۲ م نخستین نشست اطلاعاتی هیئت اعزامی امریکا به عراق که شامل تیمی سه نفره بود، در عراق برگزار شد. اطلاعات ارائه شده، به وسیله تجهیزات فنی و منابع انسانی تهیه شده بود. مهم ترین بخش آن عکس های ماهواره ای از اهداف نظامی و محل استقرار نیروهای ایران بود. وفیق سامرایی درباره ی ویژگی این عکس ها می گوید: «ما به راحتی می توانستیم تصویر سربازانی که در پادگان آموزشی ایران در حال آموزش نظامی بودند مشاهده کنیم. ماهواره ها کلیه ی تحرکات ایرانی ها را در جبهه ها برای ما زیر ذره بین گرفته بودند، از حرکت تانک ها و توپ ها و قایق ها در هورها و در سواحل تا جابه جا شدن قرارگاه ها و ذخیره کردن تجهیزات پل سازی. ماهواره ها نتایج حملات هوایی و موشکی ما را نیز گزارش می دادند.» (۳) .

۱- ۵۳۶. مأخذ ۵۰، ص ۱۸۹.

۲- ۵۳۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش های ویژه»، ۲۶ / ۱۲ / ۱۳۶۲، خبرگزاری فرانسه ۲۵ / ۱۲ / ۱۳۶۲، به نقل از شبکه تلویزیونی سی.بی.اس. امریکا.

۳- ۵۳۸. مأخذ ۵۰، ص ۱۳۹.

در این مرحله، هیچ افسر یا کارمند امریکایی در عراق مستقر نبود، بلکه اطلاعات در جلسات و نشست های تبادل اطلاعاتی یا از طریق کشورهای عربی در اختیار عراق قرار می گرفت و نیازهای عراق برای آگاهی از آرایش نظامی ایران، تسلیحات، نقل و انتقال و بسیج نیروها و اهداف ایران از این طریق تأمین می شد. (۱) .

کمک های اطلاعاتی امریکا به عراق در افزایش اعتماد به نفس در روحیه ی صدام و ارتش عراق و افزایش توانایی این کشور برای مقابله با اقدامات نظامی ایران نتایج آشکاری داشت و نتیجه ی عملیات رمضان تا اندازه ای تحت تأثیر کمک اطلاعاتی امریکا به عراق بود. عراق شکست های مرحله ی قبل را ارزیابی کرد و به تاکتیک های ایران برای اجرای عملیات شبانه و رخنه و پیشروی در خطوط عراق پی برد ولی این موضوع به تنهایی نمی توانست خطوط دفاعی عراق را در برابر تهاجمات ایران حفظ کند. در واقع، حسین پادشاه اردن یکی از مهم ترین واسطه های بین بغداد و واشنگتن بود. وی قبل از جنگ و به ویژه قبل از برقراری رابطه ی امریکا و عراق در نوامبر ۱۹۸۴ م علاوه بر اینکه اطلاعات ارسالی از امریکا را به عراق منتقل می کرد، برای متحد کردن رهبران عرب علیه ایران می کوشید و بنابر گزارش به دست آمده از سفارت امریکا در امان وی به سفیر امریکا در این کشور گفته بود عراقی ها از حمایت سیاسی امریکا و همچنین همکاری مختصر ایالات متحده امریکا در خلال جنگ با ایران بسیار خرسند هستند. (۲) .

رژیم عراق برای اینکه غافلگیر نشود و با ایجاد استحکامات و آرایش مناسب از آمادگی دفاعی برخوردار شود به اطلاعات نیاز داشت تا مانع از سقوط خطوط دفاعی ارتش خود شود؛ (۳) زیرا رژیم صدام به این نتیجه رسیده بود که خط دفاعی ارتش عراق نباید بشکند. برای این کار باید کار مهندسی دو ساله را در مدت ۴۵ روز انجام می داد. این مهم حاصل نمی شد مگر آنکه عراق از اهداف و مقاصد ایران اطلاعات لازم را داشته باشد. بنابراین، اطلاعات برای دشمن اهمیت فوق العاده ای پیدا کرد (۴) و این مهم از طریق کمک

۱- ۵۳۹. مأخذ ۵۰، ص ۱۲.

۲- ۵۴۰. بولتن گزیده رسانه های خارجی، شماره ۴۴۴، ۴ / ۱۰ / ۱۳۸۲، ص ۴، الشرق الاوسط.

۳- ۵۴۱. گفت وگوی اختصاصی نویسنده با محسن رضایی، ۱۷ / ۹ / ۱۳۸۲.

۴- ۵۴۲. همان.

اطلاعاتی امریکا به عراق حل شد. در نتیجه، دشمن در فاصله ی پس از فتح خرمشهر تا عملیات خیبر امکان رخنه را از ایران گرفت و خطوط دفاعی را سریع تشکیل داد و تحکیم کرد. تحول عظیم در اطلاعات دشمن پس از فتح خرمشهر موجب برتری عراق شد و با تشکیل خطوط دفاعی و مقابله با رخنه ی قوای ایران، امکان پیشروی و در نتیجه پیروزی را از ایران گرفت. پیامد سیاسی این تحول نظامی علاوه بر آنکه تردیدهای موجود درباره ی قدرت دفاعی عراق را تا اندازه ای برطرف کرد، نگرانی امریکا را از ادامه ی جنگ در خاک عراق و پیروزی احتمالی ایران کاهش داد.

مرحله ی سوم همکاری اطلاعاتی عراق و امریکا متعاقب تحول سیاسی و نظامی در دو صحنه ی جنگ ایران و عراق با عملیات خیبر و شکست امریکا و اسرائیل در لبنان آغاز شد. سفر رامسفلد، نماینده ی ویژه ی ریگان رئیس جمهور وقت امریکا، به عراق و مذاکراتی که صورت گرفت زمینه ی تجدید روابط امریکا و عراق و گسترش و تعمیق روابط اطلاعاتی دو کشور را ایجاد کرد. (۱) چنانکه برای نخستین بار افسران رابط در سفارت امریکا در بغداد مستقر شدند و فعالیت خود را آغاز کردند. (۲) علاوه بر تصاویر ماهواره ای که همچنان در اختیار عراق بود (۳) گزارش های هفتگی و گاه دو گزارش در هفته و گاهی حتی گزارش های تقریبا روزانه درباره ی تحرکات نیروهای ایران با استفاده از ماهواره و دستگاه های بی سیم (۴) جاسوسی استراتژیک و سایر وسایل فنی و منابع انسانی در اختیار عراق قرار می گرفت. (۵) .

در این مرحله، عراق به شدت به کمک های اطلاعاتی امریکا (۶) نیازمند بود و برای کسب آن می کوشید. چنانکه شاهزاده بندر، سفیر عربستان سعودی در

---

۱ - ۵۴۳. ماهنامه خبری - تحلیلی نهضت، سال دوم، شماره ۱۹، بهمن ۱۳۸۰، مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور، ص ۲۵، دکتر احمد اعتماد، استراتژی امنیت ملی امریکا در قبال عراق، به نقل از دریا سالار و ویلیام استارمن رئیس وقت آژانس امنیت ملی امریکا.

۲- ۵۴۴. مأخذ ۵۰، ص ۱۲.

۳- ۵۴۵. روزنامه همشهری، ۳۱ / ۶ / ۱۳۸۱، ص ۵، صدام چگونه صدام شد؟، ترجمه نیلوفر قدیری، نیوزویک.

۴- ۵۴۶. وفیق سامرایی می گوید ما از نظر اطلاعات به دلیل همسایگی با ایران مشکلی نداشتیم و حتی افرادی را در داخل ایران داشتیم که مجهز به دستگاه های بی سیم بودند و می توانستند با کسب اطلاعات، ساعت به ساعت به ما گزارش کنند. (مصاحبه با الجزیره ی قطر، یاس نو، ۶ / ۱۲ / ۱۳۸۱، ص ۱۴).

۵- ۵۴۷. مأخذ ۴۹، ص ۱۴.

۶- ۵۴۸. سامرایی می گوید: یک بار صدام از من سؤال کرد آیا می توانیم از سازمان سیا بی نیاز شویم؟ به او گفتم اطلاعاتی را از دست می دهیم که در حال حاضر به آن ها احتیاج داریم؛ زیرا آن ها توانایی زیادی در جمع آوری اطلاعات در مدت بسیار کوتاه دارند و ما در وضعیت کنونی چنین قدرتی نداریم. (مصاحبه با الحیات، فرماندهی نصر، ۲۶ / ۱ / ۱۳۷۷، ص ۱۷).

امریکـا، می گویـد: صـدام در جنـگ خود بـا ایران به ویژه در سـال هـای آخر مرتبـا از مـا می خواست که واسـطه بشویم و از امریکایی ها (۱) بخواهیم به اتفـاق دیگر قـدرت هـای غربی، عراق را در عملیـاتش یاری دهنـد. عراق از ما می خواست که از نیروهای نظامی امریکا بخواهیم در زمینه ی اطلاعات جاسوسـی، مشاورت، ارائه طرح یا هر وسـیله ی ممکن دیگر آن ها را در جنگ با ایرانی ها یاری دهند. (۲) .

ابعاد همکاری کمک های اطلاعاتی امریکا به عراق همچنان پنهان است و تنها بعضـی مواقع به پاره ای از موارد آن به صورت محـدود اشاره می شود. عراقی ها برخی از اقـدامات نظامی خود را در جنگ، با هدایت اطلاعاتی و به درخواست امریکا انجام می دادنـد. میـدل ایست اینترنشـنال بعـدها نوشت یـک افسـر عالی رتبه ی امریکا در بغـداد، به طراحان در انتخاب اهـدافی که هواپیماهای عراقی بایـد در ایران بمباران کننـد کمک می کنـد. (۳) همچنیـن عراق پس از گرفتـن اطلاعـات و نقشه ی آن از امریکا (۴) با بمب های لیزری هدایت شونده ی فرانسه، (۵) به نیروگاه نکا حمله کرد. پس از تجاوز عراق به کویت و تشـدید مناقشـات عراق و امریکـا، رادیو عراق اعلاـم کرد: بمباران شـهرهای ایران در عمق خاک این کشور با تحریک مسـتقیم امریکا انجام می گرفت. (۶) .

حمله ی عراق به فـاو در اواخر فروردین سال ۱۳۶۷ بر اسـاس اطلاعات نظامی محرمانه ی امریکا به عراق انجام گرفت و همین مسـئله، تهاجم گسترده ی عراق را به مواضع ایران ممکن ساخت. علاوه بر این، امریکایی ها سیستم های راداری ایران را مختل کردنـد و این موضوع به معنـای حمـایت نظـامی امریکـا از عملیات عراق بود. (۷) بعـدها وفیق سـامرایی با توضـیح خود بخش دیگری از ابعاد این موضوع را روشن می کنـد. وی می گویـد: وابسـته ی نظامی امریکا در بغداد برای گفت وگو نزد من آمد. او می خواست اطلاعاتی را در خصوص خطوط تماس

---

۱ - ۵۴۹. سـفیر عربسـتان در امریکـا، شـاهزاده بنـدر، توضـیحاتی را که درباره ی درخواست های عراق از امریکا به واسـطه ی عربسـتان مطرح می کند بعد از تجاوز عراق به کویت و شـعارهای ضد امریکایی عراق بود. لذا وی با اشاره به این موضوع می گوید: آیا امریکایی ها در آن وقت وطن پرست بودند و اکنون امپریالیست؟.

۲ - ۵۵۰. نماینـدگی دائمی جمهوری اسـلامی در سازمـان ملل متحـد، بازتاب تجاوز عراق به کویت در امریکا، شـماره ۲ و ۳، مرداد ۱۳۶۹، ص ۲ از بخش ۳، شاهزاده بندر در کنفرانس مطبوعاتی، ۱۳ اوت ۱۹۹۰، سفارت سعودی در واشنگتن.

۳- ۵۵۱. دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بولتن «رویداها»، شماره ۱۲۴، ۲۶ / ۹ / ۱۳۶۵، ص ۱۱۰.

۴- ۵۵۲. مرتضی منطقی، نگاهی به ۸ سال جنگ تبلیغاتی، گروه علوم انسانی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، گروه علوم انسانی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، انتشارات جهاد دانشگاهی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص ۲۲۵، ساندی تلگراف.

۵- ۵۵۳. همان، ص ۲۲۵، رادیو امریکا، ۶ / ۱۱ / ۱۳۶۵.

۶- ۵۵۴. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۴ / ۴ / ۱۳۷۷، ص ۱۶.

۷- ۵۵۵. روزنامه یاس نو،۱۳ / ۲ / ۱۳۸۲، ص ۶، یونایتدپرس.

بین نیروهـای مـا و نیروهای ایران در منطقه فاو کسب کنـد. ما فکر می کردیم امریکایی ها قصـد دارنـد ضـربه ی نیرومنـدی به ایران در این منطقه وارد سازند. (۱) .

پس از تجـاوز عراق بـه کـویت و تنش در روابـط امریکـا و عراق، سـفیر عراق در امریکـا در مصـاحبه بـا شـبکه ی تلویزیـونی ای.بی.سـی مـدعی شـد امریکا در طول جنگ، از تحرکات نیروهای ایرانی در جبهه ها، اطلاعات نظامی غلط به عراق می داده است! (۲) .

کمک های مالی به عراق

قدرت دفاعی عراق در برابر تهاجمات ایران تا اندازه ای از توان اقتصادی این کشور متأثر بود، عراق به دلایلی چون محدودیت حاصل از کاهش صـدور نفت و افزایش هزینه های جنگ طولانی و ضـرورت خریـد تجهیزات نظامی به کمک های اقتصادی نیازمند شد.

نگرانی های موجود پس از فتح خرمشهر و شکست عراق تدریجا دامنه ی کمک های اقتصادی به عراق را افزایش داد. ترکیب قـدرت اقتصادی عراق در این دوره حاصل درآمدهای داخلی، کمک های کشورهای خلیج فارس و وام های بلند مدت (۳) و اعتبارات مالی کشورهای جهان (۴) بود.

حجم کمک های مالی به عراق روشن نیست ولی انتشار برخی آمار و ارقام نشان می دهـد این کمک ها بسیار بوده است. در این میـان کمک کشورهای خلیـج فارس بیش از سایر کشورها بوده است. وفیق سامرایی می گویـد بیش از ۴۵ میلیارد دلار را کشورهای خلیـج فارس دادند که بیش از نیمی را عربسـتان سـعودی پرداخت. عراق بدون در اختیار داشـتن چنین پول هنگفتی قدرت ادامه جنگ را نداشت. اگر کمک های مختلف به سوی عراق سـرازیر نمی شد، قطعا رژیم صدام حسـین در سال ۱۹۸۲ م یعنی سال شکست های فراگیر، سرنگون شده بود. (۵) ابوغزاله، وزیر دفاع پیشین مصر، معتقد است حجم

۱- ۵۵۶. مأخذ ۵۱.

۲- ۵۵۷. مأخذ ۷۳، شماره ۳۰۳، مصاحبه سفیر امریکا در عراق، ۲۹ / ۵ / ۱۳۶۹.

۳- ۵۵۸. مأخذ ۵۰، ص ۱۵۸.

۴- ۵۵۹. تنها در سال ۱۹۸۵ م عراق حدود ۶۰٪ کل درآمد نفتی اش را به خرید جنگ افزار و تکنولوژی سلاح اختصاص داد. (سواد گری مرگ، ص ۴۴۳).

۵- ۵۶۰. مأخذ ۵۰، ص ۱۳۸.

کمک ها بیشتر بوده است. وی می گوید تنها عربستان و کویت شصت میلیارد دلار به عراق کمک کردند. (۱) شیخ صباح، سفیر کویت در امریکا، پس از حمله ی عراق به کشورش و اشغال آن، درباره ی حجم کمک ها گفت: کویت چهارده میلیارد دلار کمک نقدی و بیش از شانزده میلیارد دلار از طریق کمک های خدماتی به ماشین جنگی عراق کمک کرد. وی اضافه کرد ما بیش از نیازمان نفت صادر می کردیم تا به صدام در جنگ کمک نماییم. بنابراین توضیح تنها کویت سی میلیارد دلار به عراق کمک کرده است. (۲) .

پس از اینکه عراق کویت را اشغال کرد بحث های جدیدی درباره ی میزان کمک های کشورهای خلیج فارس و ابعاد آن به میان آمد که مهم بود. (۳) فهد، شاه عربستان، در پاسخ به عراق که گفته بود ما در جنگ با ایران افراد خود را فدا کردیم گفت: ما نیز با پول، سلاح های پیشرفته و همکاری بین المللی، در این فداکاری سهیم بودیم. (۴) وی اضافه می کند: واقعیت امر این است که اگر ما نبودیم عراق نمی توانست از نیروهای امریکایی یا امپریالیستی در جنگ علیه ایران بهره مند شود. صدام همیشه معتقد بود که بزرگ ترین خدمت ما به او جلب کمک و همکاری های امریکا در طول جنگ بود. (۵) .

اعطای اعتبارات مالی امریکا به رژیم عراق به صورت رسمی پس از فتح خرمشهر آغاز شد و در آذر ۱۳۶۱ برای نخستین بار به مبلغ سیصد میلیون دلار برای خرید برنج و گندم در اختیار رژیم عراق قرار گرفت (۶) و تدریجا افزایش یافت به گونه ای که در مجموع بیش از پنج میلیارد دلار در اختیار عراق قرار گرفت. (۷) .

کمک های نظامی و غیرنظامی فرانسه به عراق اول جنگ به گفته ی کلودسشون، وزیر خارجه وقت فرانسه، بنا به درخواست برخی از اعضاء دائمی شورای امنیت در تصمیمی اعلام نشده در زمینه ی حمایت از عراق در برابر جمهوری اسلامی ایران بود. (۸) روزنامه ی اکسپرس و روزنامه ی لوموند جمع آن را

۱- ۵۶۱. روزنامه کیهان، ۷ / ۱۲ / ۱۳۶۹، ص ۱۶، گفت و گوی ابوغزاله با رادیو کویت.

۲- ۵۶۲. روزنامه کیهان، ۲۲ / ۶ / ۱۳۶۹، ص ۱۶.

۳- ۵۶۳. وزیر خارجه ی مغرب می گوید: عراق فقط ۸۳ میلیارد دلار از کشورهای عربی کمک گرفت است.

۴- ۵۶۴. محسن صفری، ما اعتراف می کنیم، حوزه هنری، ۱۳۷۰، ص ۶۲، خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۲۳ /۵ / ۱۳۶۹.

۵- ۵۶۵. مأخذ ۷۲.

۶- ۵۶۶. مأخذ ۴۲، ص ۲۵۸.

۷- ۵۶۷. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بولتن «رسانه های دنیا»، رویدادهای ایران و جهان، شماره ۱۸۷۴، ۱۴/ ۸ / ۱۳۸۰، ص ۱۳ و ۱۴، جان تیرمن مدیر برنامه شورای پژوهش علوم اجتماعی و نویسنده کتاب مضرات جنگ، مقاله عواقب ناخواسته، ترجمه فخریه سندسی.

۸- ۵۶۸. مأخذ ۸۴، ص ۶۴، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۱ / ۶ / ۱۳۶۹.

پنجاه میلیارد فرانک ذکر می کننـد ولی روزنامه ی دوپاری هشـتاد میلیارد فرانک ارزیابی می کند. (۱) این موضوع را یکی از دلایـل حمایت فرانسه از عراق ذکر می کننـد. (۲) فرانسه بـا توجه به مشـکلات عراق برای بازپرداخت بـدهی خود در چنـدین مرحله با تعویق بازپرداخت های عراق موافقت کرد و در عین حال، اعتبارات جدیـد برای خرید تسـلیحات در اختیار این کشور قرار داد. (۳) .

در مجمـوع، کمـک هـای اقتصـادی برای رژیـم عراق در دو زمینه ی آثـار و پیامـدهای مثبت داشت. در درجه ی نخست برای خریـد تجهیزات توانایی عراق افزایش یافت. علاوه بر این، وضـعیت منحصـر به فردی برای نیروهای مسلح و مردم عراق فراهم شـد. دستیـابی شـهروندان به بهترین مواد غـذایی، پوشـاک و دیگر ملزومـات بـا قیمتی نـاچیز در جنگ، امری عادی بود. چنین اقداماتی، از نظر روانی ادامه ی جنگ را با تمام مصیبت ها و رنجش هایش پذیرفتنی می کرد.

کمک های تسلیحاتی به عراق

دولت امریکا برای جلوگیری از شکست عراق و کمک تسلیحاتی به این کشور دو گزینه پیش رو داشت؛ یا تحریم های اعمال شـده بر ضـد عراق را لغو کند که کنگره به دلیل پیشـینه ی عراق در زمینه ی حقوق بشـر و تروریسم با این اقدام موافق نبود، یا اینکه تسـلیحات از طریق کشوری ثـالث به عراق ارسـال شود. (۴) ایلگتون، مسـئول منافع امریکا در بغـداد، ضـمن اینکه دولت ریگان را به تغییر سیاست در برابر عراق تشویق کرد در اکتبر سال ۱۹۸۳ م سناریویی را طراحی نمود که تجهیزات امریکایی نیز از طریق کشورهـای ثالث از جمله مصـر به عراق ارسال شود. (۵) در این زمان امریکا متقاعـد شده بود که دشـمنی اش با ایران عمیق تر از دشـمنی اش بـا عراق است و به عبـارت دیگر، خطر ایران برای منـافعش از خطری که عراق آن را تهدیـد می کند بزرگ تر است. (۶) .

رئیس سـیا، ویلیام کیسـی، شـخصا برنامه ای رهبری می کرد تا سلاح های نظامی و مهمات و وسایل نقلیه کافی دراختیار عراق قرار بگیرد که بتواند در جنگ با ایران بازنده نباشد. طبق دستور محرمانه ی MSDD ایالات متحده امریکا

ص: ۱۳۱

---

۱ - ۵۶۹. مجله سیاسـی و اقتصـادی (اطلاعـات)، شـماره ۱۱۱ و ۱۱۲ و ص ۴۳، دکـتر مجیـد بزرگمهری عضـو هیئـت علمی کمیسیون ملی یونسکو در ایران، روابط ایران و فرانسه در دهه اول انقلاب اسلامی ایران.

۲- ۵۷۰. فصلنامه سیاست خارجی، بهار ۱۳۷۸، ص ۴۹، غلامرضا علی بابایی، مقاله نگاهی به مناسبات سیاسی ایران و فرانسه.

۳- ۵۷۱. همان، ص ۵۲.

۴- ۵۷۲. مأخذ ۴۷، ص ۷۱ و ۷۲.

۵- ۵۷۳. مأخذ ۴۷، ص ۷۱ و ۷۲.

۶- ۵۷۴. مأخذ ۴۷، ص ۷۱ و ۷۲.

از یک طرف می بایست حرکت جنگی رژیم عراق را با قرار دادن میلیون ها دلار اعتبار در اختیار آن حمایت کند و از طرف دیگر، با تهیه کردن اطلاعات ضروری نظامی و مطلع کردن عراقی ها از آن و بالاخره با هدایت کردن کشورهای ثالث برای فروش اسلحه به عراق آن کشور را تقویت کند تا حدی که اطمینان حاصل شود که عراق سلاح های نظامی به قدر کفایت در اختیار دارد. (۱) .

بنابراین، امریکایی ها به صورت محدود برخی سلاح های ساخت امریکا را به عراق ارسال کردند و مقداری را هم از طریق کشورهای ثالث مانند مصر در اختیار عراق قرار دادند. علاوه بر این، کشورهای ثالث را برای ارسال تسلیحات به عراق تشویق کردند.

ارسال سلاح های امریکایی در این دوره (۲) بنابر اطلاعاتی که تاکنون منتشر شده است از جمله بر اساس نوشته روزنامه ی واشنگتن پست شامل موارد زیر بوده است: دولت امریکا در پنج سال گذشته معادل ۵ / ۱ میلیارد دلار تجهیزات الکترونیک، انواع ماشین آلات، دستگاه های حساس و کامپیوترهای فوق العاده قوی که در امر تولید سلاح های شیمیایی، موشکی و هسته ای نقش حساس دارند به دولت عراق فروخته است. (۳) .

همچنین سازمان سیا در زمان ریاست ویلیام کیسی، شرکت «کاردوئن» را در ساختن و فروش بمب های خوشه ای و مهمات دیگر به عراق مجاز دانسته است و آن را تأیید و مساعدت می کرد. (۴) امریکایی ها هلی کوپتر نوع «بل» در اختیار عراق قرار دادند که برای مقاصد نظامی استفاده می شد. (۵) .

در دهه ی ۱۹۸۰م، نگرانی امریکا از پیروزی ایران و به مخاطره افتادن ثبات رژیم های متحد امریکا در حاشیه خلیج فارس، (۶) سبب شد تا امریکا آگاهانه اجازه دهد کمیته ی انرژی اتمی عراق موادی را وارد کند که برای ساخت سلاح های میکروبی استفاده می شود. (۷) .

۱- ۵۷۵. مأخذ ۳۴.

۲- ۵۷۶. بعدها پس از تنش در مناسبات عراق و امریکا رادیو عراق گفت: «امریکا برای ضربه زدن به این نظام (جمهوری اسلامی ایران) از هیچ کمکی به عراق دریغ نورزیده و برای این منظور انواع جنگ افزارهای پیشرفته را نیز در اختیار عراق قرار داده است.» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۴ / ۷ / ۱۳۷۷، ص ۱۲).

۳- ۵۷۷. مأخذ ۸۴، ص ۷۸، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۲ / ۱۰ / ۱۳۶۹.

۴- ۵۷۸. مأخذ ۳۴، ص ۵.

۵- ۵۷۹. روزنامه اطلاعات، ۸ / ۵ / ۱۳۷۶، ص ۱۲، وفیق السامرایی.

۶- ۵۸۰. مأخذ ۴۲، ص ۴۴۳.

۷- ۵۸۱. روزنامه همشهری، ۳۱/ ۶ / ۱۳۸۱، ص ۵، نیوزویک.

امریکـا مشـتاق بود که سایر کشورها به عراق کمک کننـد (۱) و یکی از دلا‌یلی که نمی خواست سـلاح سـاخت امریکا را به عراق تحویل بدهد این بود که تولید و تهیه ی اسلحه های ساخت غیر امریکایی برای رفع احتیاجات عراق کافی بود. (۲) بعدها پس از تنش در روابـط امریکـا و عراق و انتشـار اخبـاری مبنی بر نقش امریکـا در تقـویت عراق، ریچـارد مورفی، معـاون وزیر خـارجه امریکا، اعلام کرد میزان همکاری دو کشور محـدود بوده است، اما اکنون تفسـیرهایی را می خوانیم که می گوینـد ما بودیم که صـدام حسـین را خلق کردیم. امریکا بود که به حزب بعث عراق قدرت داد. من فکر می کنم که این حرف ها چرند است! درباره ی میزان همکاری امریکا و عراق بسـیار غلو شـده است. صـدام حسـین موقعیت رهبری خود را در طول سال های سـال غرس کرده و کسـانی که به او اسـلحه و تجهیزات نظامی می دادنـد و این قـدرت را برای عراق به وجود آوردنـد عمـدتا اروپایی ها و به ویژه فرانسوی ها و شوروی ها بودند. (۳) .

فرانسه در میـان کشورهـای اروپـایی و حتی در مقـایسه بـا شوروی (سابق) کمک های بسـیار زیاد و تعیین کننـده ای در اختیار عراق قرار داد. گرچه تصـمیم گیری دربـاره ی دادن امتیاز نظامی تعیین کننـده به رژیم بغـداد تصـمیمی همگانی بود. (۴) بنابر گزارشـی در فاصـله ی سال های ۱۹۷۷ م تـا ۱۹۸۰ م فرانسه معـادل چهـار میلیارد دلار اسـلحه به عراق داد (۵) و در سـال های ۱۹۸۶ م تا ۱۹۸۸ م فرانسه ۶ / ۵ (۶) میلیـارد دلار از جمله هواپیماهای جنگی، هلی کوپتر، تانک، توپ، موشک هوا به زمین و تجهیزات الکـترونیکی به عراق فروخت. (۷) در حـالی که، پیش از این در فاصـله سال های ۱۹۸۲ م و ۱۹۸۳ م مبلغ ۴۱ میلیارد فرانک سـلاح به عراق ارسال کرد. مشکلات مالی عراق برای بازپرداخت هزینه ی دریافت سلاح سبب شد تا عربستان سعودی موافقت خود را برای فروش نفت از جـانب عراق به فرانسه اعلام کنـد. (۸) سـلاح های دریافتی غیر از هواپیماهای میراژ، شامل موشک های اگزوست، هات، میلان، هلی کوپترهای

۱- ۵۸۲. مأخذ ۹۶، ص ۳.

۲- ۵۸۳. مأخذ ۹۶، ص ۳.

۳- ۵۸۴. رادیو امریکا، ۲ / ۷ / ۱۳۶۹.

۴- ۵۸۵. مأخذ ۷، ص ۲۲۳، محی الدین مصباحی.

۵- ۵۸۶. مأخذ ۱۷۸،۴۲.

۶- ۵۸۷. فرانسه در همین فاصله ی زمانی ۳ / ۹ میلیارد دلار سلاح به عراق تحویل داد. (محی الدین مصباحی، ص ۲۲۳).

۷- ۵۸۸. مأخذ ۷، ص ۲۲۳، محی الدین مصباحی.

۸- ۵۸۹. مأخذ ۸۹، ص ۴۲.

سوپر فرسون الوت، گازل و تانک های ام – ایکس و توپ های ۱۵۵ میلی متری خودکار بود. (۱) تدریجا حجم تسلیحات ارسالی از فرانسه به عراق آنقدر زیاد بود که در اواسط سال ۱۹۸۶ م حتی هواپیماهای غیرنظامی خطوط هوایی بغداد – پاریس نیز به حمل جنگ افزار پرداختند. در سال ۱۹۸۶ م سازمان های اطلاعاتی فرانسه برآورد کردند اگر فرانسه فقط سه هفته سلاح به عراق ارسال نکند، آن کشور شکست خواهد خورد. (۲) صدام در ژوئیه ی ۱۹۸۰ م و به مناسبت سالگرد روی کار آمدن حزب بعث به روزنامه نگاران فرانسوی گفت: «حالا هنگامی که شوروی از تحویل سلاح به ما خودداری می کند ما درمانده نمی شویم به جای دیگر و خاصه به فرانسه رجوع می کنیم.» (۳) .

فرانسوی ها علاوه بر نقشی که در تجهیز تأسیسات اتمی عراق داشتند در زمان ریاست جمهوری والری ژیسکاردستن، نماینده ی خود را به عراق فرستادند؛ او با عدنان خیرالله، وزیر دفاع وقت عراق، ملاقات کرد و به وی اطلاع داد که فرانسه به صورت جدی زمینه های اعطای بمب اتمی (۴) را به عراق بررسی می نماید. می توان برای مجبور کردن ایران به توقف جنگ این بمب را به هدف مشخصی (۵) پرتاب کرد. (۶) بنابر گزارش امیر طاهری که به عنوان نویسنده و گزارشگر سرویس های اطلاعاتی کشورهای غربی مشهور است حتی در سال ۱۹۸۳ م (۱۳۶۲) یک اسکادران از بمب افکن های سنگین فرانسه، با آرم ارتش عراق به بمباران نیروگاه هسته ای بوشهر اقدام نمودند. (۷) .

در مقایسه با فرانسه کمک های تسلیحاتی سایر کشورهای اروپایی کمتر بود. شرکت های انگلیسی گرچه رسما از فروش اسلحه، مهمات یا هر چیز دیگری به عراق، که موجب طولانی شدن جنگ شود، ممنوع شده بودند ولی تنها ارقام تجارت رسمی بریتانیا را که سازمان همکاری و توسه اقتصادی (OECD) ارائه داده است

۱- ۵۹۰. مأخذ ۸۹.

۲- ۵۹۱. مأخذ ۴۲، ص ۴۵۳.

۳- ۵۹۲. مأخذ ۴۲، ص ۱۷۸.

۴- ۵۹۳. بنابر برخی گزارش ها، شوروی تعهد می کند در جهت احیای عهدنامه دولتی میان مسکو و بغداد یک راکتور اتمی جدید برای عراق بسازد. (نگاهی به ۸ سال جنگ تبلیغاتی، ص ۳۷۵، به نقل از خ. ج. از کویت ۲ / ۲ / ۱۳۶۳).

۵- ۵۹۴. وفیق سامرایی می گوید: من نسخه ای از گزارشی که در این خصوص نوشته و با امضاء وزیر دفاع برای صدام ارسال شده بود در گاوصندوق خودم در شعبه اطلاعات ایران نگهداری می کردم. (ویرانی دروازه شرقی، ص ۱۴۳).

۶- ۵۹۵. مأخذ ۵۰، ص ۱۴۳.

۷- ۵۹۶. ماهنامه چشم انداز ایران، آذر و دی ۱۳۸۲، شماره ۲۳، ص ۱۰۵، نشنال ریویو، ۱۰ نوامبر۲۰۰۳ (۱۹ / ۸ / ۱۳۸۲).

نشان می دهد که این کشور تنها طی چهار سال بعد از قرار داد با عراق، بیش از ۵ / ۱ میلیارد دلار کالای تکنولوژی پیشرفته به عراق صادر کرده است (۱) و سلاح های ارسالی از سال ۱۹۸۰ م تا ۱۹۸۷ م بالغ بر ۳۵۰ میلیون دلار بوده است. (۲) آلمان هم مانند فرانسه متحد استراتژیک عراق بود، اما برخلاف فرانسه، اتحاد استراتژیک آلمان و عراق چندان علنی نبود. یکی از دلایل این پنهان کاری واکنش خشمگینانه ایران بود. (۳) بنابر گزارش مجله ی اشپیگل امروزه ثابت شده است که بدون تکنولوژی آلمان، عراق به تولید موشک های دوربرد اسکاد – بی قادر نبوده است. تکنولوژی پیشرفته ی آلمان این امکان را به بغداد داد که برد موشک های اسکاد را به ششصد کیلومتر افزایش دهد. (۴) کمک های آلمان به عراق در ساخت و تولید سلاح های شیمیایی غیرقابل انکار است. علاوه بر این، آلمان ها اطلاعات حاصل از مداوای مجروحان شیمیایی ایران را در آلمان برای افزایش و بهبود اثر سلاح های شیمیایی عراق، در اختیار این کشور قرار می دادند. (۵) .

برزیل یکی از متحدان امریکا و تولید کننده سلاح در جهان است. به گفته ی سفیر برزیل در یکی از کشورهای غربی، در دهه ی ۸۰ و ۹۰ میلادی هرچه به عراق دادیم یا امریکایی ها از ما خواستند یا کلا مطلع (۶) بودند (۷) ایتالیایی ها نیز به عراق اسلحه صادر کردند که امریکا آن را نادیده می گرفت. (۸) به گفته ی سعودالفیصل، وزیر خارجه عربستان، این کشور در تجهیز و افزایش قدرت ارتش عراق بسیار سهیم بوده است. (۹) .

چنین در حالی که روابط گسترده ای با ایران داشت (۱۰) سلاح به عراق صادر می کرد چنانکه از ۱۹۸۰ م تا ۱۹۸۷ م جمعا ۹ / ۳ میلیارد دلار سلاح به عراق ارسال کرد. (۱۱) .

۱– ۵۹۷. مأخذ ۴۲، ص ۴۷۷.

۲– ۵۹۸. مأخذ ۳۲، ص ۹۸.

۳– ۵۹۹. مأخذ ۴۲، ص ۳۱۸.

۴– ۶۰۰. روزنامه کیهان، ۲۳ / ۱ / ۱۳۶۷، ص ۱۶.

۵– ۶۰۱. گفت و گوی اختصاصی نویسنده با سردار فتح الله جعفری، سال ۱۳۷۸.

۶– ۶۰۲. تنش در روابط عراق و امریکا در برابر صادر کنندگان سلاح به عراق موجب واکنش شد، لذا این توضیحات بر این اساس صورت گرفته است که امریکایی ها مطلع بودند ولی حالا سر و صدا می کنند.

۷– ۶۰۳. منبع محفوظ است.

۸– ۶۰۴. مأخذ ۷۴، ص ۱۸۳.

۹– ۶۰۵. مأخذ ۷۴، ص ۷۳.

۱۰– ۶۰۶. از ۱۹۸۰ م تا ۱۹۸۷ م چین مبلغ۸ / ۱ میلیارد دلار به ایران سلاح صادر کرد. (کامرون ر.هیوم، ص ۱۰۱) در صورتی که به عراق نزدیک سه برابر آن سلاح ارسال کرد.

۱۱– ۶۰۷. مأخذ ۳۲، ص ۱۰۱.

گرچه شوروی (سابق) در چارچوب توافق و اجماع کلی برای تقویت عراق به آن کشور تسلیحات ارسال می کرد، ولی ملاحظات دیگری نیز در نظر داشت. روابط سنتی با عراق و همچنین مواضع ضد امریکایی انقلاب ایران مواردی است که در طول جنگ در مناسبات شوروی با ایران و عراق نقش مؤثری داشت.

شوروی ها در ابتدا و آنچه به صورت آشکار اعلام کردند مخالف حمله ی عراق به ایران بودند و به همین دلیل، فروش سلاح را به عراق تحریم کردند؛ البته عراقی ها تحریم تسلیحاتی شوروی را بی هیچ خسارتی پشت سر گذاشتند؛ زیرا دلالان عراقی از کشورهای بلوک شرق مثل لهستان و آلمان شرقی سلاح های مورد نیاز را تهیه می کردند. (۱) علاوه بر این، رابطه ی عراق با فرانسه و تسلیحات فرانسوی نیازهای عراق را برطرف می کرد.

سیاست روس ها پس از فتح خرمشهر به نفع عراق تغییر کرد. چرخش جدید در سیاست های مسکو نتیجه ی ارزیابی مجدد آن ها از تأثیرات پیروزی ایران در جنگ و فرصت ها و خطراتی بود که چنین تحولی می توانست در برداشته باشد. (۲) بنابراین، در سال ۱۹۸۲ م شوروی موضع محتاطانه اش را مبنی بر بی طرفی در جنگ رها کرد و محموله های فوق العاده عظیم تسلیحاتی به عراق تحویل داد. فقط در نیمه ی اول سال ۱۹۸۴ م بازپرداخت ۵ / ۲ میلیارد دلار را تمدید کرد و اعتبار تازه ای به ارزش تقریبی یک میلیارد دلار به عراق واگذار نمود. (۳) .

در نوامبر ۱۹۸۲ م ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ مشاور نظامی به عراق بازگشتند و در پایگاه ها و فرودگاه ها مستقر شدند. ۴۰۰ تانک تی ۵۵،۲۵۰ تانک تی ۷۲ به عراق داده شد و مقادیر عظیمی مشک گراد، فراگ ۷، سام ۹ و اسکاد - بی در راه بود. جنگنده های میگ ۲۵ شناسایی و هلی کوپترهای توپدار اف ای ۲۴ نیز به عراق تحویل داده شد. (۴) .

نکته قابل توجه این بود که پس از سال ۱۹۸۲ م و از سرگیری مناسبات عراق و شوروی، عراقی ها در ازای آزاد کردن اعضای حزب کمونیست از شوروی خواستند تا قراردادهایی را که قبل از آغاز جنگ امضاء شده بود، اجرا

۱- ۶۰۸. مأخذ ۴۲، ص ۱۷۸.

۲- ۶۰۹. مأخذ ۷، ص ۲۲۶، محی الدین مصباحی.

۳- ۶۱۰. معاونت سیاسی ستاد کل، ویژه نامه «بررسی جنگ» (بحران خلیج فارس)، مهر ۱۳۶۶، ص ۵۳، رابرت پس ژوهالس و مایکل جی رمز، مقاله تجدید نبرد در خلیج فارس، فصلنامه جهان سوم، ۱۹۸۶، ترجمه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۱ / ۱۱ / ۱۳۶۴.

۴- ۶۱۱. مأخذ ۴۲، ص ۲۴۹.

کند و شوروی هم ضمن ارسال سلاح، متعهد شد در صورت در هم شکسته شدن خطوط دفاعی عراق و پیشروی ایرانی ها به سوی بغداد یا بصره، بمب خوشه ای در اختیار عراق قرار دهد. (۱) .

روس ها در مرحله ی جدید جمعا حدود شصت درصد از تجهیزات مورد نیاز عراق را تأمین کردند (۲) و پنجاه درصد از ۸۴ میلیارد دلار سلاح هایی را که بین سال های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۷ عراق از کشورهای جهان خریده بود، روس ها در اختیار رژیم عراق قرار دادند. (۳) به گفته رئیس هیئت نمایندگی شوروی در سازمان ملل، مسکو امیدوار بود سیاست فروش تسلیحات جنگی آن کشور به عراق، ایران را وادار سازد که در صدد حل و فصل جنگ از راه گفت وگو (۴) برآید. (۵) .

بر اساس گزارش هایی که روزنامه ی اخبار مسکو، منتشر کرد سلاح های روسی که از سال ۱۹۸۳ م تا ۱۹۸۸ م در اختیار عراق قرار گرفت به این شرح بود:« ۵۰۰ دستگاه تانک تی ۷۲، ۱۰۰۰ دستگاه تانک تی ۶۲، ۳۵۰ فروند موشک زمین به زمین با برد سیصد کیلومتر، ۲۵ فروند هواپیمای شکاری میگ ۲۹، ۲۳ فروند هواپیمای شکاری میگ ۲۵، ۷۰ فروند هواپیمای شکاری میگ ۲۳، ۷۰ فروند هواپیمای شکاری میگ ۲۱، ۳۰ فروند هواپیمای شکاری سوخوی ۲۵، ۵۰ فروند جنگنده ی شکاری سوخوی ۲۰، همچنین روس ها به عراق اجازه دادند تا تانک تی ۷۲ را تولید کند که اقدام بی سابقه ای بود.» (۶) .

تأمین سلاح به این میزان برای عراق، این کشور را قادر ساخت تا تقریبا نیروی زمینی خود را از ۲۶ لشکر در سال ۱۹۸۶ م به ۴۵ لشکر (۷) در سال ۱۹۸۸ م افزایش دهد. (۸) تسلیحات شوروی برای عراق سرنوشت ساز بود؛ زیرا عراق با تکیه بر این تسلیحات سرانجام توانست استراتژی تدافعی خود را رها سازد و به جنگ تهاجمی متوسل شود و بتواند ابتکار عمل را روی زمین به

۱- ۶۱۲. مأخذ ۷۴، ص ۲۷۲ و ۲۷۳، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی از لندن، ۱۴ / ۸ / ۱۳۶۱.

۲- ۶۱۳. مأخذ ۷، ص ۴۱۸، جیمز بیل، جنگ، انقلاب و روحیه.

۳- ۶۱۴. مأخذ ۸۴، ص ۶۳.

۴- ۶۱۵. مسئله ی شوروی تنها پایان دادن به جنگ نبود، بلکه مواضع ایران درباره ی افغانستان نیز موجب ناخرسندی روس ها بود. چنانکه آقای هاشمی طی سخنانی گفت ما می دانیم هفتاد تا هشتاد درصد تسلیحات عراق از آن روس ها است و از ما عصبانی هستند و به صراحت می گویند: افغانستان در برابر عراق! (بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع، ص ۵۲).

۵- ۶۱۶. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۰ / ۱۰ / ۱۳۶۵، ص ۱۲، رادیو امریکا، ۱۹ / ۱۰ / ۱۳۶۵.

۶- ۶۱۷. بنیاد حفظ و آثار و ارزش های دفاع مقدس، حماسه مقاومت، جلد سوم، ۵ / ۷ / ۱۳۷۵، ص ۵۴، روزنامه جمهوری اسلامی، ۴ / ۷ / ۱۳۷۰، ص ۱۱.

۷- ۶۱۸. عراق در سال ۱۳۶۷ بیش از پنجاه لشکر در اختیار داشت.

۸- ۶۱۹. مأخذ ۷، ص ۲۳۴، محی الدین مصباحی.

دست گیرد. نتیجه ی این تغییر در موازنه ی نظامی، در تصمیم ایران برای قبول قطعنامه ی ۵۹۸ عامل اصلی بود. (۱) مسئولان عراقی نیز بر این باور بودند که سلاح های پیشرفته فرانسوی و روسی به عراق اطمینان داده است که می تواند از موضع دفاعی آرام، به حالتی تهاجمی تغییر جهت دهد. (۲) .

فشار – دیپلماسی در برابر ایران

امریکا در حالی که عراق را تحت حمایت سیاست های راهبردی خود قرار داده بود، با این سیاست دو وجهی را دنبال کرد که به «فشار – دیپلماسی» مشهور شد. در چارچوب این سیاست تهدید – تطمیع، که به معنای در نظر گرفتن مجازات همراه با اعطای امتیازات بود، به موازات فشار، برخی گشایش های دیپلماتیک از مسیرهای مختلف به ویژه آلمان و ژاپن دنبال می شد تا علاوه بر مهار پیامدهای احتمالی فشار و بهره برداری شوروی (سابق)، تدریجا اهداف مورد نظر امریکا به ایران منتقل و پیگیری شود.

فشار به ایران بر پایه ی نگرانی از پیروزی این کشور و جلوگیری از شکست احتمالی عراق دنبال می شد. چارچوب و خطوط کلی این سیاست را در سال ۱۳۶۲ بنیاد هریتیج، (۳) و ایجاد محدودیت در استخراج و فروش نفت ایران دنبال می شد. (۴) امریکا می کوشید با این سیاست ضمن تقویت عراق، میان نیازهای نظامی و اهداف سیاسی ایران شکاف ایجاد کند (۵) تا سرانجام علاوه بر مهار و کنترل پیروزی های ایران، این کشور را برای اتمام جنگ متقاعد نماید.

در واقع، تلاش برای کاهش توان اقتصادی ایران بر پایه ی این تحلیل و هدف دنبال شد که ایران تا زمانی که با صدور نفت و تهیه ی ارز قدرت اقتصادی دارد

۱– ۶۲۰. مأخذ ۷، ص ۲۳۴، محی الدین مصباحی.

۲– ۶۲۱. مأخذ ۷۴، ص ۳۷۰.

۳– ۶۲۲. نگاه کنید به پاورقی کتاب از آغاز تا پایان، ص ۹۰ و ۹۱.

۴– ۶۲۳. محمد درودیان، آغاز تا پایان، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ چهارم، ۱۳۸۰، ص ۹۰ و ۹۱.

۵– ۶۲۴. فصلنامه بررسی های نظامی، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۷۱، ص ۱۲۶، شهرام چوبین، مقاله ایران و جنگ از تنگنا تا آتش بس.

می تواند با تهیه ی سلاح از بازار سیاه و تهیه ی مایحتاج عمومی، جنگ را اداره کند. در نتیجه، کاهش توان اقتصادی ایران با ایجاد محدودیت در فروش نفت و تهیه ی ارز و همچنین جلوگیری از تهیه سلاح با اجرای عملیات استانچ، تدریجا توان ایران را فرسوده خواهد کرد و ایران با ناامیدی از کسب پیروزی، به جنگ خاتمه خواهد داد.

ریگان در ماه می ۱۹۸۴ م (اردیبهشت ۱۳۶۳) خطوط کلی تضعیف توان اقتصادی ایران را توضیح می دهد و بیان می کند: «فکر می کنم همیشه پذیرفته ایم که در زمان جنگ، اگر بتوان از نظر اقتصادی صدمه وارد آورد بازرگانی و تجارت دشمن هدف منصفانه ای خواهد بود.» (۱) همچنین بعدها وزیر خارجه امریکا در چارچوب همین سیاست اعلام کرد: «کاستن توان نظامی ایران می تواند به دستیابی راه حلی از طریق مذاکره کمک کند.» (۲) .

امریکا برای کاهش توان اقتصادی ایران، عراق را در حمله به اهداف اقتصادی ایران تحریک کرد. آقازاده، وزیر نفت وقت ایران، در این زمینه می گوید: «ما در قضیه ی مک فارلین متوجه شدیم به عراق اعلام شده بود که شما اگر بتوانید منابع انرژی ایران را از کار بیندازید موفقیت بسیار بالایی برای پایان جنگ یا موفقیت در جنگ در پیش خواهید داشت.» (۳) البته بعدها با افشای ماجرای مرسوم به مک فارلین امریکایی ها اعتراف کردند که به عراق برای حمله به تأسیسات حیاتی ایران اطلاعات می دادند. (۴) .

مایکل لدین، از افرادی که در ماجرای مک فارلین نقش داشت، بعدها در گفت وگو با الوطن العربی به این موضوع اشاره کرد و گفت: «ایرانی ها در برابر آزادی گروگان ها از ما اطلاعات می خواستند و ما نیز که نمی خواستیم آن ها جنگ را ببرند همان اطلاعات را به عراقی ها هم دادیم.» (۵) .

ماهیت رفتار دوگانه ی امریکا با ایران از عوامل متفاوتی متأثر بود. در این خصوص، ضرورت اتخاذ سیاست گشایش در برابر ایران و منطق حاکم بر آن در تحلیل هنری کیسینجر، وزیر خارجه ی اسبق آمریکا و از طراحان و صاحب نظران سیاست خارجی این کشور، در روزنامه ی واشنگتن پست بیان شده است:

۱- ۶۲۵. آندره گاتری و ناتالینو رونزیتی، جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸) و حقوق جنگ دریایی، ترجمه فصل سوم سعید نائب، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۴، ص ۱۳۲.

۲- ۶۲۶. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۷ / ۵ / ۱۳۶۵، ص ۱۲.

۳- ۶۲۷. جزوه کنفرانس شماره ۲، گزارش سخنرانی آقازاده در ستاد کل نیروهای مسلح، ۲۵ /۶ / ۱۳۶۹.

۴- ۶۲۸. روزنامه رسالت، ۲۹ / ۹ / ۱۳۶۹، سخنرانی آقای هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه تهران، ۲۸ / ۹ / ۱۳۶۵.

۵- ۶۲۹. تلکس خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۰/ ۱ / ۱۳۸۲، شماره ۱۲-۲۱-۲۹۰B۱۰.

«نفع امریکا در جلوگیری از سقوط دول مقتدر عرب است که آن هم مستلزم عقیم گذاشتن ایران است، اما از طرفی ایران ضعیف نیز به نفع شوروی خواهد بود. ایران محور طبیعی برای اهداف روسیه در پیشروی به سوی اقیانوس هند است. غرب باید از شکست عراق جلوگیری کند، اما نه به نحوی که ایران از هم بپاشد. ایران یکپارچه که سیاست ملی معتدل را دنبال کند با منافع غرب هماهنگی خواهد داشت. سیاست منزوی کردن ایران تا موقعی درست است که تهران را متعصب های توسعه طلب رهبری کنند. لذا امریکا باید دروازه ها را به تهران ببندد، مگر یک جو واقعیت گرایی بر تهران حکمفرما شود. به عقیده ی من سیاست عاقلانه ی امریکا باید دو طریق را به موازات هم بپیماید. ایستادگی در برابر توسعه طلبی های ایرانی ها، همگام با برقراری رابطه ی سازنده، آنگاه که واقعیت ها خودشان را نشان بدهند.» (۱) .

کیسینجر پیروزی ایران بر عراق را در ادامه ی پیروزی انقلاب اسلامی و به منزله ی تقویت پرستیژ عقاید اسلامی رادیکال ضد غرب ارزیابی می کند که از جنوب شرقی آسیا تا سواحل اقیانوس اطلس گسترش خواهد یافت. (۲) در عین حال، ایران از شمال با شوروی (سابق) همسایه بود و مرز مشترک داشت و با اشغال افغانستان خطر شوری افزایش یافته بود. در نتیجه، در صورت تشدید و گسترش فشارها هرگونه بی ثباتی و فروپاشی ایران به منزله بهره برداری روس ها ارزیابی می شد. (۳) در برخی تحلیل ها حتی به این نکته اشاره می شد که در صورت شکست ایران در برابر عراق، ایران در معرض خطر حمله ی شوروی قرار خواهد گرفت. (۴) .

کیسینجر با مقایسه ی ایران با چین در سال های ۱۹۵۰ م - ۱۹۶۰ م توصیه کرد سیاست های تحریک آمیز نباید موجب از دست رفتن فرصت ها شود. (۵) ارزیابی سازمان سیا در سال ۱۹۸۵ م مبنی بر اینکه «هر ابرقدرتی که زودتر به ایران برسد در موقعیت نیرومندی برای حذف دیگری قرار خواهد گرفت»، (۶) ملاحظات حاکم بر رفتار امریکا را در برابر ایران افزایش داد.

۱- ۶۳۰. مأخذ ۱۳۴، ص ۱۲۴ و ۱۲۵.

۲- ۶۳۱. روزنامه کیهان، ۱۷ / ۱۱ / ۱۳۶۳، ص ۱۶.

۳- ۶۳۲. همان.

۴- ۶۳۳. مأخذ ۱۳۵، ص ۱۰۹، جوزف آلفرد، اسرائیل و جنگ ایران و عراق.

۵- ۶۳۴. مأخذ ۱۴۲.

۶- ۶۳۵. روزنامه ایران، ۱ / ۷ / ۱۳۸۲، امریکا و جنگ ایران و عراق، Zmay، ترجمه گلاره اسدی.

به نوشته ی رالف کینگ حتی در سال ۱۹۸۴ م در حالی که امریکا پیروزی ایران را با منافع غرب مغایر می دانست و برخی طرح های عملیات ضربتی برای کمک به عراق پیش بینی شده بود، پنتاگون ریگان را از عواقب این امر با توجه به انفجار مقر امریکا در بیروت برحذر داشت. (۱) متقابلا- این تصور برای امریکایی ها به وجود آمد که از طریق مصالحه با تهران بر رفتار شیعیان در لبنان می تواند تأثیر گذاشت. (۲) .

به دلیل ظهور دیدگاه های جدید درباره ی سیاست های اقتصادی، خارجی و جنگ در ایران، خبرگزاری ها از وجود گروهی اقلیت در اطراف امام خمینی گزارش دادند که طرفدار انجام مذاکرات برای رسیدن به صلح هستند. (۳) مجموعه ی این عوامل امریکا را در تعامل با ایران به رویکرد جدیدی کشاند. انتشار پاره ای از اخبار و گزارش ها به این معنا بود که «رهبری ایران بی ثبات و کم دوام است و احتمال اینکه رهبران میانه رو به قدرت باز گردند افزایش یافته است.» (۴) همچنین لیبراسیون روابط ایران و فرانسه را تحلیل می کند و می نویسد:«کاخ الیزه و وزارت خارجه فرانسه به این مسئله اتفاق نظر دارند که مبارزه بر سر قدرت آنقدر شدید است که یک جناح خاص نمی تواند سیاست نزدیکی با فرانسه یا مجموعا غرب را در پیش گیرد.» (۵) .

کمیته ی روابط خاص سنای امریکا نیز در گزارشی نوشت: «بعضی از رهبران اصلی ایران به این نتیجه رسیده اند که هزینه ی ادامه اقدامات نظامی بیش از حد زیاد است. تردید ایران در شروع حمله به بصره تا اندازه ای نشان دهنده ی این نگرانی است.» (۶) همچنین وزیر خارجه ی ژاپن در ملاقات با طارق عزیز، وزیر خارجه وقت عراق، به وی می گوید:«در ایران دو گروه سرسخت و میانه رو و با دو عقیده مختلف وجود دارد. دسته دوم که امیدوار است جنگ از راه های صلح آمیز پایان یابد برای برقراری صلح به ژاپن و کشورهای غربی نزدیک شده است و ژاپن فکر می کند تشویق گروه میانه رو در ایران می تواند به پایان یافتن جنگ منتهی شود.» (۷) .

مجموع این ملاحظات به گفته ی گری سیک سبب شد «دولت ریگان دریچه ایی استراتژیک به طرف ایران باز کند.» (۸) این اقدام امریکا بعدها به

۱- ۶۳۶. مأخذ ۲۵.

۲- ۶۳۷. مأخذ ۱۳۵، ص ۱۹۰، جوزف آلفرد، اسرائیل و جنگ ایران و عراق.

۳- ۶۳۸. مأخذ ۷۴، ص ۳۹۰.

۴- ۶۳۹. مأخذ ۱۳۵، ص ۱۹۰، جوزف آلفرد، اسرائیل و جنگ ایران و عراق.

۵- ۶۴۰. مأخذ ۷۴، ص ۳۸۹، ۵ / ۹ / ۱۳۶۳.

۶- ۶۴۱. مأخذ ۳۳، ص ۴۸.

۷- ۶۴۲. روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، عملیات خیبر و پیامدهای جهانی آن، آبان ۱۳۶۳، ص ۲۲.

۸- ۶۴۳. روزنامه نشاط، ۶ / ۴ / ۱۳۷۸، گری سیک، اجلاس ایران در قرن ۲۱، قبرس - نیکوزیا، ۲۸ تا ۳۰ خرداد.

ماجرای مک فارلین مشهور شد. در واقع تلاش امریکا برای مذاکرات پنهانی با ایران یکی از برجسته ترین رخدادهای سیاسی دوران جنگ و اقدام سیاسی امریکا در برابر ایران بود که هنوز اهداف، ماهیت و محتوای مذاکرات تا اندازه ای مبهم و پرسش برانگیز است ولی هدف آن پایان دادن به جنگ بود.

پس از آنکه موضوع مذاکرات پنهانی ایران و امریکا در آبان ۱۳۶۵ آشکار شد، لاری اسپیکس، سخنگوی کاخ سفید، درباره ی این موضوع به تلاش برای توسعه ی روابط با ایران و معامله با این کشور اشاره کرد و گفت: «هدف نهایی ما این است که روابط با کشوری داشته باشیم که در خاورمیانه از اهمیت استراتژیک زیادی برخوردار است.» (۱) ریگان، رئیس جمهور وقت امریکا، درباره ی علت این اقدام به دلیل اهمیت و پیامدهای تلاش امریکا برای برقراری رابطه با ایران در نطقی تلویزیونی توضیحاتی داد که محور گزارش خبری رسانه های دنیا قرار گرفت. وی گفت:

«اکنون هجده ماه است (۲) که طی یک ابتکار سیاسی محرمانه ارتباط با ایران را در جریان کار خود قرار داده ایم. برای استفاده از این ابتکار ساده ترین و بهترین دلایل را در اختیار داریم: ۱- تجدید روابط با ایران؛ ۲- اقدامی شرافتمندانه برای خاتمه دادن به جنگ شش ساله ایران و عراق؛ ۳- محو کردن تروریسم دولتی و خرابکاری؛ ۴- تأثیر در بازگشت تمامی گروگان ها.» (۳) .

ریگان درباره ی ضرورت گشودن کانال های ارتباط مستقیم و محرمانه با ایران که به نوشته ی نشریه ی فارین ریپورت، چاپ لندن، بر اساس گزارش سری کیسینجر به ریگان انجام شد، توضیحاتی می دهد و می گوید: (۴) .

«بدون همکاری ایران به خاتمه بخشیدن به جنگ خلیج فارس قادر نیستیم. بدون رضایت ایران امکان برقراری صلح بادوام در خاورمیانه وجود ندارد. در جریان مذاکرات محرمانه ای که داشتیم من اجازه انتقال مقدار کوچکی از

۱- ۶۴۴. روزنامه کیهان، ۲۷ / ۸ / ۱۳۶۵، ص ۱۶.

۲ - ۶۴۵. نطق تلویزیونی ریگان در تاریخ شانزده آبان ۱۳۶۵، سه روز پس از اینکه آقای هاشمی در مراسم سیزده آبان در سفارت سابق امریکا این روابط را افشا کرد، انجام شد. اشاره به هجده ماه نشان می دهد مذاکرات و تماس ها از تیرماه ۱۳۶۴ آغاز شده است.

۳- ۶۴۶. مأخذ ۱۳۴، ص ۱۶۲.

۴- ۶۴۷. مأخذ ۱۳۴، ص ۱۶۲.

تسلیحاتی دفاعی و قطعات یدکی را برای سیستم دفاعی ایران دادم. هدف من متقاعد کردن تهران به این بود که به ایران علامت دهیم که ایالات متحده آماده است تا خصومت بین ما جای خود را به روابط تسلیحاتی بدهد. تمامی این تسلیحات در مجموع نمی تواند تأثیری بر نتیجه ی جنگ شش ساله بین عراق و ایران داشته باشد و همچنین نمی تواند به هیچ وجه به تعادل نظامی بین دو طرف تأثیری داشته باشد. از زمانی که دولت امریکا با ایران در تماس قرار گرفته، هیچ گونه شواهدی دال بر اینکه دولت ایران در اقدامات تروریستی علیه امریکا همدستی کرده باشد، وجود ندارد.

اهداف دراز مدت امریکا در خاورمیانه این بوده است که به استقلال ایران در قبال سلطه شوروی یاری نماید و خاتمه شرافتمندانه ای برای جنگ خونین ایران و عراق تحقق بخشد و صدور خرابکاری و تروریسم را به منطقه متوقف سازد.

مانعی عمده بر سر راه این اهداف، نبود یک مذاکره و قطع ارتباط بین ما بود. این به دلیل اهمیت استراتژیک ایران و نفوذ این کشور در جهان اسلام است که ما درصدد کاوش برای یک رابطه بهتر بین کشورهای خود برآمدیم.» (۱) .

آشکار شدن ماهیت روابط پنهانی ایران و امریکا پیامدهای گسترده ای داشت که مهم ترین وجه آن ادامه ی جنگ و تشدید و گسترش آن بود. ضمن اینکه دوگانگی (۲) در رفتار امریکا در برابر ایران و عراق اعتبار سیاست های امریکا را در نزد متحدان جهانی و منطقه ای این کشور و در ایران و عراق به شدت مخدوش کرد (۳) .

۱- ۶۴۸. روزنامه ابرار، ۲۴ / ۸ / ۱۳۶۵، واشنگتن، نطق تلویزیونی ریگان رئیس جمهور وقت امریکا.

۲- ۶۴۹. هیوم در کتاب خود می نویسد: شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه همزمان با ملاقات سرهنگ نورث با مأمور ایرانی در فرانکفورت، ویلیام کیسی، رئیس سیا، با طارق عزیز ملاقات کرد و از وی درباره ی رضایت عراق از اطلاعاتی که امریکا در اختیار آن ها قرار می داد سؤال کرد. همچنین وی از عراق خواست که به اهداف اقتصادی در عمق خاک ایران حمله کند. (سازمان ملل متحد، ایران و عراق، ص ۱۲۵) همچنین امریکا با عربستان سعودی برای کاهش قیمت نفت همکاری می کرد. (دکتر رضا رئیسی طوسی، ص ۳۹).

۳- ۶۵۰. کردزمن در کتاب خود می نویسد: بازتاب افشای ارسال اسلحه به ایران به بی اعتباری عملیات استانچ منجر شد و فشارهای زیادی را بر امریکا وارد آورد تا بار دیگر قدرت و اعتبارش را در خلیج فارس تجدید نماید. (ص ۲۷۸-۲۷۷).

استراتژی عراق

اشاره

عملیات خیبر خطوط دفاعی عراق را در برابر تاکتیک و خلاقیت نظامی ایران آسیب پذیر نشان داد در عین حال توانمندی ایران را در ادامه ی جنگ با دستیابی به پیروزی های نسبی بیان کرد. علاوه بر این، عراق در حمله به تأسیسات نفتی ایران در جزیره ی خارک نتوانست مانع از صدور نفت ایران بشود. از سوی دیگر، توان اقتصادی عراق تدریجا رو به کاهش بود، طوری که نگرانی حامیانش را برانگیخت. به نوشته ی کردزمن عایدات عراق از ۳ / ۲۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۹ م (۱۳۵۸) و ۱ / ۲۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ م (۱۳۵۹) به ۴ / ۱۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۱ م (۱۳۶۰)، ۷ / ۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۲ م (۱۳۶۱) و ۶۵ / ۹ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۳ م (۱۳۶۲) سقوط کرد. (۱) .

چشم انداز جنگ طولانی با کاهش توان اقتصادی عراق و شکست احتمالی این کشور، استراتژی عراق را تحت تأثیر قرار داد و به همسویی و انطباق استراتژیک میان عراق و امریکا منجر شد. عراق تحت حمایت های راهبردی امریکا، خطوط کلی استراتژی خود را با هدف پایان دادن به جنگ تغییر داد. کمیته ی روابط خارجی کنگره ی امریکا در گزارش رسمی از منطقه درباره ی استراتژی عراق می نویسد:

«هدف اصلی ارتش عراق پایان دادن فوری به جنگ است که این خود به معنای ایستادگی در برابر حملات زمینی ایران، دامن زدن به جنگ نفتکش ها برای کاستن از برتری اقتصادی ایران و احتمال حمله به جزیره خارک می باشد.» (۲) .

عراق از سال ۱۳۶۳ به این نتیجه رسیده بود که احتمال دارد قادر به ادامه ی جنگ فرسایشی - دفاعی نباشد. (۳) ضمن اینکه جنگ در خشکی به نتایج قطعی نرسیده بود. (۴) بنابراین، استراتژی عراق در مرحله ی جدید دو رکن اساسی و کلی داشت. نخست، جلوگیری از پیروزی ایران با حفظ مواضع دفاعی و دیگری کاهش توان اقتصادی ایران و بین المللی کردن جنگ بود. کمیته ی روابط خارجی امریکا در همین زمینه در گزارش خود می نویسد:

---

۱ - ۶۵۱. آنتونی کردزمن و آبراهام واگنر، درس هایی از جنگ مدرن، جلد دوم، جنگ ایران و عراق، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ترجمه حسین یکتا، منتشر نشده، ص ۲۱۵.

۲- ۶۵۲. مأخذ ۱۳۴، ص ۱۰۷.

۳- ۶۵۳. مأخذ ۱۵۹، ص ۳۹۰.

۴- ۶۵۴. مأخذ ۱۳۶، ص ۶۹ و ۷۰.

«اینگونه مشهود است که عراق استراتژی دفاعی خود را بر اساس ضرورت و تمایل به حفظ منابع انسانی محدودتر تنظیم نموده است. عراقی ها ظاهرا امیدوارند ضمن حفظ موضع دفاعی، از طریق بین المللی بر ایران فشار آورند تا با یک راه حل موافقت نماید. به نظر می رسد استراتژی عراق آن باشد که جامعه ی بین المللی را متقاعد نماید که به ایران فشار اقتصادی وارد آورند و از پر شدن مجدد انبارهای تجهیزات نظامی خالی شده، جلوگیری نمایند.» (۱) .

عراق برای حفظ مواضع دفاعی خود و مهار پیروزی احتمالی ایران توان دفاعی اش را با خرید تجهیزات و گسترش سازمان و توان تولید سلاح های شیمیایی افزایش داد که در صفحات بعد به آن اشاره خواهد شد.

عراقی ها معتقد بودند که برای پایان دادن به جنگ باید علاوه بر جلوگیری از پیروزی نظامی، ایران را تحت فشار قرار دهند. طارق عزیز در این زمینه می گوید:

«در ادامه، اعمال فشار به ایران بهترین راه و روش پایان دادن به جنگ است.» (۲) .

وی می گوید: برخی معتقدند این روش نتایج معکوسی به دنبال داشته ولی تجربه ثابت کرده است که گفت وگوی آرام با ایرانی ها نتایج مطلوبی نداشته و نخواهد داشت. بهتر است این تاکتیک را تغییر داده و از تاکتیک اعمال فشارهای سیاسی و انواع فشارها استفاده نمود تا ایران متوجه اشتباه خود بشود. در نتیجه، به فکر راه حل عاقلانه ای برای پایان دادن به این درگیری باشد. (۳) .

روزنامه ی الجمهوریه چاپ بغداد درباره ی انواع فشارها می نویسد:

«عراق تصمیم گرفته است که جنگی تمام عیار را تعقیب کند. باید بدانید احساسی وجود ندارد، شهر و جبهه، کارخانه و منزل، پادگان و پارک برای ما یکی است. (۴) همه را ویران می کنیم و امکاناتش را هم داریم.» (۵) .

۱- ۶۵۵. مأخذ ۲۷، ص ۱۳.

۲- ۶۵۶. معاونت سیاسی ستاد کل سپاه، ویژه نامه «بررسی جنگ» (بحران خلیج فارس)، ص ۲۳، طارق عزیز در لندن، ۲۵/ ۹ / ۱۳۶۴.

۳- ۶۵۷. همان.

۴- ۶۵۸. درباره جنگ شهرها در فصل بعد توضیح داده خواهد شد.

۵- ۶۵۹. محسن غلامی، «فشارهای داخلی و بین المللی اقتصادی و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت» پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، انتشارات دانشگاه تهران، بهمن ۱۳۷۴، ص ۹۱.

صدام روش های کسب پیروزی را توضیح می دهد و طی سخنانی می گوید: «پیروزی امکان ندارد از یک کانال عبور نماید، بلکه از کانال های مختلفی و از طریق به کارگیری همه ی نیروها درجهت هدف حاصل می شود.» (۱) بر این اساس، صدام به خلبان عراقی خطاب می کند و می گوید: «از هم اکنون نصف کار جبهه ها به عهده خلبانان و نصف دیگر بر عهده نیروهای دیگراست.» (۲) .

استراتژی جدید عراق برای پایان دادن به جنگ افزایش فشار به ایران، دستیابی به صلح از طریق افزایش نارضایتی در درون ایران و همچنین تحریک افکار بین المللی و قدرت های بزرگ برای پایان دادن به جنگ بود. صدام طی سخنانی اوضاع اقتصادی ایران را تحلیل می کند و می گوید: «رژیم ایران تمام عایدات فروش نفت خود را در راه به حرکت درآوردن ماشین جنگی اش خرج می کند و در شرایط فعلی هر گونه افزایش در درآمد نفتی ایران در مقایسه با درآمد نفتی عراق به معنای افزایش توانایی ایران برای ادامه ی تجاوز و تهدید علیه امنیت و ثبات منطقه است. لذا این مسئله با امنیت ملی عراق رابطه ی حساس و مهمی دارد.» (۳) بنابراین، عراق به شریان های اقتصادی و حیاتی ایران حمله کرد تا توان اقتصادی و روحی این کشور را تضعیف کند. در این زمینه، جیمز بیل می نویسد: «عراق در صدد بود روحیه و توانایی ایران را برای مقاومت از طریق حملات گسترده ی موشکی، هوایی و شیمیایی علیه اهداف نظامی و غیر نظامی از بین ببرد.» (۴) روزنامه ی لیبراسیون نیز درباره ی هدف عراق می نویسد: «عراق درصدد وارد آوردن فشار هر چه بیشتر بر مردم ایران است تا موجبات نارضایتی هر بیشتر آن ها را از جنگ فراهم آورد» (۵) در واقع، عراقی ها تصور می کردند فشار اقتصادی به مردم در داخل و فشار به مسئولان (۶) ، پایان دادن به جنگ را موجب می شود.

---

۱ - ۶۶۰. دبیرخانه موقت تبلیغات روانی نخست وزیری، بررسی تبلیغات عراق از فاو تا فاو، دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۸، بر اساس سخنرانی صدام در روزنامه یومیه الثوره، چاپ عراق، ص ۸۴ و ۸۵.

۲- ۶۶۱. همان، ص ۱۲۵.

۳- ۶۶۲. همان، ص ۵۶ و ۵۷.

۴- ۶۶۳. مأخذ ۷، ص ۴۱۷.

۵- ۶۶۴. مأخذ ۷۴، ص ۲۴۶.

۶- ۶۶۵. صدام طی نامه سرگشاده به مسئولان جمهوری اسلامی که در روزنامه ی الثوره به چاپ رسید می نویسد: «با افزایش حملات هوایی نیروی هوایی عظیم ما علیه شریان های اقتصادی و حیاتی ایران و پس از اینکه قیمت نفت به حدی کاهش پیدا کرد که ذخیره های ارزی شما دیگر کفایت تهیه وسایل و تجهیزات نظامی مورد نیاز و تهیه ی حداقل مایحتاج را نمی کند...» (بررسی تبلیغات عراق از فاو تا فاو، ص ۲۳۳).

چنانکه صدام در مصاحبه ای در پاسخ به این سؤال که جنگ چه وقت تمام می شود؟ پاسخ می دهد: «زمانی که فریاد و شعار ضد جنگ در داخل ایران بلند شود.» (۱) .

اظهارات و تحلیل مقامات و رسانه های عراقی درباره ی هدف عراق از حمله به نفتکش ها و تأسیسات نفتی ایران مهم است. صدام می گوید: «نوبت ماست تا اهداف نظامی و اقتصادی ایران را برای متوقف ساختن جنگ و استقرار صلح منهدم کنیم.» (۲) روزنامه ی الجمهوریه می نویسد: «نابود سازی نفتکش ها و تأسیسات جزیره ی خارک و دیگر ترمینال های ایران به جهت وادار ساختن ایران به قبول صلح است.» (۳) رادیو صوت الجماهیر نیز می گوید: «ما هر بار روش جدیدی را برای درهم شکستن متجاوزان به کار می بریم تا اینکه ایران صلح را بالاجبار بپذیرد.» (۴) .

عراقی ها به موازات دنبال کردن فشار به ایران برای تشویق و تحمیل «صلح از درون» با حمله به نفتکش ها و گسترش جنگ و بین المللی کردن آن به دنبال «صلح از بیرون» نیز بودند. در کتاب جنگ ایران و عراق ۱۹۸۸ م - ۱۹۸۰ م در این زمینه آمده است: «عراق «بین المللی کردن جنگ» را با این هدف و امید دنبال می کرد که دولت های ثالثی که اثرپذیر بودند راهی کارآمد برای خاتمه بخشیدن به درگیری بیابند.» (۵) در واقع، به نوشته ی کردزمن «عراق به این نتیجه رسید که قادر به بسیج افکار عمومی (۶) به طرفداری از صلح (۷) نیست مگر اینکه بتواند جنگ را گسترش دهد. این مسئله دقیقا به معنای درگیر کردن کشورهای جنوبی خلیج (فارس) و نیز کشورهای غربی وارد کننده ی نفت در جنگ بود.» (۸) .

۱- ۶۶۶. مأخذ ۱۶۷، ص ۶۱.

۲- ۶۶۷. مأخذ ۱۶۷، ص ۱۰۵.

۳- ۶۶۸. مأخذ ۷۴، ص ۲۱۵.

۴- ۶۶۹. مأخذ ۷۴، ص ۲۶۵.

۵- ۶۷۰. مأخذ ۱۳۶، ص ۶۳.

۶- ۶۷۱. صدام درباره ی افکار عمومی و اهمیت آن می گوید: ما نباید به سیاست شکست خورده ی حکام ایران که برای افکار عمومی جهان و عراق هیچ ارزش و اهمیتی قائل نیستند متوسل شویم؛ زیرا ما در عصری زندگی می کنیم که تأثیرات افکار عمومی از مرزها گذشته است. (بررسی تبلیغات عرق از فاو تا فاو، ص ۱۲).

۷- ۶۷۲. صدام درباره سیاست تبلیغاتی عراق برای نشان دادن تمایل این کشور به صلح، ضمن نقد سیاست های ایران را تأکید می کند ناکامی شما شکست در زمینه ی استراتژی شماها است و پیروزی حتمی از آن استراتژی ما می باشد. (بررسی تبلیغات عراق از فاو تا فاو، ص ۲۷).

۸- ۶۷۳. مأخذ ۱۵۹، ص ۱۹۸.

عراق واکنش ایران در برابر حمله به نفتکش ها را تجزیه و تحلیل کرد و احتمال گسترش جنگ و تحریک قدرت های بین المللی و منطقه ای را برای مداخله و پایان دادن به جنگ پیش بینی می کرد. عراق مایل بود ایران را به مسدود کردن تنگه ی هرمز و قطع عرضه ی نفت به غرب تحریک کند. (۱) .

چنانکه طارق عزیز، وزیر امور خارجه وقت عراق، می گوید: «هدف عراق از بحران خلیج فارس آن است که ایران را وادار سازد تا تنگه ی هرمز را - که امریکا وعده بسته نشدنش را داده بود- مسدود نماید.» (۲) با توجه به اینکه عراق در خلیج فارس پایگاهی نداشت ایران قادر به یافتن اهداف عراقی در دریا نبود و در نتیجه یا باید در برابر فشار عراق بدون قید و شرط تسلیم می شد یا کشورهای خلیج فارس را تهدید می کرد (۳) و به غرب درباره ی بسته شدن تنگه هرمز و قطع ارسال نفت هشدار می داد. واکنش ایران به بسته شدن تنگه هرمز (۴) نشان داد عراق محاسبه ی درستی کرده بود. (۵) .

عراق استراتژی جدید خود را با موافقت امریکا دنبال می کرد؛ (۶) زیرا به نوشته ی کردزمن امریکا از تأثیر پیروزی ایران بر ثبات کشورهای جنوبی خلیج (فارس) بیش از تأثیر اقدامات عراق بر امر نفت بیمناک بود. (۷) طارق عزیز نیز برای شولتز، وزیر خارجه وقت امریکا، استدلال می کرد حمله به نفتکش ها به جای اینکه به طولانی شدن جنگ منجر شود سبب پایان یافتن آن خواهد شد؛ زیرا اگر ایران پول نفت نداشته باشد که اسلحه ی مورد نیاز خود را از بازارهای سیاه به قیمت های گزاف بخرد، دست از جنگ خواهد کشید. شولتز به طارق عزیز قول داد تا با فرانسویان در این باره صحبت کند. (۸) ادامه ی این روند سبب شد تا به گفته ی هوارد تیچر، عضو اداره ی امنیت ملی امریکا در سال ۱۹۸۶ م (۱۳۶۵)، ریگان پیغامی محرمانه به صدام حسین بفرستد تا عراق جنگ هوایی خود را شروع کند و ایران را بمباران هوایی نماید. این پیغام را بوش، معاون ریگان، به مبارک، رئیس جمهور مصر، اعلام کرد و او آن

۱- ۶۷۴. مأخذ ۷، ص ۱۵۴، الیزابت گاملن و پال راجرز.

۲- ۶۷۵. مأخذ ۶۰، ص ۱۶۰.

۳ - ۶۷۶. روزنامه اخبار اقتصادی، ۳ / ۷ / ۱۳۷۸، ص ۷، شهرام چوبین، صلح پس از جنگ، قسمت دوم، ترجمه جعفر خیرخواهان.

۴- ۶۷۷. خبرگزاری جمهوری اسلای، نشریه گزارش های ویژه، ۵ / ۱ / ۱۳۶۳، خبرگزاری رویتر از بغداد، ۴ / ۱ / ۱۳۶۳.

۵- ۶۷۸. مأخذ ۱۵۹، ص ۱۹۸.

۶- ۶۷۹. بنابر گزارش هایی که وجود داشت شیخ صباح الاحمد امیر کویت به هیئت ایران اظهار کرد که صدام درباره ی جنگ مشغول رسیدن به توافق هایی با شوروی ها بود. (آغاز تا پایان، پاورقی ص ۱۲۲).

۷- ۶۸۰. مأخذ ۱۵۹، ص ۲۰۱ و ۲۰۲.

۸- ۶۸۱. مأخذ ۴۲، ص ۲۷۷.

را به اطلاع صدام رساند. هوارد تیچر می گوید: «من در ملاقات های متعدد با رؤسای اروپایی و خاورمیانه ای حاضر بودم که در همه ی آن ها راهنمایی های عملی و استراتژیک ارائه و ابلاغ می شد.» (۱) .

جنگ نفتکش ها

آغاز جنگ نفتکش ها چشم انداز جدیدی را به وجود آورد که بیانگر تشدید درگیری و شکل گیری جنگ دریایی بود. بعد از آغاز جنگ در سال ۱۳۵۹ جنگ نفتکش ها با ساختار کلی جنگ در خلیج فارس چنان درآمیخته بود که تفکیک جنگ دریایی از روند کلی جنگ غیرممکن بود. (۲) چنانکه عراق برای اولین بار به ترمینال نفتی ایران در جزیره خارک در ۲۴ سپتامبر ۱۹۸۰ م (۲ مهر ۱۳۵۹) حمله کرد و بیست روز بعد تعدادی از مخازن سوخت را در تهران مورد حمله قرار داد و قبل از آن نیز ۱۵۰ مخزن ذخیره ی نفت را در آبادان به آتش کشید. تهاجمات عراق تولید پالایشگاه های آبادان، تهران، شیراز و کرمانشاه را به کمتر از نصف تقلیل داد. (۳) در عین حال، آنچه «جنگ نفتکش ها» نامیده شد روند متفاوتی بر تأثیرگذاری آغاز جنگ در خلیج فارس داشت. تمایل عراق به گسترش جنگ با حمله به اهداف استراتژیک ایران (۴) در جزیره خارک و کشتی های در حال بارگیری یا تردد به این جزیره، آغاز شد.

جنگ نفتکش ها با عملیات رمضان و حمله ی عراق به جزیره ی خارک شروع شد و در تعیین نتیجه ی نهایی جنگ ایران و عراق به عاملی تحریک کننده تبدیل شد. (۵) بدین صورت که پس از ناکامی اولیه عراق در حمله به خارک در سال های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲، دور جدیدی از حملات عراق از سال ۱۳۶۳ آغاز شد و آنچه مورد نظر عراق بود در واقع در سال ۱۳۶۵ تحقق یافت و پیامدهای آن با اسکورت نفتکش ها در سال ۱۳۶۶ آشکار گردید و جنگ بر اثر گسترش و تشدید آن با مداخله ی قدرت های بزرگ در سال ۱۳۶۷ به پایان رسید.

۱- ۶۸۲. مأخذ ۳۴.

۲- ۶۸۳. مأخذ ۱۵۹، ص ۵۸۵.

۳- ۶۸۴. مأخذ ۱۵۹، ص ۱۱۳ تا ۱۱۵.

۴- ۶۸۵. افرایم کارش، جنگ ایران و عراق - یک تجزیه و تحلیل نظامی، نشریه ادلفی پی پر، بهار ۱۹۸۷، ترجمه خبرگزاری جمهوری اسلامی، تایپ و تکثیر مجدد معاونت اطلاعات و عملیات ستاد کل نیروهای مسلح، دفتر مطالعات و تحقیقات، ص ۷۱ و ۷۲.

۵- ۶۸۶. مأخذ ۱۵۹، ص ۵۸۴.

تا پایان سال ۱۳۶۲ کلیه ی تلاش های عراق بر این موضوع متمرکز بود که کارایی جزیره ی خارک را برای صدور نفت ایران مختل کند. (۱) ولی تعدد نقاط بارگیری، که برای ۵ / ۶ میلیون بشکه در روز طراحی شده بود و تأسیسات محافظت شده به ایران اجازه می داد از هدر رفتن نفت اجتناب کند و بلافاصله از یک نقطه ی بارگیری به نقطه ی دیگر روی آورد. نقاط بارگیری مورد اصابت قرار گرفته نیز نسبتا بسادگی تعمیر می شدند و این امر تلاش عراق را برای وارد آوردن آسیب جدی برای اخلال یا توقف کامل صادرات نفت ایران با شکست همراه کرد، (۲) اما از سال ۱۳۶۳ به بعد تحولی در وضعیت منطقه ایجاد شد؛ زیرا عراقی ها برای قطع صادرات نفت ایران حوزه ی عملیاتی را تا منطقه شمال قطر گسترش دادند و به صورت آشکار از دولت فرانسه هواپیمای سوپر اتاندارد و موشک های اگزوست دریافت کردند تا توان دریایی خود را افزایش دهند. پیش از این، عراقی ها با موشک های ساحل به دریا یا با هواپیما و هلی کوپترهای معمولی به اهداف دریایی حمله می کردند و این حملات دقیق نبود، اما عراقی ها با گرفتن موشک های ضد کشتی اگزوست، که قیمت هر یک از آن ها بیش از یک میلیون دلار بود، فعالیت گسترده ای آغاز کردند و در مجموع تا پایان جنگ جمعا ۱۲۰۰ (۳) فروند موشک اگزوست استفاده کردند. (۴) .

عراق برای تحقق اهداف خود در حمله به تأسیسات نفتی و نفتکش های ایران، به سلاح های جدید و گسترش عملیات هوایی نیاز داشت. برای این منظور، طارق عزیز در پایان سال ۱۳۶۲ تقاضای خرید پنج فروند هواپیمای سوپر اتاندارد، مجهز به موشک های اگزوست را تسلیم پاریس کرد. فرانسه اجازه داد خلبانان عراقی به طور محرمانه در یک پایگاه هوایی فرانسه در حوالی شهر «برست» آموزش ببینند. (۵) هواپیمای سوپر اتاندارد که علی رغم اعتراضات ایران به عراق تحویل داده شد، (۶) به گفته ی وفیق سامرایی نیروی

---

۱ – ۶۸۷. سردار علایی فرمانده وقت نیروی دریایی سپاه، سمینار نقش سپاه در امنیت و دفاع از کشور، مقاله نقش سپاه در امنیت خلیج فارس، کتاب منتخب مقالاتی به اهتمام میرعلی محمدنژاد، نیروی زمینی سپاه، ۱۳۷۵، ص ۹۳.

۲– ۶۸۸. مأخذ ۱۵۹، ص ۲۴۵.

۳– ۶۸۹. روزنامه ی اومانتیه، ارگان حزب کمونیست فرانسه، طی گزارشی نوشت: طی ده سال فرانسه هزار موشک اگزوست تحویل عراق داده است.

۴– ۶۹۰. مأخذ ۱۹۰.

۵– ۶۹۱. مأخذ ۸۹.

۶– ۶۹۲. مأخذ ۱۵۹، ص ۲۰۰.

هوایی عراق را متحول کرد. (۱) به نوشته ی نشریه ای امریکایی، به نقل از منبع خود در وزارت دفاع فرانسه، حتی خلبانان فرانسوی نیروهای عراقی را در جنگ نفتکش ها یاری دادند. (۲) در عین حال، وفیق سامرایی می گوید: «متوقف نمودن صادرات نفت ایران، به علت محدودیت توانایی هوایی ما و همچنین دوردست بودن بسیاری از اهداف ایرانی ها، خارج از توان ما بود.» (۳) کردزمن در این زمینه می نویسد: «ضعف و توانایی عراق در رسیدن به اهداف استراتژیک، از فقدان تکنولوژی ریشه می گرفت. هواپیماهای عراق فاقد شعاع دید و برد کافی و دقیق بودند. موشک های ضد کشتی این کشور به اندازه کافی قدرت تخریب نداشتند تا به سرعت در بدنه ی کشتی ها فرو رفته و آن ها را از هم بپاشند. عراقی ها همچنین هیچ گونه هواپیمای گشت دریایی در اختیار نداشتند. علاوه بر این، ناتوانی عراق از نداشتن سازمان نظامی و فرماندهی مناسب ناشی می شد. عراق در به کارگیری قدرت هوایی خود به تعداد سورتی پروازهای کافی برای دستیابی به قدرت تخریب کامل، در نابودی هدفی معین، ناتوان بود. در نهایت اینکه عراق نتوانست از هیچ یک از امکانات بسیار پیشرفته خود نتایج استراتژیک سیاسی عمده ای به دست آورد.» (۴) .

مرحله ی جدید حملات عراق در سال های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ متعاقب روابط جدید عراق با امریکا آغاز شد و در نتیجه عراق سطح استراتژی حمله به اهداف مهم خود را ارتقاء داد. (۵) در این مرحله، تجهیزات ارسالی به عراق از نظر حجم و کیفیت تغییرات اساسی کرد. فرانسه به درخواست های جدید عراق برای دریافت ۲۴ فروند میراژ (۶) پاسخ مثبت داد و ژاک شیراک، نخست وزیر وقت فرانسه، طی مصاحبه ای ضمن پایبندی فرانسه به قرارداد با

۱- ۶۹۳. مأخذ ۵۰، ص ۱۷۸ و ۱۷۹.

۲- ۶۹۴. مأخذ ۶۰، ص ۲۳۵.

۳- ۶۹۵. مأخذ ۵۰، ص ۱۷۹.

۴- ۶۹۶. مأخذ ۱۵۹، ص ۲۲۵.

۵- ۶۹۷. مأخذ ۱۸۸، ص ۳۲.

۶- ۶۹۸. تیمرمن در کتاب خود می نویسد از مصاحبه هایی که با مقامات دولتی و دلال های اسلحه داشتم، فرانسویان نخستین جنگنده بمب افکن های میراژ را هنگامی به عراق تحویل دادند که گروگان های امریکایی تهران را ترک کردند. در این زمان چهار فروند میراژ با هدایت خلبانان نیروی هوایی فرانسه وارد قبرش شدند و از آنجا خلبانان عراقی هواپیماها را به عراق بردند و بعدها ایرانی ها شنیدند و اعتراض کردند. (سوداگری مرگ، ص ۱۹۳).

عراق گفت: «در صورتی که در جبهه ی کشورهای عربی شکاف بیفتد، بنیادگرایی اسلامی در تمامی کشورهای مدیترانه و شاید تا ساحل اقیانوس اطلس گسترش می یابد.» (۱) .

تحویل هواپیماهای میراژ اف - ۱ ساخت فرانسه به عراق که در مقایسه با هواپیماهای شوروی تجهیزات پیشرفته تری داشت، بهبود در وضعیت موشک های هوا به هوا با سوار کردن موشک های «ماژیک» ساخت فرانسه در هواپیماهای میگ ۲۱ عراقی و اجاره کردن هواپیماهای سوپر اتاندارد در اوایل سال ۱۹۸۴ م که به موشک های اگزوست هوا - دریا مجهز بودند، توانایی نیروی هوایی عراق را برای هدف قرار دادن خطوط حمل و نقل دریایی و به ویژه خطوط نفتی ایران افزایش داد. (۲) .

همچنین اتحاد شوروی با هواپیمای میگ ۲۵ و دو نوع جنگنده ی گشتی - شناسایی، نیروی هوایی عراق را تجهیز کرد. این امر در زمینه ی فعالیت های گشتی - شناسایی و تصویربرداری هوایی جهشی بزرگ و فراگیر ایجاد نمود. (۳) .

علاوه بر تغییرات در هواپیماها، تاکتیک ها و آموزش هوایی عراق، متخصصان هندی و فرانسوی به آرامی آموزش و طرح ریزی عملیاتی نیروهای عراقی را بهبود بخشیدند. (۴) به گفته ی وفیق سامرایی در سال ۱۳۶۵ حملات عراق به اهداف اقتصادی، مؤثرتر از پیش بود؛ زیرا با استفاده از تصویربرداری هوایی و تشویق کسانی که با ما برای بازدید از محل بمباران شده و تعیین میزان ضرر و زیان های وارده همکاری می کردند، میزان قدرت ضربه ی وارده را می توانستیم ارزیابی کنیم. علاوه بر آن، از اطلاعاتی که ماهواره های جاسوسی می گفتند نیز بهره برداری می کردیم. (۵) .

توانمندی عراق در مرحله ی جدید سبب شد در سال ۱۳۶۵ صدام طی سخنانی اعلام کند: «قدرت نظامی عراق به طور مداوم پیشرفت می کند و راه را برای حمله به هدف هایی در عمق ایران، که قبلا خارج از برد بودند، باز می کند.» (۶) برای اولین بار هواپیماهای میراژ اف - ۱ عراق به پالایشگاه

۱- ۶۹۹. مأخذ ۸۹.

۲- ۷۰۰. مأخذ ۵۰، ص ۱۳۸.

۳- ۷۰۱. مأخذ ۵۰، ص ۱۳۸.

۴- ۷۰۲. مأخذ ۱۵۹، ص ۲۴۱.

۵- ۷۰۳. مأخذ ۵۰، ص ۱۶۶.

۶- ۷۰۴. مأخذ ۱۶۷، ص ۱۰۵.

اصفهان حمله کردند و موفق به بمباران آن شدند. اهمیت این عملیات سبب شد کارشناسان امریکایی به بغداد بیایند و اطلاعات راجع به چگونگی اجرای این عملیات را که نیاز به سوختگیری در حین پرواز داشت، خواستار شوند. (۱) همچنین عراقی ها پالایشگاه نفت تبریز را در مرداد ۱۳۶۵ بمباران کردند. (۲) حملات عراق به جزیره ی لارک و سیری (۳) در تابستان سال ۱۳۶۵ بیان کننده تحول اساسی در حملات هوایی عراق و استفاده از روش سوختگیری در آسمان برای حمله به اهداف در عمق خاک ایران بود.

در جنگ نفتکش ها در حالی که در سه سال اول جنگ تنها به ۴۸ کشتی بازرگانی حمله شده بود، در سال ۱۳۶۳ به ۷۱ (۴) کشتی بازرگانی حمله شد (۵) و در سال های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ (۶) مجموعا بیش از ۱۲۰ هدف مورد حمله قرار گرفت. تلفات انسانی سال های ۱۳۶۳،۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ جمعا ۱۷۸ نفر بود. (۷) .

عراق با حمله به نفتکش ها و تأسیسات نفتی، صادرات ایران را کاهش داد. ایران در سال ۱۳۶۳ به میزان ۳۶ / ۱میلیون بشکه، سال ۱۳۶۴ به میزان ۸ / ۱ میلیون بشکه و در سال ۱۳۶۵ به میزان ۵ / ۱ میلیون بشکه نفت در روز صادر کرد. درآمد نفتی ایران ۹ / ۱۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۳ و ۵۹ / ۱۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۴ و ۸۱ / ۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۵ بود. در سال ۱۳۶۵ علاوه بر کاهش صدور نفت ایران، به دلیل کاهش قیمت نفت عملا درآمد نفتی ایران به کمترین میزان در سال های جنگ رسید. این وضعیت نشان می دهد اقتصاد ایران بر اثر حملات عراق تضعیف شد. (۸) در نتیجه، ایران علاوه بر تحمل هزینه های بسیار، مجبور شد در قیمت نفت تخفیف های زیادی بدهد تا با امکان ادامه ی فروش نفت، همچنان از درآمدهای نفتی برخوردار شود.

صدام در سال ۱۳۶۵ ضمن اشاره به اینکه قدرت نیروی هوایی عراق افزایش یافته است و به هدف هایی حمله می کند که قبلا ممکن نبود، (۹) اعلام

۱- ۷۰۵. مأخذ ۵۰، ص ۱۰۶ و ۱۰۷.

۲- ۷۰۶. مأخذ ۱۵۹، ص ۲۷۰.

۳- ۷۰۷. مأخذ ۱۵۹، ص ۲۶۳ و ۲۷۹.

۴- ۷۰۸. کردزمن آمار ۳۷ هدف را تأکید می کند.

۵- ۷۰۹. نیروی دریایی سپاه پاسداران، ماهنامه «خلیج فارس و امنیت»، سال اول، شماره ۴، مرداد ۱۳۷۹، ص ۲۰، عملیات بریجتون، اینترنت، ۶ / ۱۱ / ۱۳۷۸، ترجمه سعید سعادت حسینی دمایی.

۶- ۷۱۰. فرمانده ی نیرویی دریایی عراق اعلام کرد: از ابتدای جنگ تا سال ۱۳۶۵ جمعا ۵۸ نفتکش ایرانی، ۸۵ کشتی تجاری و ۴۰۰ کشتی تدارکاتی را منهدم نموده است. (کردزمن، ص ۶۰۰).

۷- ۷۱۱. مأخذ ۱۵۹، ص ۶۰۰.

۸- ۷۱۲. مأخذ ۱۸۸، ص ۳۳.

۹- ۷۱۳. مأخذ ۱۶۷، ص ۲۳۳.

کرد ضربات مؤثر نیروی هوایی بر نقاط حیاتی، قدرت اقتصادی دشمن را ضعیف و متزلزل کرده و آن را در آستانه ی ورشکستگی و نابودی قرار داده است. (۱) وی خطاب به ایران ادعا کرد زمان به نفع آن ها نیست، بلکه بر ضد آن ها است. (۲) .

جنگ شیمیایی

عراق برای تهیه و تولید سلاح های شیمیایی به موازات اقدام برای دستیابی به سلاح اتمی (۳) از دهه ی ۱۹۷۰ میلادی تلاش خود را آغاز کرد. ارتش عراق پس از تجاوز به ایران، ابتدا این سلاح ها را با هدف دفاعی و به صورت محدود در سال های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۱ به کار گرفت ولی از سال ۱۳۶۲ تا پایان جنگ تولید و استفاده ی عراق از سلاح های شیمیایی با هدف دفاعی – تهاجمی به نحو شگفت انگیزی افزایش یافت. چنانکه حملات شیمیایی عراق از ده مورد حمله در سال آغاز جنگ به ۴۵ مورد در سال ۱۳۶۷ افزایش یافت. بیشترین حملات در هنگام عملیات کربلای ۵ و عملیات کربلای ۸ در منطقه ی شرق بصره صورت گرفت، ولی بیشترین مصدوم در عملیات والفجر ۱۰ با بمباران حلبچه و اساسا پس از سال ۱۳۶۶ بود. تعداد مصدومان از صفر در اواخر سال ۱۳۵۹ آغاز و به دوازده هزار نفر در سال ۱۳۶۶ افزایش یافت.

عراق از انواع گازها شامل خردل، اعصاب، سیانور، فسفری، خفه کننده، و تهوع آور استفاده کرد. نیمی از حملات با استفاده از گاز خردل صورت گرفت و دیگر حملات بیشتر با گاز اعصاب و سیانور انجام شد. گازها را عموما هواپیماها حمل و استفاده می کردند. دو سوم حملات با هواپیما بود و مابقی با خمپاره انداز و توپخانه انجام می شد. (۴) .

هدف عراق از به کارگیری سلاح های شیمیایی جلوگیری از پیشروی ناگهانی قوای نظامی ایران در مواضع و استحکامات عراق و مهار پیامدهای

ص: ۱۵۴

۱- ۷۱۴. مأخذ ۱۶۷، ۲۶ / ۴ / ۱۳۶۵.

۲- ۷۱۵. مأخذ ۱۶۷، ۱۷ / ۱۰ / ۱۳۶۵.

۳- ۷۱۶. دکتر حسین شهرستانی از دانشمندان هسته ای عراق درباره ی تلاش عراق برای دستیابی به سلاح های هسته ای می گوید: «صدام از اول تابستان ۱۹۸۰ به فکر ساخت سلاح هسته ای افتاد، وی معتقد بود که این سلاح بازوی توانایی برای تغییر نقشه خاورمیانه خواهد بود.» (بولتن وزارت خارجه، ۴ / ۱۲ / ۱۳۸۱، ش ۳۷۴، ص ۶).

۴- ۷۱۷. مأخذ ۷، ص ۳۶۴ و ۳۶۵.

سیاسی - استراتژیک آن بود. عراقی ها به تأثیرات روحی - روانی سلاح های شیمیایی و آثار کاربرد آن در ایجاد پراکندگی در نیروها و از میان بردن قدرت مقاومت یا پیشروی آن ها و اخلال در سازمان رزم، (۱) توجه کردند.

نظر به اینکه قدرت نظامی ایران در تهاجم به عراق اتکاء بر نیروهای پیاده و اجرای عملیات شبانه بود، لذا عراقی ها به دلیل ناتوانی در برابر این تاکتیک ها، برای جلوگیری از پیشروی نیروها و ایجاد پراکندگی در میان آن ها از سلاح های شیمیایی استفاده می کردند. خدیر حمزه، رئیس پیشین طرح های هسته ای عراق، درباره ی تأثیر این سلاح بر نیروهای ایران می گوید: «در جنگ طولانی عراق با ایران، روشن شد که به وحشت انداختن نیروهای ایران از طریق استفاده از سلاح شیمیایی، به مراتب مؤثرتر از تمام توپخانه و بمباران هوایی بود که ما می توانستیم به کار ببریم.» (۲) به همین دلیل، وفیق سامرایی می گوید: «اگر کاربرد این سلاح ها نبود اوضاع به ضرر ما شکل می گرفت.» (۳) در ادامه ی بحث ابتدا به تهیه و تولید عوامل شیمیایی و سپس به کارگیری آن در مراحل مختلف جنگ اشاره خواهد شد.

تهیه و تولید عوامل و جنگ افزار شیمیایی

آن دسته از مواد یا ترکیبات شیمیایی که در صورت انتشار مناسب و تأثیر شیمیایی، به مرگ، آسیب و ناتوانی در انسان، حیوان و یا از بین رفتن گیاه منجر می شود، «عوامل شیمیایی» می نامند. وسایل کاربرد این مواد را «جنگ افزار شیمیایی» می گویند. عوامل شیمیایی را با توجه به مشخصات و آثار فیزیکی به چهار دسته ی عمده تقسیم می کنند:

۱- ناتوان کننده ها، که سبب کاهش توان رزمی نیروهای مقابل می شود و قدرت جنگیدن را از نیروها سلب می کند.

۲- عوامل زیان بخش، که ایذاء دشمن را موجب می شود و آن ها را به ستوه در می آورد و با ضایعات پوستی و آثار درازمدت به ویژه سرطان همراه است.

۱- ۷۱۸. سید قاسم زمانی، حقوق بین الملل و کاربرد سلاح های شیمیایی در جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی ایران، بنیاد حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس، تهران، پاییز ۱۳۷۶، ص ۲۰ و ۲۱.
۲- ۷۱۹. تلکس ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۳ / ۳ / ۱۳۸۱، روزنامه وال استریت ژورنال.
۳- ۷۲۰. مأخذ ۵۰، ص ۱۶۳.

۳- عوامل کشنده، که شامل اعصاب، خفه کننده سمی و خون است. گاز اعصاب سبب از کارافتادن نیروی محرکه و مختل شدن سیستم اعصاب می شود. خفه کننده موجب خفگی و مرگ می شود و پس از جذب شدن در خون آثار سمی خود را ظاهر می کند.

۴- عوامل ضد گیاه، که بر درختان و گیاهان اثر می گذارد و آن ها را خشک می کند و از بارور شدن خاک و رویش گیاهان جلوگیری می کند. (۱) .

عراقی ها برای دستیابی به توان شیمیایی اقدامات زیر را انجام دادند:

۱- مناسبات تجاری با کشورهای غربی برقرار کردند تا فن آوری، مواد و تجهیزات مربوط به جنگ افزار شیمیایی را خریداری کنند.

۲- با شرکت های تولید کننده ی وسایل شیمیایی در آلمان غربی قرارداد خرید تجهیزات فنی گوناگون بستند.

۳- ترکیبات شیمیایی مربوط به تولید عوامل اعصاب را از کشورهای غربی به ویژه آلمان و هند خریداری کردند.

۴- کارخانه های ساخت و تولید جنگ افزار شیمیایی را به ویژه در شهر سامرا تأسیس کردند.

برنامه سلاح های کشتار جمعی عراق به گفته ی دکتر حسین شهرستانی، از دانشمندان هسته ای عراق، از سال ۱۹۸۰ م (۱۳۵۹) آغاز شد و در بخش شیمیایی در سال ۱۹۸۲ م (۱۳۶۱) با کمک تعدادی از شرکت های امریکایی با استفاده از گاز اعصاب و سارین توسعه یافت. (۲) ولی اقدام عراق برای کسب توانمندی BW (بیولوژیک) به نوشته ی دکتر گراهان پی یرسون، از محققان ساخت عوامل جنگ های بیولوژیک در دپارتمان صلح دانشگاه برادفورد انگلیس، از سال ۱۹۷۴ م (۱۳۵۳) آغاز شد و یک سال بعد در ۱۹۷۵ م (۱۳۵۴) اجرای ۷۸ پروژه تحقیق و توسعه را درمرکز آل سلمان آغاز کرد. عراق در سال ۱۹۸۵ م (۱۳۶۵) به تولید انبوه عوامل میکروبی سیاه زخم و سل بوتولیسم قادر بود. (۳) جیمز ولسی، رئیس سابق سازمان سیا، معتقد است میکروب سیاه زخم در بسیاری از آزمایشگاه های امریکا قابل

۱- ۷۲۱. حسین علایی و بابک خواجه کاووسی، صنایع، تسلیحات و خلع سلاح شیمیایی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران ۱۳۷۱، ص ۴۷ تا ۵۰.

۲- ۷۲۲. بولتن وزارت خارجه، شماره ۳۷۴، ۴ / ۱۲ / ۱۳۸۴ ص ۶.

۳- ۷۲۳. دکتر محمود تولایی، توانمندی و توسعه تسلیحات بیولوژیک عراق، مجله سیاست دفاعی، شماره ۲۶ و ۲۷، بهار و تابستان ۱۳۷۸، ص ۱۳۴ و ۱۳۵.

دسترسی بود و آن را کشورهای مختلف و از جمله عراق در سال های ۱۹۸۰ توزیع کردند. (۱) .

عراق برای حل مشکلات نظامی اش، متعاقب شکست ها، جنگ شیمیایی را برگزید و از تکنولوژی و ذخایر شیمیایی استفاده کرد. (۲) وفیق سامرایی می گوید: «به دنبال وارد آمدن تلفات سنگین به صفوف نیروهای ما و احساس نیاز به سلاح بازدارنده، که رهبران ایران را از تداوم جنگ باز دارد، اندیشه دستیابی به سلاح های شیمیایی شکل گرفت.» (۳) نظریات کارشناسی برخی از کشورها از جمله کارشناسان شیمیایی شوروی (سابق) سبب شد تا عراق به استفاده ی از این سلاح ها توجه کند. (۴) در سال ۱۳۶۱ وزارت صنایع و پتروشیمی دولت عراق برای خرید پانصد هزار کیلو گرم مواد شیمیایی موسوم به «تیئودیگلیکون» برای تولید عوامل غیراعصاب به شرکتی در بلژیک سفارش داده شد. کشندگی گاز خردل ده تا صد بار کمتر از عوامل ساده ی اعصاب است، اما تولید و کاربرد و رها کردن آن در عملیاتی واقعی بسیار آسان است. مجروحان گاز خردل به مقدار زیادی خدمات و پشتیبانی نیاز خواهند داشت. قرار گرفتن در معرض گاز خردل برای مدتی کوتاه می تواند سبب کوری یا بروز تاول های چهار تا شش هفته ای شود. بنابراین، از نظر عراق گاز خردل در مقابله با نیروهای پیاده ی ایران که اغلب مدت طولانی در مناطق آلوده در حالت ایستا می ماندند و امکانات پزشکی پشت جبهه ی نسبتا محدودی داشتند، برتری زیادی را نصیب عراق می کرد. (۵) .

عراق تا اواخر سال ۱۳۶۴ حدود ده تن از انواع گازها را در یک ماه تولید می کرد که در اواخرسال ۱۳۶۵ این ظرفیت تولید به بیش از پنجاه تن در ماه افزایش یافت و در پایان سال ۱۳۶۷ عراق می توانست بیش از هفتاد تن گاز خردل (۶) و شش تن از هر یک از گازهای تابون و سارین تولید کند. (۷) .

۱- ۷۲۴. روزنامه حیات نو، ۱ / ۸ / ۱۳۸۰، ص ۸.

۲- ۷۲۵. مآخذ ۱۵۹، ص ۵۶۷ و ۵۶۸.

۳- ۷۲۶. مأخذ ۵۰، ص ۱۶۳.

۴- ۷۲۷. مأخذ ۲۱۶، ص ۱۶.

۵- ۷۲۸. مأخذ ۱۵۹، ص ۵۶۸.

۶- ۷۲۹. دکتر گراهان پی یرسون از بریتانیا درباره ی گاز خردل می گوید: گاز خردل پوست بدن را مورد حمله قرار می دهد و تاول بزرگی ایجاد می کند و اگر کسی تنفس کند دستگاه دم زدن او را مورد حمله قرار می دهد و بعد تا مغز استخوان نفوذ می کند و به مرگ منجر می شود. (سوداگری مرگ، ص ۲۷۴).

۷- ۷۳۰. مأخذ ۱۵۹، ص ۵۷۰.

توانمندی عراق در تولید گازهای شیمیایی با مشارکت و حمایت بسیاری از شرکت های امریکایی و اروپایی و سایر کشورها ایجاد شد. پس از تجاوز عراق به کویت و افزایش تنش میان امریکا و عراق، با تحقیقاتی که انجام شد و گزارشی که عراق به سازمان ملل ارسال کرد بنابر یک گزارش عراق از آلمان، امریکا و انگلیس تجهیزات نظامی دریافت می کرد که آلمان با ۲۷ شرکت خصوصی و دولتی بیشترین سهم را در برنامه ی نظامی عراق داشت و امریکا با ۲۴ شرکت و انگلیس با ۱۱ شرکت فعال مشارکت داشتند. (۱) روزنامه ی الکترونیکی القبس از قول کارشناسان و گزارش ارسالی از عراق آمار دیگری را ارائه کرده است: بنابراین گزارش ۹۲ شرکت آلمانی، عراق را به سلاح های شیمیایی و هسته ای مجهز کردند و در رأس تأمین کنندگان ۲۲ شرکت امریکایی، ۲۳ شرکت انگلیسی، ۲۱ شرکت فرانسوی، ۱۸ شرکت اتریشی، ۱۱ شرکت بلژیکی، ۱۵ شرکت ایتالیایی، ۱۳ شرکت سوئیسی، ۷ شرکت اسپانیایی، ۳ شرکت ژاپنی، ۴ شرکت هندی، ۵ شرکت کره ای و ۳ شرکت چینی و تعدادی از شرکت های آرژانتینی، برزیلی، مصری، اردنی و ۴۰ شرکت روسی و اوکراینی در لیست فروشندگان سلاح های شیمیایی و هسته ای به عراق قرار دارند. (۲) .

درباره ی شرکت ها و کشورهایی که عراق را در ساخت سلاح شیمیایی کمک کردند، رادیو امریکا با اشاره به گزارش سازمان خبرهای دفاعی خاورمیانه در پاریس به رقم ۲۰۰ شرکت در ۲۱ کشور جهان اشاره می کند و رئیس مرکز وزینتال در پاریس درباره ی این گزارش می گوید: در گزارش از ۲۰۷ شرکت نام برده می شود که ۸۶ شرکت آلمانی هستند. گزارش مورد بحث همچنین از ۱۸ شرکت امریکایی، که دولت صدام از تجهیزات و فراورده های آن ها برای مقاصد نظامی استفاده کرده است، نام می برد. (۳) .

به کارگیری در جنگ

افزایش توانمندی عراق در تهیه و تولید عوامل جنگ افزار شیمیایی همراه با نگرانی از شکست و طولانی شدن جنگ سبب شد تا عراق پس از عملیات

۱- ۷۳۱. سایت خبری بازتاب، ۷ / ۱۰ / ۱۳۸۱.

۲- ۷۳۲. فرماندهی قرارگاه نصر، نشریه «خبرهای عراق»، ۲۴ / ۹ / ۱۳۸۱، شماره ۱۶۳۵، ص ۷.

۳- ۷۳۳. مأخذ ۸۴، ص ۱۱۵، رادیو امریکا، ۱۱ / ۷ / ۱۳۶۹.

والفجر ۱ برای نخستین بـار از طریق رادیو «صوت الجماهیر» در یکی از برنامه های خود به استفاده ی از سـلاح های شـیمیایی تهدیـد کنـد. در این برنـامه گفته شـد ما کسانی را که به خود اجازه می دهنـد به مرزهای ما نزدیک شونـد، نابود می کنیم. ما داروی نـابودی آنـان را در اختیار داریم و از آن علیه هر گونه حشـراتی که قصـد تجاوز به خاک مقـدس ما را دارنـد اسـتفاده خواهیم کرد. (۱) .

برای نخستین بـار در مقـایسه بـا گذشـته، عراق به شـکل جدیـدتری از هواپیما و توپخانه و از سـلاح های شـیمیایی در عملیات والفجر ۲ در منطقه ی حاج عمران اسـتفاده کرد. خلبانی اسـیر در اعترافات خود تصـریح کرد که با هواپیمای سوخو ۲۲، بمب های شیمیایی را حمل و در منطقه ی حاج عمران فرو ریخته است. (۲) .

در عملیات خیبر در جزایر مجنون (سال ۱۳۶۲) عراق به نحو کاملا متفاوتی با گذشته از عوامل شیمیایی با استفاده از هواپیما و توپخانه در چهارده مورد به طور گسترده استفاده کرد. (۳) در این عملیات ۲۷۰۰ نفر از نیروهای ایران مجروح شدند. (۴) .

عراق در عملیات بدر در سال ۱۳۶۳ علاوه بر گاز اعصاب و تاول زا از سـیانور و عامل خون نیز استفاده کرد. (۵) عراق در این عملیـات به جـاده هـا، عقبه هـا، قرارگاه ها، اورژانس ها و اسـکله ها حمله کرد. هشام فخری، فرمانـده سـپاه سوم عراق، پس از عملیات بدر طی مصاحبه ای گفت کشورش حق اسـتفاده از سلاح شیمیایی را برای خود محفوظ نگه می دارد (۶) رادیو بغداد نیز اعلام کرد: «در برابر اصـرار ایران بر ادامه ی جنگ، عراق مجاز خواهد بود با هر اسلحه ی خطرناک و سوزاننده ای از خود دفاع کند.» (۷) .

نحوه ی استفاده عراق از سلاح های شیمیایی در عملیات خیبر و بدر در سال های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ نشان می داد عراق به صورت فزاینده ای گروه های جنگ شـیمیایی خود را در قالب نیرویی نخبه درآورده است و تدریجا وسایل هدف گیری و پرتاب را با پیش بینی «الگوهای جهت باد» بهبود بخشـید که آثار آن در سال های بعد به ویژه در حلبچه آشـکار شد. عراق در این مرحله، علاوه بر

۱- ۷۳۴. مأخذ ۷۴، ص ۲۰۸ و ۲۰۹، صوت الجماهیر، ۳ / ۲ / ۱۳۶۲.

۲- ۷۳۵. دبیرخـانه کنفرانس بین المللی تجـاوز و دفـاع، بازشناسـی جنبه های تجاوز و دفاع، جلـد دوم، ص ۳۵۸ تا ۳۶۴، مقاله نگاهی به استفاده رژیم عراق از سلاح های شیمیایی در جنگ تحمیلی، ستاد تبلیغات جنگ - شورای عالی دفاع.

۳- ۷۳۶. همان.

۴- ۷۳۷. مأخذ ۲۱۶، ص ۱۶ و ۱۷.

۵- ۷۳۸. مأخذ ۲۳۴.

۶- ۷۳۹. مأخذ ۲۱۶، ص ۱۷ و ۵۴.

۷- ۷۴۰. مأخذ ۷۴، ص ۲۵۷ و ۲۵۸، بخش فارسی رادیو بغداد، ۲۴ / ۱ / ۱۳۶۴.

گـاز خردل از گازهـای اعصـاب اسـتفاده کرد که تأثیر عمـده ای بر افزایش تلفات ایران داشت. همچنین عراق با افزایش تولید گازهای سارین و تابون، در عملیات فاو در سال ۱۳۶۵ به نحو گسترده ای از این گازها استفاده کرد. (۱) .

مجامع بین المللی و قدرت های بزرگ در اسـتفاده ی گسترده ی عراق از سـلاح های شیمیایی سکوت اختیار کردند و تنها در ۳۰ مارس ۱۹۸۴ م (۱۰ فروردین ۱۳۶۳) اولین واکنش را شورای امنیت از خود نشان داد ولی عراق به آن بی توجهی کرد. (۲)
.

پس از عملیات خیبر - که سوم اسفند ۱۳۶۲ آغاز شد - سـخنگوی وزارت خارجه ی امریکا اعلام کرد عراق در جنگ از گاز سمی اسـتفاده کرده است. (۳) در پی آن نیز امریکـایی هـا در مـارس ۱۹۸۴ م (اسـفند ۱۳۶۲) به کارگیری سـلاح شیمیایی را محکوم کردند (۴) واکنش امریکا در برابر عراق در حالی صورت گرفت که امریکا به دلیل نگرانی از شکست عراق در جنگ و شـکست امریکـا در خاورمیانه به دنبال برقراری ارتباط با عراق بود. به همین دلیل، جاناتان هوو، از اداره ی سیاسـی - نظامی وزارت خـارجه در نامه ی مورخ ۱ نوامبر ۱۹۸۳ م خطـاب به جرج شولتز نوشت: «عراق به صورت روزمره از سـلاح شـیمیایی اسـتفاده می کند و برای حفظ اعتبار سیاسـتمان در خصوص سلاح های شیمیایی باید به این مسئله اشاره کنیم.» ولی برای کاخ سفیـد اهمیت صـدام در مقابله با ایران بیش از اینها بود، لـذا در فرمان ریاست جمهوری شـماره ی ۱۱۴ مورخ ۲۶ نوامبر همان سال که به امضاء ریگان رسـید اشاره ای به این مسـئله نشـد. (۵) در نتیجه، پس از آنکه امریکـا عراق را در اسـتفاده از سـلاح شیمیایی محکوم کرد بلافاصـله رامسـفلد در سفر دوم خود به عراق در فروردین ۱۳۶۳ مایل بود به صدم توضـیح بدهد که این موضع گیری به گسترش مناسـبات دو کشور ارتباطی ندارد. آرمیتاژ بعدها در همین زمینه می گوید: «انگیزه ی اصلی واشنگتن به برقراری رابطه بـا عراق و نگرانی از پیروزی ایران در جنـگ بـا عراق سـبب شـد دولت امریکا واکنش در خور توجهی نشان ندهد.» (۶) روزنامه الشرق الاوسط به نقل از سند محرمانه ای در

۱- ۷۴۱. مأخذ ۱۵۹، ص ۳۹۲.

۲- ۷۴۲. مأخذ ۲۱۶، ص ۷۵.

۳- ۷۴۳. مأخذ ۲۱۶، ص ۵۵ و ۵۶.

۴- ۷۴۴. مأخذ ۱۵۹، ص ۵۷۴ و ۵۷۵.

۵- ۷۴۵. روزنامه انتخاب، ۲۶ / ۱۲ / ۱۳۸۱، ص ۶، ایل فولیو.

۶- ۷۴۶. مأخذ ۸۴، ص ۱۳۳.

گزارش خود می نویسد: «رضایت پنهانی امریکایی ها در استفاده عراق از سلاح های شیمیایی کاملا واضح و مشهود است و آن همسو با منافع امریکا ذکر شده است. همچنین صدام به استفاده از این سلاح تحریک و تشویق شده است.» (۱) .

دولت انگلیس نیز با وجود درخواست ایران برای محکوم کردن عراق در کاربرد سلاح های شیمیایی، هیچ واکنشی نشان نداد و این اتهام را رد کرد و یک نماینده ی مجلس انگلیس گفت: «ما انزجار خود را از به کارگیری سلاح های شیمیایی به هر دو طرف متخاصم اعلام کرده ایم!» (۲) یک مقام وزارت خارجه انگلیس نیز اعلام کرد: «دولت انگلیس مقررات صادرات مواد شیمیایی به ایران و عراق را سخت تر کرد.» (۳) .

استفاده از سلاح های شیمیایی به صورت تدریجی علاوه بر اینکه عنصری جدید را وارد معادلات نظامی کرد بر روند جنگ و نتایج عملیات ها تأثیر مهمی داشت. بنابر گزارش جمهوری اسلامی به کنفرانس خلع سلاح، تعداد حملات شیمیایی عراق از دی ماه ۱۳۵۹ تا اسفند ۱۳۶۶ جمعا ۲۴۲ مورد بود که قربانیان ۴۴ هزار نفر ذکر شده است. (۴) همچنین بنابر گزارش موجود عراق شش هزار بمب شیمیایی (۵) در جنگ علیه ایران به کار گرفت. (۶) .

در مجموع، کاربرد سلاح شیمیایی تأثیر عمده ای از نظر تلفات، ضایعات و تضعیف روحیه ی نظامیان و مردم ایران بر جنگ گذاشت. (۷) کردزمن درباره ی درس های استفاده از سلاح های شیمیایی در جنگ می نویسد: «وقتی نیروهای نظامی احساس کنند بی دفاع هستند ممکن است با تحمل تلفات محدود از مقاومت دست کشیده و فرار کنند. مردمی که از حملات شیمیایی در هراسند، ممکن است به راحتی از حمایت از جنگ دست بردارند.» (۸) .

ص: ۱۶۱

۱- ۷۴۷. مأخذ ۶۵، ص ۳۰۴.

۲- ۷۴۸. فصلنامه امنیت ملی، شماره ۲، زمستان ۱۳۷۸، ص ۱۰۵، دکتر محمد رضا سعید آبادی، روابط ایران و انگلستان در طول جنگ ۸ ساله، ترجمه پریسا کریمی نیا.

۳- ۷۴۹. مأخذ ۲۱۶، ص ۴۸ و ۴۹.

۴- ۷۵۰. مأخذ ۵۰، ص ۱۴۴.

۵- ۷۵۱. بغداد در پاسخ به هانس بلیکس، رئیس بازرسان تسلیحاتی، درباره ی شش هزار بمب شیمیایی مندرج در یک سند، مدارکی را نشان داده است که در جنگ علیه ایران به کار برده است. (روزنامه آفتاب، ۵ / ۱۰ / ۱۳۸۱، ص ۱۰).

۶- ۷۵۲. روزنامه آفتاب، ۵ / ۱۰ / ۱۳۸۱، ص ۱۰.

۷- ۷۵۳. مأخذ ۱۵۹، ص ۲۶۳.

۸- ۷۵۴. مأخذ ۱۵۹، ص ۵۷۷.

استراتژی ایران

اشاره

در ایران پس از عملیات خیبر در سطح استراتژی سیاسی و نظامی پرسش و تردیدهایی جدیدی به وجود آمد. علی رغم نگرانی امریکا از احتمال شکاف در خطوط دفاعی عراق و شکست سیاسی - نظامی در لبنان، به نظر می رسید ایران قدرت نظامی لازم را برای دستیابی به پیروزی بر عراق ندارد و در عین حال، ادامه ی جنگ برای ایران با توجه به افزایش فشارهای سیاسی - اقتصادی و بین المللی مخاطره آمیز بود.

حمایت های همه جانبه از عراق پس از فتح خرمشهر توان نظامی عراق را بسیار افزایش داد. سازمان رزم عراق نیز با تشکیل یگان های جدید گسترش یافت. به همین دلیل، به نظر می رسید تعادل نظامی به سود عراق تغییر یافته باشد. بنابر گزارش کمیته ی روابط خارجی سنای امریکا، مقامات عراقی نسبت به سال قبلی با اعتماد به نفس بیشتری درباره ی جنگ سخن می گویند و بخوبی در برابر حملات مکرر ایران مقاومت نموده اند (۱) .

در حالی که به نظر می رسید اگر ایران بتواند همزمان در چندین نقطه از جبهه حمله کند عراق آسیب پذیر خواهد بود، (۲) ولی توان نظامی ایران با اهداف و ضرورت های مورد نیاز تناسب نداشت و عراقی ها نیز با توجه به افزایش فاصله زمانی اجرای عملیات های بزرگ ایران که در گذشته حداکثر تا سه ماه به طول می انجامید و پس از والفجر ۱ به یازده ماه افزایش یافت، چنین نتیجه گرفتند که از قدرت تهاجمی ایران کاسته شده است. متقابلا «عراقی ها نیز گرچه در دفاع در برابر حملات ایران نسبتا موفق بودند ولی از ضعف های عمده ی عراق ناتوانی آن ها در ضد حمله بود.» (۳) .

کردزمن در تجزیه و تحلیل تأثیر عملیات خیبر و بدر بر رهبری عراق و ایران نتیجه می گیرد: «پیروزی های اولیه این باور را در ایرانیان به وجود آورد که می توانند بر برتری تسلیحاتی و تکنولوژی عراق فائق آیند، در صورتی که در نقطه مناسب دست به حمله بزنند و از شور انقلابی به خوبی بهره گیرند و به نقطه مورد هدف فشار وارد نمایند. ایران باور داشت که در جنگ فرسایشی و

ص: ۱۶۲

۱- ۷۵۵. مأخذ ۲۷، ص ۲۲.

۲ - ۷۵۶. روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، «گزیده مطبوعات جهان»، دی ۱۳۶۳، ص ۱۹، آنتونی کردزمن، بحران خلیج فارس و منافع استراتژیک، تحلیل نظامی چاپ امریکا، تابستان ۱۹۸۴.

۳- ۷۵۷. همان.

قرار دادن عراق در موقعیتی که دیگر قادر به ادامه جنگ نباشد، موفق بوده است. عراق نیز به سهم خود به این نتیجه رسیده بود که استراتژی و تاکتیک های اصلی اش درست بوده و کشور همچنان می توانـد بر تکنولوژی، ضد حملات و مواضع پدافندی ثـابت خـود متکی باشـد. بـه همین دلیـل، عراق بیش از هر چیز بر افزایش اتکـاء به تکنولـوژی اصـرار می ورزیـد.» (۱) از نظر کردزمن وضعیت فعلی هیچ گونه شانسی برای پیروزی هیچ یک از طرفین ندارد. (۲) .

پس از عملیات خیبر آقای هاشـمی رفسـنجانی درباره ی تجزیه و تحلیل وضعیت سیاسی - نظامی و ضرورت تصمیم گیری، در جمع فرمانـدهان ارتش و سپاه توضـیحاتی می دهـد که مهم است. ایشان می گویـد: «ما الان وضع امکانات و درآمـدمان نمی کشـد، بسـختی خودمـان را تجهیز یـا کالایی را فراهم می کنیم. مـدتی است زیر خط قرمز قرار دادیم. از نظر نظامی و امکانات مربوطه مشکل داریم، الان فشار اقتصادی می آورند و نفت ما را نمی خرند. الان ما از موضع ضعیفی حرکت می کنیم و ظرف دو ماه گذشـته قدرت خرید ما مقدار زیادی پایین آمده، امکان فروش نفت در آن سطحی که می خواهیم نیست. اینها در طول زمان برای کشور مشـکل است.» (۳) ایشان اضافه کرد: «دشـمن محاسـبه کرده و امکان ارزی ما را می داند. بعد از زدن کشتی ها درآمد ما پایین آمده، ۵ / ۲ میلیون بشـکه صدور نفت به زیر ۲ میلیون رسیده، قیمت هر بشکه ۲۴ دلار است که ۵ / ۲ دلار ارزانتر شده است. اسـکله خارک زده شده و خسارت زیادی داشته است و فشار دشمن روز به روز بر ما بیشتر خواهد شد.» (۴) .

آقـای هاشـمی پس از تجزیه و تحلیـل اوضـاع اقتصادی و بیان کاهش توان کشور برای اداره ی جنگ، درباره ی تأثیر عملیات نظـامی می گویـد: «تـا یک ضـربه می زنیم شـرایطمان بهتر می شود، اما رکود که پیـدا می شود، وضع کم کم بـدتر می شود. ممکن است روزی به جـایی برسـیم که زانو بزنیم، کشور نتوانـد خودش را برسانـد آن وقت افتخارات جنگمان از دسـتمان می رود و حماسه ای

۱- ۷۵۸. مأخذ ۱۵۹، ص ۲۳۴.

۲- ۷۵۹. مأخذ ۲۵۲، ص ۱۳، امریکن افرز چاپ امریکا، تابستان ۱۹۸۴.

۳- ۷۶۰. مرکز مطالعـات و تحقیقـات جنـگ، گزارش «مسائل اساسـی جنگ و سـپاه پس از عملیات بـدر»، نوار جلسه قرارگاه خاتم الانبیاء (ص)، ۲۶/ ۲ / ۱۳۶۴، ص ۸.

۴- ۷۶۱. مأخذ ۱۳۴، ص ۹۷.

که در دنیا خلق کردیم، نخواهیم داشت و دشمن نیز همانند غول می ماند.» (۱) .

در چنین وضعیتی از نظر آقای هاشمی زمان برای تصمیم گیری بسیار مهم است؛ چون دنیا پیروزی مطلق ما را نمی پذیرد و لذا به مرور بر ما فشار می آورد. (۲) ایشان با توجه به بحث هایی که درباره ی اجرای عملیات صورت گرفت در جمع فرماندهان جنگ گفت: «چند راه حل وجود دارد. با اعتبار نظامی که داریم جنگ را تمام کنیم و همه دست ما را می بوسند. اگر کسی نظرش این است که نمی شود بجنگیم، حالا باید تصمیم گرفت. اگر بخواهید بجنگید، باید یک طرح به تمام معنا کاملی پیدا کنیم که در آن طرح پیروز بشویم. می توانیم چنین طرح کامل سرنوشت سازی تهیه بکنیم یا نه؟» سپس آقای هاشمی به تصوری که از توان نظامی ارتش و سپاه داشت اشاره می کند و می گوید: «من تصورم از شما این بوده که ۵۰ کیلومتر می توانید جلو بروید لکن در طلائیه ۱۳ کیلومتر بیشتر جلو نرفتید.» (۳) .

آقای هاشمی پس از اینکه نظریات ارتش و سپاه را جمع بندی کرد ضمن تشکر از شجاعت اخلاقی فرماندهان سپاه، به عناصر اصلی استراتژی ایران، که پس از فتح خرمشهر انتخاب شد، (۴) تأکید کرد: «اگر از این همه نیرو که در اینجا جمع کرده ایم بتوانیم یک خطی مقابل دشمن بکشیم (از کنار اروند تا نزدیک مرز کویت) زحمات چهار ساله جنگ اینجا به نتیجه می رسد. اگر موفق به شکافتن موضع دشمن بشویم بعد از آن به جنگ مهمی نیاز نداریم؛ شکل جغرافیایی جنگ عوض خواهد شد. ما دیگر هیچ عجله ای برای هیچ کاری نداریم. عربستان تحت فشار قرار می گیرد که امکاناتش را برای پایان گرفتن جنگ به خدمت بگیرد. اگر بتوانید خط را قطع کنید دیگر جنگ

۱- ۷۶۲. مأخذ ۱۳۴، ص ۹۷.

۲- ۷۶۳. نشریه تاریخ جنگ، «گزارش والفجر ۸ انجام نشده»، محمد درودیان، دفتر سیاسی سپاه پاسداران، آذر ۱۳۶۳، آقای هاشمی رفسنجانی، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۳.

۳- ۷۶۴. مأخذ ۱۳۴، ص ۹۸ و ۹۹.

۴- ۷۶۵. آقای هاشمی در جلسه ی قرارگاه خاتم درباره ی استراتژی ایران پس از فتح خرمشهر می گوید: «ما بعد از فتح خرمشهر سیاستی را انتخاب کردیم که یک جایی را از دشمن بگیریم که در صورت ادامه جنگ، برای دشمن اهمیت داشته باشد و نتواند تحمل کند. در این صورت اگر جنگ متوقف هم بشود ما می توانیم امتیازاتی از دشمن بگیریم.» (نوار شماره ۳۶۴، ۱۴ / ۱۰ / ۱۳۶۴، پاورقی از آغاز تا پایان، ص ۳۰).

نخواهد بود.» (۱) آقای هاشـمی بر این نظر بود که در صورت کسب پیروزی، جنگ از نظر نظامی به پایان خواهد رسید و کار در جبهه ی سیاسـی دنبال خواهـد شـد. چنانکه می گوید: «ما به پیروزی خواهیم رسـید و مقدماتش در حال فراهم شدن است. قدم های بعدی ما سیاسی – نظامی است. نظامی محدود است.» (۲) .

تجزیه و تحلیل آقای هاشمی از اوضاع سیاسی – نظامی (۳) و اقتصادی ضرورت تغییر در استراتژی جنگ و انتخاب گزینه های جدید را بیان می کرد به عبارت دیگر، امکان پیگیری اهداف و استراتژیی که پس از فتح خرمشهر انتخاب شده بود، با توجه به تغییر در وضـعیت سیاسـی – نظـامی و اقتصـادی ایران و عراق، ممکـن نبـود. ولی بـه نظر می رسـید آقـای هاشـمی همچنـان به استراتژی پیشـین تأکید دارد. متقابلا این تفکر وجود داشت که مشـکل اساسـی، استراتژی جنگ است که ماهیتا سیاسی است و برای عملیـات گسـترده و جنـگ درازمـدت پشتیبـانی لازم صورت نمی گیرد و نتیجه ی روزمرگی در اجرای عملیـات نظـامی موجب فرسایش توان و ناکامی های پی درپی شده است.

در هر صورت، این اتفاق نظر وجود داشت که ادامه ی جنگ با وضعیت کنونی ممکن نیست. در نتیجه، در عرصه ی سیاسی و نظـامی تغییراتی صـورت گرفـت که آثـار و پیامـدهای آن تـدریجا، به ویژه در سـال ۱۳۶۵، آشـکار شد. در حوزه ی سیاسـت خارجی تغییرات جدیـدی به وجود آمـد که به «سـیاست درهای باز» مشـهور شد که یکی از پیامدهای آن شـکل گیری روابط پنهانی و مذاکرات ایران وامریکا بود.

۱- ۷۶۶. مأخذ ۲۵۹، ص ۱۱۳ تا ۱۱۶.

۲- ۷۶۷. مأخذ ۲۵۹، ص ۱۱۳ تا ۱۱۶.

۳- ۷۶۸. ارزیابی و جمع بندی جدید آقای هاشمی از توان نظامی موجود ارتش و سپاه بر پایه ی نتیجه عملیات خیبر بوده است و بحث و بررسـی برای تصـمیم گیری دربـاره ی عملیات جدیـد در منطقه ی فاو، که امام به تازگی ایشان را به عنوان فرمانـده عالی جنگ منصوب کرده بود، مهم بود و در ادراک و تصمیمات ایشان نقش تعیین کننده ای داشت.

سیاست خارجی درهای باز

در سال ۱۳۶۳ دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه مباحثی را در حوزه ی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان «سیاست درهای باز» طرح کرد که بخشی از نتایج آن در کتاب مقولاتی در سیاست خارجی نوشته ی محمد جواد لاریجانی و گزارش سمینار در سال های ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ منتشر شد.

در سیاست خارجی ایران رویکرد جدیدی شکل گرفت که متأثر از عوامل مختلفی بود. طولانی شدن جنگ و گسترش دامنه آن با افزایش فشار به ایران و متقابلا ناتوانی ایران برای کسب پیروزی در جنگ، تدریجا گزینه های جدیدی را در حوزه ی سیاست خارجی فرا روی تصمیم گیرندگان قرار داد. آقای رضایی می گوید: «برداشت جدید از توان نظامی ایران به گونه ای بود که حتی بعضا از ما خواسته می شد که اگر توانایی جنگ نداریم برویم به امام بگوییم که نمی توانیم بجنگیم. این ایده آل و آرزوی کسانی بود که احساس می کردند واقعا نمی شود جنگید. این تفکر از کجا حاصل شده بود؟ از اینکه احساس ناتوانی در جنگ می شد.» (۱) .

علاوه براین، بر عادی سازی روابط با کشورها تأکید می شد: «روابط با هر کشوری عادی می شود مگر دلیل خاصی آن را محدود کند.» (۲) همچنین درباره ی ضرورت فعالیت ایران در مجامع بین المللی چنین استدلال می شد که «لازمه ی دیپلماسی ارتباط است اگر ما نباشیم در غیاب ما سرنوشت ما رقم زده می شود ولی اگر باشیم به قدر لیاقت و کارمان در تعیین سرنوشتمان دخالت خواهیم داشت.» (۳) چنانکه وزیر خارجه ی وقت ایران در مجلس شورای اسلامی بر همین موضوع تأکید کرد. (۴) .

در این مرحله، ماهیت قدرت عراق تجزیه و تحلیل شد و این نتیجه گرفته شد که کمک های تسلیحاتی فرانسه و حمایت های مالی کشورهای عربی و همکاری گسترده ی عراق با شوروی (سابق) و امریکا موقعیت بی نظیری را برای عراق در عرصه های نظامی - سیاسی و بین المللی به وجود آورده است. تغییر توازن نظامی به سود عراق و دشواری های کسب پیروزی بر عراق و مهم تر از آن اجماع و توافق بین المللی در حمایت این کشور برای حمله به مناطق

۱- ۷۶۹. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، مصاحبه راویان با فرمانده وقت سپاه، ۳ / ۵ / ۱۳۶۵، ص ۲۲.

۲- ۷۷۰. مأخذ ۱۳۴، ص ۱۲۲، محمد جواد لاریجانی.

۳- ۷۷۱. مأخذ ۱۳۴، ص ۱۲۲، سیروس ناصری.

۴- ۷۷۲. مأخذ ۱۳۴، ص ۱۲۲، سیروس ناصری.

غیرنظامی ایران، انهدام زیر ساخت ها و منابع اقتصادی ایران و استفاده از سلاح های شیمیایی، مجموعا ایران را در وضعیت بسیار دشواری قرار داده بود که تحقق استراتژی این کشور ممکن نبود.

در پی این ارزیابی، با فرانسه روابط جدیدی به وجود آمد و بهبود مناسبات با عربستان موجب شد تا سعود الفیصل به ایران سفر کند و روس ها نیز مواضع جدیدی را اتخاذ کردند. چنانکه از تحویل موشک اس - ۱۲ به عراق خودداری کردند و متقابلاـ امکان دستیابی به موشک اسکاد را برای ایران از طریق لیبی فراهم کردند. روس ها همچنین مسئله ی حزب توده را مسئله ی داخلی ایران ذکر کردند. (۱) .

همچنین گسترش همکاری با دبیر کل سازمان ملل، تحرک سازمان ملل را افزایش داد و به کارگیری سلاح های شیمیایی را در جنگ در فروردین ۱۳۶۴ محکوم کرد. آقای هاشمی به این اقدام سازمان ملل واکنش نشان داد و گفت برای اولین بار است که در سازمان ملل به واقعیت جنگ توجه می شود. (۲) .

سفر گنشر، وزیر خارجه وقت آلمان، به ایران در تیرماه ۱۳۶۳ نقطه ی آغاز مناسبات جدید ایران با اروپا بود و به ویژه زمینه مذاکره ی پنهانی میان ایران و امریکا و نقش فعال ایران را در حل معضل گروگان گیری غربی ها در لبنان شکل داد.

گزارش آقای هاشمی در نماز جمعه ی تهران از نتیجه ی سفر گنشر به ایران، تا اندازه ای محورهای مذاکره و سطح تعاملات دو کشور و نقش جدید ایران را آشکار می کند. در این ملاقات گنشر گفت: «ما چند مسئله داریم یکی جنگ است، یکی حقوق بشر و یکی روابط خودمان.» آقای هاشمی در پاسخ گفته است: «ما گفتیم اتفاقا هر سه مسئله خوب است. درباره ی مسئله جنگ توضیحاتی دادیم که همین نتیجه شد که عراق متجاوز شد.» (۳) راه حل های پایان جنگ نیز در این ملاقات مورد بحث و گفت وگو قرار گرفت و آقای هاشمی در مصاحبه ی با خبرنگاران آلمانی در این باره گفت: «وزیر خارجه آلمان با صراحت پذیرفت که رژیم عراق متجاوز است و اگر این نظر رسما و به طور صریح اعلام شود خود تحولی است.» گنشر نیز گفت: «برای درک مسائل

ص: ۱۶۷

۱- ۷۷۳. نک آغاز تا پایان، ص ۱۲۱ و ۱۲۲.

۲- ۷۷۴. همان، ص ۱۲۳.

۳- ۷۷۵. خطبه های جمعه سال ۶۳، ص ۳۰۴، خطبه دوم ۵ / ۵ / ۱۳۶۳.

انقلاب و مردم انقلابی، خواهان مذاکرات سیاسی با مسئولان جمهوری اسلامی هستیم.» (۱) با توجه به روند مذاکرات، آقای هاشمی در نماز جمعه ی تهران گفت: «وضع عراق مثل وضع سال ۱۳۵۷ انقلاب اسلامی ایران است. مجموعه ی شرایط صدام امروز مثل شرایط محمد رضا پهلوی در اواخر سال ۱۳۵۶ و اوایل سال ۱۳۵۷ است.» (۲) .

بر اساس این مذاکرات برای ایران این تصور به وجود آمد که تغییرات جدیدی در غرب درباره ی نگرش به ایران و جنگ ایران و عراق به وجود آمده است و توافق برای حذف صدام ممکن است. آقای هاشمی پذیرفتن این نکته را که صدام متجاوز است دلیل صحت این تحلیل می داند. ایشان می گوید: «یک مدتی بوی این مسئله می آید که دنیا و کشورهای همسایه، عاقل شده باشند و بپذیرند که حزب بعث به پای میز محاکمه کشیده شود و از حکومت خلع شود و ملت عراق آزاد شود و جمهوری اسلامی هم به حق خود برسد.» (۳) ایشان معتقد بود: «سیاست ایران صلح پایدار است و اگر حزب بعث در بغداد باشد می خواهد از جنایات چند سال گذشته خود دفاع کند و اگر اعتراف کند به اینکه مقصر است باز هم نمی تواند بماند؛ بنابراین، با ماندن صدام و حزب بعث، محال است در منطقه صلح پایدار به وجود آید. ما باید ریشه ی این تشنج را قطع کنیم. کشورهای همسایه این مسئله را بپذیرند و آماده باشند و با ما همکاری کنند تا ریشه ی این فشار برداشته شود و صلح پایدار تحقق یابد و ما هم به حق خود برسیم.» (۴) .

با فرض صحت ارزیابی ایران درباره ی موافقت حامیان صدام برای حذف وی، به نظر می رسید تحولی اساسی دارد روی می دهد. در واقع، اگر این تمایل و توافق پس از فتح خرمشهر حاصل می شد، زمینه ی روانی - سیاسی و حقوقی اتمام جنگ فراهم می شد، لیکن برداشت حامیان صدام از قدرت نظامی ایران، احتمال پیروزی این کشور و پیامدهای آن در داخل عراق و در سطح منطقه از شکل گیری زمینه ی اتمام جنگ مانع شد. ولی به نظر می رسد توقف پیشروی ایران تا اندازه ای نگرانی های اولیه را برطرف کرد.

۱- ۷۷۶. همان، ص ۲۷۴.

۲- ۷۷۷. همان، ص ۲۶۳، خطبه دوم ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۳.

۳- ۷۷۸. همان، ص ۳۳۸، خطبه دوم ۲۶ /۵ / ۱۳۶۳.

۴- ۷۷۹. همان، ص ۳۳۸ و ۳۳۹.

در عین حال، برخی از مواضع و اظهار نظرها مهم بود. آقای هاشمی قبل از سفر به چهار کشور سوریه، لیبی، چین و ژاپن در تابستان سال ۱۳۶۴ طی تحلیلی به کشورهایی که عراق را برای جنگ تحریک کردند، به آن سلاح دادند و از حزب بعث حمایت کردند تا سقوط نکند اشاره کرد و گفت: «آن روزی که مطمئن بشوند جمهوری اسلامی می خواهد پیروز شود ممکن است هر چه دارند نیز به کار ببرند.» (۱) آقای هاشمی درباره ی چالش موجود و ماهیت سیاست های ایران و حامیان عراق می گوید: «هدف ما اسقاط نظام صدام و حاکمیت اسلام در منطقه است و هدف دشمن جلوگیری از این است و با حالت دفاعی قصد دارد جمهوری اسلامی را در مرزهای خودش محدود کند.» (۲) .

آقای هاشمی پس از عملیات بدر به موضوعی اشاره می کند که نشان می دهد روند تعاملات حاصل از سیاست خارجی ایران، دارد نتیجه می دهد. ایشان خطاب به مردم به وعده ی ایران درباره ی سقوط صدام اشاره می کند و می گوید: «آن کاری که ما تا به حال وعده می دادیم یکی از مقدمات مهمش، شرایط داخلی عراق و شرایط بین المللی بود (۳) که در حال فراهم شدن است.» ایشان درباره ی شرایط داخلی می گوید: «اطلاعات فراوانی در دست ما هست که الان در رده ی بالای نظامی، رده های بالای اقتصادی و حزب بعث مسئله به طور جدی مطرح است که تا کی باید به خاطر صدام و چند نفر این همه مشکلات را تحمل بکنیم؟» ایشان اضافه می کند:«این مسئله الان در بغداد مسئله ایی بسیار جدی است. از آن هم بالاتر در کشورهای حامی بغداد این مسئله مطرح هست، آمده اند و با ما مطرح کرده اند که شما با رفتن صدام راضی می شوید یا چیزهای دیگری می خواهید؟» (۴) .

آقای هاشمی پس از اتمام سفر به چهار کشور سوریه، لیبی، چین و ژاپن درباره ی نتیجه ی این سفر و تأثیر آن بر سرنوشت انقلاب و اسلام (۵) و اهدافی که طرفین داشتند (۶) گفت: «در سوریه و لیبی هدف «توسعه ی روابط» بود و درباره ی سرنوشت و آینده انقلاب و حکومت آینده ی و مسائل مردم آن کشور با هم مشورت کردیم تا در برابر حوادث عراق غافلگیر نشویم.» (۷) .

۱- ۷۸۰. خطبه های جمعه سال ۶۴، جلد ۱۳۷۷،۸، ص ۱۶۷ و ۱۶۸، خطبه دوم، ۲۰ / ۲ / ۱۳۶۴.

۲- ۷۸۱. همان، ص ۶۴ و ۶۷، خطبه دوم، ۱۳۶۴/۱/۹.

۳- ۷۸۲. همان، ص ۵۷، خطبه دوم،۹ / ۱ / ۱۳۶۴.

۴- ۷۸۳. همان، ص ۵۷، خطبه دوم، ۹ / ۱ / ۱۳۶۴.

۵- ۷۸۴. همان، ص ۲۶۳، خطبه دوم، ۲۱ / ۴ / ۱۳۶۴.

۶- ۷۸۵. همان، ص ۲۶۴، خطبه دوم، ۲۱ / ۴ / ۱۳۶۴.

۷- ۷۸۶. همان، ص ۲۶۴، خطبه دوم، ۲۱ /۴/ ۱۳۶۴.

در سفر به سوریه با توجه به حادثه ی گروگان گیری هواپیمای امریکایی تی.دبلیو.ای(T.W.A)، آقای هاشمی برای حل این موضوع وساطت کرد که بازتاب آن بسیار وسیع بود. آقای هاشمی بعدها درباره ی تأثیر این سفر و نقش ایران در آزادی گروگان های امریکایی در لبنان در مصاحبه ای می گوید: «تورگوت اوزال از ترکیه، دبیر کل سازمان ملل متحد آقای خاویر پرزدکوئیار و نخست وزیر ژاپن با ما صحبت کردند که شما از نفوذ خودتان در لبنان استفاده کنید و مشکل گروگان های امریکایی را حل کنید.» (۱) آقای هاشمی درباره ی واکنش امریکا از اقدام ایران می گوید: «وعده هم دادند که اگر این کار انجام شود، امریکا اقدامات بزرگی (۲) به نفع ایران خواهد کرد.» (۳) به نظر می رسد پیامدهای دیپلماتیک در این سفر و آنچه قبل و بعد از آن صورت گرفت، ایران را متقاعد کرد که کار بزرگ برداشتن صدام است که انجام خواهد شد.

آقای هاشمی سفر به چین و ژاپن را «تحرک دیپلماسی خارجی» دانست، زیرا در دنیا ایران را طرفدار تروریسم می دانستند و قدرت نظامی عراق را بزرگ جلوه می دادند و ما را در دنیا منزوی معرفی کرده بودند که ما از لحاظ سیاست جهانی، در دنیا مقبولیت نداریم و دنیا ما را قبول ندارد. (۴) به همین دلیل هر کشوری ممکن بود فکر بکند آیا مصلحت است روابط اقتصادی، دوستی سیاسی و آمد و رفت با جمهوری اسلامی داشته باشد. (۵) .

ایشان به ضرورت خروج ایران از انزوا اشاره می کند و می گوید: «با مشورت امام و تصمیم گیری با حضور ریاست جمهور، نخست وزیر و ریاست دیوان عالی کشور به نتیجه رسیدیم با توجه به گذشته و آنچه در پیش داریم و مسائل جنگ، نیاز داریم با دوستان جدی و سالمی در دنیا همکاری بکنیم. در تشخیص ما چین و ژاپن دو کشوری بودند که می توانستند برای ما دوستان و همکاران صمیمی باشند. (۶) در این سفر با ارائه ی توضیحاتی، تأکید کردیم راه صحیح ختم ریشه ای جنگ است (۷) و این با آتش بس حل نمی شود. (۸) .

۱- ۷۸۷. مسعود سفیری، حقیقت ها و مصلحت ها، گفت وگو با هاشمی رفسنجانی، نشر نی، ۱۳۷۸، ص ۶۱.

۲- ۷۸۸. به نظر می رسید این برداشت خاصی از اقدامات بزرگ داشت ولی نظر امریکایی ها چیز دیگری بوده است.

۳- ۷۸۹. همان.

۴- ۷۹۰. همان، ص ۲۶۵ و ۲۶۶.

۵- ۷۹۱. همان، ص ۲۶۵ و ۲۶۶.

۶- ۷۹۲. همان، ص ۲۶۷.

۷- ۷۹۳. همان، ص ۲۷۲.

۸- ۷۹۴. همان، ص ۲۷۱ و ۲۷۲.

آنـان قانع شدنـد که هیـچ راهی جز اینکه ریشه ی جنگ در منطقه خاورمیانه سوزانـده بشود و امنیت واقعی در منطقه به وجود بیاید، وجود ندارد (۱) و آن ها فهمیدند ما قصد کشورگشایی نداریم، قصد اشغال اراضی دیگران (۲) را نداریم و این برایشان جالب و جذاب بود.» (۳) .

آقای هاشمی دستاورد این سفر را خروج ایران از فضای روانی - سیاسی پیشین و دستیابی به نوعی توافق درباره ی مسائل کلی منطقه و آینـده ی عراق ارزیـابی کرد. ایشان مـدتی بعـد گفت: «از ملاقات ها و مـذاکره ها و اطلاعات پشت پرده ای که ما از جاهای مختلفی داریم، معلوم می شود مسئله ای که باید برای آینده ی عراق فکری کرد الان به طور جدی دارد در دنیا مطرح می شود و این شاید از دستاوردهای مرحله ی جدید جنگ باشد.» (۴) .

تغییر در استراتژی عملیاتی

نتیجه ی عملیات خیبر بیش از آنکه در عرصه ی نظامی تأثیرگذار باشد و در استراتژی عملیاتی، تاکتیک ها و میزان پشتیبانی و تخصیص نیرو و امکانات تغییر ایجاد کنـد، به تغییر در عرصه ی سیاست خارجی منجر شـد. در عین حال، پیشرفت کار در عرصه ی دیپلماسی، بـدون موفقیت در عرصه ی نظامی ممکن نبود و در واقع، موقعیت سیاسی ایران از پیروزی نظامی متأثر بود.

در حالی که تلاش های دیپلماتیک با مذاکرات پنهان دنبال می شد و ایران به این نتیجه رسیده بود که احتمال توافق بر حذف صـدام وجود دارد، فشار برای اجرای عملیات سبب شد تا انـدازه ای نتایج اولیه حاصل از عملیات خیبر و ضرورت تغییرات اساسی، نادیـده گرفته شود. در واقع، چنین تصور شـد که بـا امکانات موجود می توان عملیات انجام داد و در صورت پیروزی در عملیات، رونـد پیشرفت در عرصه ی سیاسی برای حـذف صـدام تسریع خواهـد شد. آقای هاشـمی در همین زمینه ی می گویـد: «به نظر ما این طور می آیـد بـدون یک پیروزی قاطع نظامی و بدون اینکه آن ها مأیوس شدند از اینکه بتوانند صدام را از دست ما نجات دهند، آماده پذیرش انقلاب اسلامی در عراق و پیروزی ملت

۱- ۷۹۵. همان، ص ۲۷۱ و ۲۷۲.

۲- ۷۹۶. همان، ص ۲۷۳.

۳- ۷۹۷. همان، ص ۲۷۳.

۴- ۷۹۸. همان، ص ۳۴۳ و ۳۴۴.

عراق نخواهند شد لذا ما باید خود را برای نجات مردم عراق و کیفر دادن متجاوز و جنگ افروز آماده کنیم که آن ضربه ی نهایی نظامی را اول وارد کنیم و بعد نتیجه ی سیاسی و انقلابی را بتوانیم از آن بگیریم.» (۱) .

عملیات بدر بر اساس پیوستگی اهداف سیاسی جنگ با اقدامات نظامی طراحی و در اسفند ۱۳۶۳ اجرا شد. فرمانده ی وقت سپاه پس از عملیات بدر درباره ی این موضوع می گوید: «انتخاب منطقه ی هور برای اجرای عملیات بدر اساسا به این دلیل بود که باید می جنگیدیم و اگر متوقف می شدیم کلاف سردرگم بن بست جنگ پیچیده تر می شد.» ایشان اضافه می کند: «باید به هر قیمتی شده می جنگیدیم، توقف در جنگ فرو رفتن در منجلاب را به دنبال داشت.» (۲) .

برخلاف عملیات خیبر که انتخاب منطقه، به منزله ی غافلگیری در تاکتیک و مکان بود، عملیات بدر هدفش پیشروی در شرق و غرب رودخانه ی دجله بود که به نوعی در ادامه ی عملیات خیبر و بیشتر برای رفع نارسایی های عمده ی تاکتیکی و عملیاتی (۳) انجام شد و لذا از نظر تاکتیکی، مکان و احتمالا زمان غافلگیری وجود نداشت و به فاصله ی یک سال دشمن با تشکیل سپاه ششم و مسلح کردن زمین منطقه کاملا آماده بود.

عملیات بدر در وضعیتی با ناکامی همراه شد که در آستانه ی عملیات، عراق برای اولین بار جنگ شهرها را با حمله به تهران آغاز کرد. صدام پیش از این درباره ی شرایط عراق و هدف از حمله به شهرها گفت: «ما دو راه بیشتر نداریم یا مصالحه یا اینکه برای حل مسئله ی جنگ باید شهرهای ایران را بزنیم.» (۴) بنابراین، پیروزی در عملیات بدر با استقرار نیروها در کنار رودخانه ی دجله و دسترسی به هورهای پشت منطقه و تهدید بصره، می توانست علاوه بر تحقق استراتژی ایران، (۵) پیامدهای حمله ی عراق را به شهرها خنثی کند، ولی به گفته ی فرمانده ی وقت سپاه، تفوق استراتژیک دشمن مانع از پیروزی های اولیه شد و اگر نیرو و امکانات داشتیم وضعیت تفاوت می کرد. (۶) .

۱- ۷۹۹. خطبه های جمعه سال ۶۳، جلد ۷،۱۳۷۷، ص ۳۹ و ۴۰، خطبه دوم، ۶ / ۷ / ۱۳۶۳.

۲- ۸۰۰. مأخذ ۲۶۳.

۳- ۸۰۱. مأخذ ۱۵۹،ص ۲۰۷.

۴- ۸۰۲. مأخذ ۱۳۴، ص ۱۱۰.

۵- ۸۰۳. مأخذ ۲۶۳، ص ۲۵.

۶- ۸۰۴. مأخذ ۲۶۳، ص ۲۵.

شکست در عملیات بـدر به دلیل تحلیلی که از دلایل اجرای آن وجود داشت و همچنین پیامدهای سیاسـی - نظامی آن، صـرفا شکست در یک عملیات ارزیابی نشـد، بلکه به منزله ی شـکست در استراتژی حرکت محـدود و شـتابزده بود. این استراتژی بر اساس خط مشی کلی جنگ پس از فتح خرمشهر دنبال می شد. (۱) بدین شکل که بدون تأمین نیازهای مورد نظر برای اجرای عملیات گسترده، بر تضمین کسب پیروزی تأکید و فشار وارد می شد.

پس از عملیات بـدر، مباحث گسترده ای در سپاه با حضور فرماندهان جنگ صورت گرفت و بر اساس تجربیات عملیات های رمضـان، والفجرهـا و حتی خیبر و بـدر این نتیجه حاصـل شـد که با مقـدورات و امکانات حاضـر، عملیات گسترده نمی توانیم داشته باشیم (۲) و ادامه ی جنـگ به روش پیشـین و بر اسـاس استراتژی دستیابی به یک پیروزی به بن بست رسـیده است. (۳) غلامعلی رشـید در این زمینه چنین جمع بنـدی می کنـد: «مسـئولان جنگ می گوینـد جنگ، جنگ تا یک پیروزی و سه سال است که مـا بر این خط عمـل کرده ایم. مـا در این خط به بن بست رسـیدیم. اگر بـاز هم اینگونه حرکت کنیم، بـاز هم نتیجه همان است.» (۴) .

طی مباحث طولانی وضعیت موجود تجزیه و تحلیل و بر این موضوع تأکید شد که در وضعیت ادامه ی نبرد باید تغییراتی انجام پذیرد شامل:

- تغییر در استراتژی جنگ؛

- ایجاد فرماندهی واحد در جنگ؛

- گسترش سازمان رزم؛

- افزایش توان از جهت امکانات، تجهیزات و نیرو. (۵) .

کاهش توان ایران در برابر عراق از نظر نظامی دو پیامد اساسـی داشت؛ نخست آنکه غافلگیری و تجزیه ی قوای دشـمن ممکن نبود. همچنین در صورت پیروزی بـا شکسـتن خطوط دفـاعی دشـمن، به دلیـل ضـعف توان و امکانـات، امکان اسـتفاده از این پیروزی وجود نداشت و دشمن بلافاصله با تمرکز قوا مناطق تصرف شده را باز پس می گرفت.

توان دشمن پس از عملیات بدر مجددا بازبینی شد و نتایج زیر حاصل گردید:

۱- ۸۰۵. مأخذ ۲۵۶، ص ۲۹ و ۳۰.

۲- ۸۰۶. مأخذ ۲۵۶، ص ۳۸، رحیم صفوی.

۳- ۸۰۷. مأخذ ۲۵۶، ص ۳۸، غلامعلی رشید.

۴- ۸۰۸. مأخذ ۲۵۶، ص ۳۸، غلامعلی رشید.

۵- ۸۰۹. مأخذ ۲۵۶، ص ۲۹.

قبل از آغاز جنگ توان نیروی زمینی دشمن شامل سه سپاه و دوازده تیپ مستقل بود ولی در طول پنج سال جنگ علی رغم خساراتی که متحمل شد با احضار متولدان ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۷ تیپ های جدید سه رقمی با سریال های ۵۰۰، ۶۰۰، ۷۰۰ و ۸۰۰ تشکیل داد و تعداد سپاه های خود را از سه به هفت سپاه افزایش داد. (۱) به گونه ای که مجموع نیروهای پیاده ی ارتش عراق به ۵۵۰ گردان با ۱۲۰ گردان توپخانه رسید. (۲) .

در حالی که جمعیت ایران سه برابر عراق بود و همچنین موضوع از نظر کارشناسان به معنای توان ایران برای ادامه ی جنگ طولانی و برتری این کشور بر عراق ارزیابی می شد، ولی در عمل عراق با گسترش سازمان رزم و جذب و سازماندهی نیرو، برتری بسیاری بر ایران پیدا کرد. در حالی که ما حداکثر با صد گردان نیرو حمله می کردیم، دشمن قادر بود با سیصد گردان نیروی آزاد با ما مقابله کند. توان سپاه حداکثر هشتاد گردان نیرو بود که برای هفت روز جنگ کارایی داشت و در اوضاعی که توان ما به اتمام می رسید دشمن با بیست تا سی لشکر حملات خود را آغاز می کرد. (۳) .

در سایر زمینه ها نیز دشمن برتری های مهمی داشت. اگر ایران در عملیات صد هزار گلوله مصرف می کرد، دشمن با یک تا دو میلیون گلوله جواب می داد. آسمان هم مطلقا در اختیار دشمن بود. (۴) .

بنابراین چنین نتیجه گرفته شد که ایران با این توان نمی تواند دشمن را غافل گیر کند و قطعا باید توان آن دو تا سه برابر شود تا با بخشی از آن دشمن را فریب بدهد و با بخش دیگر به طور جدی علیه دشمن عملیات کند. (۵) این مهم بدون اینکه کشور وارد جنگ شود و پشتیبانی افزایش یابد ممکن نبود. (۶) در واقع، در برابر برتری دشمن باید علاوه بر افزایش توان و مقدورات و نیرو، قوای دشمن در چند جبهه تجزیه می شد. (۷) .

البته مباحثی که بعد از عملیات بدر انجام شد چند نتیجه ی دیگر هم داشت. نخست آنکه، ابهام و تردید درباره ی استراتژی تا اندازه ای برطرف شد. بدین معنا که تأکید شد شتابزدگی ها کنار گذاشته شود؛ زیرا آثار منفی این شتابزدگی

۱- ۸۱۰. مأخذ ۲۵۶، ص ۳۵، پاورقی.

۲- ۸۱۱. مأخذ ۲۵۶، ص ۳۳ و ۳۴.

۳- ۸۱۲. مأخذ ۲۵۶، ص ۳۶ و ۳۷، غلامعلی رشید.

۴- ۸۱۳. مأخذ ۲۵۶، ص ۳۶ و ۳۷، غلامعلی رشید.

۵- ۸۱۴. مأخذ ۲۵۶، ص ۳۸، غلامعلی رشید.

۶- ۸۱۵. مأخذ ۲۵۶، ص ۳۹، رحیم صفوی.

۷- ۸۱۶. مأخذ ۲۵۶، ص ۳۷ و ۳۸.

به گفته ی فرمانـده وقت سپاه این بود که «یعنی بـدو، بـدو، دو ماه دیگر عملیات انجام بده.» (۱) در جنـگ مهم ترین عامل و مشـکل ابهـام و تردیـد در استراتژی بود و اینکه نهـایت جنـگ کجاست؟ زیرا برخی نهایت را بصـره و سـلیمانیه می دانسـتند و بعضـی می گفتند تا جاده (بصـره - العماره) برسـیم کافی است و آن موقع از طریق فعالیت سیاسی ادامه بدهیم. (۲) نظر امام بر سرعت در جنگ و استمرار عملیات بود. آقای رضایی درباره ی نظر امام می گوید:

«امـام به اسـتمرار عمليـات توجه داشـتند. اسـتمرار عمليـات بـا اينكه شـتابزدگی در عمليات باشـد خيلی فرق می كنـد. اسـتمرار عمليات يعنی اينكه جنگ برای ما يک انقلاب است و اين انقلاب بايد ادامه پيدا كند، بايد حيات داشته باشد، استمرار عمليات و كوتاه كردن زمان استراتژی، نه كوتاه كردن زمان يک عمليات.» (۳) .

بـا توجه به ضـرورت ادامه ی جنـگ و در عين حـال اجتنـاب از شـتابزدگی و با تأكيـد بر نظر امام برای اسـتمرار عمليات نتيجه گيری شد:

«جنـگ بايـد ادامه پيـدا كنـد يـا بـا عمليات محـدود، يا با عمليات بزرگ يا با تركيبی از عمليات های منظم و نامنظم. چرخه ی جنگ بايد مرتب در جريان باشد. روزی ده اسير، ماهی دويست اسـير، دو ماه يک حمله، بيست روز يک حمله اما همه ی اين حملات و حركات بايد نظم داشته باشد و هدفی را دنبال كند.» (۴) .

برای جلوگيری از تكرار مسائل گذشته بر استقلال بيشتر سپاه از ارتش تأكيد شد. (۵) نظر براين بود كه سپاه و ارتش مستقل و جداگانه همكاری كنند. سپاه و ارتش طرح هايشان را بدهند و فرماندهی تصـميم بگيرد. (۶) آقای هاشمی در كتاب خاطرات خود (آرامش و چـالش) با توجه به توضـيحاتی كه فرمانـدهی وقت ارتش و سـپاه از جنگ ارائه كردنـد چنين نتيجه گيری می كنـد: «اختلاف نظرها جـدی است. دو شـيوه ی كاملا مختلف در يک عمليات واحد وجود دارد.» (۷) آقای رضايی درباره ی جلسه ای با حضور فرماندهان سپاه و ارتش درحضور مسئولان می گويد:

«در آن جلسه سـرهنگ شـيرازی گفت ما نمی توانيم بجنگيم، در فرمانـدهی وحـدت نيست، بايـد مسـئله را ريشه ای حل كرد. آقايان هاشمی و سيد احمد آقا

۱- ۸۱۷. مأخذ ۲۵۶، ص ۳۱ و ۳۲.

۲- ۸۱۸. مأخذ ۲۵۶، ص ۳۱ و ۳۲.

۳- ۸۱۹. مأخذ ۲۵۶، ص ۳۱ و ۳۲.

۴- ۸۲۰. مأخذ ۲۵۶، ص ۳۱ و ۳۲.

۵- ۸۲۱. مأخذ ۲۵۶، ص ۶۱ و ۶۲.

۶- ۸۲۲. مأخذ ۲۵۶، ص ۶۳.

۷- ۸۲۳. كارنـامه و خاطرات هاشـمی رفسـنجانی، سال ۱۳۶۲، آرامش و چـالش، به اهتمام مهـدی هاشـمی، دفتر نشـر معارف

انقلاب، ۱۳۸۱، ص ۵۲۴، ۲۲ / ۱۲ / ۱۳۶۲.

که منظور ایشان را درک کرده بودند گفتند اینطور نمی شود که سپاه زیر امر ارتش باشد.» (۱) .

آقای هاشمی نیز در همین زمینه می گوید:

«سرهنگ شیرازی معتقد است ارتش فرماندهی جبهه را داشته باشد و سپاه زیر فرمان آن ها عمل کند، ولی عملی نیست، اکثریت با سپاه است. امام هم با تلخی دستور رفع اختلافات را داده اند.» (۲) .

سرانجام پس از بحث هایی که صورت گرفت آقای هاشمی طرحی ارائه داد که ارتش و سپاه دو عملیات به طور جداگانه انجام دهند. (۳) در ادامه ی این روند در شهریور ۱۳۶۴ امام دستور دادند تا نیروهای سه گانه ی زمینی، هوایی و دریایی سپاه تشکیل شود؛ در این فرمان آمده است: (۴)

«با توجه به اینکه در اصل ۱۵۰ قانون اساسی ادامه ی نقش سپاه در نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن تصریح شده است و نظر به اینکه انجام این نقش بدون آمادگی کامل سپاه از جهت تجهیزات و آرایش جنگی و فنون دریایی، زمینی، هوایی امکان پذیر نیست، شما مأموریت دارید هر چه سریع تر سپاه پاسداران را مجهز به نیروهای زمینی، هوایی و دریایی قوی نمایید تا در موارد لازم با همکاری و هماهنگی ارتش جمهوری اسلامی ایران از مرزهای زمینی، دریایی و هوایی کشور حفاظت نمایند.» (۵) .

سپاه بر اساس نقد و بررسی وضعیت نظامی و استراتژی جنگ و با توجه به اینکه امام به استمرار عملیات تأکید کردند، مجموعه ی پیشنهادهای خود را تهیه و برای تصمیم گیری به شورای عالی دفاع ارائه کرد. درباره ی توان در دو بعد سازمان رزم و امکانات و تجهیزات برای ادامه ی جنگ ۵۰ لشکر و برای

۱- ۸۲۴. مأخذ ۲۵۶، ص ۵۱.

۲- ۸۲۵. مأخذ ۳۱۶، ص ۴۳۴ و ۴۳۵.

۳- ۸۲۶. آقای رضایی فرمانده ی پیشین سپاه، بعدها درباره ی نتیجه ی این تصمیم گیری می گوید: «از عملیات بدر به این طرف تصمیم گرفتیم که برادران ارتش خودشان به تنهایی بجنگند، سپاه هم خودش به تنهایی بجنگد. نتیجه ی این تغییر در فرماندهی یک بار دیگر پیروزی هایی را برای ما به دست آورد؛ یعنی عملیات فاو، عملیات شلمچه، عملیات والفجر ۱۰، همه ی اینها در سال ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ اتفاق افتاد که بعد از تغییر و تحولی در درون جبهه ها این پیروزی ها به دست آمد.» (ضبط برنامه تلویزیونی سجاده ی آتش، شبکه اول، زمستان ۱۳۷۷).

۴- ۸۲۷. مأخذ ۲۵۶، ص ۵۱.

۵- ۸۲۸. صحیفه نور، جلد ۱۹، ص ۲۲۸، ۲۶ /۲ / ۱۳۶۴.

شکست کامل عراق ۱۲۰ لشکر (۱۲۰۰ گردان) پیش بینی شد. (۱) افزایش توان به ۳۰۰ گردان نیز به عنوان حداقل توان برای ادامه ی جنگ در نظر گرفته شد که اگر تأمین شود پس از هفت سال جنگ، حداکثر بصره یا سلیمانیه تأمین می شود تا مقاصد سیاسی مورد نظر مسئولان سیاسی محقق شود. (۲) در واقع، به مسئولان توضیح داده شد که اگر مصمم به پیروزی در جنگ هستید با این نوع بسیج امکانات و نیرو نمی شود و باید خیز بزرگ تری برداریم و ۲۰۰ تا ۶۰۰ گردان بسیج کنیم. (۳) .

رویکرد جدید سپاه به جنگ با نقد و بررسی استراتژی جنگ و برنامه ریزی و تأکید بر جنگ درازمدت برای تحقق اهداف جنگ در چارچوب نظریات امام، واکنش هایی را به همراه داشت. نخست آنکه درباره ی توان کشور گفته شد که کشور نمی تواند جنگ درازمدت را تحمل کند. (۴) دوم اینکه بحث درباره ی استراتژی به سپاه ارتباطی ندارد. (۵) علاوه بر این، گفته شد سپاه با طرح این مباحث نمی خواهد بجنگد. (۶) سپاه نیز متقابلا- برای افزایش ارتباط با مسئولان کشور، تلاش خود را گسترش داد و درباره ی مسائل جنگ نیز فرمانده سپاه در نامه ای به امام وضعیت را توضیح داد. مجموع این عوامل در کنار ضرورت اجرای عملیات و کسب پیروزی، که مورد توافق بود، سبب شد تا از سپاه خواسته شود نیازهای خود را برای اجرای عملیات ارائه دهد. (۷) .

تصرف فاو

تصمیم گیری برای طراحی و اجرای عملیات فاو (۸) حاصل تلاقی دو روند سیاسی و نظامی بود که پس از عملیات بدر آغاز شد. در چارچوب روند سیاسی، مذاکره برای تأمین خواسته های ایران برای پایان دادن به جنگ به ویژه حذف یا محاکمه ی صدام (۹) موجب شد تا بر کسب یک پیروزی برای

ص: ۱۷۷

۱- ۸۲۹. مأخذ ۲۵۶، ص ۳۸ و ۳۹.

۲- ۸۳۰. مأخذ ۲۵۶، ص ۳۹ و ۴۰.

۳- ۸۳۱. روزنامه اطلاعات، ۵ / ۷ / ۱۳۸۰، ص ۸، گفت وگو با سردار غلامعلی رشید.

۴- ۸۳۲. مأخذ ۲۵۶، ص ۶۶ و ۶۷.

۵- ۸۳۳. مأخذ ۲۵۶، ص ۶۷، آقای حسینی تاش به نقل از دکتر روحانی نماینده وقت مجلس شورای مجلس.

۶- ۸۳۴. مأخذ ۲۵۶، ص ۳۹ و ۴۰، پاورقی.

۷- ۸۳۵. مأخذ ۲۵۶، ص ۶۹ و ۷۰.

۸- ۸۳۶. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به از خرمشهر تا فاو، محمد درودیان، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، چاپ اول، سال ۱۳۶۷.

۹ – ۸۳۷. آقای هاشمی بر این نظر بود که محاکمه یا حذف صدام به دلیل پیامدهای آن یکسان است و این امر می تواند موجب پایان دادن به جنگ شود.

تثبیت موقعیت ایران تأکید شود. در روند نظامی نیز، بر اساس نظر امام ضرورت استمرار جنگ و پاسخ به فشارهای سیاسی - نظامی دشمن، به طراحی عملیات گسترده برای تصرف منطقه ی فاو منجر شد.

پاره ای از تغییرات و ملاحظات برای طراحی عملیات فاو با توجه به سلسله مباحثی که در بهار و تابستان سال ۱۳۶۴ صورت گرفت، به طراحی عملیات والفجر ۸ انجامید. بسیاری از فرماندهان نظامی همچنان با شتابزدگی در طراحی و اجرای عملیات مخالف بودند، در حالی که برخلاف مواضع پیشین، فرماندهی سپاه برای متقاعدسازی فرماندهان می کوشید. به گفته ی غلامعلی رشید، آقای رضایی فرمانده ی وقت سپاه نامه ای به امام نوشت مبنی بر اینکه اگر با این توان پیش برویم و آقایان بدون اینکه معتقد به تغییر اصولی باشند و نظرشان برنگردد و ما با همین توان فعلی به جنگ ادامه بدهیم، بجز خسارت، تلفات و ضایعات هیچ چیز عایدمان نخواهد شد. (۱) ایشان حتی با صراحت در نامه نوشت: «ما پیشنهادات را خدمت آقایان بیان کردیم و اینها باز هم معتقد به تغییر و دگرگونی اساسی در مملکت نیستند و می خواهند جنگ را با همین وضعیت پیش ببرند.» (۲) .

عملیات مورد نظر مسئولان با هدف فشار نظامی، اقتصادی و سیاسی بر عراق برای سقوط صدام، پیشروی محدود در یک منطقه نیست بلکه باید پیشروی گسترده در منطقه ایی استراتژیک صورت پذیرد. (۳) چنین تصور می شد در منطقه ی جنوب تنها بصره این ارزش و اهمیت را دارد. (۴) ولی با توان و راه کارهای موجود دستیابی به بصره و اجرای عملیات در این منطقه ممکن نیست. با توجه به بررسی هایی که در تابستان ۱۳۶۳ برای اجرای عملیات در منطقه فاو انجام گرفته بود، (۵) این منطقه مجددا برای اجرای عملیات محدود با ۲۵ الی ۳۰ گردان پیشنهاد شد. (۶) .

۱- ۸۳۸. مأخذ ۲۵۶، ص ۷۱ و ۷۲.

۲- ۸۳۹. مأخذ ۲۵۶، ص ۷۱ و ۷۲.

۳- ۸۴۰. مأخذ ۲۵۶، ص ۴۱، سردار رحیم صفوی.

۴- ۸۴۱. مأخذ ۲۵۶، ص ۴۴.

۵- ۸۴۲. در تابستان ۱۳۶۳ منطقه روبه روی خسروآباد برای عملیات انتخاب شد ولی پس از بحث و بررسی عملیات انجام نشد.

۶- ۸۴۳. مأخذ ۲۵۶، ص ۴۴.

در تـداوم این بررسـی ها مجـددا در مهر سال ۱۳۶۴ به منطقه ی فـاو توجه شـد. بـا این تفـاوت که به جای عملیات محـدود بر عملیات گسترده تأکیـد شد. آقای رشـید بر این نظر است که فشار به سپاه و واکنش به استراتژی و نظریات پیشـنهادی این نهاد جوی به وجود آورد که موجب شد آقای رضایی برای اینکه تسلیم نشود اعلام کند چند عملیات محدود داریم و یک عملیات بزرگ در فـاو؛ البته مـا این اعتقـاد را نـداشتیم ولی ایشـان پیشـنهاد را داده بود. (۱) دربـاره ی اهمیت این منطقه آقای هاشـمی اسـتدلال می کرد اگر در آن طرف آب (اروند) بمانیم به دنیا فشار سیاسـی وارد خواهیم ساخت و هدف های بعدی ما سیاسی – نظـامی است. نظـامی محـدود است و مـا در آینـده، دیگر عملیـات بزرگی نیـاز نـداریم. اگر بتوانیم خودمـان را به ام القصـر برسانیم و در آنجا بایستیم این عملیات آخر ما خواهد بود و شـصت درصد خواسـته هایمان را خواهیم گرفت. (۲) بعدها آقای هاشمی درباره ی عملیات فاو با صراحت گفت: «آن عملیات را برای ختم جنگ طراحی کرده بودیم و فکر می کردیم اگر فاو را بگیریم و تا ام القصـر برویم (۳) و رابطه ی عراق را بـا دریا قطع کنیم می توانیم آنجا بگوییم آتش بس را می پـذیریم چون عراق نمی توانست از دریا صـرف نظر کنـد. تنها نقطه ی اتصالش به دریا همین جا و خیلی استراتژیک بود. فکر می کردیم در صورت تحقق این هدف می توانیم خواسته های بحق خودمان را بگیریم.» (۴) .

در میان بحث هایی که فرماندهان سپاه با آقای رضایی داشتند ایشان با توجه به اینکه از تغییراتی که در اهداف سیاسی عملیات و مذاکرات آن انجام گرفته بود مطلع بود خطاب به آن ها گفت: «یک استراتژی جنگ این است: انجام عملیاتی مؤثر و اصـرار روی اهـداف عادلانـه ی جنگ از طریق سیاسـی، که اکثریت قاطع مسئولان همین فکر را دارنـد و لـذا هر فکر مخالف این را، اصـلا جنگ نمی داننـد.» سپس ایشان خطاب به فرماندهان گفت: «استراتژی شـما برای مسئولان قابل قبول نیست. بنابراین، یا نمی پذیرند یا اگر سکوت کنند

۱- ۸۴۴. مأخذ ۲۵۶، ص ۶۸، سردار غلامعلی رشید.

۲- ۸۴۵. مأخذ ۲۵۶، ص ۶۹ و ۷۰، پاورقی.

۳- ۸۴۶. در طراحی عملیات فاو هیچ گاه برای پیشروی به سمت ام القصر و تصرف آن بحث نشد.

۴- ۸۴۷. روزنامه کیهان، ۳ / ۷ / ۱۳۸۱، ص ۲، مصاحبه آقای هاشمی با شبکه خبر سیمای جمهوری اسلامی.

نتیجه ای حاصل نخواهد شد و توان رزمی ما بالا نمی رود و مشکلاتی پیدا خواهد شد.» (۱) وی اضافه کرد: «با توجه به تجربیاتی که در شش ماه گذشته داریم انجام ندادن عملیات بزرگ تخریبش بیشتر از انجام عملیات های بزرگ و شکست خورده است. تأثیر سیاسی انجام ندادن عملیات بزرگ بدتر از انجام عملیات بزرگ شکست خورده است.» (۲) .

آقای رضایی به ملاحظات نظامی که مورد نظر فرماندهان سپاه بود توجه کرد و گفت: «شما چشمانتان را (بر موانع موجود) ببندید و بگویید شرایط ادامه ی نبرد چیست؟» (۳) آقای رشید هم در همین زمینه می گوید: «وقتی بر اثر جو سازی ها، ایشان نامه ی پیشنهاد عملیات فاو را نوشت، من گفتم برادر محسن، این عملیات شرایط می خواهد این طور نمی شود. ایشان شرایط را هم نوشت.» (۴) .

آقای رضایی پس از عملیات فاو در مصاحبه با راویان جنگ درباره ی ضرورت توجه به شرایط مورد نیاز می گوید: «ما به این نتیجه رسیده بودیم که بایستی بدون کم و کاست از اتمام عوامل مؤثر برای یک عملیات، استفاده کرد و هیچ چیز را فدای چیز دیگری نکنیم.» (۵) شرایط برای اجرای عملیات فاو به شرح زیر اعلام شد:

۱- حداقل ۱۵۰ گردان نیرو؛ زیرا هیچ هدف ارزشمندی را در جنوب بدون ۱۵۰ گردان نمی شود تأمین کرد؛

۲- بیش از یک میلیون گلوله توپ؛

۳- سلاح ضد زره به اندازه کافی؛ حداقل سه هزار موشک تاو نیاز است؛

۴- اجرای عملیات پشتیبانی سپاه در جزیره ی مینو؛ (۶) .

۵- مشارکت مؤثر نیرویی هوایی ارتش برای پشتیبانی از عملیات. (۷) .

سرانجام پس از فراهم شدن بخشی از شرایط مورد نظر سپاه، عملیات فاو در تاریخ ۲۰ بهمن سال ۱۳۶۴ آغاز شد و به مدت هفتاد روز طول کشید. با

۱- ۸۴۸. مأخذ ۲۵۶، ص ۷۴.

۲- ۸۴۹. مأخذ ۲۵۶، ص ۷۵.

۳- ۸۵۰. مأخذ ۲۵۶، ص ۲۸.

۴- ۸۵۱. مأخذ ۲۵۶، ص ۶۸.

۵- ۸۵۲. مأخذ ۲۶۳، ص ۲۳.

۶- ۸۵۳. ارتش قرار بود در منطقه ی شلمچه عملیاتی را با هدف پشتیبانی از عملیات فاو انجام دهد. سپاه از اجرای این عملیات و موفقیت آن مأیوس بود، لذا بر اجرای عملیات سپاه در جزیره ی مینو پافشاری می شد.

۷– ۸۵۴. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش «انتخاب منطقه عملیاتی فدک»، مهر ۱۳۶۵، ص ۲۵.

این پیروزی، ایران برای نخستین بار از امتیاز نظامی برخوردار شد؛ زیرا یکی از برجسته ترین پیروزی های نظامی ایران پس از فتح خرمشهر حاصل شد. (۱) قدرت فرماندهی سپاه برای کنترل هوایی، پدافند و هوانیروز آشکار شد. (۲) اعتماد به نفس حاصل از این پیروزی در تمام سطوح سیاسی - نظامی و جامعه مشاهده می شد. وضعیت جنگ، که رو به ضعف و سستی نهاده بود، مجددا تغییر کرد و متقابلا اعتبار سیاسی و توانایی نظامی عراق زیر سؤال رفت. این عملیات نخستین پیروزی نظامی جمهوری اسلامی پس از فتح خرمشهر در جنگ بود که سپاه پاسداران پس از صدور فرمان امام برای تشکیل نیروهای سه گانه سپاه آن را تحقق داد.

عراقی ها برای بازپس گیری فاو تلاش گسترده ای کردند و سرانجام پس از ناکامی، لطیف جاسم در مصاحبه با القبس اعلام کرد تصرف فاو به حدی آشکار است که دیگر نمی توانستیم آن را منکر شویم. عدنان خیر الله، وزیر دفاع عراق، نیز اعلام کرد بازپس گیری شبه جزیره ی فاو از دست ایرانیان دشوار است. ماهر عبدالرشید نیز گفت: ایرانیان در عملیات جاری از روش های نظامی نوینی استفاده کرده اند. (۳) بر اساس نظر تحلیلگران پیروزی ایران در این عملیات اعتماد به نفس صدام را متزلزل کرد. (۴) همچنین به توانایی عراق در مهار تهاجماتی مشابه و متوالی تردید شد و این پیروزی مهم روانی برای ایران بود.

کشورهای خلیج فارس از پیروزی ایران و موقعیت جدید این کشور دچار حیرت و شگفتی شدند (۵) و چنین تصور کردند که سرنوشت جنگ دارد تعیین می شود. (۶) پیروزی ایران فقط به زمان بستگی داشت. (۷) آقای هاشمی بر این نظر بود که آینده ی عراق در همینجا تعیین می شود. ایشان معتقد بود عراق دو راه بیشتر ندارد؛ یا باید ارتش عراق مرتب نیرو وارد کند و در این منطقه بجنگد و این به معنای ناتوان شدن ارتش عراق است. یا منطقه را رها کنند که در واقع این به معنای تحقق خواسته ها و اهداف ایران است. (۸) .

۱- ۸۵۵. مأخذ ۱۸۸، ص ۳۵ و ۳۶.

۲- ۸۵۶. دوره عالی جنگ، سپاه، ۱۳ / ۷ / ۱۳۷۴، سردار رحیم صفوی.

۳- ۸۵۷. محمد درودیان، فاو تا شلمچه، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ چهارم ۱۳۸۱، ص ۲۴ تا ۲۶.

۴- ۸۵۸. مأخذ ۱۸۸، ص ۳۴ و ۳۵.

۵- ۸۵۹. مأخذ ۱۸۸، ص ۳۵ و ۳۶.

۶- ۸۶۰. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، فصلنامه نگین ایران، سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۸۱، ص ۹۱، جوزف ای کشیشیان، مقاله شورای همکاری خلیج فارس و جنگ ایران و عراق.

۷- ۸۶۱. روزنامه اخبار اقتصادی،۱ / ۷ / ۱۳۷۸، ص ۷، شهرام چوبین، آخر جنگ.

۸- ۸۶۲. خطبه های جمعه سال ۶۴، جلد ۹، تابستان ۱۳۷۸، ص ۳۴۲، خطبه دوم، ۲ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

دکتر روحانی بر این نظر است که بعد از فاو با پیروزی بزرگی که به دست آمد و قطع راه دریایی عراق، زمان مناسبی برای پایان دادن به جنگ بود. (۱) مک فارلین بعدها درباره ی مفهوم موازنه ی قوا و محتوای مذاکراتی که انجام گرفته بود درباره ی احتمال پیروزی ایران گفت: «حداقل از بهار ۱۳۶۵ به بعد مصلحت طلبان (پراگماتیست های) ایران می دانستند که امریکا حاضر است انقلاب ایران را در داخل مرزهای آن بپذیرد و با تهران به نوعی سازش برسد.» (۲) وی اضافه کرد: «آن ها (ایرانیان) همچنین می دانستند که ما هیچ گاه به آن ها اجازه نخواهیم داد که بر عراق پیروز شوند.» (۳) جرج بوش معاون ریگان رئیس جمهور وقت امریکا، پس از سفر هشت روزه به منطقه اعلام کرد: «امریکا نمی خواهد نظاره گر این مسئله باشد که ایران با گسترش جنگ روند توازن قدرت در منطقه را تغییر دهد.» (۴) .

پیروزی در عملیات فاو و پیامدهای آن در واقع آزمونی بسیار اساسی و جدی برای استراتژی ایران پس از فتح خرمشهر بود. چرا که تصور می شد با پیروزی در منطقه ایی با اهمیت می توان با روش های سیاسی خواسته های ایران را تأمین کرد. ولی افزایش فشار به ایران نشان داد ارزیابی و محاسباتی که صورت گرفته است صحت ندارد.

با پیروزی ایران در فاو معادله ی جدید برقرار شد. گرچه ایران منطقه با اهمیتی را تصرف کرد، چنانکه روشن است به دلیل هفتاد روز جنگ شدید و تمرکز قوای دشمن و هوشیاری عراق نسبت به اهداف و سمت تهاجم ایران، ادامه ی پیشروی ممکن نبود و لذا نیروهای ایران در منطقه متوقف شدند (۵) در نتیجه، دشمن زمان لازم را به دست آورد تا توان نظامی خود را بازسازی

۱- ۸۶۳. برنامه تلویزیونی سجاده آتش، شبکه اول، پاییز ۱۳۷۸، دبیر شورای عالی امنیت ملی.

۲- ۸۶۴. لاری اسپیکس دستیار شورای امنیت ملی امریکا در دوران ریاست جمهوری کارتر درباره ی دیدگاه های موجود در ایران می گوید: «گروه هایی در رده های بالای کادر رهبری ایران هستند که خواهان خروج از انزوا و همکاری با کشورهای دیگر هستند؛ زیرا انقلاب را در خطر می بینند.» وی اضافه کرد: «احتمالا عناصر رادیکال در ایران برای متوقف ساختن تلاش های محرمانه ایالات متحده برای ایجاد رابطه با گروه های میانه رو، به افشای ماجرای «ایران کنترا» (مک فارلین) پرداخته اند.» (نگاهی به ۸ سال جنگ تبلیغاتی، ص ۳۹، به نقل از رادیو امریکا، ۳۱ / ۱ / ۱۳۶۷).

۳- ۸۶۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی،نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۱۳۲، ۸ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۱۴ و ۱۵، لندن، ۷ / ۵ / ۱۳۶۷.

۴- ۸۶۶. محمد درودیان، آغاز تا پایان، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ چهارم، ۱۳۸۰، ص ۱۵۰.

۵- ۸۶۷. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ماهنامه نگاه، شهریور و مهر ۱۳۸۰، شماره ۱۵ و ۱۶، ص ۲۰، استفان سی پلتیر و داگلاس وی جانسون، استراتژی جنگ ایران و عراق و درس های برگرفته از آن.

کند؛ البته عراقی ها نیز گرچه پیشروی ایران را متوقف کردند با وجود اقداماتی که انجام دادند نتوانستند منطقه را از نیروهای ایران باز پس گیرند. در نتیجه، موازنه ی نظامی ظریفی برقرار شد. بدین معنا که ایران با این پیروزی نظامی و روحیه و موقعیت حاصل از آن به دنبال پیروزی بر عراق بود. (۱) نتیجه منطقی این وضعیت این بود که ایران شکست نمی خورد و عراق نیز پیروز نمی شود. این امر ماهیت فرسایشی جنگ را بیان می کرد که به شکل جدیدی آشکار شد.

عراق برای تحت تأثیر قرار دادن برتری ایران پس از فاو دو اقدام اساسی انجام داد: نخست آنکه، سلسله تهاجماتی را طراحی و اجرا کرد که به «دفاع متحرک» مشهور شد. (۲) علاوه بر این، به زیرساخت های اقتصادی ایران به نحو بی سابقه ای حمله کرد. آقای هاشمی اقدام دوم عراق را «جنگ اقتصادی» نامید که هدفش تحلیل بنیه ی اقتصادی ایران و جلوگیری از امکان ادامه ی جنگ بود. (۳) بر اساس اطلاعات موجود، اقدامات جدید عراق با هدایت اطلاعاتی و راهبردی امریکا انجام گرفت.

ماهیت نظامی عملیات فاو نوعی موازنه ی جدید نظامی میان دو کشور برقرار کرد. برتری روحی - روانی ایران و درمقابل پیامدهای روانی شکست فاو برای ارتش عراق، موجب نگرانی امریکا شد. در واقع، فاو نقطه ی آغاز رویارویی ایران و امریکا بود که بعدها ابعاد سیاسی - نظامی آن با افشای ماجرای مک فارلین و به هنگام اسکورت نفتکش ها آشکار شد.

پیشروی به سمت بصره

رخدادهای سیاسی - نظامی پس از عملیات فاو نشان داد که در عین حالی که فتح فاو برجسته ترین پیروزی نظامی ایران پس از فتح خرمشهر بود، ولی استراتژی ایران را به چالش گرفت و تصورات موجود مبنی بر تصرف یک منطقه ای با اهمیت برای پایان دادن به جنگ را مخدوش کرد. اظهارات آقای رضایی درباره ی بی نتیجه بودن تعامل با امریکا مهم است. ایشان می گوید: «در

۱- ۸۶۸. مأخذ ۱۶۵، ص ۱۲۴.

۲- ۸۶۹. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به فاو تا شلمچه.

۳- ۸۷۰. مأخذ ۳۴۹، ص ۱۳۳، خطبه دوم، ۲۴ / ۸ / ۱۳۶۴.

دوران ریاست جمهوری آقای هاشمی، تورگوت اوزال و نخست وزیر ژاپن به ما گفتند اگر شما به آزادی گروگان ها در لبنان کمک کنید، امریکا نیز سیاست خود را تغییر خواهد داد، اما پس از تحقیق این امر هیچ اتفاقی نیفتاد.» (۱) .

علاوه بر این، تصور می شد در روند مذاکرات پنهان و همکاری های جدید ایران و امریکا نوعی آمادگی برای حذف صدام وجود دارد، ولی انتشار پاره ای از گزارش ها مبنی بر اینکه امریکا اطلاعاتی را به عراق ارسال می کرده است ماهیت سیاست امریکا را در چارچوب «جنگ بدون برنده» آشکار کرد. (۲) حتی روزنامه ی نیویورک تایمز در همان زمان به نقل از مقامات وزارت خارجه ی امریکا درباره ی هدف امریکا از ارائه ی اطلاعات به عراق نوشت: «این اطلاعات برای جلوگیری از پیشروی قطعی ایران در اختیار عراق قرار داده می شد.» (۳) .

ایران در وضعیت جدید دو گزینه در پیش رو داشت: «در برابر فشار و نادیده گرفتن برتری حاصل از عملیات فاو منفعل باشد یا برای گسترش و تعمیق پیروزی با هدف پایان دادن به جنگ پافشاری کند. در این مرحله، عراق و امریکا به دنبال تشدید فشار به ایران برای پایان دادن به جنگ بودند. چنانکه حمید شعبان، فرمانده وقت نیروی هوایی عراق، گفت: «سال جاری تحول قطعی و سریع به خود خواهد دید که به پایان یافتن جنگ به نفع عراق منجر خواهد شد. اولین مرحله از طرح شکست ایران با انهدام کلیه ی منابع انرژی این کشور بخصوص منابع نفتی آن کامل خواهدشد.» (۴) چنانکه روشن است در این سال قیمت نفت به ویژه ده دلار رسید و درآمد نفتی ایران پنجاه درصد کاهش یافت.

سیاست خارجی امریکا چنانکه شولتز اعلام کرد تلاش برای جلوگیری از پیروزی جمهوری اسلامی ایران در جنگ بود. (۵) شولتز در این زمینه گفت: «هدف پایان دادن جنگ است، بدون اینکه جنگ طرف بازنده یا پیروز داشته باشند.» (۶) .

ایران گزینه ی دوم را برگزید. آقای هاشمی علت این انتخاب را توضیح می دهد و می گوید: «در محاسباتی که تاکنون شده، به نظر ما هیچ شرایطی

۱- ۸۷۱. روزنامه همبستگی ۲۷ / ۱ / ۱۳۸۲، ص ۳.

۲- ۸۷۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی،نشریه گزارش های ویژه، ۲۳ / ۱۰ / ۱۳۶۵، ص ۱۰۳، رادیو امریکا ۲۲ / ۱۰ / ۱۳۶۵.

۳- ۸۷۳. همان، ص ۱۰۲.

۴- ۸۷۴. مأخذ ۳۵۲، ص ۱۷۰.

۵- ۸۷۵. مأخذ ۳۵۲، ص ۱۶۹.

۶- ۸۷۶. مأخذ ۳۵۲، ص ۱۶۹.

بهتر از اینکه تسریع کنیم در پیشبرد جنگ به چشم نمی خورد.» (۱) ایشان اضافه کرد: «وضع عمومی کشور و شرایط اقتصادی کشور هم ایجاب می کند که ما این مسئله را اگر بتوانیم زودتر به نقطه ای برسانیم. وضع جنگ الان به جایی رسیده که هر محاسبه ای نشان می دهد ما باید هر چه زودتر جنگ را به پایان برسانیم.» (۲) .

در پی این نگرش، مجددا در کشور فضای جدیدی برای تعیین سرنوشت جنگ به وجود آمد. آقای رضای در توضیح این مفهوم می گوید: «سال سرنوشت قطعا سال آخر معنی ندارد. ضمن اینکه می تواند سال آخر هم در آن مفهوم داشته باشد. سال سرنوشت به این معنا است که اگر ما امسال جهشی در امر جنگ پیدا نکنیم عواقب بسیار سختی در پیش داریم. اگر امسال (۱۳۶۵) و اوایل سال آینده ما به پیروزی های قطعی برسیم وضع خیلی خوب است، اگر سریع قدم برنداریم و با کندی پیش برویم شرایط آینده خیلی دشوار خواهد بود.» (۳) .

امام نیز همانند گذشته با توجه به مجموع ملاحظات و شرایط تأکید داشتند: «در جبهه ها هیچ نگذارید دشمن آرامش پیدا کند، اگر بگذارید آرامش پیدا کند می رود و تجهیز زیادتر می کند و شما را به زحمت می اندازد. باید نگذارید که او یک شب از اضطراب بیرون بیاید، الان در اضطراب هستند نگذارید که آن ها از اضطراب بیرون بیایند.» (۴) .

سپاه بر اساس رهنمودهای امام و ضرورت های سیاسی - نظامی علاوه بر مقاومت در برابر عملیات های نظامی دشمن که تحت عنوان «استراتژی دفاع متحرک» انجام گرفت، عملیات های کربلای ۱ را برای بازپس گیری شهر مهران (۹ / ۴ / ۱۳۶۵)، کربلای ۲ را در حاج عمران (۱۰ / ۶ / ۱۳۶۵)، کربلای ۳ را روی اسکله العمیه (۱۰ / ۶ / ۱۳۶۵)، فتح ۱ را در عمق خاک عراق (۱۹ / ۷ / ۱۳۶۵) و تعدادی عملیات دیگر انجام داد. در عین حال، تعیین سرنوشت جنگ مستلزم عملیاتی گسترده و پیروزی در یک منطقه ی با اهمیت بود. در چارچوب همین ملاحظه و با توجه به استقرار نیروها در منطقه ی جنوب و در فاو، برای

۱- ۸۷۷. مأخذ ۳۵۲، ص ۱۶۱.

۲- ۸۷۸. مأخذ ۳۵۲، ص ۱۶۱ و ۱۶۲.

۳- ۸۷۹. مأخذ ۲۶۳، ص ۱۴۶ و ۱۴۷.

۴- ۸۸۰. صحیفه نور، جلد ۲۰، ص ۱۳، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۵.

انتخاب منطقه بحث و بررسی های زیادی انجام شد. نظر به اینکه در منطقه ی فاو به دلیل هوشیاری دشمن پیشروی به سمت بصره و ام القصر ممکن نبود، لذا منطقه ای در حد فاصل پنج ضلعی در شمال شلمچه تا چهار کیلومتری انتهای جنوبی جزیره ی مینو با دو محور شلمچه و ابوالخصیب با هدف پیشروی به سمت بصره انتخاب شد. (۱) .

به نظر می رسید با تاکتیک ویژه برای عبور از حد فاصل جزایر بوارین و ام الرصاص برای مسدود کردن عقبه ی لشکر هفتم و عبور از خط حد سپاه سوم و سپاه هفتم ارتش عراق، دستیابی به پیروزی ممکن باشد؛ زیرا زمین برای نیروهای خودی قابل پدافند و برای دشمن پاکسازی آن دشوار بود و قوای دشمن را تجزیه می کرد.

با امیدواری زیادی که برای کسب پیروزی در این عملیات وجود داشت، عملیات کربلای ۴ در سوم دی ماه ۱۳۶۵ آغاز شد ولی به دلیل هوشیاری دشمن ۲۴ ساعت بعد متوقف شد. در این مرحله غلبه بر پیامدهای سیاسی - نظامی شکست عملیات کربلای ۴ بسیار دشوار بود.

در تجزیه و تحلیل علت شکست عملیات نقش جدید امریکا بیش از گذشته آشکار شد؛ زیرا این باور برای ایران وجود داشت که عملیات لو رفته است. (۲) بعدها وفیق سامرایی گفت: «ما قبل از شروع حمله از آن آگاه بودیم (۳) وی معتقد است: «اگر این آگاهی را نداشتیم قطعا بصره اشغال می شد و بغداد هم در معرض تهدید قرار می گرفت.» (۴) بعدها عدنان خیرالله درباره ی اهداف ایران توضیحاتی می دهد که مهم است. وی می گوید: «هدف ایران شهر بصره بود. ایرانی ها اگر موفق می شدند هدف های خود را تحقق بخشند ارتباط میان سپاه سوم و هفتم را قطع می کردند و تمام فاو و خور عبدالله و شمال بصره را به اشغال خود در می آورند. علت شکست کنونی این است که ما آماده بودیم و نقشه های لازم طرح کردیم.» (۵) وی سپس

۱- ۸۸۱. برای اطلاع بیشتر آنگاه کنید به گزارش طرح ریزی عملیات کربلای ۴، نوشته راوی قرارگاه خاتم داود رنجبر، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.

۲- ۸۸۲. روزنامه اطلاعات، ۲۲/ ۱۰ / ۱۳۸۲، ص ۲، سخنرانی آقای هاشمی در همایش شهدای عرصه خیبر.

۳- ۸۸۳. روزنامه یاس نو، ۶/ ۱۲ / ۱۳۸۱، ص ۱۴، گفت وگوی اختصاصی با شبکه الجزیره.

۴- ۸۸۴. همان.

۵- ۸۸۵. معاونت سیاسی ستاد کل سپاه پاسداران، بولتن «بررسی»، شماره ۱، اسفند ۱۳۶۶، ص ۱۱۳ و ۱۱۴.

با توجه به اطلاعاتی که امریکا در اختیار این کشور قرار داده بود گفت: «ما به خاطر این اطلاعات از آنان تشکر می کنیم.» (۱) .

عملیات کربلای ۵ (۲) در پاسخ به شرایط و ضرورت های موجود و غلبه بر پیامدهای شکست عملیات کربلای ۴، طی کمتر از دو هفته پس از توقف این عملیات، طراحی و در ۱۹ دی ماه ۱۳۶۵ در منطقه ی شرق بصره اجرا شد. بر اساس شواهد و قرائن موجود، عراق برای تغییر موازنه ی نظامی به دنبال حمله به منطقه ی فاو و بازپس گیری آن بود، لذا با عملیات کربلای ۵ غافلگیر شد و در نتیجه، پیشروی نیروهای ایران در منطقه ی شرق بصره ممکن شد.

عملیات کربلای ۵ به نظر کارشناسان به مراتب مهم تر و بهتر از عملیات کربلای ۴ انجام شد. (۳) واکنش نسبت به پیامدهای عملیات کربلای ۵ تا اندازه ای شبیه فتح خرمشهر بود. امریکا برای جلوگیری از شکست عراق با سقوط بصره، ناو هواپیمابر جان اف کندی را روانه ی خلیج فارس کرد. (۴) روزنامه های دی ولت، اشپیگل و زود دویچه سایتونگ نوشتند امریکا با شش گردان و ششصد هواپیمای جنگی آماده است تا در صورت سقوط بصره با ایران وارد جنگ شود. (۵) .

روس ها برای بهره برداری از بی اعتباری سیاست های امریکا در منطقه، پس از افشای ماجرای یک مک فارلین و جلوگیری از شکست عراق واکنش نشان دادند. هیئت نمایندگی شوروی (سابق) در سازمان ملل طی بیانیه ای در هشتم ژانویه ۱۹۸۶ م از حمله ی ایران انتقاد کرد و خواستار حل و فصل مسالمت آمیز جنگ شد. (۶) شوروی ها اظهار امیدواری کردند با سیاست فروش تسلیحات جنگی به عراق، ایران به حل و فصل جنگ از راه گفت وگو وادار شود. گورباچف نیز گفت: «این جنگ باید از طریق مذاکرات سیاسی پایان یابد و هر چه زودتر این اقدام صورت گیرد بهتر خواهد بود، راه دیگری وجود ندارد.» (۷) .

۱- ۸۸۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۲۸۷، ۱ / ۱۰ / ۱۳۶۵، ص ۱۱۷، گزارش خبرگزاری فرانسه از بغداد.

۲- ۸۸۷. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به نبرد در شرق بصره، محمد درودیان، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.

۳- ۸۸۸. مأخذ ۱۵۹، ص ۲۸۵.

۴- ۸۸۹. مأخذ ۷۴، ص ۴۰۰ و ۴۰۱، به نقل از رادیو اسرائیل، ۲۸ / ۱۰ / ۱۳۶۵.

۵- ۸۹۰. مأخذ ۷۴، ص ۴۰۰ و ۴۰۱، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی از بن ۲۹ / ۱۰ / ۱۳۶۵ و از استکهلم ۲ / ۱۱ / ۱۳۶۵.

۶- ۸۹۱. کامرون ر.هیوم، سازمان ملل متحد - ایران و عراق، ترجمه هوشنگ راسخی عزمی ثابت، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی تهران، ۱۳۶۷، ص ۱۲۹.

۷- ۸۹۲. مأخذ ۳۵۲، ص ۱۷۵.

میتران، رئیس جمهور اسبق فرانسه، با توجه به نتایج احتمالی پیروزی ایران گفت: «پیروزی ایران در این جنگ به مثابه پیروزی تندروهای اسلامی خواهد بود که می تواند ثبات کل جهان عرب و مدیترانه را بر هم زند.» (۱) سفیر وقت انگلیس در سازمان ملل نیز گفت: «هیچ کس مایل به پیروز شدن ایران انقلابی، این بر هم زننده ی وضع موجود در منطقه و زیرپا گذارنده ی حقوق و عرف بین المللی نیست.» (۲) .

عملیات کربلای ۵ به زعم برخی تحلیلگران نظامی «نقطه ی چرخش در جنگ» (۳) و به منزله ی «آخرین نفس های تلاش برای ختم جنگ از طریق راه حل نظامی بود.» (۴) از نظر شهرام چوبین، ایران تجربیاتی که در میادین جنگ آموخته بود پس از فاو فراموش کرد؛ زیرا موفقیت های جزئی برای دستیابی به پیروزی مطلق و وصول اهداف جنگیی که فقط با انهدام کامل دشمن قابل دسترسی بود، کافی به نظر نمی رسید. (۵) به گمان وی، پیشروی به سوی بصره برای ایران بسیار پرهزینه بود و نمی توانست تداوم یابد و حتی با تسخیر احتمالی بصره هم رژیم عراق ساقط نمی شد. (۶) .

بنابراین، با وجود پیروزی های نسبی، احتمال به دست آوردن پیروزی قطعی کاهش می یافت و در عین حال، ایران در وضعیتی قرار گرفته بود که به ادامه ی جنگ فرسایشی قادر نبود؛ زیرا عراق با تشدید فشار به ایران و گسترش جنگ و بین المللی کردن آن ادامه ی جنگ را برای ایران دشوار کرده بود. (۷) .

در واقع، عملیات کربلای ۵، چنانکه سردار رشید می گوید، به ما نشان داد که جنگ سخت است. (۸) آقای هاشمی نیز در گفت و گوی اختصاصی می گوید: «بهترین تجربه ی ما در جنگ، در شلمچه بود. آنقدر به هم نزدیک بودیم که انگار با مشت به صورت هم می زدیم. آن ها هم واقعا دفاع کردند.» سپس ایشان می گوید: «خارجی ها هم حساس شدند. از آنجا به بعد امریکایی ها تصمیم گرفتند وارد (جنگ) شوند، این عملیات تجربه ای بود که برای من روشن کرد نمی شود.» (۹) .

۱- ۸۹۳. مأخذ ۳۵۲، ص ۱۷۶.

۲- ۸۹۴. مأخذ ۳۵۲، ص ۱۷۶.

۳- ۸۹۵. مأخذ ۱۵۹، ص ۳۰۰.

۴- ۸۹۶. مأخذ ۱۳۵، ص ۱۲۷.

۵- ۸۹۷. مأخذ ۱۳۵، ص ۱۲۴ و ۱۲۵.

۶- ۸۹۸. مأخذ ۱۳۵، ص ۱۲۷.

۷- ۸۹۹. مأخذ ۱۳۵، ص ۱۲۵.

۸- ۹۰۰. گفت و گوی اختصاصی نویسنده با سردار غلامعلی رشید، جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، ۱ / ۱۱ / ۱۳۸۰.

۹- ۹۰۱. گفت و گوی اختصاصی نویسنده با آقای هاشمی رفسنجانی، ۱۱ / ۷ / ۱۳۷۹.

از نظر نظامی نتیجه ی عملیات کربلای ۵ با عملیات فاو یکسان بود. گرچه نشان داد ماشین جنگی ایران قدرتمند است (۱) و در صورتی که به خوبی تدارک شود عراق شکست می دهد، (۲) ولی همان توازن پیشین تداوم یافت. بدین معنا که ایران نتوانست عراق را شکست دهد و عراق نیز به عقب راندن نیروهای ایران از مناطق تصرف شده قادر نبود. در عمل پیروزی های نسبی حاصل از این وضعیت برای ایران با پیشروی و برای عراق با مهار آن، ماهیت جنگ را فرسایشی می کرد؛ زیرا هیچ یک از دو کشور قدرت دستیابی به پیروزی نظامی و پایان دادن به جنگ را نداشتند.

آقای رضایی بعدها درباره ی وضعیت نظامی ایران پس از عملیات کربلای ۵ می گوید بر اثر این عملیات بخش قابل توجهی از توان سپاه در منطقه فاو، جزایر مجنون و شلمچه زمین گیر شد. استراتژی کشور برای کشاندن امکانات شکست خورده بود و جنگ در جنوب به بن بست رسید؛ زیرا غافلگیری ممکن نبود. ایشان می گوید به امام نامه نوشتم که اگر کشور وارد جنگ نشود، عراق حملاتش را علیه ما شروع می کند. (۳) آقای شمخانی معتقد است ما در آن وضعیت سه راه حل داشتیم: پدافند در برابر تهاجمات احتمالی عراق، حمله به مناطق حساس و راه حل سوم صلح بود. (۴) .

وفیق سامرایی می گوید: «نبردهای شرق بصره این احساس را در ایرانی ها به وجود آورد که باید به مناطق دیگر جبهه های جنگ بیندیشند تا ضمن کاهش زیان هایشان، نیروهای ما را در مناطق عملیاتی دیگر پراکنده سازند و شرایط لازم برای غافلگیری فراهم آید.» (۵) .

آقای رضایی فرمانده ی وقت سپاه در این خصوص تأکید کرد عملیات آینده مجموعه ای از عملیات محدود و عملیات بزرگ تر خواهد بود. برای عملیات گسترده تسلیح نیروهای مردمی در داخل عراق با هدف ایجاد جبهه ایی جدید، انجام خواهد شد. (۶) .

۱- ۹۰۲. کنت آرتیمرمن، سوداگری مرگ، ترجمه احمد تدین، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳، ص ۴۷۸.

۲- ۹۰۳. مأخذ ۱۵۹، ص ۲۹۳.

۳- ۹۰۴. دوره عالی جنگ سپاه، ۱۲ / ۱۱ / ۱۳۷۴، محسن رضایی.

۴- ۹۰۵. همان.

۵- ۹۰۶. مأخذ ۵۰، ص ۹۰.

۶- ۹۰۷. مأخذ ۱۵۹، ص ۲۹۳.

مقابله به مثل در جنگ نفتکش ها

استراتژی ایران محدود کردن جنگ بر روی زمین بود تا با کسب پیروزی در جبهه ها و فشار به عراق و متقاعدسازی حامیان این کشور، زمینه ی پایان دادن به جنگ را فراهم سازد. در مقابل عراق به دلیل نگرانی از افزایش فشار ایران و شکسته شدن خطوط دفاعی اش و اجتناب از شکست، درصدد گسترش جنگ در هوا با حمله به مناطق غیرنظامی به ویژه تهران و در دریا با حمله به نفتکش ها و زیرساخت های اقتصادی بود. عراقی ها تصور می کردند قطع منابع ارزی ایران و فشار روانی به مردم، سرانجام ایران را برای پایان دادن به جنگ متقاعد خواهد کرد.

سیاست ایران درباره ی مردم عراق و تفکیک مردم از رژیم بعث و همچنین نقش تاریخی ثبات بخشی ایران در خلیج فارس و نیاز به امنیت در منطقه برای صدور نفت، سبب شد تا ابتدا ایران در برابر حملات عراق به نفتکش ها و شهرها هیچ واکنشی نشان ندهد ولی ضرورت جلوگیری از افزایش فشار عراق به ایران و بازداشتن آن کشور موجب شد تا سیاست مقابله به مثل را اتخاذ کند. آقای هاشمی درباره ی ماهیت این سیاست می گوید: «در بقیه ی مسائلی هم که در سایه ی جنگ پیش می آید، سیاست ما همین است. همان سیاست قصاص اسلامی و همان سیاست مقابله به مثل که در کل دنیا به عنوان یک اصل پذیرفته شده است.» (۱) .

سیاست مقابله به مثل در خلیج فارس از سال ۱۳۶۳ آغاز شد. چنانکه در سال های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ علی رغم حملات عراق به خارک و نفتکش ها (جمعا ۳۸ مورد) ایران هیچ گونه واکنشی از خود نشان نداد. (۲) از نیمه ی دوم سال ۱۳۶۲ با انتشار گزارش تحویل هواپیمای سوپر اتاندارد به عراق، نگرانی ایران افزایش یافت. مهندس موسوی، نخست وزیر وقت، پس از اتمام جلسه هیئت دولت گفت: «اگر خلیج فارس برای ایران ناامن شود، برای همه ی کشورها ناامن خواهد شد.» (۳) آقای هاشمی نیز بر این نظر بود: «تحویل سوپر اتاندارد به عراق برای ضربه زدن به منابع حیاتی ایران و چشم پوشی این کشور از حقوق

۱- ۹۰۸. خطبه های جمعه سال ۶۳، تابستان ۷۶، ص ۳۳۹ و ۳۴۰، خطبه دوم، ۲۶ / ۵ / ۱۳۶۳.

۲- ۹۰۹. مأخذ ۲۴۵، ص ۱۰۸ و ۱۰۹.

۳- ۹۱۰. خطبه های جمعه سال ۶۲، جلد پنجم، بهار ۱۳۷۶، چاپ اول، ص ۸۹.

حتمی خود در خلیج فارس و تسلیم در برابر دشمنان است.» (۱) در واقع، استکبار جهانی مایل نیست جنگ آن طوری که ما می خواهیم تمام شود. (۲) به همین دلیل ایران با هدف بازدارندگی (۳) موضوع مسدود کردن تنگه هرمز را مطرح کرد. امام خمینی خطاب به کشورهای منطقه و کشورهایی که از نفت استفاده می کنند هشدار داد دولت ایران با قدرت تنگه هرمز را مسدود می کند (۴) و اگر عراق منابع ما را بزند هیچ کس رنگ نفت را نخواهد دید. (۵) آقای هاشمی پس از موضع گیری امام توضیح داد که ما باید تلاش کنیم این وضع در خلیج فارس پیش نیاید چون برای ما هم خوب نیست تنگه ی هرمز بسته شود (۶) ولی اگر اینجا (خلیج فارس) به درد ما نخورد همه دنیا محروم می شوند. (۷) .

ادامه ی روند حملات عراق و هشدارهای تهدیدآمیز ایران بر دامنه ی نگرانی ها افزود و این موضوع از اهداف و خواسته های عراق بود. لذا، آقای هاشمی هشدارهای ایران را تعدیل کرد و گفت: «حتی اگر نصف نفت ما را هم بزنند مصلحتمان نیست تنگه هرمز را ببندیم.» (۸) ایشان معتقد بود دو سناریو طراحی شده است. فرض بر این است که ایران یا ساکت می ماند که در محاصره خفه می شود یا تنگه ی هرمز را می بندد که با زمینه چینی هایی که شده است کشوری ماجراجو و بحران آفرین در دنیا معرفی می شود. (۹) .

نظر به اینکه ماهیت سیاست های آشوب طلبانه ی حزب بعث - به دلیل نگرانی از شکست در جنگ - منشأ بحران آفرینی در خلیج فارس ارزیابی می شد (۱۰) لذا از قرار گرفتن در مسیر سیاست های عراق اجتناب شد. رالف کنیگ نیز در همین زمینه می نویسد: «در سال ۱۹۸۴ م (۱۳۶۳) برای ایران روشن شده بود که حملات عراق به نفتکش ها به این دلیل طراحی شده

۱- ۹۱۱. همان، ص ۱۶۶ و ۱۶۷، خطبه عربی، ۲۹ / ۷ / ۱۳۶۲.

۲- ۹۱۲. همان، ص ۱۰۸، خطبه دوم، ۲۲/ ۷ / ۱۳۶۲.

۳- ۹۱۳. آقای هاشمی در کارنامه و خاطرات خود می نویسد: «ساعت یازده خدمت امام رسیدم، راجع به جنگ و مسائل دیگر مذاکره و مشورت کردم. موافقت کردند که به خاطر ترساندن غرب از ماجراجویی در خلیج فارس و به خاطر داشتن امکانات در صورت درگیر شدن در تنگه ی هرمز و بسته شدن راه های ورود و خروج نیازمندی ها به ایجاد روابط خوب با شوروی اقدام کنیم.» (آرامش و چالش، ص ۳۷۱، خاطرات شنبه، ۲۱ آبان ۱۳۶۲).

۴- ۹۱۴. صحیفه نور، جلد ۱۸، ص ۱۲۲، ۳۱ / ۶ / ۱۳۶۲.

۵- ۹۱۵. همان، ص ۱۱۲، ۲۸ / ۶ / ۱۳۶۲.

۶- ۹۱۶. مأخذ ۳۹۴، ص ۵۷، خطبه اول، ۲/ ۷ / ۱۳۶۲.

۷- ۹۱۷. مأخذ ۳۹۴، ص ۱۱۶ و ۱۱۷، خطبه دوم، ۲۲ / ۷ / ۱۳۶۲.

۸- ۹۱۸. مأخذ ۳۹۴، ص ۱۱۵، خطبه دوم، ۲۲ / ۷ / ۱۳۶۲.

۹- ۹۱۹. مأخذ ۳۹۲، ص ۲۷۰، ترجمه خطبه عربی.

۱۰- ۹۲۰. مأخذ ۳۹۲، ص ۱۴۸، خطبه دوم، ۲۸ / ۲ / ۱۳۶۳.

است که ایران رابه نوعی اقدام تلافی جویانه تحریک کند که این ایالات متحده (و شاید متحدان عمده ی آن) را به مداخله کردن (۱) فرا می خواند و ایران به روشنی متوجه شد که تنها راه ممکن «نفشردن» دست آن هاست.» (۲) .

ایران در تحلیلی که از اهداف و ماهیت سیاست های عراق داشت به جای مسدود کردن تنگه ی هرمز سیاست جدیدی را اتخاذ کرد و در اردیبهشت ۱۳۶۳ اولین اقدام انتقامی ایران، حمله ی متقابل به نفتکشی کویتی بود. (۳) در این مرحله از اقدامات دریایی و هوایی ارتش برای مقابله به مثل استفاده می شد. (۴) در مجموع در سال ۱۳۶۳ عراق به ۵۳ نفتکش حمله کرد در حالی که واکنش ایران حمله به ۱۸ نفتکش بود. (۵) .

آقای هاشمی در تبیین سیاست مقابله به مثل ایران طی تحلیلی گفت: «در دریا ما خیلی صبر کردیم، عراقی ها بر این سیاست بودند که محیط زیست را آلوده کنند، کشتی ها و بنادر را بزنند و چاه های نفت را هدف قرار دهند، ولی ما صبر کردیم. اگر عراق در این راه تنها بود ممکن بود که ما به کاری اقدام نکنیم، ولی دیدیم که عراق تنها نیست. پول، موشک ها، اطلاعات نظامی و حتی مسیر هواپیماها را کشورهای مجاور یا ابرقدرت ها به او می دادند. کسانی که در خلیج فارس به اندازه ی عراق منافعی دارند آن ها را آلوده شدن آب ها یا ناامن شدن مسیرها شریک هستند. لذا هنگامی که به این نقطه رسیدیم سیاست «ضربه مقابل ضربه» را اعلام کردیم. از عهده ی آن هم برآمدیم و تا آخر هم برمی آییم.» (۶) .

در تابستان سال ۱۳۶۴ عراق موج جدیدی از حملات گسترده را به خارک از سر گرفت؛ چنانکه شصت بار حمله ی هوایی در این دوره ی شش ماه ثبت شد. با این حملات، نگرانی های ایران تشدید شد؛ زیرا علاوه بر خساراتی که

۱- ۹۲۱. بنابر برخی گزارش ها امریکا قول داده بود به هر قیمتی آبراه استراتژیک خلیج فارس را باز نگه دارد، ناو هواپیمابر رنجر امریکا بر اساس پیش بینی بحران در خلیج فارس از امریکایی مرکزی به اقیانوس هند آمد و انگلیس ناو هواپیمابر «اینونیسیبل» را به منطقه فرستاد. (خطبه های جمعه، ج پنجم، ص ۸۸ و ۸۹، گزارش خبرگزاری یونایتدپرس).

۲- ۹۲۲. مأخذ ۲۵، ص ۱۷۶.

۳- ۹۲۳. مأخذ ۱۸۸، ص ۳۲ و ۳۳.

۴- ۹۲۴. مأخذ ۱۹۰،۹۴.

۵- ۹۲۵. مأخذ ۲۴۵، ص ۱۰۸ و ۱۰۹.

۶- ۹۲۶. مأخذ ۳۹۲.

متحمل شده بود سیاست مقابله به مثل تأثیر چندانی نداشت. در این مرحله، عراق ۳۳ نفتکش و ایران ۱۴ نفتکش را مورد هدف قرار داد. (۱) در نتیجه، ایران بازرسی از کشتی ها را در تنگه هرمز آغاز کرد. (۲) مجددا ایران سیاست های خود را اعلام کرد: «روزی که ما نتوانیم نفت از خلیج فارس صادر کنیم، خلیج فارس برای هیچ کس نباید آماده ی صدور نفت باشد. (۳) یک کشتی از ما زده شود کشتی دیگری هم زده می شود، حالا از هر کس می خواهد باشد.» (۴) .

در شهریور ۱۳۶۴ فرمان امام برای تشکیل سه نیرو در سپاه نقطه ی عطفی در گسترش فعالیت های سپاه در منطقه خلیج فارس بود تا با امکانات کم و با روش های جدید و کم هزینه سیاست های مقابله به مثل را دنبال کند. (۵) آقای هاشمی همچنان بر این نظر بود که هدف عراق از فشار اقتصادی تضعیف قدرت مالی ایران است تا به ادامه جنگ قادر نباشد و از موضع ضعف پای میز مذاکره بنشیند و از خواسته های خود از جمله گرفتن خسارت خودداری کند. (۶) در عین حال، ایشان توضیح داد ما با کشتی زنی و ناامنی در خلیج فارس مخالفیم و همان لحظه که احساس کنیم عراقی ها نمی زنند ما هم نمی زنیم. (۷) .

در سال ۱۳۶۵ سپاه به عرصه ی مقابله به مثل وارد شد و در حالی که عراق به ۶۶ نفتکش حمله کرد ایران ۴۱ نفتکش را مورد حمله قرار داد. در واقع، تعداد حملات در سال ۱۳۶۴ تنها ۴۷ مورد بود ولی در سال بعد به ۱۰۷ مورد افزایش یافت. (۸) علاوه بر این، سپاه در سال ۱۳۶۵ با عملیات کربلای ۳، اسکله ی العمیه را تصرف و عراق را برای مدتی از این پایگاه دریایی خود محروم کرد. (۹) .

در سال ۱۳۶۵ به موازات افزایش حملات به نفتکش ها در مقایسه با سال قبل، قیمت نفت به نحو بی سابقه ای کاهش یافت چنانکه از ۲۶ دلار به ۶ دلار رسید. درآمد ارزی ایران در این سال تنها شش میلیارد دلار بود (۱۰) که بخش اعظم آن برای ادامه ی جنگ استفاده می شد. (۱۱) .

۱- ۹۲۷. مأخذ ۲۴۵، ص ۱۰۸ و ۱۰۹.

۲- ۹۲۸. مأخذ ۱۸۸، ص ۳۵.

۳- ۹۲۹. مأخذ ۲۷۴، ص ۴۲۴ و ۴۲۵، خطبه دوم، ۲۲ / ۶ / ۱۳۶۴.

۴- ۹۳۰. مأخذ ۳۴۹، ص ۱۹۹، خطبه دوم، ۲۲/ ۹ / ۱۳۶۴.

۵- ۹۳۱. مأخذ ۱۹۰، ص ۷۵.

۶- ۹۳۲. مأخذ ۳۴۹، ص ۲۱ و ۲۲. خطبه دوم، ۱۲ / ۷ / ۱۳۶۴.

۷- ۹۳۳. مأخذ ۲۷۴، ص ۵۸ و ۵۹، خطبه دوم، ۹ / ۱ / ۱۳۶۴.

۸- ۹۳۴. مأخذ ۳۷۵، ص ۱۲۳.

۹- ۹۳۵. مأخذ ۱۹۰، ص ۹۵.

۱۰- ۹۳۶. مأخذ ۱۶۶، ص ۱۲۹، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۸ / ۴ / ۱۳۶۶، ص ۱۶.

۱۱- ۹۳۷. آقای خاتمی در سال ۱۳۷۵ در جلسه با حزب الله مجلس طی گزارشی می گوید: در سال ۱۳۶۵ درآمد ارزی کشور

بالاـتر از پنـج میلیـارد دلاـر بود که دولت سه میلیـارد را به نیروهای مسـلح اختصاص داد و کشور با دو میلیارد دلار اداره شـد. (روزنامه ی اطلاعات، ۹ / ۱۲ / ۱۳۷۵).

مقابله به مثل در جنگ شهرها

سیاست مقابله به مثل ایران در جنگ شهرها، پس از تحمل فشار اولیه ی حمله به شهرها صورت گرفت؛ زیرا ایران به این نقطه رسید که این مسئله باعث ضعف در جبهه ها می شود (۱) و هیچ راهی جز اینکه ما چند جا را بزنیم نداشتیم که این را اسلام هم برای ما تجویز می کرد. (۲) طرح آن ها این بود که بحرانی درست کنند تا حمایت مردم کم شود و مردم شعار جنگ جنگ تا پیروزی (۳) سر ندهند. (۴) .

سیاست مقابله به مثل ایران در جنگ شهرها (۵) ابتدا در شهرهای مرزی عراق انجام شد و حملات هواپیماهای عراق به تهران در اسفند ۱۳۶۳، به تغییر روش و هدف ایران منجر شد. گرچه حملات عراق به شهرهای ایران به ویژه شهرهای مرزی از ابتدای جنگ انجام می شد، لیکن حمله ی به تهران اوضاع را پیچیده تر کرد و نظم زندگی حاکم بر تهران را بر هم زد. به همین دلیل آقای هاشمی با تلخی از جنگ شهرها یاد کرد و گفت: «من اعتراف می کنم که در درون جنگ هیچ حالتی بدتر از همین ده پانزده روز زدن شهرها برای ما پیش نیامده که ما جنگ داریم.» ایشان اضافه کرد: «سربازها در جبهه می جنگند ولی مردمی که در شهرها هستند بعضی هایشان اصلا با جنگ مخالفند، بعضی موافقند، مریض و غیره هست و....» (۶) .

بر همین اساس، اولین موشک ایران در تاریخ۲۳/ ۱۲ / ۱۳۶۳ و همزمان با عملیات بدر و در حالی که عراق موج جدیدی از حملات به شهرها و تهران را

۱- ۹۳۸. مأخذ ۳۹۲، ص ۲۶، خطبه دوم، ۳ / ۱ / ۱۳۶۳.

۲- ۹۳۹. مأخذ ۳۹۲، ص ۲۲۱ و ۲۲۲، خطبه دوم، ۲۵/ ۳ / ۱۳۶۳.

۳- ۹۴۰. صدام قبل از عملیات بدر طی سخنانی که از رادیو بغداد پخش شد گفت: ما دو راه بیشتر نداریم یا مصالحه یا اینکه برای حل مسئله ی جنگ باید شهرهای ایران را بزنیم.

۴- ۹۴۱. مأخذ ۲۷۴، ص ۴۷ و ۴۸، خطبه دوم، ۹ / ۱ / ۱۳۶۴.

۵- ۹۴۲. افرایم کارش درباره ی مفهوم جنگ شهرها در کتاب خود می نویسد: عدم موفقیت ایران برای نفوذ در خطوط دفاعی عراق موجب عدم تحرک جنگ شد بلکه از سال ۱۹۸۴ م (۱۳۶۳) عراق تهدید کرد تمام شهرهای ایران را مورد حمله قرار خواهد داد و به غیرنظامیان یک هفته مهلت داد تا شهرها را تخلیه کنند. ایران تحت تأثیر این تهدید قرار نگرفت و اعلام کرد مقابله به مثل خواهد کرد. حملات عراق و پاسخ ایران منجر به منازعات شد که به نام اولین «جنگ شهرها» موسوم شد. (جنگ ایران و عراق، یک تحلیل نظامی، ص ۳۰ و ۳۱).

۶- ۹۴۳. مأخذ ۲۷۴، ص ۹۱، ۱۶ / ۱ / ۱۳۶۴.

از سر گرفته بود، به بانک رافدین در بغداد اصابت کرد. (۱) عراقی ها از این حمله غافلگیر شدند و یک مقام بلند پایه ی عراقی در مکالمه ی تلفنی با خبرنگار امریکا حمله ی موشکی ایران به بغداد را تکذیب کرد و گفت: «خرابکاران ایرانی یک بمب در داخل ساختمان بانک کار گذاشته بودند که به ساختمان آسیب رساند ولی کسی را مجروح نکرد.» (۲) حتی سخنگوی وزارت خارجه ی امریکا در واشنگتن نیز گفت ما چنین برداشت می کنیم که انفجار بغداد انفجاری داخلی بوده است و نه یک بمباران. (۳) مطبوعات کویت نیز نوشتند پرتاب موشک به بغداد صرفا یک ادعا است. (۴) .

پس از بررسی های اولیه، عراقی ها واقعیت جدید را پذیرفتند و همین مسئله حملات جدید عراق را متوقف کرد. درباره ی نوع موشک، خبرگزاری آلمان غربی اعلام کرد، سوریه و لیبی موشک های اسکاد ساخت شوروی را در اختیار ایران قرار داده اند. (۵) روزنامه ی القبس، چاپ کویت، نیز به نقل از مقامات پنتاگون نوشت موشک های زمین به زمین ساخت شوروی از نوع اسکاد است که از لیبی گرفته شده است. (۶) .

حملات موشکی به شهرهای بغداد، بصره و العماره هر چند محدود بود، لیکن موازنه ی جدیدی را در جنگ شهرها برقرار کرد که عراق آن را پیش بینی نمی کرد و به نظر می رسید ادامه ی این وضعیت با طولانی شدن زمان و افزایش حجم حملات ایران به شهرهای عراق، آن کشور را از حمله ی به شهرها باز خواهد داشت در غیر این صورت، عراق باید عامل جدیدی را در جنگ شهرها وارد معادله کند. (۷) .

برای تقویت و تحکیم بازداشتن عراق در جنگ شهرها و منصرف ساختن آن کشور از حمله ی مجدد به شهرها و با توجه به اینکه هدف این است که مردم را از پشت جبهه عقب بزنند (۸) آقای هاشمی پیشنهاد کرد: «در روز قدس آن هایی که طرفدار جنگ هستند، آن هایی که عقیده دارند این جنگ باید

۱- ۹۴۴. انتشارات روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، گذری بر پنجمین سال جنگ تحمیلی، ۲۳ / ۱۲ / ۱۳۶۳، ص ۱۲۴.

۲- ۹۴۵. همان.

۳- ۹۴۶. همان.

۴- ۹۴۷. همان.

۵- ۹۴۸. همان.

۶- ۹۴۹. همان.

۷- ۹۵۰. تلاش عراق برای دستیابی به موشک برای حمله به تهران بر اساس همین تجربه دنبال می شد.

۸- ۹۵۱. مأخذ ۲۷۴، ص ۲۱۱ و ۲۱۲.

ادامه پیدا کند، آن روز بیرون بیایند تا دشمنان ما بفهمند که طرفدار جنگ در مملکت زیادترند یا طرفداران خانواده ی پهلوی و دیگران.» (۱) آقای هاشمی معتقد بود این دعوت و واکنش مردم برای این است که «هم خودمان را بشناسیم؛ هم مردممان را بشناسیم؛ هم دیگران ما را بشناسند.» (۲) .

واکنش مردم در روز قدس، که بیش از حد تصور و انتظار بود، همراه با پیامد دستیابی ایران به موشک و حمله به شهرهای بزرگ عراق و تهدید ایران به پاسخ مجدد به حملات عراق به ویژه موشک باران بصره، (۳) - (۴) حملات عراق را به تهران متوقف کرد.

عکس العمل ایران در برابر استفاده عراق از سلاح های شیمیایی که با عملیات خیبر به صورت گسترده و آشکار آغاز شد چنین بود: «ما متعهدیم که بمب شیمیایی استفاده نکنیم اما اگر آن ها ادامه بدهند آیا می شود صبر کرد؟» (۵) اینگونه نخواهد بود که به دشمن اجازه بدهیم در این میدان هر چه که می خواهد بتازد. (۶) بدانید مسئله بمب های شیمیایی از لحاظ ساختن کار چندان دشواری نیست. (۷) .

در عین حال، محدودیت های اخلاقی - اعتقادی و فنی ایران مانع از به کارگیری سلاح های شیمیایی شد. ولی عراق دامنه ی حملات شیمیایی خود را با افزایش توان فنی و با استفاده از حمایت ها و توافق بین المللی، به ویژه امریکا گسترش داد که حمله ی شیمیایی به شهر حلبچه نقطه ی اوج خیانت رژیم عراق بود.

نتیجه گیری فصل سوم

عزم و اراده و توان نسبی و روحیه تهاجمی قوای نظامی ایران برای ادامه ی جنگ با حمله به مواضع و استحکامات عراق در مناطق مختلف، همراه با تحولات جدید در خاورمیانه از جمله انفجار در مقرهای نیروهای امریکایی، فرانسوی و اسرائیلی در لبنان، نگرانی های جدید را به وجود آورد و در نتیجه،

۱- ۹۵۲. مأخذ ۲۷۴، ص ۲۱۱ و ۲۱۲.

۲- ۹۵۳. مأخذ ۲۷۴، ص ۲۱۱ و ۲۱۲.

۳- ۹۵۴. عراق در اسفند سال ۱۳۶۶ با دستیابی به موشک از طریق شوروی، دور جدیدی از حملات خود را به تهران از سر گرفت.

۴- ۹۵۵. مأخذ ۳۹۲، ص ۲۲۱ و ۲۲۲، خطبه دوم، ۲۵ / ۳ / ۱۳۶۳.

۵- ۹۵۶. خطبه های جمعه سال ۶۳، جلد ۶،۱۳۷۶، ص ۲۶ و ۲۷، خطبه دوم، ۳ / ۱ / ۱۳۶۳.

۶- ۹۵۷. همان، ص ۳۳۹ و ۳۴۰، خطبه دوم، ۲۶ / ۵ / ۱۳۶۳.

۷- ۹۵۸. همان.

امریکا در چارچوب استراتژی جنگ بدون برنده، اهداف و سیاست های راهبردی جدیدی را در برابر عراق و ایران برگزید.

حمایت راهبردی امریکا از عراق، علاوه بر حمایت های سیاسی - تبلیغاتی شامل موارد مختلفی بود. کمک ها و حمایت های اطلاعاتی امریکا و سایر کشورها توانمندی اطلاعاتی عراق را در برابر ایران بسیار افزایش داد. با پیروزی ایران در عملیات فتح المبین کمک های اطلاعاتی امریکا به عراق با برگزاری نشست اطلاعاتی و استقرار دفتر سازمان سیا در بغداد آغاز شد.

پس از عملیات خیبر و افزایش نگرانی امریکا از شکست عراق و در پی انفجار مقر نیروهای امریکایی در بیروت، حمایت امریکا از عراق ابعاد تازه ای به خود گرفت و ارسال عکس های ماهواره ای همراه با گزارش هفتگی در این مرحله آغاز شد. بعدها این موضوع فاش شد که حتی حملات عراق به مراکز و تأسیسات اقتصادی ایران با تحریک و اطلاعات امریکا انجام شده است.

حجم کمک های مالی به عراق هنوز کاملا روشن نشده است ولی این مبلغ در مجموع بیش از ۱۲۰ میلیارد دلار بوده است. امریکا و سایر کشورهای غربی همراه با کشورهای خلیج فارس، کمک های مالی و اعتباری گسترده ای را در اختیار عراق قرار دادند تا عراق نیازمندی های خود را تأمین نماید.

کمک های تسلیحاتی را بیشتر شوروی (سابق)، فرانسه و یوگسلاوی و سایر کشورها انجام دادند. این امر علاوه، بر تقویت قدرت دفاعی عراق، با انباشت تجهیزات، زمینه ی تغییر استراتژی عراق را فراهم ساخت.

امریکا سیاست دیپلماسی - فشار را برای ایران برگزید. بدین معنا که با فشار به ایران توانمندی و قدرت تأثیرگذاری ایران بر روند جنگ و تحولات منطقه را مهار کند. همزمان امریکایی ها به دنبال گشایش باب مذاکره بودند. در چارچوب همین سیاست ماجرای مک فارلین برای پایان دادن به جنگ و تأثیر گذاشتن بر تحولات سیاسی ایران پس از اتمام جنگ دنبال می شد.

عراق از پیروزی های نسبی ایران در برخی از مناطق، نگران بود و استراتژی اش در این دوره اتمام جنگ بود. لذا هدف عراق از حمله به

نفتکش ها بین المللی کردن جنگ بود و به کارگیری گسترده ی سلاح های شیمیایی برای مهار پیروزی های ایران و حملات جدید به شهرها برای گسترش نارضایتی از ادامه ی جنگ در داخل کشور و شکل گیری «صلح از درون» بود.

ایران در مرحله ی جدید از فرسایشی شدن جنگ نگران بود ضمن اینکه حملات عراق و استفاده ی این کشور از سلاح های شیمیایی و حمله به نفتکش ها، گسترش یافت. به همین دلیل، ایران در ادامه ی استراتژی پیشین و پاره ای تغییرات در عرصه های مختلف، عملیات فاو را همراه با مذاکره ی پنهانی با امریکا دنبال کرد. چشم انداز جنگ فرسایشی با پیروزی در فاو تغییر یافت و امکان مجدد تغییر موازنه به سود ایران، واکنش های گسترده ای را برانگیخت.

در این روند افشای ماجرای مک فارلین و نگرانی امریکا از واکنش کشورهای منطقه و بهره برداری شوروی (سابق) سبب شد تا دامنه ی حمایت ها از عراق و فشار به ایران به نحو گسترده ای افزایش یابد، به گونه ای که شش ماه نخست سال ۱۳۶۵ از نظر فشارها با هیچ دوره ای از جنگ قابل مقایسه نبود.

به نظر می رسید پیروزی در فاو می تواند به معنای تحقق استراتژی ایران برای پایان دادن به جنگ باشد اما پیامدهای تصرف فاو نشان داد این استراتژی پاسخگو نیست. در عین حال، تلاش برای تعیین سرنوشت جنگ به اجرای عملیات های کربلای ۴، کربلای ۵ و کربلای ۸ منجر شد که هیچ کدام برای پایان دادن به جنگ نتیجه ی مطلوبی نداشت. در عین حال، آنچه بعدها در عرصه ی سیاسی و نظامی انجام شد تا اندازه ای از نگرانی نسبت به گسترش دامنه ی جنگ و پیروزی احتمالی ایران متأثر بود.

ص: ۱۹۸

پایان جنگ

تشدید فشار بین المللی و نظامی به ایران

آنتونی کردزمن در کتاب خود می نویسـد: «جنگ ایران و عراق در مقطع پایانی خود نیز مشـخصه بین المللی جدیـدی یافت و آن زمـانی بود که امریکـا و شوروی برای تضـمین جریان نفت خلیـج فارس وارد منطقه شدنـد. این اقـدام عملا به برخوردهای دریـایی بین ایران و امریکـا، برای تـأمین امنیت خطوط کشتیرانی دولت های جنوب خلیـج فارس انجامیـد. همزمان با اقـدامات امریکا، برای تأمین امنیت خطوط کشتیرانی دولت های جنوب خلیج فارس انجامید. همزمان با اقدامات امریکا، سازمان ملل نیز نقش مهمی را در خلال حوادثی که به برقراری آتش بس در جنگ منتهی شد ایفا کرد.»

(درس هایی از جنگ مدرن، ج دوم، جنگ ایران و عراق، ص ۲۱).

قدرت های بزرگ در سال ۱۳۶۵ برای حفـظ موازنه ی قوا در جنگ و برای جلوگیری از برتری ایران بر عراق کوشـیدند. (۱) پیامـدهای این استراتژی، که بر پایه ی توافق بین المللی برای حفظ وضع موجود در منطقه اتخاذ شـد، (۲) مشخصه های جنگ را در سال ۱۳۶۶ شـکل داد و روند جدیدی را در سـطح بین المللی و منطقه و میان ایران و عراق به وجود آورد که زمینه های خاتمه جنگ در بستر همین تحولات شکل گرفت.

در عین حال که ایران از پیروزی قطعی بر عراق تا انـدازه ای ناامید شده بود، از مداخله ی خارجی نیز نگران بود (۳) و تنها می کوشـید تا با به مخاطره انـداختن وضـعیت نظامی عراق، حامیان این کشور را برای حـذف صدام متقاعد سازد. در واقع، مفهوم پیروزی از نظر ایران (۴) صدام را متجاوز دانسـتن و حذف او و پرداخت غرامت به ایران بود و برای تحقق این هدف بر اجرای عملیات نظامی و کسب پیروزی تکیه داشت. نتیجه ی عملیات کربلای ۵ بنابر نظر پروفسور

۱- ۹۵۹. رادیو لنـدن پس از اتمام جنگ طی تحلیلی می گویـد: «غرب به طور کلی به عراق کمک کرد تا بتوانـد در جنگ با ایران برتری نظـامی خود را به دست بیـاورد و مـانع از به هم خوردن موازنه ی قـدرت در منطقه به نفع ایران شود.» (مـا اعتراف می کنیم، ص ۵۷، بی.بی.سی ۳ / ۵ / ۱۳۶۹).

۲- ۹۶۰. معاونت سیاسـی ستاد کل سپاه پاسداران، ویژه نامه «بررسی جنگ» (بحران خلیج فارس)، مهر ۱۳۶۶، ص ۱۷۱، رالف کینگ، جنگ ایران و عراق: مفاهیم سیاسی ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶.

۳- ۹۶۱. همان، ص ۱۵۷ و ۱۷۳ و ۱۷۴.

۴- ۹۶۲. افرایم کـارش، جنگ ایران و عراق - یک تجزیه و تحلیل نظامی، نشـریه ادلفی پی پر، بهار ۱۹۸۷، ترجمه خبرگزاری جمهوری اسلامی، تایپ و تکثیر مجدد معاونت اطلاعات و عملیات ستاد کل نیروهای مسلح، دفتر مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۷۴.

رمضانی حتی ایران را از دستیابی به این نوع پیروزی محروم کرد. (۱) چنانکه پس از کربلای ۵، منطقه ی عملیاتی ایران از جنوب به شمال غرب منتقل شد.

عراق که قدرت ایران را بر پایه ی برتری نیروی انسانی و برخورداری از منابع ارزی برای خرید تسلیحات و تأمین نیازهای اقتصادی می دانست به زیر ساخت های اقتصادی ایران و نفتکش های حامل نفت ایران حملات وسیعی کرد ولی با این اقدامات نتوانست ایران را به پذیرش آتش بس متقاعد سازد؛ (۲) زیرا فشارها به اندازه ای نبود که قدرت ادامه ی جنگ را از ایران سلب کند. از طرفی، ایران با دستیابی به پیروزی نسبی و متقابلا- عراق با ناتوانی در حفظ مواضع دفاعی خود یا عقب راندن نیروهای ایران از مواضع تصرف شده، معادله ای را برقرار کردند که نشان می داد هرگز به برقراری آتش بس و انجام مذاکرات منتهی نخواهد شد؛ (۳) زیرا به نوشته ی کردزمن: «این جنگ به کشمکش مابین توانایی عراق در استفاده از قدرت هوایی برای تضعیف اقتصاد ایران از سویی و توانایی ایران در استفاده از نیروی زمینی به جهت تهاجم به داخل عراق از سویی دیگر تبدیل شد.» (۴) .

برخی از تحلیلگران به این نظر بودند که تا زمانی که تعادل قدرت های نظامی میان دو کشور عراق و ایران پابرجا باشد و همچنین تا زمانی که هر دو کشور مذکور از تئوری های استراتژیکی معین پیروی می نمایند وضع استراتژیک جنگ هرگز تغییر نمی کند؛ زیرا استراتژی تهاجمی ایران که توفیق آن ممکن نیست و استراتژی دفاعی عراق که در انتظار برقرار کردن صلح به سر می برد، در برابر یکدیگر قرار دارند. (۵) محی الدین مصباحی معتقد است روس ها نیز تدریجا به این نتیجه رسیدند که جنگ ایران و عراق به وضعیت «پات استراتژیک» رسیده است و تا فرسایش نهایی منابع اقتصادی و انسانی ایران که آن را مجبور می سازد توافقی دیپلماتیک را بپذیرد ادامه خواهد یافت. (۶) .

برخی دیگر از تحلیلگران معتقد بودند قدرت ایران از تعهد و ایمان قوی به ادامه ی جنگ تشکیل شده است و این امر نه تنها برای سیستم های تسلیحاتی، قطعات یدکی و آموزش جایگزین مناسبی نیست (۷) در جنگ طولانی دوام

۱- ۹۶۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش ویژه» شماره ۱۸۸، ۲ / ۷ / ۱۳۶۶ رادیو بی.بی.سی، ۱ / ۷ / ۱۳۶۶، ص ۳۹ و ۴۰.

۲- ۹۶۴. روابط عمومی فرماندهی کل سپاه «گزیده مطبوعات جهان»، نیمه دوم دی ۱۳۶۳، ص ۳۳، مجله المستقبل، چاپ فرانسه، ۷ دسامبر ۱۹۸۵.

۳- ۹۶۵. همان.

۴- ۹۶۶. آنتونی کردزمن و آبراهام واکنر، درس هایی از جنگ مدرن، جلد دوم، جنگ ایران و عراق، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ترجمه حسین یکتا، منتشر نشده، ص ۲۷۰.

۵- ۹۶۷. مأخذ ۵، ص ۱۴، المجله چاپ انگلستان، آوریل ۱۹۸۵، آینده جنگ، به قلم تحلیلگر نظامی المجله.

۶- ۹۶۸. محی الدین مصباحی، اتحاد جماهیر شوروی سابق و جنگ ایران و عراق از برژنف تا گورباچف، فصل هشتم، ترجمه

قرارگاه نصر، ص ۱۴.

۷ - ۹۶۹. روزنامه اخبار اقتصادی، ۳ / ۷ / ۱۳۷۸، ص ۷، شهرام چوبین، صلح پس از جنگ، قسمت دوم، ترجمه جعفر خیرخواهان.

آن ها را نمی توان پیش بینی کرد و در درازمدت خستگی روزافزون عامل خطرناکی می توانـد باشـد. (۱) آنتونی پارسونز، آخرین سفیر انگلیس در زمان شاه، در همین زمینه می گوید:

«تغییرات در روحیه مردم ایران تنهـا عـاملی است که اگر اتفـاق بیفتـد باعث شـکست ایرانیان خواهـد شـد. تا زمانی که انقلاب وجود دارد، که دارد و خواهـد داشت، تـا زمـانی که آیت الله خمینی وجود دارد و تـا زمـانی که روحیه ی انقلابـی مردم ایران وجود داشته باشـد، که دارد، جنگ ادامه خواهـد داشت. به نظر من تا انقلاب و حمایت مردمی از آن و از شـخص امام وجود دارد جنگ ادامه پیدا می کند. دو گروه در ایران وجود دارند؛ گروهی خواستار صدور انقلاب و تندرو و گروه دیگر خواستار نظم بخشیدن در داخل است. اگر جنگ با پیروزی نظامی تمام شود گروه اول قدرت را قبضه می کند و...» (۲) .

شولتز، وزیر خارجه ی وقت امریکا، بر این نظر بود که باید به ایران فشار وارد کرد؛ زیرا کاستن از توان نظامی ایران، که طرف سرکش این جنـگ است، راه حل از طریق مـذاکره را می توانـد میسـر سازد. (۳) وی افزود هـدف مـا پایان دادن به این جنگ است بـدون اینکه جنگ مـذکور طرف پیروز یا بازنـده ای داشـته باشد. (۴) به همین دلیـل بخشـی از کوشـش های امریکا در جهت خـاتمه دادن به جنـگ ایران و عراق سـعی در بازداشـتن شـرکت ها از خریـد نفت و تجارت با ایران بود تا درآمـد ایران کاهش یابد. (۵) امریکـا بـا این روش به دنبـال برقراری موازنه ی استراتژیـک برای خنثی کردن ایران و در عین حـال تضـمین جریان نفت بود. (۶) .

ارزیابی عراق از وضعیت موجود و ضرورت تغییر در روند حاکم بر جنگ و فراهم سازی زمینه ی خاتمه ی جنگ تا اندازه ای متفاوت بود و البته به آن کمتر

۱- ۹۷۰. مأخذ ۳.

۲- ۹۷۱. رادیو لندن، ۱۲ / ۱ / ۱۳۶۷.

۳- ۹۷۲. رابرت هـانتر از مسـئولان سـابق شورای امنیت ملی امریکا پس از اتمام جنگ ایران و عراق و حمله ی عراق به کویت در مصاحبه ی تلویزیونی N.N.C گفت: «ما در محاسبات خود درباره ی توان نظامی ایران دچار اشتباه شدیم و برای اجتناب از پیروزی ایران در جنـگ بـه سـرعت بـه سـمت عراق گرایش یـافتیم.» (مـا اعـتراف می کنیـم، ص ۱۳۷، بـه نقـل از روزنـامه ی جمهوری اسلامی ۱۱ / ۶ / ۱۳۶۹).

۴- ۹۷۳. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۷ / ۹ / ۱۳۶۵، ص ۱۶.

۵- ۹۷۴. مرتضـی منطقی، نگاهی به ۸ سـال جنـگ تبلیغاتی، گروه علوم انسانی دفتر مرکزی جهاد دانشـگاهی، انتشارات جهاد دانشگاهی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص ۳۹۳ و ۳۹۴، به نقل از واشنگتن پست، ۸ / ۵ / ۱۳۶۵.

۶- ۹۷۵. محسن صفری، ما اعتراف می کنیم، حوزه هنری، ۱۳۷۰، ص ۵۸، رادیو امریکا، ۱۵ / ۵ / ۱۳۶۹.

توجه شـد. در واقع، فضای کلیشه ای حاکم بر جنگ مبنی بر احتمال پیروزی ایران و آسـیب پـذیری عراق، از توجه به تغییر در برخی روندها و ارزیابی عراق از اوضاع مانع شده بود.

صدام معتقد بود پیروزی در جنگ نه تنها به عوامل مسـتقیم که به عوامل قبل از جنگ نیز بسـتگی دارد و این پیروزی هنگامی محقـق می شود که جنـگ به خوبی اداره شود. (۱) وی هـدف ایران را در جنگ تحلیل می کنـد و می گوید: «مسـئولان ایران همچنین تصور کرده انـد کشور آن هـا بـا جمعیتی معـادل سه برابر عراق بر عراق برتری دارد و این کشور را فرسوده می سـازد (۲) ایرانی ها به این امید که عراق در طول زمان ضعیف شود به تجاوزات خود ادامه دادند. (۳) در صورتی که ما خود را برای جنگ آماده کرده ایم گویی که جنگ همیشه خواهد بود.» (۴) .

صـدام اوضاع ایران را تحلیل می کرد و می گفت هر چه زمان می گذرد نیروهای معارض و مخالف در ایران رو به افزونی می گذارد و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی افزایش می یابد و پیچیده تر می شود. (۵) وی همچنین در مصاحبه با السیاسه، چاپ کویت، گفت: «آنچه در ایران روی خواهد داد این است که ایران یکباره پوسـیده و مانند لباسـی که بید آن را می زند یا بسـیار کهنه می شود، ناگهان در بدن صاحبش پاره می شود، زمانی فرا می رسد که ایران بر حسب زمانبندیی تدریجی ضعیف نمی شود، بلکه به طور کلی یکبـاره می پوسـد و دیگر به ادامه ی حیـات قـادر نیست ایران تمـام قوای خود را به تحلیل خواهد برد به گونه ای که قدرت تداوم بر حرکت در هر مرحله ای از مراحل، ناگهان متوقف می شود.» (۶) .

صـدام به پیشـرفت قوای نظـامی ایران در خاک عراق توجه کرد و گفت: «اکنون ایرانی ها اینجا و آنجا در خاک عراق هسـتند لیکن روزی خواهـد آمـد که می گوینـد تو را به خـدا بیاییـد و خاکتان را بگیرید و ما را مبتلا نکنید. من نمی دانم چگونه آن روز را نمی بینند که بخوبی واضح است. ما و آن ها هستیم و آن روز را خواهیم دید.» (۷) .

---

۱ – ۹۷۶. دبیرخـانه موقت تبلیغـات روانی نخست وزیری، بررسـی تبلیغـات عراق از فـاو تـا فـاو، دفتر مرکزی جهاد دانشـگاهی، ۱۳۶۸، بر اساس سـخنرانی های صـدام در روزنامه یومیه الثوره، چاپ عراق، ص ۸۷، سخنرانی صدام در مراسم اعطای مدال به فرماندهان در تاریخ ۲۱ / ۳ / ۱۳۶۶.

۲– ۹۷۷. مأخذ ۱۴، ص ۲۴۸ و ۲۴۹.

۳– ۹۷۸. مأخذ ۱۶، ص ۲۳۱، سخنرانی صدام در دبیرستان الکندی بغداد، ۳ / ۱۰ / ۱۳۶۶.

۴– ۹۷۹. مأخذ ۱۶، ص ۱۱۱.

۵– ۹۸۰. مأخذ ۱۶، ص ۲۲۸، سخنرانی در مدرسه الکندی.

۶– ۹۸۱. مأخذ ۱۶، ص ۲۵۶، ۱۵ / ۷ / ۱۳۶۶.

۷– ۹۸۲. مأخذ ۱۶، ص ۲۵۶، ۳ / ۲ / ۱۳۶۶.

صدام در مصاحبه با السیاسه، با توجه به تصویب قطعنامه ی ۵۹۸، به سؤال خبرنگار که می پرسد آیا جنگ تمام شده است یا نه؟ پاسخ می دهد: به صورت ظاهری نه، اما در واقع چرا. وی چنین می گوید: «اما آیا به معنای دیگر جنگ پایان یافته یا نه؟ جواب این است که تجاوز مایه گرفته از خمینیسم (۱) درهم شکسته شده (۲) و این آن چیزی است که آن را با یقین کامل می گویم.» (۳) .

صدام بر این نظر است که ادامه ی جنگ، انرژی و توان ایران را فرسوده کرده است و هر چند مناطقی از خاک عراق در تصرف نیروهای ایران است ولی این وضعیت ادامه نمی یابد و سرانجام نیروهای ایران از این مناطق عقب نشینی می کنند. نکته ی مهم این است که صدام معتقد بود در قبال از دست دادن این مناطق، هدف و مأموریتی را که ائتلاف بین المللی برای مهار انقلاب ایران بر عهده اش گذاشته بودند، به خوبی انجام داده است و به این اعتبار عراق پیروز شده است.

در عین حال، از وضعیت کنونی خارج شدن و فراهم شدن زمینه های خاتمه ی جنگ معضل و پرسشی اساسی بود و به نظر می رسید «تغییر اساسی در موازنه ی نظامی جنگ به نفع عراق به صورت شرط اولیه ی پایان سریع جنگ درآمده است.» (۴) عراقی ها در چارچوب رهنمودها و کمک های راهبردی شوروی و غرب، استراتژی دفاعی خود را به استراتژی تهاجمی تغییر دادند و تنها در انتظار فرصت مناسب برای آغاز تهاجمات و تغییر در موازنه ی نظامی بودند.

ادامه ی جنگ ایران و عراق همراه با گسترش و پیروزی احتمالی آن، مهم ترین عامل نگرانی امریکا و سایر حامیان جهانی و منطقه ای عراق بود. سردبیر نیویورک تایمز طی تحلیلی در همین زمینه می نویسد: «مسئله ی اصلی در منطقه، احتمال موفقیت ایران در جنگ و بحران ناشی از آن است.» (۵) .

برای پایان دادن به جنگ برخی منابع غربی تأکید می کردند: «فشار تدریجی

۱- ۹۸۳. منظور موج انقلاب اسلامی است.

۲- ۹۸۴. سرنوشت صدام، که ابزار قدرت های بزرگ برای مقابله با انقلاب بود، موجب چنین تصوراتی بری صدام شد. ولی امروز سرنوشت عراق و صدام نشان می دهد این تحلیل تا چه اندازه صحت دارد.

۳- ۹۸۵. مأخذ ۱۶، ص ۱۴۳، ۱۵ / ۷ / ۱۳۶۶.

۴- ۹۸۶. دبیرخانه کنفرانس بین المللی تجاوز و دفاع، بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع، جلد دوم، ص ۲۳۳، محی الدین مصباحی.

۵- ۹۸۷. محمد حسین جمشیدی، محمود یزدانفام، روز شمار جنگ ایران و عراق، کتاب ۴۷، آخرین تلاش ها در جنوب، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۱، ص ۲۷.

کلید متقاعد ساختن ایران به آغاز مذاکرات صلح است.» (۱) و «غرب فقط یک راه در پیش رو دارد و آن انجام دادن تلاش های بیشتر نظامی و دیپلماتیک و احتمالا هماهنگی با مسکو برای خاتمه ی جنگ است.» (۲) رالف کینگ بر این نظر بود که راهبرد ایالات متحده از سه جنبه ی وابسته به هم تشکیل شده است: تعهدات علنی مکرر در مورد آزادی عبور و مرور دریایی از طریق تنگه ی هرمز، اطمینان دادن مجدد به متحدان محلی و حفظ موازنه ی قدرت منطقه ای. در کنار این جنبه ها، به محدود کردن منافع بالقوه ی شوروی نیز نیاز است. (۳) .

واینبرگر وزیر دفاع وقت امریکا، درباره ی اهداف و سیاست های امریکا توضیحاتی داد که مهم بود. وی گفت سیاست امریکا در دو جهت بوده است؛ از یک طرف، کلیه ی تلاش های دیپلماتیک را که در جهت پایان دادن به جنگ صورت می گیرد، تشویق و تعقیب و از تلاش هایی که جلوی ایران را در ادامه ی جنگ می گیرد حمایت می کند و از طرف دیگر، می کوشد تا از کشورهای غیرمحاربی که با ادامه و گسترش جنگ تهدید می شوند، پشتیبانی نماید. (۴) .

وی همچنین درباره ی مناسبات امریکا با ایران و ضرورت تشدید فشار به ایران گفت: امریکا نمی خواهد ایران در جنگ با عراق پیروز شود. ما می بایست به خاطر موقعیت استراتژیک ایران با آن رابطه داشته باشیم ولی قبل از این باید دولت متفاوتی در ایران روی کار بیاید. (۵) .

امریکا در مرحله ی جدید، از طریق شورای امنیت تلاش های بین المللی گسترده ای را برای تصویب قطعنامه ی جدید با هدف پایان دادن به جنگ آغاز کرد. علاوه بر این، برای فشار نظامی به ایران برای «درگیری مستقیم و محدود» نیروهای خود را به خلیج فارس اعزام کرد. امریکا با موانع و چالش هایی روبه رو بود؛ از جمله با حضور نظامی در خلیج فارس درسازمان ملل همگرایی برای صدور قطعنامه را کاهش می داد. به همین دلیل، حضور گسترده ی امریکا در خلیج فارس و مداخله ی نظامی تحت عنوان اسکورت نفتکش ها و تضمین رفت و آمد کشتی های تجاری و نفتی صورت گرفت.

---

۱ - ۹۸۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۱۶۵، ۱۰ / ۶ / ۱۳۶۶، لندن، خبرگزاری جمهوری اسلامی،۹ / ۶ / ۱۳۶۶، ص ۱۰.

۲ - ۹۸۹. کامرون ر.هیوم، سازمان ملل متحد - ایران و عراق، ترجمه هوشنگ راسخی عزمی ثابت، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۴۶.

۳- ۹۹۰. همان، ص ۱۶۴.

۴- ۹۹۱. محمد درودیان، شلمچه تا حلبچه، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ سوم، ۱۳۸۱، ص ۱۰۰ و ۱۰۱.

۵- ۹۹۲. مأخذ ۲۵، ص ۲۸ و ۲۹.

تلاش بین المللی امریکا برای پایان دادن به جنگ با درخواست ریگان در تاریخ ۲۵ فوریه ۱۹۸۷ م و مجددا با بیانیه ی مورخ ۲۳ ژانویه، انجام گرفت. (۱) وی از شولتز، وزیر خارجه ی امریکا، خواست تا رهبری اقدامات بین المللی به منظور کشاندن ایران بر سر میز مذاکره را به عهده گیرد. (۲) بعدها روزنامه ی فرانسوی لوموند این موضوع را فاش کرد که پس از ده، پانزده روز از آغاز عملیات کربلای ۵، در حد فاصل ژانویه تا فوریه ۱۹۸۷ م (دی ۱۳۶۵ تا فروردین ۱۳۶۶) اعضای دائمی شورای امنیت برای نزدیک ساختن نظرهای خویش به یکدیگر بیش از سیزده جلسه برگزار کردند. (۳) واینبرگر، وزیر دفاع امریکا، ضمن اشاره به تلاش گسترده ی امریکا در شورای امنیت از ژانویه ۱۹۸۷ م به این موضوع اشاره کرد که پنج عضو دائم توافق دارند که جنگ بیش از اندازه به طول انجامیده است و باید اقدامات بین المللی جدی تری صورت گیرد تا دو طرف به این جنگ پایان بخشند. وی اضافه کرد: برای رسیدن به این منظور ایالات متحده قویا از اعمال اقدامات اجباری علیه ایران حمایت می کند. (۴) .

استراتژی امریکا برای برقراری صلح (۵) سبب شد تا سرانجام قطعنامه ی ۵۹۸ در تیر ماه ۱۳۶۶ با پانزده رأی موافق و بدون رأی مخالف و ممتنع به تصویب برسد. (۶) یک روز پس از تصویب قطعنامه، اسکورت نفتکش ها با پرچم امریکا در خلیج فارس آغاز شد. امریکا برای موافقت ایران با قطعنامه ی ۵۹۸ علاوه بر استفاده از اهرم نظامی حضور در منطقه ی خلیج فارس و تهدیدات جدید، برای تصویب قطعنامه ی دوم با هدف تحریم ایران تلاش خود را آغاز کرد. مخالفت شوروی با تحریم تسلیحاتی ایران و مذاکرات ایران با دبیر کل سازمان ملل مانع از موفقیت امریکا و توافق اعضای شورای امنیت شد. آرماکاست، معاون سیاسی وزارت خارجه امریکا، به مسکو سفر کرد تا موافقت شوروی ها را به دست آورد ولی موفقیتی به دست نیاورد. (۷) .

۱- ۹۹۳. رادیو امریکا پس از تصویب قطعنامه ی ۵۹۸ در سی تیر ماه ۱۳۶۶ گفت: «قطعنامه پس از شش ماه مذاکره و تبادل نظر در مقر سازمان ملل و در پایتخت های عمده ی جهان تهیه و تنظیم شد.» (خ.ج.ا.ا، نشریه ی گزارش های ویژه، ش ۱۲۳، بخش فارسی رادیو امریکا، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۶، ص ۱۵۰).

۲- ۹۹۴. مأخذ ۲۷، ص ۱۴۵.

۳- ۹۹۵. مأخذ ۲۵، ص ۳۶.

۴- ۹۹۶. مأخذ ۲۹، ص ۱۰۲.

۵- ۹۹۷. پرفسور روح الله کارگر رمضانی معتقد است تا زمانی که سقوط بصره در ژانویه ۱۹۸۷ م قطعی نشده بود، کابینه ی ریگان استراتژی صلح را به طور جدی دنبال نمی کرد.

۶- ۹۹۸. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به کتاب پایان جنگ، محمد درودیان.

۷- ۹۹۹. مأخذ ۲۵، ص ۳۶.

اسکورت نفتکش ها با پرچم امریکا گسترش درگیری را در خلیج فارس تداوم بخشید. عراق حمله به نفتکش ها و کشتی های تجاری ایران را با هدف تضعیف بنیه ی اقتصادی ایران دنبال می کرد. واکنش ایران در برابر اقدامات عراق تدریجا دامنه و حجم درگیری ها را افزایش داد.

علاوه بر این، موقعیت نظامی ایران پس از تصرف منطقه ی فاو (۱) کویت را نگران کرد که ایران نسبت به حمایت های آن کشور از عراق واکنش نشان دهد و در وضعیتی که ایران پیروزی جدیدی در منطقه ی شرق بصره به دست آورد و عراق مرحله ی سوم جنگ نفتکش ها را شروع کرد، دولت کویت در تاریخ سیزده ژانویه ۱۹۸۷ م (۲۳ دی ۱۳۶۵) از سفارت امریکا درخواست کرد تا نفتکش های کویت با نصب پرچم امریکا از حمایت دریایی این کشور برخوردار شوند. کویت به شوروی هم درخواست مشابهی داد. (۲) کویت همانند امریکا خطرات ناشی از تغییر پرچم را ارزیابی نکرده بود؛ زیرا این کشور مطمئن بود ایران با مجموعه تضمین های شوروی و امریکا مقابله نخواهد کرد. (۳) .

امریکا برای پاسخ دادن به درخواست کویت و کنترل روند رو به گسترش جنگ و مقابله با پیروزی احتمالی ایران، با چالش های زیادی روبه رو بود. برخی از ناظران معتقد بودند رویارویی مستقیم نظامی امریکا با ایران، احتمالا سریع ترین راه برای پایان دادن به جنگ عراق و ایران خواهد بود؛ (۴) زیرا بر اثر این رویارویی و گشایش جبهه ی دوم، در جنگ، قدرت نظامی ایران تحلیل می رود و به جای رفتار تهاجمی در خلیج فارس، موضع دفاعی اتخاذ خواهد کرد. (۵) روس ها نیز معتقد بودند امریکایی ها به دنبال وارد آوردن ضربات مستقیم به ایران هستند (۶) تا بدین وسیله به جنگ خاتمه دهند.

ص: ۲۰۶

۱- ۱۰۰۰. الیزابت گاملن و پال راجرز در مقاله ی خود در این مورد می نویسند: «به نظر می رسد بین درخواست کویت و وضعیت جنگ زمینی ایران و عراق ارتباطی وجود داشت. در فوریه ۱۹۸۶ م ایران شبه جزیره ی فاو را، که بخش مهمی از سرزمین عراق است، تصرف کرد. در نتیجه، نیروهای ایران برای اولین بار در نزدیکی مرز کویت قرار گرفتند... احتمالا دلیل درخواست مساعد کویت برای محافظت از صادراتش بیشتر برای جلب توجه بین المللی به جنگ بود که امنیت این کشور را به مخاطره می انداخت.» (کتاب بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع، ج دوم، ص ۱۶۱).

۲- ۱۰۰۱. مأخذ ۷، ص ۳۱۱.

۳- ۱۰۰۲. مأخذ ۷، ص ۳۱۳.

۴- ۱۰۰۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۱۱۸، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۶، ص ۱۹ و ۲۰، رادیو مسکو، ۲۴ / ۶ / ۱۳۶۶، روزنامه کریستین ساینس مانیتور.

۵- ۱۰۰۴. همان، ص ۲۰.

۶- ۱۰۰۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۱۰۰، ۷ / ۴ / ۱۳۶۶، ص ۱۲ و ۱۳، رادیو مسکو، ۶ / ۴ / ۱۳۶۶.

کیسینجر معتقد بود برافراشتن پرچم امریکا بر فراز کشتی های کویتی به معنای پشتیبانی آشکار از عراق تعبیر می شود و همین امر ماهیتا تعهد نامحدود امریکا تلقی می شود. وی می نویسد: «گرایش نظامی به سود عراق تنها هنگامی مفهوم داشت که آمد و رفت کشتی ها را در خلیج فارس، ایران به گونه ای جدی و آشکار تهدید می کرد و اقدامات آن کشور نتایج قاطع در سرنوشت جنگ به بار می آورد. در حال حاضر، نه نوع و ماهیت جنگ دریایی ایران و عراق و نه آمار کشتی های از دست رفته بر این امر صحه نمی گذارد.» (۱) .

کیسینجر با این توضیحات ماهیت و اهداف امریکا را نقد و بررسی می کند. در واقع، اگر نفتکش ها به دلیل مخاطرات جدی برای آمد و شد کشتی ها اسکورت می شوند، مداخله ی مستقیم امریکا علاوه بر اینکه تعهدات نامحدود ایجاد می کند، حمایت از عراق تلقی می شود که عامل اصلی حمله به کشتی های تجاری و نفتی است. کیسینجر در همین مقاله به تناقض موجود در اقدام امریکا توجه می کند. بدین معنا که اگر هدف تضمین آمد و شد کشتی ها است چرا این امر با حمایت از عراق همراه است که بیشترین اخلال را در رفت و آمد کشتی ها ایجاد کرده است؟ (۲) وی سپس نتیجه می گیرد که اگر ایالات متحده به این قصد چتر حمایت خود را بر فراز کشتی های کویتی می گسترانند تا در نتیجه ی نهایی جنگ تأثیر بگذارد، این تنها منطق قابل درک است ولی باید آماده پذیرش پیامدهای عملکرد خود نیز باشد. از نظر کیسینجر حضور امریکا در خلیج فارس نوعی به مبارزه خواندن نظامی ایران تلقی می شود و پرستیژ نظامی امریکا درگیر پیامد جنگ زمینی در این کشور خواهد شد. (۳) .

طراحان نظامی امریکا با فرض اقدام ایران برای بستن تنگه ی هرمز بر این باور بودند که می توانند هر گونه تلاش ایران برای بستن تنگه هرمز یا جلوگیری از صدور نفت از منطقه را در عرض چند روز خنثی کنند. امریکایی ها این نتیجه گیری را حاصل چهار عامل می دانستند: محدودیت هواپیماهای

ص: ۲۰۷

---

۱ - ۱۰۰۶. معاونت سیاسی ستاد کل، ویژه نامه «جنگ تحمیلی و بحران خلیج فارس»، مهر ۱۳۶۶، ص ۲۹، روزنامه لوس آنجلس تایمز، ترجمه کیهان چاپ لندن، ۱۹۸۷، مقاله دیپلماسی و جنگ تحمیلی.

۲- ۱۰۰۷. همان، ص ۲۹.

۳- ۱۰۰۸. همان، ص ۲۹ و ۳۰.

عملیاتی ایران؛ کارایی محدود موشک های زمین به هوا و ضد کشتی ایران؛ امکان انهدام مواضع توپخانه ایران در نزدیکی تنگه ی هرمز؛ عرض و عمق زیاد تنگه ی هرمز نشان می دهد مسدود کردن آن بسادگی ممکن نیست. (۱) .

ریگان نیز استدلال می کرد ایران به کشتی های حامل پرچم قدرت های بزرگ تا کنون حمله نکرده و بعید است چنین کاری بکند. به علاوه، ایران قدرت دریایی و هوایی متعارف برای مقابله با نیروی دریایی امریکا را ندارد. (۲) مورفی، معاون وزارت خارجه ی امریکا، نیز طی مصاحبه ای گفت: «علی رغم غیرقابل پیش بینی بودن رفتار ایران، احتمال حمله ی این کشور به کشتی هایی که پرچم امریکا را حمل می کنند وجود ندارد.» (۳) .

چنانکه روشن است تصمیم گیری برای اسکورت با هدف فشار نظامی به ایران از طریق مقابله سنجیده (۴) برای محدود کردن توانایی ایران و پایان دادن به جنگ بود و چنین پیش بینی می شد که ایران در برابر این اقدام، برای واکنش قدرت لازم را ندارد و سرانجام در برابر این فشار تسلیم خواهد شد و با پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸، جنگ با ابتکار عمل امریکا به پایان خواهد رسید.

سرانجام بنابر توافقنامه ی رسمی کویت و امریکا در تاریخ ۲ آوریل ۱۹۸۷ م (۱۳ فروردین ۱۳۶۶) برای تغییر پرچم کشتی ها، (۵) در تاریخ ۲۱ جولای ۱۹۸۷ م (۳۰ تیر ۱۳۶۶) اولین پرچم امریکا بر نفتکش های کویتی برافراشته شد (۶) و نخستین کاروان تحت اسکورت بر اساس برنامه ریزی زمان بندی شده در ۲۲ جولای ۱۹۸۷ م (۳۱ تیر ۱۳۶۶) وارد خلیج فارس شد. (۷) .

برخورد نفتکش بریجتون با مین، پیش درآمد برخوردهایی میان نیروهای ایران و امریکا بود. (۸) چنانکه در هشتم اکتبر (شانزده مهر ۱۳۶۶) هلی کوپترهای امریکایی به قایق های ایرانی تیراندازی کردند (۹) و متقابلا ایران

۱- ۱۰۰۹. مأخذ ۷، ص ۲۰۲.

۲- ۱۰۱۰. مأخذ ۷، ص ۳۱۲.

۳- ۱۰۱۱. دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران، گاه شمار جنگ ایران و عراق - ۱۹۸۷ (دی ۱۳۶۵ تا آذر ۱۳۶۶)، ترجمه پیروز ایزدی، ۱۳۷۷، ص ۷۵.

۴- ۱۰۱۲. مأخذ ۷، ص ۶۲۸.

۵- ۱۰۱۳. مأخذ ۷، ص ۳۱۳.

۶- ۱۰۱۴. مأخذ ۷، ص ۳۳۲.

۷- ۱۰۱۵. مأخذ ۷، ص ۲۳۵.

۸- ۱۰۱۶. آندره گاتری و ناتالینو رونزیتی، جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸) و حقوق جنگ دریایی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۴، ص ۱۲۷.

۹- ۱۰۱۷. همان، ص ۱۲۷ و ۱۲۸.

نیز اعلام کرد در تاریخ ۲۲ نوامبر (اول آذر) به چهار فروند هلی کوپتر امریکا تیراندازی کرده است. (۱) امریکا همچنین سکوهای نفتی ایران را مورد تهاجم قرار داد. (۲) بسیاری از ناظران و تحلیلگران، رویارویی ایران و امریکا را نشان دهنده ی فشار امریکا و متحدانش برای وادار کردن ایران به پذیرش قطعنامه و ترک عملیات نظامی و ورود به مرحله ی سیاسی و دیپلماسی ذکر کردند. (۳) .

حضور نیروهای امریکا در خلیج فارس نه تنها در خاتمه دادن به جنگ و ایجاد امنیت برای آمد و شد کشتی ها تأثیری نداشت بلکه دامنه ی درگیری ها را نیز تشدید کرد؛ البته برخی معتقدند اگر امریکا اقدامی نمی کرد با تهدید جدی گسترش نفوذ شوروی مواجه می شد و برخورد امریکا با ایران تأثیر عمده ای در خاتمه دادن به جنگ و مجبور کردن ایران به پذیرش آتش بس داشت. (۴) برژینسکی بر این نظر بود که با اسکورت نفتکش ها اوضاع در خلیج فارس با ثبات تر شده و جنگ نفس های آخرش را می کشد و ایران درک کرده است که نمی تواند پیروز شود. (۵) .

استراتژی ایران

اشاره

هزینه ها و دستاوردهای جنگ در سال ۱۳۶۵ و مشاهده دشواری های پیشروی نظامی در مواضع و استحکامات عراق و پیامدهای آن تدریجا ذهنیت و اراده ایران را برای پایان دادن به جنگ شکل داد. در این سال، حجم و دامنه ی فشارهای سیاسی، نظامی و اقتصادی به ایران در مقایسه با گذشته افزایش بسیار داشت؛ زیرا درآمد ارزی ایران بر اثر حملات عراق به نفتکش ها به شدت کاهش یافت. (۶) دیپلماسی پنهان ایران و امریکا با افشای آن آسیب

۱- ۱۰۱۸. مأخذ ۷، ص ۳۸۲ و ۳۸۳.

۲- ۱۰۱۹. محسن غلامی، «فشارهای داخلی و بین المللی اقتصادی و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت»، پایان نامه کارشناسی علوم سیاسی، انتشارات دانشگاه تهران، بهمن ۱۳۷۴، ص ۱۱۷ و ۱۱۸.

۳- ۱۰۲۰. همان، ص ۱۳۲ و ۱۳۳، نقل از پی یر زیان، داستان اوپک، ترجمه عبدالرضا غفرانی، فراندیش، ص ۴۴۳ و ۴۴۴.

۴- ۱۰۲۱. مأخذ ۷، ص ۶۲۵ و ۶۲۶.

۵- ۱۰۲۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه؛ گزارش های ویژه»، شماره ۱۹۱، ۵ / ۷ / ۱۳۶۶، ص ۳۹ و ۴۰، تهران خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۴ / ۷ / ۱۳۶۶.

۶- ۱۰۲۳. عدنان مزارعی در بررسی اقتصاد ایران بعد از انقلاب می نویسد: «کاهش عمومی قیمت های نفت و خسارات وارده بر ظرفیت صدور نفت ایران به سبب جنگ با عراق به افت بسیار درآمدهای نفتی انجامید. روشن است به رغم افزایش درآمدهای نفتی بین سال های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۳، جنگ نفتکش ها در خلیج فارس و افت شتابان قیمت نفت از سال ۱۳۶۵، به سرعت درآمدهای نفتی ایران را کاهش داد. در سال ۱۳۶۶ درآمدهای نفتی در حدود ۴۰٪ سال ۱۳۵۶ بود.» (نگاه کنید به مجله ی فرهنگ و توسعه، شماره ۲۶).

دیـد و همین امر به افزایش حمـایت هـای امریکا از عراق منجر شـد. علاوه بر این، بسیج منابع برای تعیین سـرنوشت جنگ در سال ۱۳۶۵، نه تنهـا به نتیجه نرسـید بلکه هزینه و تلفـات سـنگینی را بر ایران تحمیـل کرد که جـایگزینی آن به دلیـل وضـعیت اقتصادی کشور دشوار بود.

فراینـد جدیـد در کنار این واقعیت که ایران با پیروزی های نسبی به درهم شکسـتن خطوط دفاعی عراق و رخنه ی در آن قادر است همراه با پیامـدهای گسترش دامنه ی جنگ در خلیـج فارس، تـدریجا حامیان عراق را متقاعـد کرد که برای پایان دادن به جنگ باید خواسته های ایران را تأمین کنند و بدون تحقق این مهم، خاتمه دادن به جنگ ممکن نیست. (۱) .

در عین حال و با وجود تغییرات جدیـد در باورها و تصورات بازیگران و ظهور واقعیات جدیـد سیاسـی - نظامی، پایان دادن به جنگ پس از هفـت سـال دشـوار و احتمالاـ بـا هزینـه و پیامـدهای سیاســی همراه بـود. توضـیحات برخی از صـاحب نظران و تحلیلگران مهم است. چوبین معتقـد است در پاییز سال ۱۳۶۶ ایران از راه حل نظامی برای خاتمه ی جنگ ناامیـد شـده بود اما هنوز از راه حلی دیپلماتیک برای خلاصـی از جنگ دور بود؛ (۲) زیرا پایان دادن به جنگ از طریق سیاسـی به منزله ی تغییر و چرخشـی در استراتژی ایران ارزیابی می شد که به آسانی ممکن نبود. این تغییر با نادیده گرفتن حذف صدام ممکن بود؛ حال آنکه شـعار و استراتژی ایران حـذف صدام با تکیه بر پیروزی نظامی بود. چنین اقدامی «هزینه ی سیاسـی» (۳) به همراه داشت. شـائول بخـاش نیز طی تحلیلی گفت: «ایران دیگر نمی توانـد جنگ را ببرد، ولی پـذیرفتن صـلح هم چنـدان کار آسانی نیست؛ زیرا سال های سال است که فداکاری های عظیمی شده، مردم ایران بار سنگین جنگ را به دوش کشیده و کشته و

ص: ۲۱۰

۱- ۱۰۲۴. آقای هاشـمی می گوید: «با تدبیر امام در تداوم جنگ آنقدر پیش رفتیم و کار را به جایی رساندیم که سازمان ملل پـذیرفت حق مـا را بدهـد.» (مصاحبه ی روزنامه ایران، ۷/ ۱۱ / ۱۳۷۸، ص ۶) و آقـای رضایی می گویـد: «برای جلوگیری از شکست عراق، پیشنهاد صلح را نوشتند.» (مصاحبه با روزنامه ی کیهان، ۱۶ / ۱۱ / ۱۳۷۸، ص ۸).

۲- ۱۰۲۵. فصـلنامه «بررسـی های نظامی» شماره ۱۰، تابستان ۱۳۷۱، ص ۱۲۹، شـهرام چوبین، مقـاله ایران و جنـگ از تنگنا تا آتش بس.

۳- ۱۰۲۶. همان.

مجروح و معلولین فراوانی داده انـد.» (۱) جیمز بیـل نیز می گویـد: «قطعنـامه اصـرار داشت که قبـل از تعیین مسـئولیت شـروع جنـگ، بایـد آتش بس برقرار بشود، کاملا آشـکار بود که ایران نمی توانست این وضع را بپـذیرد.» (۲) خبرگزاری فرانسه نیز طی تحلیلی از جنـگ و دشـواری هـای آن برای ایران نوشت: «ادامه ی عملیـات جنگی، دشواری عظیمی برای ایران ایجـاد می کند. جنگ فرسایشـی ادامه می یابد تا شاید راه حل دیپلماتیک یا سیاسـی به دست آید یا اینکه به امید دست یافتن به پیروزیی نظامی فعالیت های جنگی گسترش یابـد. نخستین شق، این خطر را در بر دارد که عراق با دامن زدن به بحران خلیج فارس یا از سرگیری جنگ شـهرها، بر فشارهای خود بیفزاید. شق دوم، آثار بسیار نامطلوبی بر اقتصاد کشور دارد که هم اکنون دستخوش بحران است و به نحو دردنـاکی مسئله تأمین اسـلحه را که نقطه ی ضـعف ایران در جنگ است، مطرح می سازد. رهبران ایران هر یک از این دو راه را که انتخاب کنند بر این امر وقوف دارند که هر نوع افزایش هزینه ی جنگ افزایش هزینه ی زندگی را موجب می شود که نخستین قربانیان آن دقیقا آن دسته از مردم هستند که نیروی بسیج را تشکیل می دهند.» (۳) .

در عین حـال تـأمین کردن بخشـی از خواسـته هـای ایران مبنی بر «تعیین متجاوز» و پرداخت خسارت می توانست ایران را برای پایان دادن به جنگ متقاعـد سازد. تلاش سازمان ملل در واقع برای تحقق همین اهداف بود که ایران به آن واکنش مثبت نشان داد.

همراه بـا تلاـش های سازمان ملل از طریق تماس دبیرکل با ایران و گرفتن نظریات این کشور، افزایش حضور تـدریجی امریکا در خلیـج فارس برای ایران نگران کننـده بود و به سود عراق ارزیابی می شد. به عبارت دیگر، تغییر در رویکرد سازمان ملل به خواسـته های ایران برای پایان دادن به جنگ با سـیاست تهدید و ارعاب امریکا برای حضور در خلیج فارس و فشار به ایران در تناقض بود و پرسش و ابهام در تصمیم گیرندگان به وجود آورد. برخی بر این نظر بودند که حضور امریکا به دلیل نگرانی آن کشور از شکست عراق است و

۱- ۱۰۲۷. خبرگزاری جمهوری اسـلامی، نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۲۰۵، ۱۹ / ۷ / ۱۳۶۶، ص ۱۳ و ۱۴، رادیو امریکا، ۱۷ / ۷ / ۱۳۶۶.

۲- ۱۰۲۸. مأخذ ۲۴، ص ۴۱۸.

۳- ۱۰۲۹. خبرگزاری جمهوری اسـلامی، نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۱۸۵، ۳۰ / ۶ / ۱۳۶۶، ص ۸، خبرگزاری فرانسه، ۲۹ / ۶ / ۱۳۶۶.

لذا برای کنترل اوضاع و فشار به ایران چنین اقدامی صورت می گیرد. (۱) برخی دیگر، اعتقاد داشتند اقدام امریکا برای حمایت نظامی از قطعنامه ی سازمان ملل و فشار به ایران برای پذیرفتن آن است. محمد جواد لاریجانی، معاون بین المللی وقت وزارت خارجه، درباره ی ماهیت تحولات و تصورات موجود می گوید: «پیش از صدور قطعنامه ی ۵۹۸، تمامی قطب های قدرت جهان چند کار همزمان را سازماندهی کردند. اول فشار بین المللی علیه جمهوری اسلامی ایران که در آن سرزنش، تنبیه و تحریم ایران به لحاظ تسلیحاتی و اقتصادی منظور شد. دوم، حضور نظامی ترساننده ای در خلیج فارس که تمامی قدرت ها در آن شرکت داشته باشند. برداشت کلی این بود که زمان مداخله قدرت های بزرگ برای جلوگیری از پیروزی ایران در جنگ فرا رسیده است و در نتیجه، تصویر سیاسی منطقه به نظر آن ها باید تغییر کند و نباید بیش از این فرصت را از دست داد.» (۲) .

بر همین اساس، ایران علاوه بر تلاش سیاسی برای پایان دادن به جنگ، با حضور نظامی امریکا در خلیج فارس مقابله کرد و استراتژی ادامه ی جنگ را در منطقه ی شمال غرب طراحی و اجرا کرد که در ادامه ی بحث به آن اشاره خواهد شد.

صلح از طریق سازمان ملل

آقای ولایتی وزیر خارجه وقت در مصاحبه با روزنامه ی کیهان در پاسخ به کسانی که درباره ی واکنش ایران به قطعنامه ی ۵۹۸ و تأخیر در پذیرش آن انتقاد می کنند، توضیحاتی داد که به تلاش و همکاری ایران در تصویب قطعنامه ناظر بود. نکته ی حائز اهمیت این است که ایشان کار با سازمان ملل را به منزله پذیرش «صلح از طریق سازمان ملل» ذکر می کند.(روزنامه کیهان، ۱ / ۷ / ۱۳۸۱، ص ۱۲).

واکنش مثبت ایران به تلاش های سازمان ملل برای پایان دادن به جنگ پس از صدور قطعنامه ی ۵۹۸، متأثر از چند مسئله ی اساسی بود. نخست آنکه برای

۱- ۱۰۳۰. آقای رضایی فرمانده ی وقت سپاه به هنگام حضور در قرارگاه خاتم بر همین نظر بود و در عین حالی که از علت اقدام امریکا می پرسید ولی به این تحلیل نیز توجه داشت و آن را طرح می کرد؛ البته بعد از اتمام جنگ آقای رضایی در مصاحبه با کیهان به این تحلیل اشاره کرد که امریکا حضور نظامی اش را در منطقه، پشتوانه ی پیشنهاد صلح سازمان ملل قرار داد. (۱۹ بهمن ۱۳۷۸، ص ۸).

۲- ۱۰۳۱. مأخذ ۵۴، ص ۱۴۸، به نقل از تحرک بین المللی جمهوری اسلامی ایران در مورد جنگ تحمیلی، گزارش سمینار ۸، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه، دی ۱۳۶۶، ص ۱۳ و ۱۴.

ایران پایان دادن به جنگ با تکیه بر پیروزی نظامی تـدریجا دشوار شـد. بر همین اساس، آقای هاشـمی اظهار کرد اگر بغداد را هم بگیرم بـا بمب اتم به مـا حمله خواهنـد کرد. در واقع، این تصور ایجـاد شـده بود که امکان پیروزی نظامی بر عراق ضـعیف است و حتی اگر حاصـل شود دنیـا این پیروزی را به رسـمیت نمی شـناسد و واکنش نشـان خواهـد داد. ثانیـا از سـال ۱۳۶۳ به حضور فعال در عرصه ی سیاسی و بین المللی تأکید شد و همکاری با برخی از کشورها و به ویژه دبیر کل سازمان ملل آغاز و دنبال شـد و نتایـج مثبتی را هم در پی داشت. ثالثا برای کلیه ی بازیگران و ایران و عراق این تصور و اجماع کلی به وجود آمد که زمـان پایـان دادن به جنـگ فرا رسـیده است. مهم تر از همه اینکه رویکرد سازمـان ملـل به خواسـته های ایران تغییر کرد و همین موضوع، زمینه ی مناسبی را برای واکنش مثبت و همکاری ایران فراهم کرد.

وزیر خـارجه ی وقت ایران درباره ی نقش ایران در تصویب قطعنامه ی ۵۹۸ می گوید: «ما از همان ابتدا در پخت و پز قطعنامه ی ۵۹۸ مـداخله داشتیم و اگر ما آن را قبول نـداشتیم اصـلا به طرف آن نمی رفتیم.» وی درباره ی واسـطه ی ایران برای کار با غربی ها و شورای امنیت می گویـد: «واسـطه ی ما با غربی ها و شورای امنیت در آن مقطع نماینـده آلمان در سازمان ملل بود. ما از طریق نماینده ی آلمان، سفیر و نماینده دائمی آلمان در سازمان ملل متحد کارهایمان را دنبال می کردیم.» (۱) ایشان بند شش قطعنامه را مبنی بر تعیین متجاوز حاصل تلاش ایران ذکر می کند.

قطعنـامه ی ۵۹۸ سـرانجام در تاریـخ ۳۰ تیر ۱۳۶۶ در شـورای امنیت سازمـان ملـل به اتفـاق آراء تصویب شـد. پاسـخ ایران به درخواست سازمـان ملل درباره ی اعلام پـذیرش قطعنامه و برقراری آتش بس در کانون فعالیت های سیاسـی و بین المللی قرار گرفت. ایران چون در تنظیم بنـدهای قطعنـامه به ویژه تشـکیل کمیته برای تعیین متجاوز (۲) نقش داشـت، به آن واکنش مثبت نشان داد. (۳) .

۱- ۱۰۳۲. روزنامه کیهان، ۱ / ۷ / ۱۳۸۱، ص ۱۲.

۲- ۱۰۳۳. مصاحبه جعفر محلاتی نماینده ایران در سازمان ملل، ۲۶ / ۲ / ۱۳۶۷.

۳- ۱۰۳۴. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به کتاب های از شلمچه تا حلبچه و پایان جنگ.

سفیر وقت ایران در سازمان ملل اعلام کرد قطعنامه ی ۵۹۸ حاوی موادی منطقی است و می تواند خواسته های قانونی ایران را پاسخگو باشد. (۱) معاون وقت وزیر خارجه ی ایران نیز اعلام کرد تهران با تلاش هایی که هدف آن به ارمغان آوردن صلح در منطقه است همکاری خواهد کرد. (۲) .

ایران به ترتیب بندهای قطعنامه به دلیل «تقدم آتش بس» بر «تشکیل کمیته ی تعیین متجاوز»، اعتراض کرد. هنگام سفر دبیرکل سازمان ملل به ایران، آقای هاشمی این موضوع را برای ایشان روشن کرد تا وقتی متجاوز معرفی نشده است ایران آتش بس را نخواهد پذیرفت؛ (۳) زیرا پس از گذشت هفت سال از جنگ و تصوراتی که درباره ی آتش بس و پیامدهای آن وجود داشت، (۴) اتخاذ این تصمیم و اقدام آن را برای ایران بسادگی ممکن نبود. یکی از تحلیلگران در همان زمان گفت: «آشکار است که پذیرش آتش بس بدون برکناری صدام حسین و عراق را متجاوز ندانستن برای ایران بسیار دشوار است.» (۵) وی همچنین گفت: «جنگی که هفت سال طول کشید و ریشه ایی ۲۵ ساله دارد نمی تواند طبق درخواست امریکا طی چند روز تمام شود. اگر به ایران فرصت داده شود و برای حفظ آبروی آن راهی پیدا شود ایران برای نخستین بار به همکاری برای حل مسئله جنگ مایل خواهد بود. ولی اگر امریکا و سایر کشورها بخواهند ایران را تحقیر کنند و چنین به نظر رسد که ایران شکست خورده است و یک کشور انقلابی واقعی نیست، ایران همکاری نمی کند.» (۶) ایندیپندنت، چاپ انگلیس، نیز نوشت:«قدرت های جهانی اکنون باید برای ایجاد تحول در طرز تفکر ایران نسبت به جنگ و نشاندن منطق به جای خونخواهی تسهیلاتی فراهم کنند.» در این مقاله تأکید شده است: «متجاوز شناخته شدن عراق می تواند سرآغاز مذاکرات پیرامون مرزها و پرداخت غرامت باشد.» (۷) .

۱– ۱۰۳۵. روزنامه کیهان، ۲۰ / ۷ / ۱۳۶۶، ص ۱۸، مصاحبه با شبکه تلویزیونی ان.بی.سی.

۲– ۱۰۳۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۱۵۸، ۳ / ۶ / ۱۳۶۶، ص ۶.

۳– ۱۰۳۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۱۷۶، ۲۱ / ۶ / ۱۳۶۶، ص ۱۳.

۴– ۱۰۳۸. علی محمد بشارتی، قائم مقام اسبق وزارت خارجه، طی گفت و گوی اختصاصی با نویسنده به این موضوع اشاره کرد که ما تجربه ی جنگ اعراب و اسرائیل را در ژوئن ۱۹۶۷ داشتیم لذا به آتش بس اعتماد نداشتیم و تصور می کردیم از این طریق امکان تأمین خواسته های ایران وجود ندارد. (۱۰ / ۹ / ۱۳۷۸).

۵– ۱۰۳۹. همان، ص ۹، مصاحبه امیر طاهری با رادیو بی.بی.سی، ۲۰ / ۶ / ۱۳۶۶.

۶– ۱۰۴۰. همان، ص ۹.

۷– ۱۰۴۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۱۸۱، ۲۰ / ۶ / ۱۳۶۶، ص ۱۳، لندن خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۵ / ۶ / ۱۳۶۶.

ایران برای گذر از وضعیت سیاسی جدیدی که در صحنه بین المللی و با فشار به این کشور آغاز شده بود، در پاسخ به قطعنامه ی ۵۹۸ ضمن بی اعتنایی به درخواست آتش بس، از رد کامل آن خودداری کرد. (۱) امریکا به موضع ایران واکنش نشان داد و با حضور نظامی در خلیج فارس و تلاش برای تصویب قطعنامه ی جدید در سازمان ملل با هدف تحریم تسلیحاتی، فشار به ایران را افزایش داد. ایران در مقابله با سیاست ها و تلاش های امریکا اقداماتی کرد که مهم بود. پذیرش مشروط قطعنامه، امریکا را از نظر سیاسی در موضع بدی قرار داد؛ زیرا امریکا تصور می کرد که اگر ایران قطعنامه را رد کند می تواند شورای امنیت را در برابر ایران به عکس العمل وادار سازد. (۲) .

ایران ابتدا با دبیر کل برای پیشرفت در روند اجرایی شدن قطعنامه ۵۹۸ همکاری کرد. ولایتی می گوید: «ما با قطعنامه ی ۵۹۸ مبنای قانونی پیدا کردیم برای کار با دبیر کل و توافقاتی شد که بخشی قابل بیان است و بخشی بیان کردنی نیست.» (۳) متقابلاً سازمان ملل اگر می خواست در پایان دادن به جنگ موفقیتی به دست آورد می باید با توجه به خواسته های ایران و تأمین نظریات این کشور عمل کند. این موضوع زمینه را برای تداوم فعالیت های دبیر کل فراهم ساخت. (۴) .

وزیر خارجه ی وقت ایران درباره ی روش و ضرورت کار با دبیر کل سازمان ملل می گوید: «ما می خواستیم بنشینیم جزئیات اجرایی قطعنامه را به نتیجه برسانیم. اگر ما جنگ را متوقف می کردیم و عراق سر میز مذاکره می نشست با این ویژگی های غیرقابل پیش بینی که عراق داشت، معلوم نبود که از پشت میز مذاکره چه نتیجه ای به دست می آمد. ما می گفتیم که تکلیف همه چیز باید روشن بشود. دبیر کل سازمان ملل هم همین را می خواست، طرح اجرایی دبیر کل می خواست روشن کند، چه روزی آتش بس؟ چه روزی کامل شدن عقب نشینی؟ و چه روزی مبادله سرا صورت می گیرد؟ در غیر این صورت خود قطعنامه اجرا کردنی نبود. (۵) .

ص: ۲۱۵

۱- ۱۰۴۲. چوبین می گوید: بی میلی ایران به رد کردن کامل قطعنامه شورای امنیت و تلاش برای اصلاح آن نیز نشانه ای از تغییر در گرایش بود. (روزنامه ی اخبار اقتصادی، ۳ / ۷ / ۱۳۷۸، ص ۷).

۲- ۱۰۴۳. روزنامه کیهان، ۲۶ / ۲ / ۱۳۶۷، ص ۱۶، جعفر محلاتی.

۳- ۱۰۴۴. برنامه همدلی، استودیو شماره ۱۴، جام جم، ۱۱ / ۶ / ۱۳۷۸.

۴- ۱۰۴۵. علی اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۱۲، به نقل از سعید رجایی خراسانی سفیر وقت ایران در سازمان ملل.

۵- ۱۰۴۶. روزنامه کیهان، ۱ / ۷ / ۱۳۸۱، ص ۱۲.

با سفر دبیر کل به تهران برای تهیه ی طرح اجرایی قطعنامه ی ۵۹۸، ایران نظریاتش را برای جابه جایی در بندها بیان کرد که همان تشکیل کمیته ای برای تعیین متجاوز و تقدم آن بر آتش بس بود. (۱) همچنین با مذاکراتی که انجام گرفت دبیر کل طی نامه ای به هر دو کشور اعلام کرد که پیش از هر گونه مذاکراتی باید گروهی تخصصی تشکیل شود تا بر جزئیات از جمله موارد تخلف از قراردادهای بین المللی بحث شود تا قدم های اصلی را برداریم. این پیشنهاد هم با مخالفت دولت عراق مواجه شد. (۲) .

دبیر کل سازمان ملل در پاریس پس از بازگشت از سفر چهار روزه به ایران و عراق در بیانیه ای اعلام کرد این مأموریت را به تقاضای شورای امنیت سازمان ملل به پایان رساندم و دیدارهایی در بالاترین سطوح ممکن انجام دادم. (۳) وی گزارش خود را به شورای امنیت تسلیم کرد و به خبرنگاران گفت آنچه من به اعضای شورا گفته ام محرمانه است ولی مأموریتم مفید بوده است. (۴) .

همکاری ایران با دبیر کل برای اجرایی شدن قطعنامه ی ۵۹۸ به معنای پذیرش قطعنامه بود و بازتاب گزارش دبیرکل به شورای امنیت سازمان ملل، امریکا را در تصویب قطعنامه ی جدید برای تحریم تسلیحاتی ایران شکست داد. علاوه بر این، تعاملات جدید ایران با شوروی به ویژه توافق دو کشور درباره ی مخالفت با حضور امریکا در خلیج فارس، که پس از مذاکرات محمد جواد لاریجانی در مسکو، گراسیمف آن را اعلام کرد، (۵) در مخالفت شوروی با تحریم تسلیحاتی ایران (۶) تأثیر بسزایی داشت و لذا امریکا به دلیل مخالفت شوروی و وتوی هرگونه قطعنامه ی جدید، تلاش های خود را در سازمان ملل متوقف کرد. چنانکه شولتز، وزیر خارجه وقت امریکا، گفت: «امریکا موافقت کرده است وقت بیشتری برای دیپلماسی به شورای امنیت بدهد تا شاید بتواند به آتش بس در جنگ ایران و عراق دست یابد.» وی پس از ملاقات با وزیران امور خارجه چهار عضو دائمی شورای امنیت به خبرنگاران گفت: ما به دنبال مجازات نیستیم. ما در جست وجوی این هستیم که قطعنامه ی ۵۹۸ پذیرفته شود. (۷) .

۱- ۱۰۴۷. روزنامه کیهان، ۲۶ / ۲ / ۱۳۶۷، ص ۱۶، جعفر محلاتی.

۲- ۱۰۴۸. همان.

۳- ۱۰۴۹. مأخذ ۷۱، ص ۹.

۴- ۱۰۵۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۱۸۲، ص ۷ و ۸.

۵- ۱۰۵۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۱۷۴، ۱۹ / ۶ / ۱۳۶۶، ص ۱۰.

۶- ۱۰۵۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۲۲۳، ۷ / ۸ / ۱۳۶۶، ص ۳۶.

۷- ۱۰۵۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۱۹۱، ۵ / ۷ / ۱۳۶۶ ص ۲۲ و ۲۳، آسوشیتدپرس، ۴ / ۷ / ۱۳۶۶.

مقابله با امریکا در خلیج فارس

ایران در برابر وقایع و رخدادهای منطقه ی خلیج فارس واکنش نشان داد و معتقد بود که «امنیت خلیج فارس تفکیک ناپذیر است. یا امنیت برای همه وجود دارد یا برای هیچ کس امنیتی در کار نخواهد بود. (۱) بخش عمده ی صدور نفت ایران از خلیج فارس صورت می گرفت و عراق برای قطع منبع عمده ی درآمد ایران و وادار کردن آن به پذیرش پیشنهادهای صلح، به نفتکش هایی که مقصد و مبداء آن ها پایانه های ایران بود، حمله می کرد. ایران در واکنش به این رخدادها بر اساس «اصل تفکیک ناپذیری امنیت در خلیج فارس» رفتار می کرد (۲) و رسما اعلام کرد اگر ایران به صدور نفت خود از تنگه هرمز قادر نباشد آن را خواهد بست. (۳) .

مخاطرات مسدود شدن تنگه ی هرمز و ابعاد بین المللی آن و درگیر شدن ایران در جبهه ایی جدید سبب شد ایران خط مشی خود را در بستن تنگه ی هرمز تعدیل کند تا از تحقیق استراتژی عراق برای بین المللی شدن جنگ مانع شود. (۴) ولی تدریجا گسترش دامنه ی حملات عراق و زمینه سازی امریکا برای گسترش حضور نظامی در خلیج فارس، ایران را در وضعیت دشواری قرار داد. برخی از تحلیلگران، مانند شائول بخاش، معتقد بودند ایران در برابر جنگ و صلح قرار گرفته است و باید یکی را برگزیند. (۵) چوبین نیز معتقد بود ایران یا باید «بی قید و شرط تسلیم شود یا کشورهای خلیج فارس را تهدید کند؛ زیرا هر دو ابرقدرت فشار می آورند تا جنگ مهار شود و پایان یابد و ایران قادر نیست موقعیت خود را برای مانور بین ابرقدرت ها بهبود بخشد.» (۶) .

تصور ایران بر این بود که بر اثر فشارهای نظامی بر عراق و ناتوانی این کشور، ایران در موقعیت برتر قرار گرفته است و کلیه فشارها برای مقابله با ایران و حفظ رژیم عراق است. آقای هاشمی دراین زمینه می گوید: «زمانی

۱- ۱۰۵۴. مأخذ ۵۱، ص ۳۶ و ۳۷، نامه ایران به دبیر کل سازمان ملل متحد، ۲۵ می ۱۹۸۴.

۲- ۱۰۵۵. مأخذ ۵۱، ص ۲۶ و ۳۷، نامه ایران به دبیر کل سازمان ملل متحد، ۲۵ می ۱۹۸۴.

۳- ۱۰۵۶. آقای هاشمی درباره ی سیاست ایران می گوید: «سیاست مقابله به مثل را انتخاب کردیم - هر جا که آن ها یک کشتی می زدند، یک کشتی آن ها زده می شد. اگر بندر ما را می زدند، متقابلا بندر زده می شد.» (گفت وگو با روزنامه ی همشهری درباره ی دفاع مقدس، سیاست، دیپلماسی و اقتصاد، سه شنبه ۱ مهر ۱۳۸۲، ص ۲۱).

۴- ۱۰۵۷. مأخذ ۱۰.

۵- ۱۰۵۸. مأخذ ۶۰، ص ۱۲، رادیو امریکا، ۱۷ / ۷ / ۱۳۶۶.

۶- ۱۰۵۹. مأخذ ۱۰.

که حامیان عراق احساس کردند ما عراق را شکست می دهیم امریکا، روسیه، همسایگان جنوبی ما، فرانسه همه به این فکر افتادند که با کمک بیشتر به عراق نگذارند شکست بخورد. معلوم شد که ما فقط با عراق طرف نیستیم و در شرایط نهایی که پیروزی است خیلی ها ممکن است وارد جنگ شوند و امریکا علنا وارد جنگ شد.» (۱) ایشان هدف امریکا را از حضور در خلیج فارس و اسکورت نفتکش ها تشریح کرد: «امریکا مجبور شد وارد جنگ بشود، رسما وارد جنگ شد، پرچمش را زد روی نفتکش های کویت که ما جرئت نکنیم به کشتی های حامل پرچم امریکا حمله کنیم.» (۲) منطق حاکم بر رفتار امریکا از نظر ایران جلوگیری از پیروزی این کشور بود و در واقع امریکا به جای عراق می جنگید. (۳) .

ایران قبل از آغاز اسکورت نفتکش ها با پرچم امریکا، اعلام کرد: «اگر عراق شرارت نکند و کشتی ما را نزند از طرف ما تعرض به هیچ کشتی نمی شود خواه این کشتی پرچم امریکا یا پرچم کشور دیگری را داشته باشد.» (۴) پس از قطعی شدن حضور امریکا، بنابر توضیح فرمانده ی وقت سپاه مسئولان خدمت امام رفتند و گفتند که ناوگان امریکا چند ساعت دیگر می آید از تنگه ی هرمز رد می شود، ما چه کار کنیم؟ امام فرمودند اگر من جای شما باشم همان اولی را با آر.پی.جی می زنم. (۵) به محض اینکه امام این را به آقایان می گویند، آقایان می گویند شما هر چه دستور دهید. امام فرمودند نه من چیزی را نمی خواهم به شما تحمیل کنم (۶) ، شما باید خودتان تصمیم بگیرید. (۷) .

۱- ۱۰۶۰. روزنامه عصر آزادگان، ۹ / ۱۱ / ۱۳۷۸، ص ۹، گفت وگو با الجزیره.

۲- ۱۰۶۱. روزنامه جمهوری اسلامی، ۹ / ۷ / ۱۳۶۶، ص ۲، خطبه دوم.

۳- ۱۰۶۲. مسعود سفیری، حقیقت ها و مصلحت ها، گفت وگو با آقای هاشمی رفسنجانی، نشر نی، ۱۳۸۰، تهران، ص ۹۶ و ۹۷.

۴- ۱۰۶۳. مأخذ ۵۴، ص ۱۱۰، به نقل از کیهان هوایی، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۶.

۵- ۱۰۶۴. آقای ولایتی در مصاحبه با روزنامه ی کیهان در این باره می گوید: «من جزئیات این جریان خاطرم نیست که امام فرموده باشند کشتی را بزنید و کسی بگوید که نه نزنید.... در این مورد خاص بنده به خاطر نمی آورم که از سوی امام چیزی به شورای عالی دفاع ابلاغ شده باشد و متقابلا شورای عالی دفاع استدلال دیگری کرده باشد.» (۱ / ۷ / ۱۳۸۱، ص ۱۲).

۶- ۱۰۶۵. آقای رضایی در گفت وگو با ایسنا همین موضوع را به نحو دیگری بیان کرده اند: پس از حضور نیروهای امریکا در منطقه، جلسه ای با حضور امام تشکیل شد که من در آن جلسه حضور نداشتم. امام در آن جلسه فرموده بودند که اگر من به جای شما بودم نخستین ناو امریکایی را که وارد منطقه شد می زدم. آقایان گفته بودند که شما رهبر هستید، فرمان بدهید تا اجرا شود و امام پاسخ داده بودند که نمی خواهم مسئله ای را تحمیل کنم. اگر به جای شما بودم ناو را می زدم. (روزنامه ی صبح امروز، ۱۴/ ۱۲ / ۱۳۷۸، ص ۱۶).

۷- ۱۰۶۶. محسن رضایی، سخنرانی در دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، خرداد ۱۳۷۹.

بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران همانند امریکایی ها معتقد بودند که ایران در برابر اسکورت نفتکش ها واکنش نشان نخواهد داد و تلافی خود را به حملات لفظی محدود خواهد کرد (۱) و تلاش می کند از بهانه ی حضور قدرت های خارجی درخلیج فارس استفاده کند تا بدین وسیله وضع خود را توجیه کند و بگوید به خاطر وجود این قدرت ها در خلیج فارس است که ما نمی توانیم در جنگ پیروز شویم. (۲) .

کردزمن معتقد است غیر ممکن است بفهمیم که ایرانیان علی رغم ضعفشان تا چه اندازه ترغیب شده اند تا با اقدامی نظامی اراده ی امریکا را محک بزنند. (۳) ولی با فرا رسیدن بهار سال ۱۳۶۶ ایران شک و تردید خود را کنار گذاشت تا به برتری عراق در جنگ نفتکش ها پایان دهد. (۴) .

امکانات و توانمندی ایران برای مقابله با حضور امریکا در خلیج فارس تا اندازه ای محدود بود و ایران به خوبی درک کرده بود نباید در نبرد مستقیم با امریکا شرکت کند به همین دلیل نوع جدیدی از جنگ را طراحی کرد که برخی به نام جنگ «چریکی - دریایی» (۵) از آن یاد کردند و بعدها آن را «نبرد نامتقارن» (۶) نامیدند. بی میلی امریکا به درگیری و نگرانی از تلفات و همچنین حضور ناوگان دریایی امریکا که از اهداف بزرگ دریایی محسوب می شد، همه از نکات مورد توجه ایران در خلیج فارس بودند.

ایران با داشتن قایق های سبک و تندرو (۷) با قدرت مانور بسیار بالا، توانایی مین ریزی (۸) در آب های خلیج فارس، موشک های (۹) کرم ابریشم (۱۰) و

۱- ۱۰۶۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۳۰ / ۷ / ۱۳۶۶، ص ۴۸، شهرام چوبین.
۲- ۱۰۶۸. همان.
۳- ۱۰۶۹. مأخذ ۷، ص ۳۲۵ و ۳۲۶.
۴- ۱۰۷۰. مأخذ ۷، ص ۳۲۱.
۵- ۱۰۷۱. کردزمن، ص ۳۲۱.
۶- ۱۰۷۲. ستاد مشترک ارتش امریکا جنگ نامتقارن را این گونه تعریف کرده است: «به کارگیری رویکردهای غیرقابل پیش بینی یا غیر متعارف برای خنثی نمودن یا تضعیف قوای دشمن و در عین حال، بهره برداری از نقاط آسیب پذیر او، از طریق فناوری های غیرقابل انتظار یا روش های مبتکرانه.» (جنگ نامتقارن، کنت مکنزی، دوره ی عالی جنگ سپاه، تهران، چاپ اول ۱۳۸۲، ص ۴ و ۵).
۷- ۱۰۷۳. آقای رضایی، فرمانده ی وقت سپاه، می گوید وقتی عراق به نفتکش های ما حمله کرد قایق های تندرو را ابداع کردیم. (ضبط برنامه تلویزیونی سجاده ی آتش - شبکه ی اول، زمستان ۱۳۷۷).
۸- ۱۰۷۴. مأخذ ۷، ص ۳۱۹.
۹- ۱۰۷۵. پس از اعلام برخورداری ایران از موشک های کرم ابریشم مهندس میرحسین موسوی، نخست وزیر وقت، در

مصاحبه ای گفت: «پس از فتح فاو رسما قدرت خود را در استفاده از موشک های ساحل به دریا اعلام کردیم.» (آخرین تلاش ها در جنوب، ص ۲۹، ۵ / ۱ / ۱۳۶۶).

۱۰- ۱۰۷۶. مأخذ ۷، ص ۳۱۸.

استفاده ی از آن ها با اتکاء بر منطقه ی فاو (۱) و اعمال فشار به حامیان منطقه ای عراق به ویژه کویت و عربستان قدرت مهمی به شمار می آمد.

در این مرحله، به دلیل تشکیل سه نیروی دریایی، هوایی و زمینی سپاه با فرمان امام در شهریور ۱۳۶۴ و مهم تر از آن ضرورت برخورد مناسب با تهدیدات عراق و امریکا در منطقه ی خلیج فارس، سپاه نقش محوری در مقابله با امریکا داشت. (۲) در همان زمان، رادیو امریکا به تغییرات جدید ونقش سپاه توجه کرد و گفت: «تا یک سال قبل رژیم اسلامی ایران برای حمله به کشتی ها از هلی کوپتر، جت های جنگنده و کشتی های جنگی استفاده می کرد.» سپس با توجه به وجود قایق های تندرو می گوید: «تحلیلگران با توجه به این امر که ظاهرا فقط پاسداران انقلاب به این قایق ها سوار می شوند، بر این اعتقادند که کاربرد این قایق ها دادن نقش به پاسداران در جنگ نفتکش ها است.» (۳) کردزمن نیز می نویسد: «در این زمان تهدیدات ایران فقط به موشک هایش محدود نمی شد بلکه بیشتر به توانایی های نیروی دریایی جدید که با سپاه پاسداران انقلاب ایجاد شده بود، مربوط می شد.» (۴) حتی درباره ی پایگاه ها و شیوه ی عملیاتی سپاه، کردزمن می نویسد: بسیاری از حملات قایق های تندرو از یک پایگاه سپاه در نزدیکی بحرین و عربستان هدایت می شد و این پایگاه در جزیره ی کوچک فارسی در اواسط راه، بین سواحل ایرانی و شمال عربستان سعودی بود. واحدهای نیرویی دریایی سپاه همچنین از یک سکوی نفتی در نزدیکی جزایر سیری، ابوموسی و لارک استفاده می کردند. شیوه ی حمله آن ها به این صورت بود که ابتدا هویت و قصد نفتکش را شناسایی می کردند و سپس چند ساعت بعد برمی گشتند و آن را مورد حمله قرار می دادند. آن ها در چنین حملاتی معمولا از مسلسل و موشک استفاده می کردند و از آنجایی که این سلاح ها خسارات جدی به کشتی وارد نمی کرد آشکارا اقامتگاه خدمه را هدف قرار می دادند. (۵) .

۱- ۱۰۷۷. سردار رحیم صفوی، دوره عالی جنگ سپاه، ۱۳ / ۷ / ۱۳۶۶.

۲ - ۱۰۷۸. سردار علایی، فرمانده ی وقت نیروی دریایی سپاه، می گوید: «در وسط عملیات کربلای ۵ آقای هاشمی مرا خواست و گفت: آمادگی دارید در خلیج فارس فعالیت کنید؟ پاسخ مثبت دادیم و بررسی و طراحی ها را آغاز کردیم.».

۳- ۱۰۷۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۲۰۷، ۲۱ / ۷ / ۱۳۶۶، ص ۳۴ و ۳۵، رادیو امریکا، ۲۰ / ۷ / ۱۳۶۶.

۴- ۱۰۸۰. مأخذ ۷، ص ۳۱۸.

۵- ۱۰۸۱. مأخذ ۷، ص ۳۲۲.

با شروع اسکورت نفتکش ها در تاریخ ۳۱ تیر ۱۳۶۶، در اولین گام، نفتکش بریجتون با مین اصابت کرد و این به منزله ی آغاز رویارویی ایران و امریکا در خلیج فارس بود. (۱) امام بلافاصله طی سخنانی اظهار کرد:

«مطمئن باشند که ادامه ی جولان در خلیج فارس، منطقه را به کانون خطر و بحران ناخواسته علیه خود آنان سوق می دهد. دنیا اگر خودش را آماده ی بحران نفت و به هم خوردن همه ی معادلات اقتصادی و تجاری و صنعتی کرده است ما هم آماده ایم و کمربندها را محکم بسته ایم و همه چیز برای عملیات آماده است.» (۲) .

آقای هاشمی نیز گفت: «ما گفتیم اگر کشتی ما ضربه ببیند کشتی شرکای عراق ضربه می خورد. ما مسئولیت هیچ حمله ای را بر عهده نمی گیریم.» (۳) .

برخی از تحلیلگران معتقدند حادثه ی کشتی بریجتون از لحاظ سیاسی به ضرر امریکا تمام شد و اگر ایران اشتباهات بعدی تلافی جویانه را مرتکب نمی شد این ضرر بیشتر می شد. (۴) در هر صورت، درگیری ایران و امریکا با حملات متقابل ادامه یافت. در این مرحله، گرچه امریکا هدفش اسکورت نفتکش ها و تأمین امنیت آمد و شد کشتی ها در خلیج فارس بود ولی آمارها نشان می دهد دامنه ی درگیری ها در مقایسه با گذشته افزایش یافت. (۵) .

در حالی که سال ۱۹۸۶ م (۱۳۶۵) جمعا به ۱۱۱ هدف دریایی حمله شد ولی در سال ۱۹۸۷ م (۱۳۶۶) این آمار به ۱۷۹ هدف افزایش یافت؛ از این تعداد ۸۸ هدف را عراق و ۹۱ هدف را ایران مورد حمله قرار داد در حالی که این آمار در سال قبل، ۶۶ هدف تاز سوی عراق و ۴۵ هدف از سوی ایران بود. (۶) علاوه بر این، انفجار دفتر هواپیمایی پان امریکن در کویت (۷) و اصابت موشک به بندر الاحمدی کویت (۸) نشان داد حضور امریکا به دلیل اهداف و ماهیت آن، ناامنی بیشتری را به دنبال داد.

---

۱ - ۱۰۸۲. کردزمن معتقد است قبل از این رویارویی، ایران به دو موفقیت محدود ولی مهم در قبال امریکا دست یافته بود، نخست گروگان گیری پس از اشغال سفارت امریکا در تهران و دیگری خروج نیروهای امریکا از لبنان بعد از وقوع انفجار در سفارت امریکا و خروج تفنگداران امریکایی از پایگاه های نظامی بیروت بود. (ص ۳۲۶ - ۳۲۵).

۲- ۱۰۸۳. صحیفه نور، جلد ۲۰، ص ۱۲۱، ۶ / ۵ / ۱۳۶۶.

۳- ۱۰۸۴. مأخذ ۵۴، کیهان هوایی، ۷ مرداد ۱۳۶۷.

۴- ۱۰۸۵. مأخذ ۷، ص ۶۲۱ و ۶۲۲.

۵- ۱۰۸۶. مأخذ ۷، ص ۶۰۰.

۶- ۱۰۸۷. مأخذ ۲۴، ص ۱۵۷، الیزابت گاملن و پال راجرز.

۷- ۱۰۸۸. مأخذ ۷، ص ۳۷۸.

۸- ۱۰۸۹. مأخذ ۷، ص ۳۷۷ و ۳۷۸.

گسترش جنگ در شمال غرب

جنگ در سال ۱۳۶۵ برای ایران در جبهه های زمینی پیامدهای استراتژیک و سرنوشت ساز داشت؛ زیرا استراتژی عملیاتی ایران در منطقه جنوب به بن بست رسید و اجرای عملیات گسترده، همانند سال های قبل ممکن نبود. شاید همین موضوع از دلایل تمرکز توان فرماندهی و عملیاتی ایران در مقابله با امریکا در برابر اسکورت نفتکش ها بود.آقای رضایی، فرمانده ی وقت سپاه، درباره ی تأثیرات جنگ در سال ۱۳۶۵ بر روند آن و کاهش توانایی ایران معتقد است بخش بسیاری از توان سپاه با استقرار در مناطق فاو و شلمچه زمین گیر شد (۱) استراتژی کشور برای بسیج امکانات شکست خورد و در جنوب به بن بست رسیدیم و دشمن را نتوانستیم غافلگیر کنیم. (۲) .

پیش از این، بن بست در عملیات رمضان، عملیات والفجر مقدماتی و والفجر ۱ را در منطقه ی رملی در مقابل شهر العماره عراق موجب شد. نتایج عملیات های یاد شده موجب طراحی تاکتیک عملیات آبی - خاکی در منطقه ی هور شد (عملیات خیبر و بدر) و پس از آن، عبور از رودخانه ی اروند در عملیات فاو و عملیات کربلای ۴ طراحی و اجرا شد. عملیات کربلای ۵ بازگشت مجدد به منطقه ی شرق بصره بود که پس از عملیات تکمیلی کربلای ۸ امکان پیشروی در این منطقه از میان رفت. آقای رضایی، فرمانده ی وقت سپاه، در این زمینه و در مقابله با بن بست در استراتژی عملیاتی می گوید: «ما وقتی می دیدیم در خشکی نمی توانیم پیروزی به دست بیاوریم کل روند جنگ را تغییر می دادیم؛ جنگ های آبی آغاز می شد. این جنگ های در آب به ما دو سه سال فرصت می داد، وقتی می دیدیم در جنگ های آبی با مشکلاتی مواجه شدیم می رفتیم جنگ کوهستان را انجام می دادیم.» (۳) .

در تمام مناطق عملیاتی در جنوب، یک تا دو بار عملیات انجام شده بود که دشمن بلافاصله نسبت به تاکتیک عملیات و جهت پیشروی با هوشیاری و

۱- ۱۰۹۰. در دوره ای که ارتش و سپاه عملیات مشترک انجام می دادند ارتش پس از تصرف منطقه در خطوط دفاعی مستقر می شد. در مرحله ی جدید، هر منطقه ای را که سپاه تصرف می کرد برای حفظ آن نیرو مستقر می کرد. این امر تدریجا نیروهای سپاه را در مناطق تصرف شده زمین گیر کرد.

۲- ۱۰۹۱. محمد درودیان، آغاز تا پایان، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ چهارم، ۱۳۸۰، ص ۱۹۱.

۳- ۱۰۹۲. برنامه تلویزیونی سجاده آتش، شبکه اول، زمستان ۱۳۷۷.

تمرکز قوا از پیشروی نیروها مانع می شد. ادامه ی عملیات در چنین مناطقی به دلیل افزایش تلفات و دست نیافتن به اهداف، ممکن نبود.در مرحله ی جدید، علاوه بر کاهش و تجزیه ی توان در مقایسه با گذشته، به دلیل گذشت هفت سال از جنگ، دیگر زمان برای پاسخ دادن به بن بست جدید وجود نداشت.

در عین حال پیش بینی مشکلات جنگ در جنوب و ضرورت گشایش جبهه ی جدید سبب شد در سال ۱۳۶۵ عملیات فتح ۵ برای گسترش جنگ در داخل عراق و درگیر کردن ارتش عراق در منطقه ی شمال و در عمق خاک این کشور طرح ریزی شود (۱) که همراه با عملیات کربلای ۱۰ در اردیبهشت ۱۳۶۶ انجام شد. در واقع، دو عملیات فتح ۵ و کربلای ۱۰ بر اساس استراتژی نظامی جدید ایران و با توجه به انسداد جبهه های جنوب انجام شد. (۲) .

در ادامه ی روند جدید و در حالی که بخش عمده ی فرماندهی، تفکر و نیروهای سپاه درگیر مقابله با حضور امریکا در خلیج فارس بود فرمانده ی وقت سپاه طی مصاحبه ای اعلام کرد: «طرح های نظامی ایران برای سال آتی معطوف به یک تهاجم عمده ی استثنایی همچون گذشته نیست، بلکه شامل مجموعه ای از عملیات محدود است که یک سلسله عملیات بزرگ را به دنبال خواهد داشت و ما طرح هایی برای آموزش و تسلیح نیروهای مردمی مخالف داخلی[عراق] داریم و این، جبهه ی جدیدی است که در جنگ با عراق باز کرده ایم.» (۳) .

در واقع، اصرار سپاه در طراحی و اجرای عملیات و شکستن بن بست عملیات در جنوب از چند اصل کلی متأثر بود: نخست، ضرورت تداوم جنگ و جلوگیری از ایجاد رکود؛ برخوردار شدن از ابتکار عمل در برابر دشمن با انتقال جنگ از جنوب به شمال و گشودن جبهه ی جدید و تجزیه ی قوای دشمن و مهم تر از همه به دست آوردن زمان برای یافتن راه کاری جدید در منطقه ی جنوب بود. (۴) .

در طول سال ۱۳۶۶ به موازات حضور سپاه در دریا و مقابله با امریکا، عملیات های محدود نصر، فتح و بیت المقدس (۵) انجام شد. ولی هیچ یک بر وضعیت کلی جنگ تأثیر نگذاشت و پیشروی عمده ای به دست نیامد تا ایران

۱- ۱۰۹۳. مأخذ ۲۵، ص ۲۲.

۲- ۱۰۹۴. مأخذ ۲۹، ص ۱۷۱ و ۱۷۲.

۳- ۱۰۹۵. روزنامه کیهان، ۸ / ۴ / ۱۳۶۶.

۴- ۱۰۹۶. مأخذ ۱۱۰، ص ۱۹۳.

۵- ۱۰۹۷. مأخذ ۱۱۰، ص ۱۹۳.

را بـه بهره گیری از آن قـادر سـازد. (۱) کردزمن دربـاره ی منطقه ی جدیـدی که عملیـات در آنجا انجام می شـد می گویـد: «ایران در منطقه ای دست به عملیـات می زد که برای ماه ها پیروزی های مشابه هیـچ گونه موفقیت واقعی استراتژیک برای آن در پی نـداشت. در واقع، زمین منطقه چنان صـعب العبور بود که دولت ایران نمی توانست به آسانی حملات خود را در شـمال ادامه دهد و یک سری پیروزی های مداوم را به رخ مردم ایران بکشد.» (۲) .

در زمستان سال ۱۳۶۶ که درگیری در منطقه ی خلیـج فارس کاهش یافت مابقی توان و امکانات سپاه از دریا به منطقه شـمال غرب منتقـل شـد که نتیجه ی آن طراحی و اجرای عملیات والفجر ۱۰ بود. (۳) عراق در برابر این عملیات، هیـچ گونه واکنش شدیدی همانند گذشته انجام نداد و تنها با بمباران شیمیایی تلفات بسیار وحشتناکی به وجود آورد. تغییر رفتار عراق بیانگر این بود که استراتژی این کشور از تدافعی به تهاجمی تغییر یافته است که آثار آن در بهار سال ۱۳۶۷ آشکار شد.

استراتژی عراق

اشاره

ماهیت رخدادهای سیاسـی - نظامی در جنگ در سال ۱۳۶۵ و نتایج و پیامدهای آن برای عراق اهمیت داشت و عناصـر اصلی استراتژی عراق را برای پایـان دادن به جنگ شـکل داد. برای نخستین بار در خرداد ۱۳۶۶ صدام طی یک ارزیابی گفت: روند تمـام عواملی که احتمالاـ موجب خـاتمه بخشـیدن به جنگ خواهـد شـد به طور رضایت بخشـی به نفع عراق است. از نظر وی، عوامـل مـذکور شامـل اوضـاع جهـان عرب، روابـط بین المللی، موقعیت قوی تر عراق از نظر نظامی و افکار عمومی مردم ایران بود. (۴) صـدام یک ماه بعد و در آسـتانه ی صدور قطعنامه ی ۵۹۸ و آغاز اسـکورت نفتکش های کویت با پرچم امریکا، در مصاحبه با روزنامه نگاران یوگسلاوی درباره ی عوامل مؤثر در خاتمه ی جنگ می گوید:

«ما همیشه اعتقاد داشـته و داریم که روزی جنگ به پایان خواهد رسـید و صلح فراگیر برقرار خواهد شد. لذا مسئله ی جنگ و صلح در جهان امروز منحصر به

ص: ۲۲۴

۱- ۱۰۹۸. مأخذ ۷، ص ۴۱۳.

۲- ۱۰۹۹. مأخذ ۷، ص ۳۱۷.

۳- ۱۱۰۰. نگاه کنید به شلمچه تا حلبچه ص ۲۱۷ تا ۲۲۲.

۴- ۱۱۰۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش های ویژه»، ۲۷ / ۳ / ۱۳۶۶، ص ۱۶، روزنامه بوربا، ۲۶ / ۳ / ۱۳۶۶.

طرف های درگیر یا دو رژیم هدایت کننده ی دو ارتش متخاصم نیست. در این خصوص هر گونه بهبود در افکار عمومی مردم ایران علیه جنگ می تواند موضع دستگاه حاکم را در ادامه ی جنگ به ضعف بکشاند و نیز هر گونه بهبود شرایط جهانی خصوصا در ارتباط باکشورهای بزرگ می تواند در پایان بخشیدن به جنگ مؤثر باشد.» (۱) .

صدام در بهمن سال ۱۳۶۶ در پاسخ به این سؤال که چه عواملی سبب خاتمه جنگ می شود در یک جمع بندی می گوید:

«۱- پایداری عراق و درهم شکسته شدن تمامی تلاش ها بدون آنکه بتواند به نتیجه ای برسد و (با پیروزی نسبی ایران) شکست را بپوشاند. ۲- اعراب، موضعی جدی اتخاذ کردند چون از یک سو نظر معنوی و عملی بر پایداری عراق تأثیر می گذارد و از سوی دیگر، زیربنای روانی و فکری فرد یا شهروند ایرانی را متزلزل می سازد و هنگامی که ببینند که باید بر تمامی اعراب خصومت کنند، در شعار ادامه ی جنگ تجدید نظر خواهند کرد. ۳- موضع بین المللی در قدردانی از ما است.» (۲) .

در همین چارچوب، صدام مجددا نقش عراق را در جنگ با ایران برای جهان عرب تبیین می کند و می گوید عراق به خاطر موقعیت جغرافیایی خود در برابر تجاوز ایران ایستاده است (۳) و عراق به نیابت از کشورهای عربی از مرزهای خود دفاع می کند. (۴) باید اهمیت این جنگ را نزد مردم روشنفکر و تحصیل کرده در کشورهای عربی تبلیغ کرد تا عمق این مسئله را درک کنند. (۵) از نظر وی، عراق عامل ثبت سیاسی در منطقه است (۶) و اگر این دیوار پولادین شکاف بردارد، بنیان مسلمانان و اعراب در هر نقطه ای شکاف خواهد برداشت. (۷) .

صدام وضعیت کلی جنگ و موقعیت ایران را ارزیابی و تأکید می کند ایران از تمامی ابتکارات آشکار و پنهان استفاده کرده و شکست خورده است. (۸) اهداف ایران در سال های اول تا هشتم جنگ تحقق پیدا نکرده است و پیش بینی نمی شود که در سال های دیگر تحقق یابد. (۹) وی معتقد است

---

۱ - ۱۱۰۲. دبیرخانه موقت تبلیغات روانی نخست وزیری، بررسی تبلیغات عراق از فاو تا فاو، دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۸، بر اساس سخنرانی های صدام در روزنامه یومیه الثوره، چاپ عراق، ص ۲۱۰، ۳ / ۴ / ۱۳۶۶.

۲- ۱۱۰۳. همان، ص ۲۱۲، ۸ / ۱۱ / ۱۳۶۶.

۳- ۱۱۰۴. همان، ص ۱۵۱، ۲۷ / ۷ / ۱۳۶۶.

۴- ۱۱۰۵. همان، ص ۲۹، ۱۷ / ۲ / ۱۳۶۷.

۵- ۱۱۰۶. همان، ص ۲۵۸، ۹ / ۱۱ / ۱۳۶۶.

۶- ۱۱۰۷. همان، ص ۱۵۶، ۹ / ۵ / ۱۳۶۶.

۷- ۱۱۰۸. همان، ص ۱۵۰، ۳ / ۱۲ / ۱۳۶۵.

۸- ۱۱۰۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۱۶۳، ۸ / ۶ / ۱۳۶۶، ص ۶، صوت الجماهیر،۷ / ۶ / ۱۳۶۶.

۹- ۱۱۱۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی،نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۲۱۷، ۲۱ / ۷ / ۱۳۶۶، ص ۱۰ و ۱۱.

ایرانی ها اگر پیروزی های نظامی و اهداف مهمی به دست آورند ممکن است جهالتشان بیشتر شود و موج آن ها حتی به شکل وحشتناکی خارج از جبهه را نیز فرا گیرد و این امر تاکنون که وارد سال هشتم جنگ شده ایم محقق نشده است (۱) و اگر ایران به پیروزیی مهم در جبهه دست می یافت «موج خمینیسم» از جبهه های جنگ به خارج سرایت می کرد (۲) و مشکلاتی برای جهان عرب و اسلام به وجود می آورد و موج تندروی آنان در خارج از جبهه ها و در سرتاسر منطقه نفوذ می کرد. (۳) در حالی که میل به جنگیدن درنزد ایرانی ها نقصان یافته و در عراقی ها افزایش یافته است. (۴) .

واکنش قدرت های بزرگ به درگیری در خلیج فارس برای عراق اهمیت داشت و از عوامل مؤثر در پایان دادن به جنگ ارزیابی می شد. عراق به حمله به نفتکش های ایران را با این هدف دنبال می کرد که علاوه بر محروم کردن ایران از درآمدهای ارزی، این کشور را تحریک کند تا به اقدام تلافی جویانه دست بزند و امریکا را در جنگ بیشتر درگیر کند؛ (۵) زیرا ایران نمی توانست به اهداف عراق حمله کند در نتیجه، کشتی های سایر کشورها هدف در دسترس ایران بود و حمله ی به این کشتی ها زمینه ی مداخله ی بیشتر قدرت ها را سبب می شد. (۶) .

عراق در حالی که میان «امنیت در خلیج فارس و مسئله قطع جنگ» رابطه ی ظریفی برقرار کرده بود، این موضوع را تکذیب می کرد. (۷) صدام معتقد بود: «ابرقدرت ها خواهان درگیر شدن در جنگی بین المللی در خلیج فارس نیستند» (۸) و «ادامه ی جنگ به دلیل سستی جامعه ی جهانی در اتخاذ

۱- ۱۱۱۱. مأخذ ۱۲۱، ص ۱۵۰، ۱۷ / ۷ / ۱۳۶۶.

۲- ۱۱۱۲. صدام در حالی که از خطر پیروزی ایران و گسترش انقلاب برای ارعاب و امتیازگیری از کشورهای عربی و بین المللی استفاده می کرد، در عین حال مایل بود از موقعیت و نقش عراق در شکست انقلاب ایران بهره برداری کند. وی به مجله الوطن العربی می گوید: «حق صادر کردن انقلاب و تهدید کشورهای عربی با ارتش بیست میلیونی، که رهبران ایران درباره ی آن سخن گفته اند، ادعایی شکست خورده است که بر حق نیست و با عقل و منطق مطابقت ندارد. ما از دیرزمان گفتیم این ادعا شکست خورده و خواهد خورد و این به منزله پیروزی عراق است.» (نگاهی به هشت سال جنگ تبلیغاتی، ص ۳۶۶، صوت الجماهیر ۲۱ / ۶ / ۱۳۶۲ و ۱۲ / ۹ / ۱۳۶۴).

۳- ۱۱۱۳. مأخذ ۱۲۱، ص ۲۹، ۲۰ / ۷ / ۱۳۶۶.

۴- ۱۱۱۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۹۷، ۴ / ۴ / ۱۳۶۶، ص ۱۵، خبرگزاری رویتر، ۳ / ۴ / ۱۳۶۶.

۵- ۱۱۱۵. معاونت سیاسی ستاد کل، «ویژه نامه جنگ تحمیلی و بحران خلیج فارس»، مهر ۱۳۶۶، ص ۴۷ و ۴۸، رابرت پس ژوهالس و مایکل جی رمز.

۶- ۱۱۱۶. مأخذ ۵۸، ص ۱۲۷.

۷- ۱۱۱۷. مأخذ ۱۲۱، ص ۲۱۳، ۹ / ۵ / ۱۳۶۶.

۸- ۱۱۱۸. مأخذ ۱۲۱، ص ۲۱۰، ۳ / ۴ / ۱۳۶۴.

تصمیمات به جهت تحقق عملی قطعنامه (۱) است.» (۲) بر همین اساس، صدام می گوید ما به قدرت های بین المللی گفتیم ادامه ی جنگ در این منطقه حساس حتما به عواقب وخیمی کشیده خواهد شد و شما زمانی با وضعیت سخت و خطرناکی مواجه خواهید شد که عملا نمی توانید آن را کنترل نمایید. (۳) .

عراق برای ختم جنگ به ایجاد ناامنی در خلیج فارس پرداخت و حملات خود را تشدید کرد. صدام درباره ی واکنش ایران در برابر حضور امریکا در خلیج فارس به نکته ای اشاره می کند که اهمیت دارد. وی می گوید: «ایرانیان در برخورد نظامی با امریکا ترسو و ناتوان هستند و قادر نیستند با امریکا برخوردی عملی داشته باشند.» وی سپس اضافه می کند: «ایرانی ها تنها در یک حالت ممکن است با امریکا برخورد کنند و آن زمانی است که تصمیم بگیرند که به دلایلی شکست نظامی بخورند تا به تمامی دنیا بگویند که آنان از عراق شکست نخوردند، بلکه در مصاف با امریکا، این قدرت جهانی، شکست خوردند.» (۴) .

به نظر می رسد سیاست های تبلیغاتی عراق با اهداف این کشور متفاوت بود و در عین حال از ماهیت واکنش های ایران در برابر حضور نیروهای امریکا در خلیج فارس ارزیابی درستی نداشت. در مجموع، عراق از حضور نیروهای

۱- ۱۱۱۹. عراق درباره ی تغییر سیاست قدرت های بزرگ در مورد قطعنامه ی ۵۹۸ نگران بود؛ زیرا واکنش این قدرت ها درباره ی موضع ایران برای تغییر و جابه جایی در بندهای قطعنامه به منزله کاهش فشار به ایران و ادامه ی جنگ بود، صدام در این مورد می گوید: «در محافل بین المللی امروز به مسائلی تکیه می شود که بعضی از آن ها عمدی و برخی دیگر احتمالا از روی غفلت است.» (خ.ج.ا، نشریه ش ۱۶۴، ۹ / ۶ / ۱۳۶۶ ص ۲۲) عراق از دعوت سازمان ملل به آتش بس فوری در جنگ ایران و عراق استقبال می کند ولی هرگز این موضع ایران را که عراق باید متجاوز شناخته و مجازات شود نخواهد پذیرفت (خ.ج.ا، نشریه ی ش ۱۸۵، ۲۹ / ۶ / ۱۳۶۶، ص ۱۷) طارق عزیز که در نامه به دبیر کل سازمان ملل نوشت: ما قطعنامه را قابل چانه زدن یا امری انتخابی نمی دانیم و آن را به صورت کلی غیرمستقیم تفسیر کرده ایم. (۷ / ۱۱ / ۱۳۶۶) صدام حتی در نامه سرگشاده به ایران شرایط صلح را طی پنج بند شامل عقب نشینی کامل، تبادل اسرا، امضای معاهده ی صلح و عدم تجاوز، مداخله نداشتن در شئون داخلی یکدیگر و مشارکت ایران و عراق در استقرار امنیت در منطقه اعلام کرد. (نگاهی به ۸ سال جنگ تبلیغاتی، ص ۲۷۹، ۲۲ / ۵ / ۱۳۶۶) البته صدام در دیدار با گروهی از دانشجویان مقیم کویت می گوید: ما با صدور قطعنامه ی ۵۹۸ در شورای رهبری بحث کردیم و من گفتم ایران این بار نه قطعنامه را رد می کند و نه قبول می کند. (بررسی تبلیغات از فاو تا فاو، ص ۱۷۵، ۸ / ۶ / ۱۳۶۶).

۲- ۱۱۲۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش های ویژه»، شماره۳۴۲، ۶ / ۱۲ / ۱۳۶۶، ص ۱۵، مصاحبه صدام با سردبیران نشریات کویت، ۱۵ / ۱۲ / ۱۳۶۶.

۳- ۱۱۲۱. مأخذ ۱۲۱، ص ۲۰۹،۲۶ / ۴ / ۱۳۶۶.

۴- ۱۱۲۲. مأخذ ۱۲۱، ص ۲۶۵، صدام در مصاحبه با خبرنگاران کویتی، ۲۰ / ۷ / ۱۳۶۶.

امریکا در خلیج فارس بسیار خرسند بود و به گفته ی شاهزاده بندر، سفیر وقت سعودی درامریکا، صدام اسکورت نفتکش های کویت با پرچم امریکا را «بزرگترین خدمت یک برادر به برادر دیگر خطاب» می کرد. (۱) ضمن اینکه افسران امریکایی که برای جلوگیری از حملات احتمالی هواپیماهای عراقی به کشتی های امریکایی در بغداد مستقر شدند در نهایت، به عراق در انجام حملات دوربرد علیه اهداف کلیدی ایران کمک می کردند (۲) و این امر برای عراقی ها بسیار ارزشمند بود.

ارزیابی هفته نامه الحوار (۳) ، چاپ پاریس، که به نفع رژیم عراق مطلب می نوشت مهم بود و دیدگاه عراق را از اوضاع نشان می داد. در این هفته نامه آمده است: دلایل نشان می دهد که شدت گرفت بحران در منطقه ی خلیج (فارس) و حضور روزافزون کشتی های جنگی ابرقدرت ها به نفع عراق و به زیان ایران و در مجموع گذشت زمان به نفع عراق است. (۴) .

عراق روند تحولات سیاسی - نظامی در جنگ و بهبود کلیه ی عوامل را به سود خود ارزیابی کرد و استراتژی جدیدی را برای پایان دادن به جنگ در پیش گرفت. نقطه ی ثقل استراتژی جدید عراق برتری نظامی بر ایران بود. عراق حملات جدید خود را با موشک باران تهران در اسفند ۱۳۶۶ و سپس بمباران شیمیایی شهر حلبچه آغاز کرد و پس از آن، کوشید مناطقی را که ایران تصرف کرده بود بازپس گیرد. نتیجه تحولات نظامی به معنای برتری عراق بود.

کسب برتری نظامی

ارتش عراق تدریجا با افزایش و آموزش نیرو و گسترش سازمان رزم و خرید و ساخت تجهیزات مورد نیاز، برتری بارزی یافت و برتری سه بر یک ایران را از نظر جمعیت (۵) تحت تأثیر قرار داد. تحولات سیاسی - نظامی جنگ در سال ۱۳۶۶ و اینکه تلاش های ایران برای مقابله با فشارهای بین المللی و نیروهای امریکا در خلیج فارس متمرکز شد، برای عراق فضای تنفس حیاتی

۱- ۱۱۲۳. نمایندگی دائمی ایران در سازمان ملل متحد، «بازتاب تجاوز عراق به کویت در امریکا»، شماره ۲ و ۳ مرداد ۱۳۶۹، ص ۲ از بخش سوم.

۲- ۱۱۲۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش های ویژه»، ۱۸ / ۴ / ۱۳۷۱، ص ۱۰ و ۱۱، گزارش جنگ مخفی امریکا علیه ایران، شبکه ای.بی.سی امریکا، ۱۰ / ۴ / ۱۳۷۱، تهیه کننده تدکابل، از تهیه کنندگان سرشناس برنامه های سیاسی.

۳- ۱۱۲۵. در منبع نوشته شده الحوار و مشخص نیست که منظور الحوادث است یا هفته نامه دیگر.

۴- ۱۱۲۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۱۵۱، ص ۱۲، ۱۷ / ۵ / ۱۳۶۶.

۵- ۱۱۲۷. مأخذ ۵۸، ص ۱۲۶.

فراهم آورد تا از آن برای سازماندهی کامل نیروها و قابلیت های جدیدش بهره برداری کند. (۱) علاوه بر این، در حالی که در سال ۱۳۶۵ درگیری نظامی ایران و عراق روی زمین تشدید شد، ایران فرصت بازسازی نداشت ولی عراق این فرصت را داشت. صدام به این موضوع اعتراف می کند و در اثبات برتری عراق می گوید: «تمام افرادی که دشمن وارد نبرد (کربلای ۵) کرد، نیست و نابود یا اسیر شدند، اما در مقابل، ارتش عراق توسعه ی کمی و کیفی پیدا کرد و در حال حاضر که دشمن نتوانسته است نیروهای مورد نیازش را بسیج کند باید عراقیان عزم خود را جزم کنند و آن را به حد اعلای خود برسانند؛ زیرا نبرد آینده به یاری خدا نبردی است که باید در آن نتایجی را که هشت سال برای آن نبرد کردیم، بچینیم.» (۲) وی در موقعیتی دیگر می گوید: «ما تعداد افرادمان را زیاد کرده ایم به طوری که نسبت به سال گذشته بیشتر هستند واین مقداری که زیاد کرده ایم از جهت کمیت و کیفیت برتری ویژه ای دارند.» (۳) .

عراق از ابتدای جنگ و حتی قبل از جنگ هر سال به فراخوانی نیروها اقدام می کرد. در گذشته، این اقدام یک نوبت در سال انجام می شد ولی تدریجا به سه نوبت افزایش یافت که در اواسط ماه های چهارم، هشتم و دوازدهم صورت می گرفت. در هر مرحله، در حدود صد هزار نفر از متولدین جدید خود را به حوزه های نظام وظیفه معرفی و در مجموع سیصد هزار نفر در پادگان های آموزشی حاضر می شدند. (۴) – (۵) .

اقدام عراق در رسانه ها نیز بازتاب داشت. فیگارو طی گزارشی نوشت: «عراق ده درصد از کل جمعیت، شامل بیست درصد مردان عراق را بسیج کرده است.» (۶) در حالی که ایران به دلیل کاهش فراخوانی نیرو به انجام دادن تهاجم معمول زمستانی خود قادر نیست. (۷) کردزمن این اقدام عراق را استفاده از درس های جنگ برای تجدید سازمان (۸) با گسترش تدریجی نیروها به صورت حرفه ای تفسیر کرد. (۹) .

۱– ۱۱۲۸. آنتونی کردزمن و آبراهام واگنر، درس هایی از جنگ مدرن، جلد دوم، جنگ ایران و عراق، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ترجمه حسین یکتا، منتشر نشده، ص ۳۹۴.
۲– ۱۱۲۹. مرتضی منطقی، نگاهی به ۸ سال جنگ تبلیغاتی، گروه علوم انسانی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، انتشارات جهاد دانشگاهی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص ۲۲۸، رادیو صوت الجماهیر، ۳ / ۱۰ / ۱۳۶۶.
۳– ۱۱۳۰. همان، ص ۱۰۸، ۱۴ / ۱۰ / ۱۳۶۶.
۴– ۱۱۳۱. قابل توجه اینکه ارتش عراق در حالی سرباز جدید می گرفت سربازان قبلی را ترخیص نمی کرد، طوری که بسیاری از سربازان عراقی از ابتدای جنگ تا پایان آن بالاجبار در یگان های رزم مشغول خدمت بودند.
۵– ۱۱۳۲. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش ترتیب نیرو – وضعیت دشمن در مناطق غرب اروند، شرق بصره، شرق دجله، از چزابه تا چنگوله، معاون اطلاعاتی قرارگاه کربلا، ص ۱۰.
۶– ۱۱۳۳. مأخذ ۱۴۵، ص ۲۳۳.
۷– ۱۱۳۴. مأخذ ۱۴۵، ص ۲۳۳، رادیو بغداد، ۱۴ / ۱۱ / ۱۳۶۶، و رادیو امریکا، ۱۳ / ۱۰ / ۱۳۶۶.
۸– ۱۱۳۵. مأخذ ۱۴۴، ص ۴۵۶.

۹- ۱۱۳۶. مأخذ ۱۴۴، ص ۶۹.

موضوع مهم در گسترش سازمان ارتش عراق از سیزده لشکر در آغاز جنگ به پنجاه لشکر در سال ۱۳۶۶ (۱) ، افزایش نیروهای گارد جمهوری از شش تیپ به شانزده تا هفده تیپ مکانیزه با مجموع حدود ۲۵۰۰۰ نفر مجهز به تجهیزات زرهی از قبیل تانک های تی ۷۲ بود. (۲) عراق از این نیروها برای ضد حمله های موفقیت آمیز استفاده می کرد. (۳) تشکیل نیروهای نخبه ی گارد اهمیت داشت و صدام نیز در سخنرانی خود به آن اشاره کرد و گفت گارد ریاست جمهوری و ارتش توسعه یافتند. همچنین سطح آموزشی این دو، از سطح نیروهای «حصاد الاکبر» (عملیات دروی بزرگ، اوایل سال ۱۳۶۶) بهتر شده است. (۴) عراق با توسعه ی نیروهای گارد از نیروی ضربتی برخوردار شد تا برای ضد حمله و تغییر در شیوه ی جنگی دفاع ثابت خود استفاده کند. (۵) .

در مجموع، روند افزایش سازمان ارتش عراق به این صورت بود که در سال های ۱۳۶۰ دو لشکر، سال ۱۳۶۱ پنج لشکر، سال ۱۳۶۲ سه لشکر، سال ۱۳۶۳ نه لشکر، سال ۱۳۶۴ ده لشکر، سال ۱۳۶۵ ده لشکر، و سال ۱۳۶۶ پنج لشکر تشکیل داد. (۶) در واقع در سال های ۱۳۶۳،۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ عراق جمعا سی لشکر و در سال ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ جمعا پنج سپاه جدید تشکیل داد که دو سپاه یکم و ویژه ی گارد از آن جمله است.

ارتش عراق تمرینات آموزشی گسترده ای را در طول سال ۱۹۸۷ م (۱۳۶۶) انجام داد. برای آموزش های رزم مرکب عراق نیروهای خود را از خطوط مقدم عقب کشید. (۷) برخی افسران عراقی در رده ی گردان و گروهان برای آموزش زرهی به چکسلواکی اعزام شدند و یک رده بالاتر برای تیپ به روسیه اعزام شدند. (۸) .

عراق همچنین برای افزایش قدرت جابه جایی نیروهایش تعداد تریلرهای تانک بر و کامیون را از هزار دستگاه به ۱۵۰۰ دستگاه افزایش داد و شبکه ی جاده ای وسیعی را ایجاد کرد. (۹) دشمن در منطقه ی جنوب از فرصت استفاده کرد و بر استحکام رده های پدافندی افزود و سنگرهای جدیدی را احداث و سنگرهای قدیمی را ترمیم کرد. (۱۰) .

ص: ۲۳۰

۱- ۱۱۳۷. احمد الزبیدی (سرهنگ سابق ستاد ارتش عراق)، مقاله جنگ خلیج در ابعاد نظامی، روزنامه السفیر، ۲۰ / ۱۱ / ۱۹۸۹، (۲۹ / ۸ / ۱۳۶۸)، سفارت جمهوری اسلامی در بیروت، ۱۱ / ۱۰ / ۱۳۶۸، ص ۸.

۲- ۱۱۳۸. مأخذ ۱۴۴، ص ۲۷۱.

۳- ۱۱۳۹. مأخذ ۱۴۴، ص ۳۹۱.

۴- ۱۱۴۰. مأخذ ۱۲۱، ص ۱۰۸ و ۱۰۹.

۵- ۱۱۴۱. مأخذ ۱۴۴، ص ۲۷۱.

۶- ۱۱۴۲. معاونت اطلاعات نیروی زمینی سپاه پاسداران، نگرشی بر وضعیت ارتش عراق در ده سال گذشته، دی ۱۳۷۰، ص ۸.

۷- ۱۱۴۳. مأخذ ۱۴۴، ص ۳۹۲.

۸- ۱۱۴۴. گفت وگو با سردار فتح الله جعفری، ۲۷ / ۲ / ۱۳۷۸.

۹- ۱۱۴۵. مأخذ ۱۴۴، ص ۳۹۳ و ۳۹۴.

۱۰- ۱۱۴۶. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، عملکرد دشمن در سال ۱۳۶۶، ص ۲۶.

تجهیزات نظامی عراق به نحو قابل توجهی افزایش یافت. عراق چهارصد (۱) تا پانصد (۲) فروند انواع هواپیمای پشتیبانی و تهاجمی داشت. (۳) تعداد تانک های عراق ۴۵۰۰ دستگاه بود. (۴) تعداد توپ های عراق نزدیک به ۲۸۰۰ عراده بود درحالی که ایران ۱۷۵۰ عراده توپ داشت. (۵) .

در مجموع، عوامل تعیین کننده مانند حجم نیرو و یگان های رزمی، تعداد هواپیما و خودروهای زرهی و توپخانه و قدرت پشتیبانی و جایگزینی تجهیزات و نیروی انسانی نشان می داد تعادل قدرت نظامی به سود عراق تغییر کرده است (۶) و حتی برخی تحلیلگران پیش بینی کردند عراق ممکن است سرانجام به صورت قدرت نظامی ترسناک خاورمیانه از این جنگ سربرآورد. (۷) .

عراقی ها نیز از برتری خود آگاه بودند و بر آن تأکید می کردند؛ چنانکه صدام در مصاحبه با روزنامه ی کویتی السیاسه اعلام کرد: «عراق در تمام زمینه های سیاسی و نظامی در حال حاضر قوی تر از سالیان گذشته است و امکانات نظامی آن حداقل از شش ماه قبل دو برابر شده است.» (۸) سعدون حمادی، سفیر وقت عراق در سازمان ملل، نیز برای جنگ طولانی اعلام آمادگی کرد و گفت: «دلایلی در دست داریم که توانایی های نظامی ایران واقعا به انتهای خود رسیده است.» (۹) مجموع این وضعیت موجب شد تا کردزمن بر این نکته تأکید کند که «عراق به تدریج میزانی از توان را که برای شکست دادن ایران نیاز داشت به دست آورده است.» (۱۰) .

اتخاذ روش تهاجمی

افزایش مداخله قدرت های بزرگ در جنگ و تصویب قطعنامه ی ۵۹۸ هر چند دامنه و حجم فشار بین المللی و سیاسی - اقتصادی را به ایران افزایش داد ولی در پایان دادن به جنگ تأثیری نداشت. عراق با تکیه بر قدرت نظامی و برتری بر ایران برای تغییر روند جنگ تدریجا استراتژی خود را از تدافعی به

---

۱ - ۱۱۴۷. بولتن مرکز استراتژیک دفاعی، سال سوم، تابستان ۱۳۶۷، شماره ۳۳، ص ۱۳، دیلیپ هیرو، میدل ایست، لندن، ۱۹۹۶.

۲- ۱۱۴۸. مأخذ ۱۴۴، ص ۴۸۱.

۳- ۱۱۴۹. برخی از منابع به رقم ششصد هواپیما اشاره کرده اند مانند المجله، چاپ انگلیس.

۴- ۱۱۵۰. مأخذ ۱۴۴، ص ۴۸۱.

۵- ۱۱۵۱. مأخذ ۱۶۲.

۶- ۱۱۵۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۳۴۷، ۱۱ / ۱۲ / ۱۳۶۶، ص ۳۷ و ۳۸، بی.بی.سی، ۱۰ / ۱۲ / ۱۳۶۶.

۷- ۱۱۵۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی،نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۳۴۹، ۱۳ / ۱۲ / ۱۳۶۶، ص ۱۲، رادیو امریکا به نقل از نیویورک تایمز.

۸- ۱۱۵۴. مأخذ ۱۰۰، ص ۱۱، کویت، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۰ / ۷ / ۱۳۶۷.

۹- ۱۱۵۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی،نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۱۳۰، ۶ / ۵ / ۱۳۶۶، ص ۲۴، نیویورک، خبرگزاری فرانسه، ۵ / ۵ / ۱۳۶۶.

۱۰- ۱۱۵۶. مأخذ ۱۴۴، ص ۶۴۶.

تهاجمی تغییر داد [(۱)] مصباحی بر این نظر است که از زمستان سال ۱۳۶۶ با تکمیل سازماندهی مجدد ماشین جنگی عراق، صحنه برای تغییر سیاست نظامی عراق از «دفاع متحرک» به استراتژی «تهاجمی» آماده شده بود. این تغییر بنابر تحلیل الکساندر کولیکو، کارشناس برجسته ی شوروی، به این دلیل انجام شد که دفاع متحرک عراق در برابر عملیات ایران در فاو کارایی خود را از دست داد. عراق برای تغییر استراتژی باید علاوه بر تغییر در شیوه ی فرماندهی در جنگ، توان نظامی خود را افزایش می داد. [(۲)] .

کردزمن نیز درباره ی ضرورت تغییر در استراتژی عراق معتقد است: «عراق با این مشکل استراتژیک و تاکتیکی رو به رو که نیروهای زمینی آن نمی توانستند با میخکوب شدن در سر جای خود بسادگی در به شکست کشاندن ایران توفیقی به دست آورند.» [(۳)] صدام درباره ی این موضوع می گوید: «نیروهای عراق به همان روش سابق خود جنگ می کردند. مدت ها گذشت و هیچ پیشرفتی در جبهه ها حاصل نکردیم و تلفات ما در آن موقع بیش از حال حاضر بود. ولی ارتش عراق به همین روال باقی نماند و در سال های بعد توانایی خود را بیش از سال های گذشته دید و توانست خودش را از نظر روحی و ایمان تقویت و به نقش خویش اعتماد پیدا کند.» [(۴)] درباره ی اصلاح در سیستم فرماندهی صدام می گوید: «علت این خسارت های بزرگ این است که ما با ارتش خود می جنگیم و ارتش دارای قوانین و ضوابط خاصی است و یکی از این ضوابط منتظر زمان بودن است. بنابراین، هنگامی که در زمان خاصی فرمان نمی رسد اثر بدی بر نیروهای مسلح نظامی ما می گذارد.» وی اضافه می کند: «هنگامی که فرمان در نظام هرمی ارتش نمی رسد یا در لحظه ی مناسب با دقت نمی رسد قربانی های زیادی می دهیم.» [(۵)] .

۱- ۱۱۵۷. در مقاله «استراتژی جنگ ایران و عراق و درس های برگرفته از آن» نوشته شده است عراق پس از عقب نشینی به پشت مرزهای خود در سال ۱۹۸۲ م، نیازمند یک استراتژی بود و از سال ۱۹۸۴ م استراتژی دفاع ایستا را انتخاب کرد تا در مقابل حملات ایران بایستد ولی نداشتن اعتماد به فرماندهان مانع از تغییر استراتژی شد. تدریجا وقتی فرماندهان عراقی اعتماد صدام را جلب کردند و شناخت بهتری از نیروهای خود یافتند حملات خود را آغاز کردند. (ماهنامه ی نگاه، شماره ۱۵ و ۱۶، شهریور و مهر ۱۳۸۰، ص ۱۸ –۱۷).

۲- ۱۱۵۸. محمد درودیان، پایان جنگ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ دوم، ۱۳۸۰، ص ۲۱ و ۲۲.

۳- ۱۱۵۹. مأخذ ۱۴۴، ص ۲۲۸.

۴- ۱۱۶۰. نگاه کنید به ۸ سال جنگ تبلیغاتی، ص ۲۷۱ و ۲۷۲، (مأخذ ۱۴۵).

۵- ۱۱۶۱. مأخذ ۱۲۱، ص ۸۶، ۲۳ / ۱ / ۱۳۶۶.

سرلشکر وفیق سامرایی نیز درباره ی وضعیت نظامی ارتش عراق و مشکلات آن در کتاب خود می نویسد: «ما ابتکار عمل را (در جبهه ها) از دست داده بودیم و منتظر می نشستیم تا ایرانی ها عملیات خود را انجام دهند و قربانی بدهیم. لازم بود که برنامه ی نظامی خود را از دفاع ساکن به حمله تغییر دهیم و حتی اندیشه ی دفاع فعال را نیز کنار بگذاریم.» (۱) .

عراق تدریجا تغییراتی به وجود آورد و آمادگی لازم را برای جلوگیری از غافلگیری در منطقه ی جنوب (۲) و کنترل تحرکات نظامی ایران در خطوط درگیری کسب کرد و با عمق بخشیدن به خطوط پدافندی و ایجاد خطوط مواصلاتی برای تحرک بخشیدن به مانور و پشتیبانی از نیروهای رزمی، (۳) مانور تمرینی و آموزش از نوع دفاع و پاتک را انجام داد. (۴) عدنان خیرالله، وزیر وقت دفاع عراق، در سخنانی اعلام کرد: «عراق تصمیم دارد ایرانیان را از تمامی سرزمین های خود خارج سازد و ایران به زودی جای پای به دست آمده در خاک عراق را از دست خواهد داد.» (۵) صدام نیز اعلام کرد: «در عملیات آینده ایرانیان را از آب های بین المللی و آب های خودمان بیرون می کنیم.» (۶) .

در حالی که عراق تحرکات نظامی وسیعی را برای تغییر استراتژی خود از دفاع به حمله انجام می داد اسناد موجود در برآورد و تحلیل از حرکت های دشمن نشان می دهد امکان حمله ی دشمن همانند آنچه بعدها با بازپس گیری فاو آغاز شده بود پیش بینی نمی شد. در بررسی عملکرد دشمن در مورد مانورهای تمرینی و آموزشی برای دفاع و حمله به دو احتمال که شامل بالا- بردن آمادگی رزمی یگان های موجود در منطقه ی جنوب و تکمیل آموزش های ناقص یگان ها در مناطق حساس بود، توجه شد. (۷) .

شروع حملات موشکی عراق به تهران در اسفند ۱۳۶۶ و سپس واکنش به عملیات والفجر ۱۰ با بمباران شیمیایی منطقه ی حلبچه، آغاز استراتژی تهاجمی عراق بود که با تهاجم به فاو و بازپس گیری آن ادامه یافت و گسترش پیدا کرد.

۱- ۱۱۶۲. سرلشکر وفیق السامرایی، ویرانی دروازه شرقی، ترجمه عدنان قارونی، مرکز فرهنگی سپاه، تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۱۴.

۲- ۱۱۶۳. مأخذ ۱۶۱، ص ۱۱۴.

۳- ۱۱۶۴. مأخذ ۱۶۱، ص ۱۳۰.

۴- ۱۱۶۵. مأخذ ۱۶۱، ص ۸۳.

۵- ۱۱۶۶. مأخذ ۱۶۱، ص ۱۳۶.

۶- ۱۱۶۷. مأخذ ۱۶۱، ص ۱۳۶.

۷- ۱۱۶۸. مأخذ ۱۶۱، ص ۸۳.

استفاده عراق از موشک در حمله به تهران کاملا غافلگیر کننده بود (۱) و باعث شگفتی کارشناسان غرب شد (۲) و بیشتر در چارچوب ادامه ی جنگ شهرها و ابزار جدید ارزیابی شد، حال آنکه عراق در واکنش به سرانجام قطعنامه ی ۵۹۸ و اسکورت نفتکش ها به دنبال اجرای استراتژی جدیدی بود. به نظر می رسد عراق با حملات موشکی به تهران، به دنبال تضعیف روحیه ی مردم ایران و کاهش حمایت عمومی از جنگ (۳) و فشار سیاسی بر ایران بود. (۴) به گفته ی وفیق سامرایی، عراقی ها حتی طرح حمله ی شیمیایی به شهر تهران را تهیه کرده بودند که برخی ملاحظات از جمله گسترش عمودی بناهای شهر و مهم تر از آن بروز تحول در وضعیت نظامی جنگ به نفع عراق، مانع از اجرای آن شد.

در اوج موشک باران تهران رفتار شوروی ها قابل توجه بود. آقای ولایتی، وزیر خارجه ی وقت ایران، می گوید: «به قائم مقام وزیر خارجه ی شوروی گفتم چرا به عراقی ها موشک می دهید. گفت شما دست از حمایت مجاهدان افغانی بردارید، (۵) تا ما هم موشک ندهیم، معامله ی خوبی نیست؟» (۶) علاوه بر این، در همین ایام لیبیایی ها که موشک های ایران را علیه هواپیماهای عراقی شلیک می کردند از شلیک موشک امتناع کردند (۷) و به نظر می رسید این اقدام با روس ها هماهنگ شده بود.

حملات شیمیایی عراق به حلبچه نیز به لحاظ اهداف و روش آن بسیار اهمیت داشت. استفاده ی عراق از سلاح های شیمیایی اساسا با هدف ایجاد

۱- ۱۱۶۹. دکتر حسین دهقان، جانشین پیشین وزیر دفاع، می گوید: در جلسه با دکتر روحانی به ایشان گفتم عراق موشک دارد ولی نمی پذیرفتند. با شلیک اولین موشک به تهران تصور می شد هواپیما آمده و فرمانده ی وقت نیروی هوایی می گفت: با هواپیما تا قم می آیند و سپس موشک به تهران شلیک می کنند. سرانجام یک موشک منفجر نشده را که اسکاد بود و روس ها اصلاح کرده بودند نشان دادیم. (مصاحبه ی اختصاصی، ۲۹ / ۶ / ۱۳۸۲).

۲- ۱۱۷۰. مأخذ ۱۴۴، ص ۴۰۳.

۳- ۱۱۷۱. مأخذ ۱۴۴،ص ۵۰۶.

۴- ۱۱۷۲. مأخذ ۱۴۴، ص ۵۵۲.

۵- ۱۱۷۳. کیانوری، دبیرکل حزب توده، در گفت وگو به روزنامه ی جمهوری اسلامی در تأیید این خبر می گوید: «روس ها - از طریق وزیر خارجه شوروی - صریحا به آقای ولایتی می گویند شما به محض اینکه حمایت از افغان ها را قطع کنید، ما هم حملات عراق به ایران را متوقف می کنیم.» (۶ / ۱۱ / ۱۳۷۱).

۶- ۱۱۷۴. مأخذ ۱۷۵، ص ۱۶۳ و ۱۶۴.

۷- ۱۱۷۵. بنابر توضیح آقای حسین دهقان به دلیل پیش بینی قبلی، آمادگی لازم ایجاد شده بود و لذا پس از امتناع لیبیایی ها از شلیک و اخلال در سیستم موشکی، دو روز بعد اولین موشک آماده شلیک شد. (گفت وگوی اختصاصی ۲۹ / ۶ / ۱۳۸۲).

وحشت در نیروهای ایران طراحی شده بود. (۱) اما جنایت حلبچه را بنابر توضیح وفیق سامرایی پنجاه هواپیمای جنگنده عراق با دستور مستقیم صدام اجرا کردند و هر یک از هواپیماها چهار بمب شیمیایی حمل می کردند (۲) که حاوی گاز وی.ایکس (V.X) بود (۳) و هدف آن مقابله با استراتژی جدید ایران برای پیشروی در عمق خاک عراق، در منطقه ی شمال غرب با همکاری اکراد معارض بود.

باز پس گیری مناطق تصرف شده

برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به کتاب پایان جنگ.

عراق در حالی که با حملات موشکی به تهران و سایر شهرها و شایعه ی استفاده از بمب شیمیایی وضعیت روحی - روانی مردم را تا اندازه ای تحت تأثیر قرار داده بود و با بمباران حلبچه علاوه بر مقابله با استراتژی جدید ایران در منطقه ی شمال غرب، مجددا توجه جهانی را بر جنگ ایران و عراق متمرکز کرد، نیروهای نظامی خود را برای بازپس گیری مناطق تصرف شده آماده کرد.

تغییر استراتژی عراق از تدافعی به تهاجمی و آغاز حمله به مواضع و استحکامات دفاعی ایران با خطر و هزینه ی بزرگی همراه بود؛ زیرا در صورت شکست، علاوه بر اینکه بخشی از قوای نظامی عراق منهدم می شد، از نظر روحی و روانی وضعیت دشواری برای ارتش عراق ایجاد می شد و در صورت تهاجم ایران به سد دربندیخان یا تهدید بصره، (۴) احتمال شکست عراق وجود داشت. عراق به تجربه ی شکست در استراتژی دفاع متحرک پس از عملیات فاو در سال ۱۳۶۵ و پیامدهای سیاسی - نظامی و روانی آن توجه کرده بود.

هدف عملیاتی عراق آزادسازی فاو بود؛ زیرا آثار بسیار جدی و اساسی بر موازنه ی نظامی داشت. (۵) به همین دلیل، عراق برای اطمینان از اهداف عملیاتی ایران و تمرکز قوای نظامی این کشور در منطقه ی شمال غرب

---

۱ - ۱۱۷۶. تلکس ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۳ /۳ / ۱۳۸۱، خدیر حمزه رئیس پیشین طرح هسته ای عراق، وال استریت ژورنال.

۲- ۱۱۷۷. مصاحبه با مجله الحیات، فرماندهی نصر، ۲۶ / ۱ / ۱۳۷۷، ص ۲۳.

۳- ۱۱۷۸. گاز وی. ایکس پس از استنشاق بلافاصله موجب مرگ می شود.

۴- ۱۱۷۹. مأخذ ۱۷۵، ص ۱۱۵.

۵- ۱۱۸۰. مأخذ ۱۷۵، ص ۱۱۲ و ۱۱۳.

اطلاعاتی از سرویس های اطلاعاتی سیا به دست آورد (۱) مبنی بر اینکه ایران بخشی از توپخانه ی خود را از منطقه ی شرق اروند عقب کشیده است. (۲) صدام در اواخر اسفند ۱۳۶۶ از منطقه ی سپاه اول عراق بازدید کرد (۳) تا از تمرکز قوای ایران در منطقه ی شمال غرب اطمینان حاصل کند.

عراق بر اساس اطلاعاتی که کسب کرده بود نه تنها در برابر عملیات والفجر ۱۰ واکنش نظامی نشان نداد، حتی اعلام کرد برای اولین بار در تاریخ ما می خواهیم ایرانی ها حمله کنند. (۴) این موضوع از این جهت اهمیت داشت که ایران با انجام آن در واقع عملیات سالانه اش را اجرا می کرد و نیروها پس از انجام دادن این عملیات به شهرهای خود مراجعت می کردند و سازماندهی نظامی ایران بر هم می خورد و آمادگی آن ها برای واکنش در برابر تهاجم ارتش عراق کم می شد.

برخی شواهد و قرائن نشان می دهد علاوه بر همکاری اطلاعاتی و عملیاتی امریکا (۵) با عراق برای بازپس گیری فاو، عملیات نظامی امریکا در خلیج فارس نیز بخشی از تلاش مشترک برای بر هم زدن تمرکز ایران بود. کردزمن درباره ی این موضوع در کتاب خود می نویسد: «در چهارده آوریل (۲۵ فروردین ۱۳۶۶) گروه طراحی امنیت ملی (NSPG) در کاخ سفید تشکیل جلسه داد و به راه های گوناگون توجه کرد. در نهایت تصمیم گرفته شد به سه سکوی نفتی ایران که نیروی دریایی سپاه پاسداران از آن استفاده می کرد، حمله شود. گروه

۱- ۱۱۸۱. تد کابل تهیه کننده ی برنامه ی جنگ مخفی امریکا علیه ایران در شبکه تلویزیونی ای.بی.سی امریکا می گوید: «اطلاعات جاسوسی امریکا به افسران ستاد ارتش عراق این امکان را داد که به طور موفقیت آمیز نقشه ی بازپس گیری شبه جزیره ی حیاتی فاو را طراحی و اجرا کنند. این اطلاعات را افسر اطلاعاتی ارشد امریکا، که اکنون بازنشسته شده، داده است.» (ترجمه ی خ.ج ۱۸ / ۴ / ۱۳۸۱، ص ۱۶).

۲- ۱۱۸۲. مأخذ ۱۷۵، ص ۱۱۲ و ۱۱۳.

۳- ۱۱۸۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی،نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۳۶۰، ۲۴ / ۱۲ / ۱۳۶۶، ص ۵، خبرگزاری عراق، ۲۳ / ۱۲ / ۱۳۶۶.

۴- ۱۱۸۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی،نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۳۵۱، ۱۵ / ۱۲ /۱۳۶۶، ص ۳۳، واشنگتن پست.

۵- ۱۱۸۵. روزنامه ی لوس آنجلس تایمز، چاپ امریکا، به نقل از یک متخصص خاورمیانه در انستیتوی بنیاد کارنگی می نویسد: «کابینه ی ریگان در زمینه ی تعیین استراتژی برای بازپس گیری جزیره ی فاو برای مدت بیش از یک سال با رژیم عراق همکاری داشت. مقامات نظامی امریکا در این مدت با عراق و واحدهای برگزیده نظامی صدام همکاری گسترده ای داشتند. کمک های امریکا به عراق که مکمل کمک های دریافتی این کشور از مصر، اردن و فرانسه بود شامل ارائه ی تاکتیک های نظامی برای بازپس گیری فاو و ماکت سازی این شبه جزیره برای نشان دادن محل استقرار نیروهای ایرانی نیز بود.» (ما اعتراف می کنیم، ص ۶۰).

طرح ریزی امنیت ملی این راهکار را به این دلیل انتخاب کرده بود تا از هرگونه حمله به اهداف زمینی در ایران خودداری کند. ریگان پیش نویس طرح های عملیاتی را در همان روز و سپس طرح حمله پیشنهادی را طی نشستی در ساعت ۸:۳۰ بعدازظهر هفده آوریل (۲۸ فروردین) تصویب کرد. (۱) .

قبل از حمله ی امریکا به سه سکوی نفتی ایران، که همزمان با حمله ی عراق به فاو صورت گرفت، به گفته ی وفیق سامرایی یکی از وابستگان نظامی امریکا در بغداد برای گفت وگو نزد وی می آید و اطلاعاتی را درباره ی خطوط تماس نیروهای ایران و عراق در منطقه ی فاو درخواست می کند. به گفته ی سامرایی عراقی ها به این نتیجه رسیدند که امریکا قصد دارد در این منطقه ضربه ی مهلکی به نیروهای ایران بزند. (۲) .

عراق منطقه ی فاو را در فاصله ی ۳۶ ساعت و با استفاده از اطلاعات امریکا (۳) و غافلگیری ایران به دلیل تمرکز نیروها در منطقه شمال غرب و با استفاده از گاز وی.ایکس (۴) باز پس گرفت. (۵) ایران در تهاجم عراق به فاو علاوه بر غافلگیری اطلاعاتی و تاکتیکی در مورد تغییر استراتژی عراق نیز غافلگیر شده بود. ضمن اینکه عقب ماندگی در سطح استراتژیک و تغییر تعادل نظامی به سود عراق نیز مهار تهاجمات را برای ایران دشوار کرده بود.

صدام در پی بازپس گیری فاو، درباره ی وضعیت کلی جنگ و موقعیت ایران و عراق گفت: «قدرت عراق پس از گذشت هشت سال جنگ به مراتب از روزهای نخست جنگ بیشتر شده و نظم و هماهنگی نیروها در جبهه های جنگ از سال های اول و دوم و سوم جنگ بهتر شده است، در حالی که در نزد ایرانیان این حالت برعکس بوده است. ایرانیان در مقایسه با سال های نخست جنگ ضعیف تر شدند. بنابراین، ما مطمئن هستیم که در آینده زمان به نفع

۱– ۱۱۸۶. مأخذ ۱۴۴، ص ۴۱۹.

۲– ۱۱۸۷. روزنامه سلام، ۱۳/ ۴ /۱۳۷۷، وفیق السامرایی.

۳– ۱۱۸۸. آیت الله خامنه ای، رئیس جمهور وقت، بعدها درباره ی سقوط فاو گفت: «من وقتی قضیه فاو اتفاق افتاد؛ یعنی آن ها فاو را گرفتند، شکل کار به بنده نشان می داد که این کار عراق و کمک کارهای معمولی اش نیست...» (۲۹ / ۶ / ۱۳۷۲، عزت راز جاودانگی، ص ۱۵۳).

۴– ۱۱۸۹. مأخذ ۱۸۷، ص ۱۸.

۵– ۱۱۹۰. خدیر حمزه معتقد است: اگر عراق از گاز وی.ایکس برای آلوده کردن خطوط تدارکاتی ایران استفاده نمی کرد، قادر به تصرف فاو نبود. (تلکس ویژه خ.ج.ا.ا. ۲۳ / ۳ / ۱۳۸۱).

عراق خواهد بود، چون وضعیت چند ساله ی اخیر این را ثابت می کند.» (۱) وی همچنین معتقد بود نقش ابرقدرت ها (۲) به عنوان عامل مهم در جهت تسریع در خاتمه جنگ یا طولانی کردن آن مؤثر بوده است. (۳) .

عراق پس از فاو مناطق شلمچه و جزایر مجنون را نیز بازپس گرفت. لطیف جاسم، وزیر فرهنگ و اطلاعات عراق، در جلسه با نمایندگان رسانه های خارجی گفت: «نیروهای ما توانستند فاو را در ۳۵ ساعت آزاد کنند، نیروهای شلمچه ۸ ساعت، همچنین آزادسازی جزایر مجنون و هور هویزه ۸ ساعت به درازا کشید.» (۴) حرکت سریع و استراتژیک (۵) عراق در برخی رسانه ها بازتاب گسترده ای داشت. تایمزمالی، چاپ انگلیس، نوشت: «برتری نسبی ایران به خاطر روحیه ی قوی آن ها در ادامه ی جنگ بود و اکنون با از دست دادن آن، توازن جنگ تغییر کرده است. ایرانی ها نه می توانند بر اساس شرایط محدود خود به جنگ ادامه دهند و نه به دستیابی به راه حلی بر اساس حداقل شروط خود من جمله شناسایی و مجازات متجاوز یعنی صدام حسین، امید دارند.» (۶) رادیو لندن نیز طی تحلیلی گفت: «عراق مدتی است از توانایی سازمان ملل دایر بر تحمیل صلح به ایران ناامید شده است و اخیرا فقط بر توان نظامی خود تأکید می کند تا ایران را تعقیب کند و در جنگ پیروز شود.» (۷) .

ارزیابی عراقی ها از ماهیت تغییرات و پیامدهای آن قابل توجه بود؛ زیرا این برداشت ها در تصمیم و رفتار عراقی ها پس از اینکه ایران قطعنامه ی ۵۹۸ را پذیرفت تأثیر بسزایی داشت. صدام معتقد بود آنچه در صحنه ی نظامی جنگ حاصل شده است تنها به معنای پیروزی نظامی نیست (۸) بلکه حاصل رویارویی دو تفکر مختلف است و بزرگ ترین دستاورد آن شکست کامل بنیان

۱- ۱۱۹۱. مأخذ ۱۲۱، ص ۶۵ و ۶۶، ۹ / ۲ / ۱۳۶۷.

۲- ۱۱۹۲. صدام امریکا را متهم کرد از طریق ماهواره هایش درباره ی تدارکات عراق برای انجام تهاجم در جزایر مجنون اطلاعاتی به دست آورده و در اختیار ایران قرار داده است: زیرا ایرانی ها منتظر عراقی ها بودند. (نشریه خ.ج.ا. ش ۱۰۶، ۹ / ۴ / ۱۳۶۷ ص ۳) در واقع، عراق به این موضوع اشاره می کند که نقش ابرقدرت ها در روند جنگ می تواند برای مقابله با وضعیت عراق یا ادامه ی فشار به ایران مؤثر باشد.

۳- ۱۱۹۳. مأخذ ۱۲۱، ص۲۱۳، ۱۵ / ۲ / ۱۳۶۷.

۴- ۱۱۹۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی،نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۱۰۲،۹ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۹، صوت الجماهیر، ۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

۵- ۱۱۹۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی،نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۱۲۴، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۵۴، خبرگزاری عراق، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷.

۶- ۱۱۹۶. مأخذ ۱۹۸، ص ۲۳ و ۲۴، سردبیر تایمز مالی.

۷- ۱۱۹۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی،نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۱۰۰، ۷ / ۷ / ۱۳۶۷، ص ۱۲ و ۱۳، رادیو لندن، ۶ / ۴ / ۱۳۶۷.

۸- ۱۱۹۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۱۴۸، ۲۴/ ۵ / ۱۳۶۷، رادیو بغداد، ۲۳ / ۵ / ۱۳۶۷.

ایدئولوژیکی رژیم ایران است. (۱) ایران در میدان رویارویی پایگاه فکری خود را در برابر پایگاه فکری عراقی ها از دست داد و در جنگ شکست خورد. (۲) به همین دلیل صدام معتقد بود شکست هایی که حاصل شده، شکست در نبرد نیست تا آن ها را اصلاح کنند، بلکه شکست در سطح استراتژیک است. (۳) شکست فنی یا بی نظمی در اداره یا نقص عملیاتی یا تدارکاتی و فنی نیست که اصلاح پذیر باشد. (۴) .

برخی از رسانه ها این موضوع را مطرح کردند که جنگ برنده ی نظامی دارد و عراق در جنگ پیروز شده است و ایران نمی تواند هیچ برنامه ی فوری برای مقابله ی نظامی با عراق تدارک ببیند. (۵) روزنامه ی کویتی الانباء نوشت: «شمارش معکوس برای خاتمه دادن به جنگ و رژیم ایران آغاز شد و پایان این دو نزدیک شده است یا چه بسا قریب الوقوع است.» (۶) روزنامه ی الثوره، چاپ عراق، نیز نوشت: «پیروزی های چشمگیر نیروهای عراق نه تنها به خاتمه سریع جنگ بلکه حتی به خاتمه عمر رژیم ایران منجر می شود. ایران جنگ را به طور کلی باخته است و دیگر قادر نیست در برابر هر گونه تهاجم عراق ایستادگی نماید و سرنوشت هر نبرد نظامی آینده میان ایران و عراق قطعا به نفع عراق قدرتمند و پیروز پایان خواهد یافت.» (۷) صدام در مراسم تشویق خلبانان عراقی ضمن اظهار امیدواری به اینکه هشتمین سال جنگ، آخرین سال آن باشد گفت که حجم ارتش عراق به پنجاه لشکر و حتی فراتر از آن رسیده و عراق از جنگ طلبی حکام ایران بیم ندارد. وی ایران را تهدید کرد و گفت: «حکام ایران باید این خصوصیت را ادراک کنند که عراقی ها می توانند دشمن را در داخل خاکش در جهت خدمت به صلح و استرداد سرزمین های ملی در هم بکوبند.» (۸) .

موضوع مهم این است که گرچه منافقین (سازمان مجاهدین خلق) پس از اینکه ایران قطعنامه ی ۵۹۸ را پذیرفت در تاریخ ۲۸ تیر ۱۳۶۷ به خاک ایران حمله کردند ولی صدام با تحلیل وضعیت نظامی ایران و تهدید به پیشروی در خاک ایران در تاریخ هشتم تیرماه می گوید: «مدتی دیگر می بینید که

۱- ۱۱۹۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۱۳۳، ۹ / ۵/ ۱۳۶۷، ص ۴۰، آسوشیتدپرس، ۸ / ۵ / ۱۳۶۷.

۲- ۱۲۰۰. خبرگزاری جمهوری اسلامی،نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۱۰۹، ۱۶ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۳ و ۴، خبرگزاری عراق، ۱۵/ ۴ / ۱۳۶۷، سخنرانی صدام در جمع وزرای ورزش جوانان کشورهای عرب.

۳- ۱۲۰۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۱۰۵،۱۲ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۳ و ۴، بخش عربی رادیو بغداد، ۱۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

۴- ۱۲۰۲. همان، ص ۵ و ۶.

۵- ۱۲۰۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۱۲۸، ۴ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۱۸ و ۱۹.

۶- ۱۲۰۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۹۹، ۶ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۱۹، خبرگزاری رویتر، ۵ / ۴ / ۱۳۶۷.

۷- ۱۲۰۵. همان، ص ۴ و ۵.

۸– ۱۲۰۶. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۱۰۱، ۸ / ۴ / ۱۳۶۷ ص ۲ تا ۵، خبرگزاری عراق، ۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

مجاهـدین خلق به عمق بیشتری در دل ایران نفوذ می کنند. (۱) بر همین اساس، بلافاصله پس از اینکه ایران قطعنامه ی ۵۹۸ را پذیرفت به گفته ی وفیق سامرایی، سرلشکر فاضل البراک تکریتی، مدیر سرویس های اطلاعاتی، و سپهبد ستاد صابر الدوری و مسعود رجوی، رئیس سازمان، برای بحث و بررسی درباره چگونگی پیشروی سریع و عمیق نیروهای این سازمان از خانقین به سمت تهران، برای در دست گرفتن قدرت در این کشور با پشتیبانی محدود نیروهای مسلح عراقی، در کاخ ریاست جمهوری تشکیل جلسه دادند. در حضور شخص صدام درباره ی ابعاد این عملیات و پیامدهای احتمالی آن بحث و تبادل نظر طولانی شد. البراک به اجرای این عملیات مایل نبود. مسعود رجوی به صدام گفت: «مطمئن باشید که سازمان من ظرف چند ساعت وارد تهران در دویست و پنجاه کیلومتری مرز خواهد شد!» صدام سرانجام با اجرای این عملیات موافقت کرد (۲) و گفت: «شاید این فرصتی طلایی برای نابودسازی رژیم فعلی (ایران) باشد!» (۳) .

برقراری آتش بس

در برابر حملات ارتش عراق مواضع و استحکامات دفاعی ایران در داخل خاک عراق فروپاشید و معادلات سیاسی - نظامی صحنه ی جنگ را تغییر داد. (۴) پیروزی های نظامی عراق در ماه های پایان جنگ فرسایش توان نظامی ایران و متقابلا افزایش توان نظامی عراق را بیان می کرد. سقوط فاو روند جنگ و موازنه ی موجود را به سود عراق تغییر داد.

مناطق تصرف شده برگ برنده ی ایران برای اعمال فشار به عراق و حامیانش برای تأمین خواسته های خود مبنی بر تعیین متجاوز و پرداخت غرامت بود.

ص: ۲۴۰

۱- ۱۲۰۷. همان، ص ۵.

۲- ۱۲۰۸. مأخذ ۱۷۵، ص ۱۲۷ و ۱۲۸.

۳- ۱۲۰۹. مأخذ ۱۷۵، ص ۱۲۸ و ۱۲۹.

۴- ۱۲۱۰. جیمز بیل درباره ی بازتاب شکست های ایران می گوید: «اگرچه ضد حمله های عراق در سال ۱۹۸۸ م به پس گرفتن برخی از مناطق منجر شد که قبلا از دست داده بود، لیکن قابل تصور نبود که ایران در جنگ شکست بخورد. علی رغم حملات عظیم و بی سابقه موشکی و هوایی علیه اهداف نظامی و غیرنظامی و استفاده گسترده از سلاح های شیمیایی علیه ایران در بهار ۱۹۸۸ م (۱۳۶۷) این ایران بود، و نه عراق، که کلید پایان جنگ طولانی و تلخ را در دست داشت. (بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع، ج دوم ص ۴۱۵).

از دست دادن این مناطق و روحیه ی تهاجمی ارتش عراق نمودار وضعیت جدیدی بود که به تصمیم گیری نیاز داشت؛ زیرا به گفته ی دیپلمات ها و تحلیلگران، ایران دو راه بیشتر در پیش رو نداشت؛ یکی ادامه ی جنگی که دیگر نمی توانست برنده ی آن باشد و دیگر، حفظ انقلاب اسلامی در وضعیتی که تزلزل سیاسی روزافزون موجودیت آن را به خطر انداخته است. (۱) .

حرکت در میدان نظامی متکی بر پیروزی به پایان رسیده بود و ایران که پیش از این در مذاکره درباره ی قطعنامه ی ۵۹۸ موضع برتر نظامی داشت، بر اثر تحولات نظامی با محدودیت های جدید روبه رو شد که باید میان شکست و مخاطره ی موجودیت سیاسی یا آتش بس و مذاکره یکی را برمی گزید. آقای هاشمی درباره ی این شرایط و پذیرش این موضوع که باید به جنگ خاتمه داده می شد می گوید: «تحولات میدان جنگ، از جمله بمباران شیمیایی حلبچه به این منجر شد که نیروهای نظامی ما بفهمند در این مورد دیگر نمی توانند بجنگند. من به قرارگاه رفتم و آقای رضایی که فرمانده ی سپاه بود، لیستی تهیه کرده بود و گفت: اگر بخواهیم جنگ را ادامه بدهیم با توجه به ضعیف شدن تدارکات باید اقدام این لیست را به ما بدهید آن لیست اکنون موجود است، خیلی مفصل بود (گفته شد) سه سال هم وقت برای بازسازی نیروها نیاز است که بتوان علاوه بر عملیات نظامی، دست به عملیات تهاجمی زد.» (۲) .

تصمیم گیری در پاسخ به وضعیت جدید ضرورت یافت. حدود چهل نفر از مسئولان سیاسی و نظامی کشور، که طبق نظر امام انتخاب شده بودند، اجتماع کردند و در جلسه ی مهمی، که از هشت صبح تا پاسی از شب ادامه پیدا کرد، (۳) بحث بسیار مفصلی را درباره ی وضعیت نظامی و اقتصادی کشور انجام دادند و در نهایت، خدمت امام پیشنهاد دادند که قطعنامه ی ۵۹۸ پذیرفته شود. (۴) پس از این جلسه مسئولان خدمت امام رسیدند و گزارش

۱- ۱۲۱۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش های ویژه»، شماره ۱۲۱، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷، ص ۲۹، خبرگزاری رویتر، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

۲- ۱۲۱۲. روزنامه همشهری، ۱ / ۷ / ۱۳۸۲، ص ۲۱، گفت و گو با آقای هاشمی.

۳- ۱۲۱۳. سردار غلامعلی رشید از کسانی بود که در جلسه حضور داشت. وی معتقد است این جلسه پس از موافقت امام با پذیرش قطعنامه و با هدف توجیه مسئولان کشور و روش اعلام این موضوع و کنترل اوضاع تشکیل شد.

۴- ۱۲۱۴. ضبط برنامه تلویزیونی سجاده آتش، شبکه اول، پاییز ۱۳۷۸، مصاحبه با دکتر روحانی دبیر شورای عالی امنیت ملی.

جلسه را تقدیم کردند. آقای هاشمی در این زمینه می گوید: «در آن جلسه ما به این نتیجه رسیدیم که باید آتش بس را بپذیریم و به صورت دسته جمعی پیش امام رفتیم. خدمت امام که رسیدیم موضوع پذیرش آتش بس را مطرح کردیم. امام هم قبلا نامه ی آقای محسن رضایی و نامه ی دولت را دیده بود. (۱) ایشان هم آمادگی داشتند لذا پیشنهاد ما را تأیید کردند.» (۲) آقای هاشمی درباره ی گفت وگو با امام و در ضرورت برقراری آتش بس و استدلال آن می گوید: بحث و گفت وگو کردیم که اولا امریکا نمی گذارد ما بر عراق پیروز شویم؛ ثانیا اگر جنگ ادامه یابد پیشرفتی نخواهیم داشت و فقط کشته های دو طرف افزایش می یابد. دیگر نمی توانیم مثل گذشته به عملیات خود ادامه بدهیم. امام گفتند با این مستندات و آثار، چاره ای جز پذیرش آتش بس نداریم. (۳) نیمه شب تصمیم ایران برای پذیرش قطعنامه به سازمان ملل اعلام شد (۴) و دبیر کل سازمان ملل بر این موضوع صحه گذاشت که ایران قطعنامه ی ۵۹۸ را بدون قید و شرط (۵) پذیرفته است. (۶) .

پس از تصمیم به برقراری آتش بس با پذیرفتن قطعنامه ی ۵۹۸، درباره ی روش اعلام این تصمیم به مردم بحث شد؛ زیرا به نظر می رسید اهداف و شعارها در هشت سال جنگ انتظارات و توقعاتی را در جامعه به وجود آورده است که خاتمه ی جنگ با این شیوه موجب واکنش خواهد شد و پیش بینی می شد ممکن است موجب تفرقه شود. (۷) چنانکه در جلسه ی تصمیم گیری سران برخی از مسئولان پرسشی مطرح کردند بر این اساس که باید ببینیم بعد از فتح خرمشهر چه مسیری را در پیش گرفتیم که به این ذلت منجر شد؟ (۸) به دلیل پیامد این گونه واکنش ها آقا سید احمد اجازه نداد بحث شود. (۹) .

---

۱ – ۱۲۱۵. آقای هاشمی می گوید مشکل ما از اینجا شروع شد که دولت به امام نامه نوشت و رسما اعلام کرد که ما دیگر نمی توانیم هزینه ی جنگ را بدهیم. (حقیقت ها و مصلحت ها، ص ۹۷).

۲– ۱۲۱۶. مأخذ ۹۰، ص ۹۹.

۳– ۱۲۱۷. مأخذ ۲۱۵.

۴– ۱۲۱۸. مأخذ ۲۱۶.

۵– ۱۲۱۹. آقای هاشمی در کنفرانس بین المللی تجاوز و دفاع به توافقی اشاره کرد که البته بعدها با اعلام صدام به عنوان متجاوز اجرا شد. ایشان می گوید: قبول قطعنامه به خاطر این بود که به ما قول تعیین متجاوز را دادند و اعلام کردند در این خصوص جدی هستند. (روزنامه ی اطلاعات، ۲۰ / ۵ / ۱۳۶۷، پایان نامه محسن غلامی، ص ۱۶۳ – ۱۶۲).

۶– ۱۲۲۰. مأخذ ۲۱۴، ص ۲۷، نیویورک، خبرگزاری کویت، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۷.

۷– ۱۲۲۱. مأخذ ۹۰، ص ۱۰۳.

۸– ۱۲۲۲. امام در پیام خود درباره ی پرسش های موجود در مورد جنگ نوشتند: در این روزها ممکن است بسیاری از افراد به خاطر احساسات و عواطف خود صحبت از چراها و نبایدها کنند که هر چند این مسئله به خودی خود ارزشی بسیار زیبا است، اما اکنون وقت پرداختن به آن نیست. (۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷، صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۴۰).

۹– ۱۲۲۳. گفت وگوی اختصاصی نویسنده با سردار غلامعلی رشید، ۲۸ / ۷ / ۱۳۸۲.

آقای هاشمی درباره ی روش اعلام برقراری آتش بس می گوید: «من به امام پیشنهاد کردم این موضوع را به عنوان فرمانده جنگ مطرح کنیم. امام فرمودند که من می گویم. ما گفتیم که شما در جنگ مسئولیتی نداشتید فقط سیاست جنگ را می گفتید جنگ را ما مدیریت می کردیم.» (۱) امام این موضوع را نپذیرفتند و نظر به ملاحظاتی که وجود داشت با صدور پیامی، پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ را اعلام کردند. امام در پیام خود بر این موضوع تأکید کردند که «من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه ی دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می دیدم ولی به واسطه ی حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می کنم و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم.» (۲) امام همچنین اشاره کردند: «البته اگر همه ی علل و اسباب را در اختیار داشتیم در جنگ به اهداف بلندتر و بالاتری می نگریستیم و می رسیدیم.» (۳) و «من باز می گویم که قبول این مسئله برای من از زهر کشنده تر است ولی راضی به رضای خدایم و برای رضای او این جرعه را نوشیدم.» (۴) .

بدین ترتیب، جنگ ایران و عراق متعاقب تحولات سیاسی - نظامی پس از اعلام ایران در پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ سرانجام در تاریخ ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ به پایان رسید و آتش بس برقرار شد.

نتیجه گیری فصل چهارم

گسترش دامنه ی جنگ، با تشدید درگیری در منطقه خلیج فارس و تداوم عملیات ایران پس از فتح فاو و ناکامی عراق در آنچه به نام دفاع متحرک

ص: ۲۴۳

۱- ۱۲۲۴. مأخذ ۹۰، ص ۱۰۰ و ۱۰۱.

۲- ۱۲۲۵. صحیفه نور، جلد ۲۰، ص ۲۳۸، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷.

۳- ۱۲۲۶. همان، ص ۹۴.

۴- ۱۲۲۷. همان، ص ۲۴۱.

برای بازپس گیری فاو و سایر مناطق انجام داد، تدریجا اراده بین المللی را برای پایان دادن به جنگ تقویت کرد.

پیامد چنین تحولی در درجه نخست افزایش فشار بر ایران بود که در عرصه ی سیاسی - بین المللی با تصویب قطعنامه ۵۹۸ و در عرصه ی نظامی با حضور گسترده نیروهای نظامی امریکا در خلیج فارس و اسکورت نفتکش های کویت آشکار شد.

استراتژی ایران در برابر تحولات جدید دو گانه بود؛ بدین معنا که در برابر قطعنامه ۵۹۸، ایران از تغییرات جدید و تفاوت این قطعنامه با سایر قطعنامه ها، استقبال کرد و لذا آن را کاملا رد نکرد و برای اجرای قطعنامه از طریق همکاری با دبیر کل و جابه جایی در بندهای قطعنامه تلاش کرد.

ایران در برابر حضور امریکا در خلیج فارس، به دلیل نگرانی از اهداف و نیات امریکا و پیامدهای اسکورت نفتکش ها در حمایت از عراق، استراتژی مقابله را برگزید و همین امر درگیری محدود ایران و امریکا و تمرکز بخشی از توان ایران را برای مقابله با امریکا موجب شد.

ایران برای ادامه ی جنگ، به دلیل بن بست در منطقه ی جنوب، گسترش جنگ را در منطقه ی شمال غرب برای گشایش جبهه ی جدید و همکاری با معارضان کرد عراقی مورد توجه قرار داد. تحقق اهداف ایران در منطقه ی شمال غرب، به این کشور فرصت می داد تا مجددا جنگ را در منطقه ی جنوب در فرصت مناسب و با غافلگیری دنبال کند.

عراقی ها روند جنگ را به دلیل بن بست عملیاتی ایران در منطقه ی جنوب، صدور قطعنامه ی ۵۹۸ و حضور امریکا در خلیج فارس و تشدید درگیری میان ایران و امریکا، به سود خود ارزیابی می کردند. فرصت تمرکز توان سیاسی - نظامی ایران برای درگیری با امریکا در خلیج فارس و ناتوانی از اجرای عملیات در منطقه ی جنوب، موقعیت را برای تغییر استراتژی عراق از پدافند به آفند فراهم ساخت.

عراق تدریجا با انباشت تجهیزات رو به رو شده بود و لذا برای شکستن بن بست جنگ با کمک مستشاری روس ها استراتژی خود راتغییر داد. پس از

اجرای عملیات سالانه ایران فرصت و زمان لازم برای تحقق استراتژی جدید عراق فراهم شد، تا عراقی ها نسبت به منطقه ی مورد نظر ایران و تخلیه ی توان ایران اطمینان حاصل نمایند. آغاز حملات موشکی عراق به شهرها و به ویژه تهران از نظر روانی نگرانی گسترده ای در ایران ایجاد کرد.

پس از اجرای عملیات والفجر ۱۰ در منطقه ی حلبچه، عراقی ها با اطمینان از اجرای عملیات سالانه ی ایران، حمله ی به فاو را - که از مدت ها قبل طراحی شده بود - با کمک اطلاعات امریکا و همزمان با حمله ی امریکا به سکوهای نفتی ایران، آغاز کردند. سقوط فاو موازنه ی روحی - روانی را، که عراق مدت ها به دنبال آن بود، به نفع این کشور تغییر داد و همین امر منشأ ادامه ی حملات عراق به سایر مناطق و بازپس گیری آن بود.

بدین ترتیب، عراق پس از بازپس گیری مناطق خود و تهدید مجدد خاک ایران، موقعیتی را به وجود آورد که ایران جز پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ گزینه ی دیگری نداشت. ضمن اینکه حمله ی ناو امریکا به هواپیمای مسافربری ایرباس و تهدید عراق به استفاده از سلاح شیمیایی برای حمله به شهرهای ایران و تهران و سایر ملاحظات در اتخاذ این تصمیم نقش اساسی داشت.

پذیرش قطعنامه از جانب ایران و متقابلا حملات منافقین و ارتش عراق از منطقه ی غرب و جنوب، اوضاع بین المللی و داخلی ایران را به زیان عراق تغییر داد و همین امر، منشأ فشار بین المللی به عراق و بسیج نیرو به جبهه ها بود. برآیند تحولات اخیر و شکست منافقین و عراق سبب شد تا عراق نیز موافقت خود را با پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ و در نتیجه برقراری آتش بس اعلام کند.

نتیجه گیری

دربـاره ی نحوه ی پایان جنگ «تاکنون پرسـش ها، پاسـخ ها، تحلیل ها و موضع گیری های متفاوتی ارائه شـده است. با وجود این در کـانون این مبـاحث و مجادلاـت، از اصل خاتمه دادن به جنگ پرسـش نمی شود؛ بلکه روش آن را نقـد و بررسـی می کنند. تصور می شد جنگ با پیروزی نظامی ایران و سقوط صدام به پایان برسد، ولی نه تنها این مهم واقع نشد، بلکه ضعف ما در حفـظ منـاطق تصـرف شـده در مـاه هـای پایانی جنگ، سـرنوشت جنگ را تغییر داد و ایران با پـذیرش آتش بس جنگ را خاتمه داد.

امام خمینی برای مهار پیامـدهای پـذیرش قطعنامه و واکنش های احتمالی، توضـیح علت این تصـمیم گیری را به آینده واگذار کردنـد. تـا کنـون تلاـش برای تـبیین «چرایی و چگونگی پایـان جنـگ» طرح چنـد نظریه و تحلیـل را موجب شـده است. نقش دشمنان خارجی در حمایت از عراق و واگذاری کلیه ی کمک های اطلاعاتی، مالی و تسلیحاتی و در مقابل، تحریم تسلیحاتی و اقتصـادی ایران همراه بـا فشارهای بین المللی به این کشور نظریه ای را تبیین کرد و اطلاعات نسـبتا گسترده ای در چارچوب این تحلیل انتشار یافته است. تنش میان صدام با امریکا پس از اشغال کویت و انتشار برخی اطلاعات، در تعمیق این نظریه نقش بسزایی داشته است.

نظریه دیگری که اخیرا مطرح شـده است، بر عوامـل نظامی و اقتصادی تأکیـد می کنـد. عامل اقتصادی در گذشـته هم بیان می شـد ولی نـامه ی دولت به امـام دربـاره ی ناتوانی این پشتیبانی از جنگ موضوع جدیـدی است. اخیرا درباره ی عوامل نظامی، علاوه بر اشاره به نامه ی فرمانده ی وقت سپاه برای درخواست

امکانات بر این موضوع تأکید می شود که پیروزی های نظامی برای پشتیبانی از تلاش های سیاسی کافی نبود.

از طرف دیگر، در پاسخ به نظریه ی فوق، به استراتژی سیاسی جنگ و میزان پشتیبانی کشور از تلاش های نظامی، انتقاد می شود و آن را از عوامل مؤثر در طولانی شدن جنگ و نحوه ی پایان آن می دانند.

اپوزیسیون در انتقاد از علل ادامه ی جنگ پس از فتح خرمشهر، «مدیریت و تصمیم گیری» در جنگ را مورد توجه و نقد قرار داده است و بر این موضوع تأکید می کند که ایران باید قطعنامه ی ۵۹۸ را پس از تصویب می پذیرفت و این تأخیر اشتباه بود؛ زیرا با تغییر اوضاع نظامی، ایران در موقعیت نامطلوب، قطعنامه را پذیرفت.

مباحث و مجادلات و نقدها و بررسی هایی که درباره ی علل جنگ می شود جوهری سیاسی دارد. به همین دلیل، آنچه تاکنون مطرح شده است به لحاظ اطلاعات، تحلیل و نظریه پردازی برای تبیین گذشته و ارائه راه حل نظامی آینده کاستی های گسترده و عمیقی دارد. به نظر می رسد تا زمانی که انگیزه ی سیاسی بر نقد و بررسی و پاسخ ها غلبه دارد دستیابی به تبیینی جامع و کارامد از تحولات جنگ دور از دسترس خواهد بود.

درباره ی پایان جنگ، در مباحث روابط بین الملل خلأیی تئوریک وجود دارد ولی اخیرا بر چهار نظریه ی «پیروزی یا شکست»، «تغییر رهبری»، «سود و زیان» و «تغییر پارادایم، نظم دوم» تأکید می شود. ولی به نظر می رسد پایان یافتن جنگ ایران و عراق را بر اساس هیچ یک از این نظریه ها به صورت قطعی و سرنوشت ساز نمی توان تبیین کرد. بر اساس شواهد و قرائنی در چارچوب برخی نظریه ها به طور نسبی می توان تحولات جنگ را تبیین کرد.

روش تحقیق در این کتاب بررسی تحولات جنگ با تأکید بر استراتژی ایران و عراق در حدفاصل فتح خرمشهر تا پایان جنگ است. فرض بر این است که عوامل مختلفی در تعیین نهایی سرنوشت جنگ نقش و تأثیر داشته است ولی پیروزی عراق در ماه های پایانی جنگ تأثیر قطعی و نهایی در

تصمیم گیری ایران گذاشت و این موضوع را می توان در چارچوب استراتژی ایران و عراق بررسی کرد. با تأکید بر استراتژی ایران و عراق تا اندازه ای به منطق و روش تحولات جنگ توجه و به سایر متغیرها هم اشاره شده است.

استراتژی ایران پس از فتح خرمشهر تصرف یک منطقه با اهمیت بود که ادامه ی جنگ را برای عراق و حامیانش دشوار نماید و در نتیجه با تأمین خواسته های ایران جنگ به پایان برسد.

استراتژی عراق، دفاع مطلق بر روی زمین و تضعیف بنیه ی اقتصادی ایران بود که با حمله به خارک و نفتکش ها و جنگ شهرها برای تضعیف پشت جبهه ی ایران آن را دنبال می کرد. عراق تصور می کرد ناکامی نظامی ایران و تحلیل قوای این کشور همراه با مداخله ی قدرت های خارجی و فشار به ایران سرانجام به خاتمه یافتن جنگ می انجامد.

محور استراتژی ایران پیروزی در منطقه ایی حساس و استراتژی عراق جلوگیری از پیشروی قوای نظامی ایران و دفاع از مواضع خود بود. استراتژی سیاسی ایران متقاعد ساختن حامیان عراق و تعامل با آن ها و استراتژی عراق کسب حمایت بیشتر و فراهم سازی مداخله ی قدرت ها و افزایش فشار به ایران بود.

عنصر خارجی در استراتژی ایران با تعامل بیشتر، به توافق ضمنی برای حذف صدام منجر شد و عراق زمینه ی مداخله نظامی قدرت های بزرگ در خلیج فارس و درگیری ایران و امریکا و فشار سیاسی و بین المللی به ایران را فراهم کرد.

سال ۱۳۶۵ در شکل گیری روند نهانی جنگ تأثیری سرنوشت ساز داشت. پیروزی ایران در عملیات فاو، دفاع در برابر استراتژی دفاع متحرک عراق و اجرای سلسله عملیات کربلا، به ویژه طراحی و اجرای عملیات کربلای ۴ و کربلای ۵ به منزله اوج و تکامل پیروزی نظامی ایران بود. این پیروزی ها نشان داد خطوط دفاعی عراق آسیب پذیر است و عراق حتی با دست زدن به دفاع متحرک به تغییر موازنه نظامی قادر نیست.

با وجود پیروزی های نظامی در سال ۱۳۶۵ استراتژی ایران در نقطه ی اوج خود با بن بست روبه رو شد. در واقع، اگر قرار بود ایران با پیروزی نظامی به جنگ پایان دهد باید با این پیروزی ها، استراتژی ایران به نتیجه می رسید. حال آنکه نه تنها این امر واقع نشد بلکه با افشای ماجرای مک فارلین در آبان ۱۳۶۵ معادلات سیاسی - نظامی جنگ تحت تأثیر این واقعه تغییر کرد.

استراتژی عراق هم در سال ۱۳۶۵ به بن بست رسید؛ زیرا از دست دادن فاو و شرق بصره و شکست استراتژی دفاع متحرک نشان داد سرنوشت جنگ روی زمین تعیین می شود و عراق استراتژی مناسبی برای کسب پیروزی در زمین ندارد.

آثار و پیامدهای بن بست در استراتژی ایران و عراق در سال ۱۳۶۶ آشکار شد. فشار سیاسی - نظامی بین المللی بر ایران نیز متغیری جدید و تعیین کننده بود که وارد معادلات جنگ شد. درگیری ایران و امریکا در خلیج فارس و بن بست تاکتیکی ایران در منطقه ی جنوب، ایران را در وضعیت دشواری قرار داد. عراق از فرصت استفاده کرد و با افزایش توان نظامی و با کمک مستشاری روس ها استراتژی خود را از تدافعی به تهاجمی تغییر داد. عراق روند جدیدی را با حمله ی موشکی به تهران آغاز کرد و با بمباران حلبچه، با استراتژی جدید ایران در شمال غرب، که پیشروی در عمق خاک عراق با کمک اکراد معارض بود، مقابله کرد و سپس با بازپس گیری فاو تعادل نظامی - سیاسی و روانی را به سود خود تغییر داد.

بازپس گیری مناطق تصرف شده به وسیله عراق که در حکم شوک نظامی بود و نیز برخی تهدیدات و فشارهای خارجی و همچنین قول مساعد به ایران مبنی بر اینکه عراق متجاوز شناخته شده موجب شد ایران آتش بس و خاتمه ی جنگ را بپذیرد.

ص: ۲۴۹

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹